مناجات عبدالله بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین **انصاری علیه الرحمة**

ای زدوده بی دلان را بهی درمان امده ❊ یاد تو مر عاشقان را مونس جان امده ❊ صد هزاران همچو من
هست در هر کوشه ❊ مرتب ادراک کو شده دیدار جویان امده ❊ سینها بینم ز سوز هجر تو بریان شده ❊ دیدها
بینم ز درد عشق گریان امده ❊ عاشقانت نعم الفقر و فخری میزنند ❊ بر سر کوی ملامت پای کوبان امده ❊
صد هزاران عاشق بی سر کشته بینم بر امید ❊ در بیابان غمت الله کویان امده ❊ پیر انصار از شراب شوق خورده
جرعه ❊ همچو مجنون کرد عالم مست و حیران امده ❊ ای کریمی که بخشنده عطائی ❊ وای رحیمی که پوشنده
خطائی ❊ وای صمدی که از ادراک ما جدائی ❊ وای احدی که در ذات و صفات بی همتائی ❊ وای خالقی که راه
نمائی ❊ وای قدیمی که خدائی را سزائی ❊ که جان ما را صفائی خود ده ❊ و دل ما را ضیائی خود ده ❊ و ما را از
مرحمت آن ده که آن به ❊ یا رب دل ما را تو رحمت جان ده ❊ درد همه را بصابری درمان ده ❊ این بنده
چه داند که چه میباید خواست ❊ داننده توئی هر انچه خواهی آن ده ❊ الهی عذر ما بپذیر ❊ بر عیبهای ما مگیر ❊
الهی عمر خود بر باد دادم ❊ و بعیش بر تن خود بیداد کردم ❊ الهی اینچه خطر و اندیشه کم نیست ❊ دستم گیر که جز فضل تو پناهم نیست ❊
الهی ترسانم از بدی خود ❊ بیامرزم بخودی خود ❊ الهی بنیاد توحید ما خراب مکن ❊ و باغ امید ما را بی آب مکن ❊ الهی از دو جهان
محبت تو گزیدم ❊ و جامه جان رقم بلا بریدم ❊ دیده عافیت ندیدم ❊ الهی هر که را داغ محبت خود نهادی خرمن وجود او بباد
نیستی بر دادی ❊ الهی بی تو جای شادی نیست ❊ و جز از فضل تو بنده را آزادی نیست ❊ الهی هر که ترا شناخت هر چه غیر تو بود بینداخت
الهی چه دهی که دیگران را بازم ده که کار با تو جان ساختیم الهی دستم گیر که دست آویز ندارم و توفیق ده که پای گریز ندارم
الهی قناعتی ده که سعی حرص باز نشود و یقینی ده که دیده از بهر چه مطالبات نشود الهی کردی که چرا امده ام که روا شوم و ببین که
چه کرده ام که رسوا شوم الهی عقبی ده تا از دنیا بیزار شوم و توفیقی ده که در دین استوار شوم الهی نگاه دار تا پریشان نشوم
و بیراه ار تا سرگردان نشوم الهی تو بسازی که دیگران نتوانند و تو نوازی که دیگران نتوانند الهی دلی ده که طاعت افزون کند
و توفیق طاعتی ده که بهشت رهنمون کند الهی علمی ده که در وی آتش هوا نبود و عملی ده که در وی آب ریا نبود الهی دیده
ده که جز روی تو نبیند و دلی ده که جز عبودیت تو نگزیند الهی نفسی ده که حلقه بندگی تو در گوش کند و جانی ده
که زهر حکمت تو نوش کند الهی نکشته را بخون نباید و ان سوخته را بود و دود نباید و کشته تو بکشتن شاد و سوخته تو بسوختن
خوش شود الهی یافت تو آرزوی ماست و دریافت تو به از روی ماست الهی اینچه تو کشتی آب ده و اینچه عبدالله کشته خراب
ده الهی اگر چه کاشتی تلخ است از بوستان ماست و اگر چه عبدالله مجرم است از دوستان ماست الهی گفتی بکن و بگذاشتی و فرمودی
مکن و نگذاشتی الهی ما معصیت میکردیم و دوست تو محمد رسول الله اندوهگین میشود و دشمن تو ابلیس شاد ... اگر توبه
کنی اندوهگین تو اندوهگین میشود و دشمن تو شاد الهی دوست را شاد کن و دشمن را دو اندوه بر دل دوست منه الهی اگر بکیاد

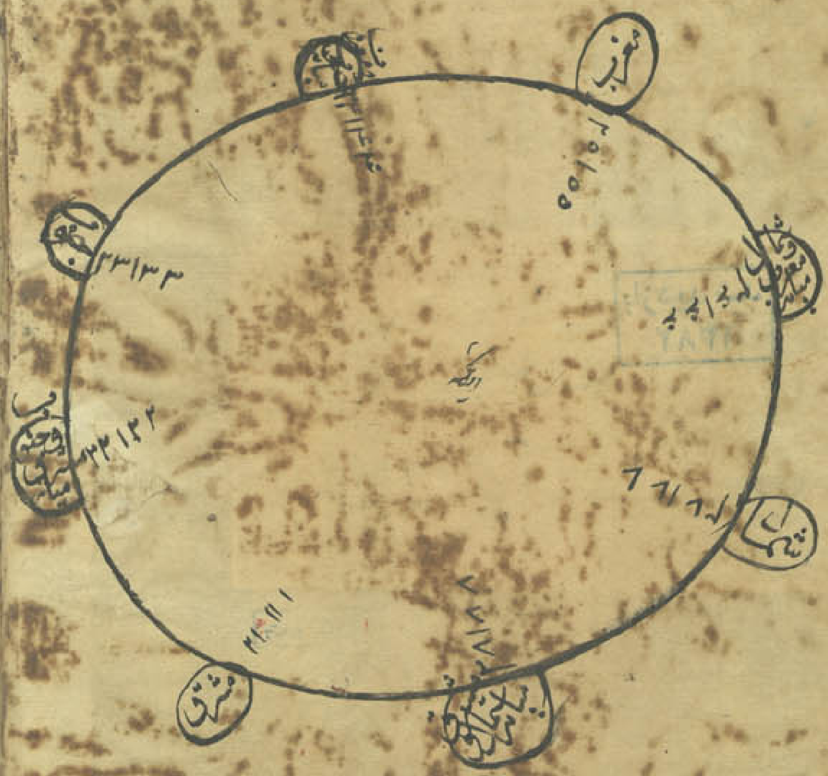

کی بی بنده من از عرش بگذرد خنده من بیت سر بر بخت دلم دم از رضای تو زند جان دهد بنفس برای تو زند گر بسر قالب
من کیاهی بدمید از سر کوی وفای تو زند الهی علمی که خود افراختی نگون ساز مکن وجوه در آخر عفو خود الهی کرده را
شرمسار مکن الهی امرت به نیم مطیعان چه کار است کرمی که هر رایحه جمع مقدار است بیت من بنده عاصیم رضای تو کجاست
تاریک دلم نور صفای تو کجاست ما را تو بهشت اگر بطاعت بخشی آن بیع بود لطف و عطای تو کجاست الهی اگر
بهشت چون چشم و چراغ است بی دیدار تو درد و داغ است بیت اگر چه مشک اذفر خوش نسیم است دم جان بخش جوی
بوی ندارد مقام خوب دخواهست فردوس ولیکن معنی کوی ندارد الهی جمال تراست باقی شنقند و نه هلاک
تو دو بهشتند الهی اگر بدوزخ فرستی دعوی دار نیستم و اگر به بهشت بری بی جمال تو خریدار نیستم الهی کاش
عبد الله خاک بودی تا نامش از دفتر وجود پاک بودی بیت دی رفت و نیامد زمن کاری امروز نه من کرم
نشد بازاری فردا بروم بیخبر از اسراری نا آمده بودمی به از بسیاری الهی ابو جهل از کعبه می آید و ابراهیم از بتخانه
اما کار بعنایت است باقی بهانه بیت آنجا که عنایت خدائی باشد فسق آخر کار پارسائی باشد و انجا که قهر کبریائی باشد
سجاده نشین کلیسائی باشد الهی تو اگر از بزم وصیم نانند عده و ایشان بیخن فتنها سازند الهی هر که را بر اندازی
با ما در اندازی الهی دیگران مست شراب اند و من مست ساقی مستی ایشان فانی و از من باقی بیت مست قوام از جرعه جام
از ادم مرغ قوام از دانه و دام از ادم مقصود من از کعبه و بتخانه تو بی ورنه من از این هر دو مقام آزادم الهی عجز خود
اکام و بیچاره گی خود را کرا خواست خواست نفس من چه خواهم الهی کشتی بچراغ افروخته را و سوختی دل سوخته را مده
این برده دوخته را و مران این بنده نوآموخته را الهی چون آتش فراق داشتی با آتش دوزخ چه کار داشتی الهی هر بای کرکشته
نبود بر بام عبد الله دهی الهی چون نتوانستم نه دانستم چون دانستم نتوانستم الهی بحرمت آن نام که تو این بحرمت آن صفا که تو داری
که فریاد ما رس که تو خواهی ز الهی نیاز جاشنی کرد دی تمام کن و این بی قیدی تا بیدی مدام کن بیت با هر که تو انجمن کرد الامنجو اهم
الا فر و نه تضرع بپادشاهی نجو اهم هر کس ندر تو حاجتی بخواهد من آمده ام از تو ترا بنجو اهم ای عزیز بدانکه دنیا جای غم و
و شهسوار آن تخت نشسته سر همت مطلق داده ابراهیم ادهم است خاتم بخت جنید داده رابعه جنید بغداد است
جرعه جانسوز تلخ است بیت داده شقیق بلخی است کزینه غفلت و بد تابوت ملعون نظر باز بد بسطامی است خود
پرستان دو قه همت را دلبراست که مرد و دا ابو سعید ابو الخیر است بگذاشته اکتفا است و بر داشته اشقیا است هر که طالب
او ذلیل و نیاده عذر او قلیل و لعله غیرتا اینا بر دلیلکه قل متاع الدنیا قلیل ای عزیز نظری کن بگو شاهان بر جنین
چندین سال از بهر آن بنا نهان در خفته و سه هزار کلمه سجی کردند و کوشیدند و دربای حرص و امل جوشیدند
دلهای سکتی بجو اهر بستند و بجد سیم و فنه انبد خفتند و دین بدنیا فروختند و نفقه آها بعد ندغا فت مردند
و حسرتها بردند انبار ها انباشتند و غم دنیا بردند همه گذاشتند و جمله را بمیراث بگذاشتند و شربت اجل چشیدند

ایعزیز

کذا بجا هلادین

ای عزیز از موت بیندیش و عمل صالح پیش آر و اکنون که بهیچ تو ور فردای تو در دوزخ ما و وای تو ای عزیز بدانکه درویشان دلها
راجع باشند و دنیا بد حال جملکی با شند که ای جوانان غافل وای پیران جاهل بجا حاصل دیوانه اید کردنی با بید که ما در خاک
خوش خفته ایم و چهره در نقاب نهفته ایم و هر یک ماه در نهفته ایم و نهفته از یاد شما رفته ایم ما نیز پیش از شما بر جهان
کامرانی بودیم و در جهان دو تا نی نشاط نمودیم و بستان دنیا مکیده ایم و بعاقبت شربت مرگ چشیده ایم و از ان که دید
و فا ندیدیم تا خبر دار شدیم جسم خود را دیدیم بر خاک عنا افتاده و لباس تن کافی بر باد فنا داده از اهل و عیال
دیدیم مرحمتی و از مال و منال دیدیم منفعتی حیف نعیم با این ندامت اگر دیدی بشودی قیامت اکنون ما را نه اشنای
و از جای و نه بالش و فراشی و نه نقدی و نه قماشی و نه سامانی و نه یابئی و نه امکان صوت و صدائی اکنون همه هستیم
مست کدائی حظ ما از دنیا حرمانست و حکمت ما نصیب که ما انست و قتی که ما را امکان بود و جوهر در کان کار نکردیم و هر
نجستیم تا در پریشانی افتادیم و بر جهان جان دادیم ای عزیز اگر خدا بیخبری در جهان کنون که ادیدها اشک حسرت
بیبا رد و فعزت خود بیاد را مشبکه تا نوانم از کرده خود شیمان شو تا فردا بدینه حال گرفتار نکند که از این جسم بار است
و از نام ما خبر است نخوان پوسیده و مغلمان ما خراب شد و مکان ما سراب و شبان بر اشر کباب خسان ما را خاک خور
و بنیاد ما انهم ریخته و بنیان ما انکار رفته و جهان در هم شکسته و قبای عصابر هم زده و مرغ تیغ ما ربیعه سبزه زار
خاک نا دمیده ما رخان گذشته و شما در خواب ان فی ذلک لعبرة لاولی الالباب ای عزیز این تنها بحر و سند کیا نست
کر دل از دنیا برداری و بغفلت نگذاری بپیش از رحلت دنیا زاد عقبی حاصل کنی تا شوانی بیت اگر در ظلمتی اینک آب حیات
حساب امروز کن فردا چه حاجت هم اکنون حکم بحکم من علیها است شنیدار توان تاج و دو اجت بر و فی بختن تا بوت ضخنی
بجائی که رسد تخت و فاجت که کوتاه از سر فراغت بیمار می بکو رانی بیداری احتیاجت تا شراب بیا بر چند کا هی کره سالی
کشته از عصیان مزاجت کیا و جهد و فسا دا فکن ز نوبه کر چون فردا شود بخیر رواجت ته بنج دق و فنوای بیران فصاد
مکر فضل خدا باشد علاجت ای اهل جاه و مال بیکاه و بیجه بیکاه و شب و روز کنان و دنیا پنا ما ابا دو دین شما با بی بیم
در جوانی و نیز بشیمانی در پیری عمر بکاستی و عقبه نخواستی مرگ در کمین و مقام تو زیر زمین و یا زکشت تو بحضرة رب العالمین
غم دنیا از ابر دل و از آخرت غافل بیت ز لا در کار دی بیکن نظرها کر در راه شیبی بیم خطرها کشا از خواب غفلت چشم تا من
بگوش هوش تو کویم خبرها که چند خلق کهشان فکندند بیت بر قبا جهره بیرها بس شاهان سر و بند در قلعه کان بشان
در جهان ما نده اثرها معاصی بهر جهرات و نبا بید بکام نفس تو هیچون شکرها که کاهیست با بد بنای فانی بیا بد بر دعا قله
بکن هاج در پیش است مرگ ای پیر انسان تماشا بیکن و صفها ای عزیز این دنیا سرای شرکت و لعب و از برای حرکت
دنیا جاهیست تاریک و راه بیست باریک و لی بی کسی که چراغی بیاموزد کشته و با بینظالم بر نیشتند بیت مکن کاه فقیران شیر و قله
تا نه فغان و نعل در حرش از عظم اندازه تیر آه بتیمان ز مکر نیش بیسی تسوز سینه بیری کز تا و اندازه حقه هیچ کن

انان تا آدم کاهلی کرد بکریه وصل هیچ کاه بکذاشند بروفق نیم شبی که بکوید الا الله هزار هیچی تو از نفاق و مان بر انداخته هزار دشمن
کشته است تیغ نهر الوند برای یک کشتن آنکس که کردن افراخته هزار جوشن فولاد اگر بپوشی تن زار کرم فقیران چو موم بکدازد
نشانه بهر مظلوم ساکن ای ظالم کرد سنگ شد اما بر سرت تا قد صد ریسمان سینه مجروح بحنو امخراش بدانکه روز جزا هست و با تو برابر دارد
اگر عمل نکند سابل بسند بد جزا دهنده نباد جهنم انداخته نجی جای نماز بنا العبد الشکر که حسی بند کند که مبتلا زد
ای عزیز جهد بی کن که مردی شوی بالله راه دین صاحب مردی شوی بهشت در پای ایشان و برکت منازلت ایشان مخاع
نوزده شوی و مدد بنا بر لقمه بر شود خواهی که دعا بین مانند مردی کردی ولا مردی در دین صاحب مردی کردی بی معنان
شبان بکر و مردان نیکو مردی کرد پیچ کردی مردی کردی ای عزیز بدانکه حضرت عزت جل و علا در ظاهر کعبه بنا کرده کز آب
و کل است و در باطن کعبه ساخته کز جان و دل است آن ساخته ابراهیم خلیل است و این بنا کرده رب جلیل است آن کعبه
منظور نظر مومنان است و این کعبه منظور نظر رحمن است بیت در راه خدا دو کعبه آمد منزل یک کعبه صورت است و یک کعبه دل
تا بتوانی زیارت دلها کن کافزون ز هزار کعبه باشد یک دل ای عزیز دنیا نه جای اقامت است بل جای آزمایش است یکی را
مطلب بهشت است و یکی را مطلب دوست من فدای آنکه مطلبش هم اوست طالب دنیا محجوب است و طالب عقبی مزدور است
و طالب مولا سرور است بدانکه چون از خود برمیدی بدوست رسیدی دیگر اشارت رابعه بی مثال که نیست و نیابد
الحاد نیست ای عزیز نیست باش و بی خویش شکسته باش و خاموش که سوی بهشت آن بهشت برند و شکسته را بدوزخ کردند
طریق کن و اگر نه اگر طلب کن و اگر نه او را با زاست و اگر بنایی حق بی بنا است کل باش و خار مباش یار باش و اغیار
مباش یار نیکو عادت است و خود فروشی کفر تمام است اما چون یار اهل است کار سهل است صحبت با اهل ثواب
جان است و صحبت نا اهل بیم جان است بیت صد سال اگر ... آفت اتش حرمان سهل بود با مردم
نا اهل مبادم صحبت که بوده بس صحبت نا اهل بود ای عزیز اگر ... دست عارف صحبت اهل بهشت الابد الها رب
معرفت او شکسته شوی و اگر ... بنا الله غیر الله طلب هر اینه اجابت برعکسته شوی بیت خواهی که سخن ز یار
اگر شنوی آنرا ... شکسته شوی کم کرد خویش تا از هستی خویش بیخود هم انی و انا الله شنوی ای درویش
بهشت جای اثر است ... دلها نکند که شکستگی و نیاز کند ای عزیز در عمارت دلها بکوش
نه عیب مردم بپوش و دیت بد بینا مفروش ای عزیز سرمایه عمر غنیمت شمار و نجات در رضای دوست جوی و خداشناسی
سرمایه بدان و همه وقت ... یاد کن نادان را نه ملامت و نفس خود را ... اهل اعتقاد مکن
خود شناسی خداشناسی دان ... طلب کن اندیشه دوست ... معزول
تا ای ... عیب خود بینا باش و عیب کسان مجوی بیت اندر همه حق تصرف آغاز مکن چشم بکر خودی
بعیب کس باز مکن ... خدا بیامد خود را ... ای عزیز ... باز مکن و ...

بهر

تجلی منمای تا نبینند مکوی تا نخوانند سر و آنچه نخرند مفروش و آنچه ننهاده بر مدار و ناکرده را کرده شمار و دل را
با نیچه دیو سازد دشمن هر چند حقیر باشد او را خوار مدار با نا آشنا اختیار سفر مباش اندوه خود با بر از نبیان
مردم دان غم بیهوده مخور دوستی خدا را در دل کم از آن بی شناس تا خود بیمه کس بد و نیکی همه کس بحق و بخاوت پیشه کن
فخر به فقر مکن و محبت کن با دانا خدا راضی باش نیک اخلاق و کم آزار باش تواضع پیشه کن و از خود لاف مزن بیت عجب
است عظیم بر کشیدن خود را و ز جمله خلق بر کزیدن خود را از مردمک دیده بباید آموخت دیدن همه کس را و ندیدن
خود را نیکویی کن تا بدل یابی مردم را بحق مرنجان مکن بنده حرص مباش و فریفته غفلت مشو مال دنیا را عاریت
دان نشنه هستی را غنیمت شمار بدانکه هزار دوست کم است و یک دشمن بسیار از مردم نو کیسه وام مکن حرمت خاندان
قدیم نگاه دار بر توانگری فخر مکن از غضب دور باش مردم را در عقب همان کوی که در روی توانی گفت بنا ز مند ان
سرزنش مکن و درویشان را نا امید باز مکردان حاجت برادر مومنان را کار بفرما و دان نیکویی خود را بمنت بزبان
میار خلق را بخود امیدوار کردان بغم کسان شادی منمای وفا از جوان مردان طلب ای عزیز پنج مردم اند که چیزی است
از وقت پیش نخواهند و از قسمت بیش نخواهند و از دیگر ابدا اثار خود پیش نخواهند چون ... تو انه و نیکی
دیگران جدا است این همه بحث بیهوده چه راست مختصر از کیسه برداشته بها ... بر درد عقبی نزای وای
بر کسی که شب تا روز مست ... و از خدا و از خود دور است این بی اصل از اهل قیوم است بیت عمرت بغم دنی
دون میکذرد هر لحظه ز دیده اشک خون میکذرد شب مست و سحر خفته و چاشت بچاشت اوقات شریف بین کز چون
میکذرد بکو که کی نیستی و بجوانی مستی و بر پیری سستی ای مسکین خدا را کی پرستی بیت قولی بسر زبانی خود
بر بستی صد خانه بر از ثنا بکی نشکستی گفتی که بیک قول شهادت رستم فردات کنند خام اکنون سستی خویش
عالمیت بنیستی که همانا بسیتی کس نکو بکیستی بترس از کسی که هر چه کند بنیسد از شنیدی که چه کنه کافران
کفت و علما بکشاد تا ندادن سر فرص تا یجوی ... ای درویش ... مرد باش
و با دل پر درد باش کار دین را خام مکن و دین را بهوا و هوس مقام مکن بیت کر پیره شهوت دهر خواهی رفت از آن
جهت که بینوا خواهی رفت بنگر که چه و از کجا آمده میبدان که چه میکنی و کجا خواهی رفت ای عزیز در اخلاق بنده که خسته
کردی دل را حق بند که رسته کردی ای درویش خویش را سخم چه از ماه تا بماهی چه اگر دل که بنده جاه معرفت الهی
بر واجب باشد که تخم عبادت باشد و برای حق باشد و در عبادت با دی کوش که حضرت حق جل و علا سفر یا بکم
از پیم تا کار سازم خوانند و میر اینند تا بیابانم دانند هر که راه وجود آوردم انجم بیچوی او درم ای درویش
در عبادت صبر کنکه بخت برآید و تخم عنایت الهی برآید و بخت انس برآید و صبح وصال برآید و در سعادت
بکشاید و آفتاب جمال روی نماید آمین رب العالمین تمت المناجات خواجه عبدالله انصاری فی سنه ۱۲۴۰

بسم الله الرحمن الرحیم

ای خردمند عاقل و دانا نکته‌ای چند بشنو از حکما [illegible]

[illegible]

[illegible] از حضرت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة ومن یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا ویتیما واسیرا [illegible]

[illegible]

٨ و در بسیار جاها از قرآن فرموده است که خدا اسراف کنندگان را دوست نمیدارد پس خدا مردم را از اسراف
و تقتیر هر دو نهی فرموده و میانه روی امر فرموده است پس باید که جمیع امور را بحد وسط بعمل آورند و بعد از آن دعا کنند که
خدا ایشانرا بیامرزد و ایشانرا روزی دهد و خدا دعای ایشانرا مستجاب نکند موافق احادیثی که از ائمه رسیده است
که چند صنف از امت من هستند که دعای ایشان مستجاب نمیشود شخصی که در خانه بنشیند و از برای خود نفرین کند
و شخصی که کسی مال بقرض بدهد و گواهی نگیرد و مال او را ببرد و نفرین کند و شخصی که زن نشوزه نفرین
کند و خدا طلاق او را بدست او گذاشته و شخصی که در خانه خود نشسته باشد و دعا کند که خدا روزی او را بدهد
بدو میگویند نباید که طلب روزی کنی پس خدا و ندعا ... مگر من ترا امر داده‌ام بطلب روزی
و حرکت کردن در زمین و اعضا و جوارح صحیح بتو داده‌ام تا بسبب آنها طلب روزی کنی من طلب ... میکردی
که از مصلحت بیدانیتیم در روزی تو و سعت بیدادیم و اگر صلاح نبیدانیتیم دیگر صلاح میدانستیم در روزی تو تنگ میکردم
و تو نزد من معذوری بیداری و شخصی که خدا او را مال بسیاری روزی کرده باشد و همه را صرف نماید و دعا کند که
که مرا روزی بده حق تعالی در جواب و فرماید که من روزی فراخ بتو دادم چرا بمیانه روی نکردی و اسراف کردی و حال
آنکه ترا از اسراف نهی کرده بودم و شخصی که نفرین بر خویشان خود کند پس خدا پیغمبر خود را تعلیم فرمود که چگونه
انفاق نماید باین سبب که روزی نزد آنحضرت ... فیه طلا که ... متقال باشد ... آن
شب همه را تصدق فرمودند و چون صبح شد هیچ چیز نزد آنحضرت حاضر نبود و سائلی آمد و سؤال کرد چون
حضرت چیزی نداشتند که باو بدهند ملال و ملالت ... از این حال ... و مغموم شدند
که چرا سائل را ناامید نمودند ... پس جبرئیل ... نازل شد این آیه را آورد و آن حضرت را تأدیب و تعلیم نمود
که وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا که ترجمه‌اش
اینست که دست خود را بر گردن خود مبند که هیچ صرف ننمائی و مگشائی دست خود را تمام گشودنی
که اسراف کنی و همه را صرف نمائی پس بنشینی ملامت کرده شده در مانده و محتاج چیزی که مردمان از تو سؤال
مینمایند و تو را عذری نمیدارند که تمام مال خود را دادی دیگر انفاق نمیتوانی کرد پس از احادیث معتبره
که شنیدی قرآن تصدیق آنها میکند و اهل قرآن که عالم بعلوم قرآنند تصدیق قرآن مینمایند و ابو بکر
شما را وا انقیاد داریه معروف بود که گفت که عبث مال و معیشت ... و حزم بسیار است و سلمان فارسی
و ابو ذر که فضل و زهد ایشان از ابو بکر ... سلمان بی ... و ظیفه خود را ... قوت سال خود را
ذخیره ... بود ... گفتند که تو با این زهد چنین میکنی گفت ... که نیامده است نفس
که ... اشتغال ... هست ... اهل ... که آدمی اگر قوت خود را
نداشته باشد نفس او ... و اضطراب میکند و چون قوت را ضبط میکند اطمینان بهم
میرساند و ابو ذر ... شتران و گوسفندان داشت و شیر آنها را میدوشید و ... میکرد
که مرد ...

٩ که ... کو ... مینواستید با اصحاب ... و آنرو ... یکی از ... و ... که ... که باو ... شریک
است ... از ... و گوسفند اسقید ... میکنند که آنجا ... کافی باشد و از برای خود ... حصه یکی از انها
بر میداشت و ... که از اهل ... است و حال آنکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... ایشان فرمودند که با این ... حنین
چنین کسی دیدند که همچنین ... و ... و ... که من از ... که از ... خود ... است
میکرد که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روزی فرمودند که ... اسقید ... تعجب میکنم که از حال مؤمن تعجب دارم
که اگر ... دنیا ... بدنش را ... اینها ... انبیا ... و خیرات ... ملک پادشاهی مشرق و مغرب عالم شود
که از برای او خیر است و همچنین خدا نسبت باو میکند ... از برای او خیر است پس حضرت ... بعد از ... حدیث ... کل
فرمودند که پس ... میدانید که ... اخبار کرده‌اند ... بآن میخوانند ... کتاب خدا و سنت ... پیغمبر
و احادیث ائمه که خدا ... میکنند ... احادیث ... میکنید ... و نظر ... قرآن مجید
کرده ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و امر و نهی قرآن ... حال حضرت سلیمان ... میکنند
که پادشاهی طلبید از برای کسی که بعد از او ... باشد و خدا بآن که ... بود ... میکند و عمل ... بحق
میکرد و خدا و هیچیک از مؤمنان او را بآن امر عیب نکردند ... داود ... بآن پادشاهی و سلطنت
داشت و یوسف پادشاهی مصر تا یمن داشت و عمل بحق میکرد و هیچ کس او را مذمت نکرد و ذی القرنین ...
بود که خدا او را دوست میداشت ... و اسباب ... او را معتبر کرده بود و پادشاهی مشرق
و مغرب او داد و حق ... و بحق عمل میکرد و هیچکس او را باین پادشاهی عیب نکرد ... عمل نمائید بآداب
الهی که برای مؤمنان مقرر فرموده است و اکتفا بامر و نهی خدا بکنید ... مشتبه است که علم آن ندارید
بکذارید ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه قرآن و حلال و حرام الهی را ... که ... مایل ... بعلم ... از دنیا
میکرداند ... دنیا ... میکردند ... اهل ... و کذارید که اهل ... اند و اهل علم کنند و
حذر نموده است که بالا از ... علی و آنان ... و در ... دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت
کرده است که ... بار ... کاری ... و حضرت صادق علیه السلام فرموده که خیری
دو کسی که ... لیسح نماید که ... سؤال ... و ... ادا نماید و رحم
و خویشان را اعانت کند و فرمود که ... دنیا ... از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که محمد ابن المنکدر ... و بعضی از اهل مدینه ... بسیار گرمی و ... طوب
و ... بودند ... مانند ... کرده بودند ... خاطر ... که سبحان الله من ... ایشان
... حالت ... مینماید ... که موعظه کنم ... آمدم و سلام کردم
جواب فرمود و عرق از ... گفتم ... آن ... در چنین وقتی با این حالی بطلب

طلب دنیا بهتر است از آنکه اجل تو در آن حال برسد که خواهی که حضرت فرمود که اگر اجل در آن حال برسد در حالی
رسیده خواهد بود که در طاعتی از طاعتهای الهی مشغول و کاری میکنم که خود و عیال خود را از تو و از
دیگران مستغنی میکنم من در وقتی باید بترسم که مرگ مرا در معصیت الهی دریابد ابن منکدر گفت راست فرمودی
من خواستم ترا موعظه کنم تو مرا موعظه کردی و در حدیث دیگر حضرت صادق علیه السلام فرمود که حضرت امیر المؤمنین
بیل کار میکرد و زمین میشکافت و آنها را احیا میکرد و در راه خدا وقف میکرد و زمین میکند و
درختان میکاشت همانا آن اراضی وقف است و امیر المؤمنین علیه السلام هزار بنده را از کسب یدی خود آزاد
فرمود و بسند معتبر از ابی بسام منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام رفتیم از احوال عمر بن مسلم سؤال
فرمود گفتم صالح است ولیکن ترک تجارت کرده است حضرت سه مرتبه فرمود که کار شیطان است مگر نمیدانند
حضرت رسول صلی الله علیه و آله تجارت فرمود قافله از شام آمد بود متاع ایشان را خرید و نفع بهم رسید
که قرض خود را ادا فرمود و در میان خویشان قسمت فرمود حق تعالی میفرماید که مردانی که غافل نمیکند ایشان را
تجارت و بیع از یاد خدا و از نماز و ادای زکوة و علمای اهل سنت گفته‌اند که قصه‌گویان میگویند
که اصحاب حضرت تجارت نمیکردند و دروغ میگویند تجارت میکردند اما نماز را ترک نمیکردند در وقت
فضیلت و این افضل است از کسی که بنماز حاضر شود و تجارت نکند و بسند معتبر منقولست که عمر بن
یزید بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که شخصی هست میگوید که در خانه خود می‌نشینم و نماز میکنم و روزه
میگیرم و عبادت پروردگار خود میکنم البته روزی من میرسد حضرت فرمود که این یکی از آن سه نفر است که
دعای ایشان مستجاب نمیشود و بسند معتبر از معلی بن خنیس منقولست که حضرت صادق علیه السلام از احوال شخصی
سؤال نمود گفتند پریشان است فرمود که در چه کار مشغول است گفتند در خانه مشغول عبادت است فرمود که
نفقه‌اش از کجاست گفتند که برادران مؤمن میدهند فرمود که آن کس که او را قوت میدهد عبادتش
بیشتر است از آنکه در خانه عبادت میکند و حضرت امام محمد باقر فرمود که هر که طلب دنیا میکند برای
آنکه محتاج بسؤال نباشد و بر اهل خود توسعه نماید و بهمسایگان احسان بکند در روز قیامت که مبعوث
شود رویش مانند ماه شب چهارده باشد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که عبادت هفتاد جزو است
و بهترین همه آنها طلب حلال است و منقولست که شخصی گریبان حضرت صادق علیه السلام گرفت و گفت که
[illegible] در طلب روزی [illegible] فرمود که چون [illegible] و متاع خود را [illegible]
[illegible] لازم است بجا آوری

در بیان تجمل و زینت و ملبوسات فاخر و اسباب و دیگر

نفیسه و امثال اینها است کلینی بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حق تعالی
جمیل است و جمال را دوست میدارد و دوست میدارد که اثر نعمت خود را بر بنده خود ظاهر ببیند و از حضرت

صادق علیه السلام

صادق علیه السلام منقولست که هرگاه حق تعالی نعمتی کرامت فرماید به بنده دوست میدارد که آن نعمت را بر خود ظاهر کند و در خود
بیاراید با آنکه میپوشد که دوست خدا است و بیان نعمت خدا کرده است و اگر بر خود ظاهر نکند
میگویند که دشمن خدا است و تکذیب نعمت خدا کرده است و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که حضرت علی
بن الحسین صلوات الله علیه در تابستان جامه خز میپوشید که [illegible] در هم قیمت آن بود و بسند معتبر
از یوسف بن ابراهیم روایت کرده است که بخدمت حضرت صادق رفتم و جبه خزی پوشیده بودم و کلاه
خزی بر سر داشتم پس گفتم فدای تو شوم جبه و کلاه خز [illegible] حضرت فرمود که مضایقه ندارد
گفتم اگر تار آن ابریشم باشد چون است فرمود که مضایقه ندارد و فرمود که چون حضرت امام حسین صلوات الله علیه
شهید شد جبه خزی پوشیده بود انگاه فرمود که عبد الله عباس را چون امیر المؤمنین علیه السلام
بنزد خوارج فرستادند که با ایشان بحث نماید بهترین جامه‌های خود را پوشید و بهترین بوهای
خوش خود را خوشبو کرد و بر بهترین اسبان سوار شد و رفت ایشان [illegible]
گفتند که ای ابن عباس تو بهترین مردمان بودی حالا جامه جباران پوشیده‌ای و بر اسب ایشان سوار شده
عبد الله این آیه را خواند که قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق یعنی بگو
ای محمد که کی حرام کرده است زینت خدا را که برای بندگان خود بیرون آورده است و حلال فرموده است
[illegible]
[illegible] بسند معتبر [illegible]
ثوری در مسجد الحرام میگذشت حضرت امام جعفر صادق را دید که جامه‌های نفیس [illegible] پوشیده
گفت که والله [illegible] پوشیدن این جامه‌ها [illegible]
[illegible] حضرت فرمود که [illegible] در زمان [illegible]
[illegible] اهل دنیا [illegible] قل من حرم زینة الله
[illegible] ای ثوری این جامه‌ها [illegible]
[illegible] سفیان [illegible]
که در بالا پوشیده بود [illegible] جامه [illegible]
[illegible] این جامه [illegible]
[illegible] سفیان [illegible] جامه [illegible]
[illegible] جامه [illegible]
[illegible] بسند معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام [illegible]
[illegible]

١٢ می‌پوشید در چنین مکانی با این ربطی که بعلی ابن ابی طالب داری گفتم این جامه را قرض هست یعنی جامه کتانی
که از مصر آورده‌اند و به سنگینی ... و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در زمانی بودند که چنین جامه‌ها در آن
زمان معتاد استند که در این زمان منسوب کرده‌اند اگر در این زمان مثل این جامه‌ها بپوشند میگویند مرائیست
مثل عباد و منقولست از عبدالله بن القداح که حضرت صادق علیه السلام تکیه بر من فرموده بودند و در این القداح
حال عباد بن کثیر رسید و حضرت جامه‌های مرو پوشیده بودند عباد گفت که تو از اهل
بیت نبوتی و پدران تو سلوکی داشتند این جامه‌های زینت چیست که پوشیده اگر این ترک نمائی بهتر
بهتر است حضرت فرمود که وای بر تو ای عباد که حرام کرده است زینتهائی را که خدا برای بندگان خلق کرده است
و روزیهای نیکو و پاکیزه را خداوند نعمتی به بنده کرامت فرماید دوست میدارد که اثر آن نعمت
ببیند و هیچ مضایقه ندارد این زینت وای بر تو ای عباد من پاره‌ئی از رسول خدا ام مکن
دو عبای کهنه و کهنه پوشیده بود و منقولست از حماد بن عثمان که در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم که شخصی
با آن حضرت عرض نمود که شما فرمودید که علی ابن ابی طالب علیه السلام جامه‌های درشت می‌پوشید و پیراهن
بچهار درهم میخرید و می‌بینم شما جامه‌های نیکو می‌پوشید حضرت فرمود که علی ابن ابی طالب علیه السلام در
زمانی بودند که این جامه‌ها بد نمی‌نمود اگر در چنین زمانی بپوشند بآن جامه مشهور میشوند پس بهترین
لباس هر زمانی لباس اهل آن زمانست اما چون حضرت صاحب الامر علیه السلام ظهور خواهد کرد جامه‌های درشت
امیرالمؤمنین علیه السلام خواهد پوشید و بسیرت آن حضرت عمل خواهند نمود و حمیری در کتاب قرب الاسناد بسند صحیح روایت
کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام از من پرسیدند که چه میگوئی در پوشیدن جامه‌های خشن و درشت گفتم که شنیده‌ام
که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام جامه نو را در بعضی اوقات می‌پوشیدند و جامه درشت را در بعضی اوقات
که حضرت علی ابن الحسین علیه السلام جبه خز به پانصد درهم میخریدند و می‌پوشیدند و ردای خز به پنجاه دینار میخریدند
در زمستان و در تابستان میفروختند و چون زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را تصدق میفرمودند بعد از آن
این آیه را خواندند که قل من حرم زینة الله التی اخرج لعباده الآیه و ابن بابویه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که
... است که خدا مؤمن را نعمت بخشد خواهی که جامه خوب و جامه‌ای که بپوشد و زن صالحه که او را اعانت
نماید و ضرح [illegible] اوقات پسندیده و بسند صحیح دیگر فرمود که خدا زینت و اظهار زینت را دوست
میدارد و از بدحالی و اظهار فقر کراهت دارد و دوست میدارد که اثر نعمت خود را بر بنده خود ببیند کسی
پرسید که چگونه نعمت را ظاهر کند فرمود که جامه خود را پاکیزه دارد و بوی خوش بر خود بزند و خانه خود را
نیکو کند و ساحت خانه را جاروب کند حتی آنکه چراغ را پیش از غروب آفتاب روشن کند فقر را برطرف میکند
و روزی را زیاد میکند و ابن بابویه و کلینی و غیر او بسندهای مختلف روایت کرده‌اند که در بصره ربیع بن زیاد شکایت
نمود بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حال برادرش عاصم بن زیاد را که عبا پوشیده و جامه‌های نرم و ملایم را ترک کرده

و ترک دنیا نموده و اهل و عیال خود را پریشان ساخته و عمرش را ضایع کرده حضرت او را طلبیدند و چون بیامد ١٣
ابرو ترش کردند و فرمودند که ای دشمن نفس خود شیطان خبیث تو را حیران کرده است آیا حیا از اهل خود نکردی
آیا رحم بر فرزندان خود نکردی تو چنین گمان میکنی که خدا چیزهای طیبه را بر تو حلال کرده است و کراهت
دارد که تو از آنها بهره‌بری و منتفع شوی تو بر خدا از آن پست‌تری که چنین تکلیفی نسبت بتو بکند مگر خدا
نفرموده است که والارض وضعها للانام فیها فاکهة والنخل ذات الاکمام که ترجمه‌اش اینست که زمین را
خلق فرموده و مقرر کرده از برای انتفاع مردمان و در زمین انواع میوه‌ها هست و درختان خرمائی است
که غلافها حاصل میشود آیا نفرموده است که مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان و فرموده است که یخرج
منهما اللؤلؤ والمرجان پس والله که میوه‌ها و خلق و خلایق متنعم شدن و در این باب بیاهادیه‌ها
که از دریا بیرون می‌آید معتنع شدن بهتر است از آنکه حضرت فرموده که خدا سوگند که نعمتهای خدا را بفعل اظهار کردن دوست‌تر
می‌دارد نزد خدا بعد از آن بزبان گفتن زیرا که حق تعالی امر فرموده است که و اما بنعمة ربک فحدث حدیث کن
نعمتهای پروردگارت را و بیان کن آنها را عاصم گفت یا امیرالمؤمنین پس چرا تو در خوردنها اکتفا کرده
بطعامهای ناگوار و در پوشش بر جامه‌های کهنه حضرت فرمودند که من مثل تو نیستم خدا واجب کرده است
بر امامان حق که خود را بضعیفان و فقیران مردم بسنجند و بروش ایشان سلوک نمایند تا بر فقیران فقرشان
غالب نشود و عاصم گفت که خود را بمثل حال خود راضی شوید پس عاصم عبا را انداخت و جامه‌های نرم پوشید و کلینی
بسند معتبر روایت کرده است که معلی ابن خنیس بحضرت صادق علیه السلام گفت که اگر خلافت بشما باشد ما با
شما باشیم در آن وقت تعیش خواهیم کرد حضرت فرمود که هیهات هیهات ای معلی اگر با ما باشد مگر بیاست و تدبیر
در شب و با عبادت در شب و سیاحت و حرکت در روز جهاد خواهد بود پس خدا در ظاهر پیشی غضب کرده این
دیگرانند و اینک که ما بسیم کرده این و مالی به هیچ آیا نعمت این نیست که این احادیث در این باب بسیارست و
احادیث بسیار نیز بر فضیلت فقر و زیادت اسباب تنعم نگاه داشتن غلامان وحیوانات ایشان واقع شده است واحادیث نیز
در مدح فقر و فقرا و جامه‌های کهنه پوشیدن و به زهد و بی‌اعتنائی در تعشق و زهد شده است و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله اکثر اوقات طبیب بود و جامه‌های درشت می‌پوشید و ذکر جمیع آنها که در این باب اخبار وارد
که نقل شده را به طول میانجامد و گفتگوهای که در میان ائمه علیهم السلام و صوفیان زمان ایشان شده است اشاره
راهی یافت و مبدئی که اصل اینها کار واردشدن و مقید بآنها بودن خوب نیست بلکه اگر خدا کو را توسعه داده
توسعه بر خود و مؤمنان خوبست و اگر فقیر باشد باید بفقر بسازد و زیاده خواهد و از کفاف بیشتر نمی‌خواهد
باشد و هر لباسی که معتبر شد بپوشد و اجتماعات باید نمود و هم از جانب خداوند خود خواهی ها که
خواهد تکبر را علاج کند و کاهلی را برای آن رفتهای زبون بپوشد خوب است امر صوفی که انحراف زبون
باعث زیادتی تکبر او شود مثل بعضی ها که اعتبار زیاد پوشی باشد علاج تکبر ترک آن پوشیدن است

14 در صدر اسلام که غربت و غضبیت باب بود و این چنین هارا اعتبار نمیکردند تواضع و فروتنی شمارا
بومنتی و کهنه بومتی بود حالا چه حضرت رسول در ارض و صحبت با منبی است فرمود است که ای ابوذر در آخر
الزمان جماعتی بهم خواهند رسید که در زمستان و تابستان پشم پوشند و باین سبب خود را افضل از دیگران
دانند ایشان را لعنت میکنند ملائکه آسمانها و ملائکه زمینها و عقل من حکم میکند که بنده میباید
فرمان بردار باشد اگر خز و بریشمان آن اقران بفرستد بپوشد و اگر شال فرستد بپوشد و در هر دو حال از آن
راضی باشد و میان خوب و بدی پشم پوشیدن در بعضی بیانات تفقه شریفه که در آخر حدیث میآید خواهد
شد ان شاء الله تعالی   در بیان فضیلت پاکیزه کردن بدن و بوی خوش کردن و بسند معتبر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که شستن سر دفع کثافت و چرک میکند و درد چشم را دور میکند و ایشان
و شستن جامه غم و حزن را بر طرف میکند و پاکیزه کیست که برای نماز فرمود که خود را پاک و پاکیزه کنید از بوهای
بدی که مردم با آن متاذی میشوند و در مقام اصلاح و پاکیزه کردن بدن خود باشید و با احوال بدن خود بپردازید
بدرستی که خدا دشمن میدارد از بندگان کثیفان را و کثیف بدبو را که در پهلوی هر کس که بنشیند از
او متاذی شود و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که از اخلاق انبیاست که هر روز بوی خوش بکنند و کم
قدر بتباشد یک روز نکند و یک روز بکند و اگر قدرت نباشد در هر جمعه بکنند و این البته ترک نکنند
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که خدا راضی نمیشود هست بر مرد با لحیی که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد
و بعضی از بوی خوش خود را خوشبو کند و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که بوی خوش از اخلاق پیغمبرانست
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که بوی خوش باعث قوت دل است و فرمود که نماز با بوی خوش بهتر است از
هفتاد نماز بی بوی خوش و فرمود که هر چه که در بوی خوش بدهد از طعام مال صرف میکردید و احادیث
در فضیلت طیب و انواع آن و فضیلت هر یک از خوشبوها بسیار است و در این رساله بهمین اکتفا
نمائیم   در مدح مطعومات لذیذه و مذمت ترک گوشت و حیوانی خوردن و بعضی از احادیث
در این باب سبق ذکر یافت و کلینی و غیر او بسندهای معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمه صلوات الله
علیهم روایت کرده اند که سید و بهترین طعامهای دنیا و آخرت گوشت است و بسند معتبر از عبد الاعلی
که بحضرت صادق علیه السلام عرض نمود که روایت با رسیده است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که حق تعالی دشمن میدارد خانه
پر گوشت را حضرت فرمود که دروغ میگویند حضرت مذمت گوشت نفرموده در مذمت خانه کرده که در آن گوشت
مردم را بغیبت خورند و بدرستی که گوشت را دوست میداشت و بسیار تناول میفرمود و در روزی که فوت شد
در اشتهای ایشان دل درهم بود که برای گوشت بدل باو داده بود و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که گوشت خوردن در بدن گوشت میرویاند و کسی که چهل روز گوشت را ترک کند بد خلق میشود و هر که
بدخلق شد اذان در گوشش بگویید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول صلی الله فرمود که ما گروه انبیا گوشت

دوست میداریم

15 دوست میداریم و بسیار میخوریم و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که حضرت رسول صلی الله فرمود که هر که چهل روز از او گوشت میسر نشود قرض کند و بخرد که خدا قرض
را ادا میکند و منقولست که بعضی از پیغمبران عجز را شکایت کرد و حق تعالی امر کرد که گوشت با شیر بخورد با امات حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در نامه که با اهل مصر نوشتند در هنگامی که محمد بن ابی بکر را بسوی ایشان میفرستادند
و بعد از ذکر و فضایل بسیار برای متقیان و پرهیزکاران و استدلال بر آیات بسیار بانکه حق سبحانه
فقیری در دنیا با ایشان نعمتها کرامت میفرماید و در آخرت ایشان را حسابی نمیکند بر آنها فرموده اند که
گرامی مؤمن کامل خدا بدانید که متقیان جمع کرده اند خیر دنیا و آخرت را شریکند با اهل دنیا در دنیای ایشان
و اهل دنیا با ایشان شریک نیستند در آخرت برای متقیان حلال کرده است ازاد ایشان کافی باشد و غنی
گردانید ایشان را از آن که ایشان حاجت فرموده است که بگو ای محمد که کیست که حرام کرده است زینتهای پاکیزه
را که ای زینت و روزیهای طیب طلب برای اینجا عذاب که ایمان آورده اند در زندگانی دنیا و گفتار در
به تخصیص بقیه شریک ایشانند و جمیع اینها خالص است برای مؤمنان در روز قیامت و مخصوص
ایشانست و در این نسبت نیز ایشان با ایشان شریک نیستند چنین نقل میکنم و بیان میکنم آیات
خود را برای گروهی که عالمند و بعضی معنی ذکر آیه حضرت فرمود که متقیان ساکن شدند در دنیا به
بهترین مسکنها و خوردند بهترین خوردنیها و شریک شدند با اهل دنیا در دنیای ایشان پس خوردند با ایشان نعمتهای پاکیزه
میخوردند و آشامیدند بهترین شربتهای پاکیزه که ایشان می‌آشامیدند و پوشیدند بهترین جامه‌ها که ایشان میپوشیدند
و ساکن شدند بهترین مسکنها که ایشان ساکن میشدند و تزویج کردند بهترین زنان و سوار شدند بهترین
مرکوبات اسبان و تمام لذتهای دنیا را با اهل دنیا بردند و در قیامت ایشان همسایگان رحمت الهی خواهند بود
و از خدا طلب بکنند با ایشان کرامت خواهد فرمود و هیچ مطلب ایشان را رد نخواهد فرمود پس ای مؤمنان خدا
بسوی چنین امری مشتاق باشید و آن طلب نمائید که آن به تقوی و پرهیزکاری از معاصی خداست
موجب این سعادت عامه است و بدانکه در مدح شیرینیها و انواع میوه‌ها و اصناف گوشتها و سایر ماکولات
و مشروبات و نعمتها احادیث بسیار وارد شده است اما خوردن بسیار مجد و حیف و اخبار بسیار در
مذمت بسیار خوردن که آدمی سنگین شود و از عبادت باز ماند و آنکه با سیری طعام خوردن وارد شده است
در بعضی در اینها بودن و بپوست طالب اینها بودن و عمر شریف خود را در همه تحصیل اینها نمودن بد است
اما مقید بترک اینها بودن هم خوب نیست زیرا که بدان التوسط نقل است در جمیع احوال و تحصیل هر
کمال بدنی که ضعیف شد معطل میشود بلکه در عبادات هم در بدن بسیار ذوق میآید اوراد که بسیار ضعیف
شود مثل آنکه شخصی در سفر اسبی داشته باشد اگر زیاده خرج او را بدهد بعضی منازل هم

توفیق برای قوت آن میکند و چیزهای مقوی بان میخورانند و او را بمنزل میرسانند و اگر در یکروز از آن سی فرسخ
با چهل فرسخ برانند در همان روز از کار میماند و بمنزل نمیرسد چنانچه بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه
السلام منقولست که این دین متین و محکم است برمیرکنید و قطع مسافت نمائید برفق و مدارا و هموار بر
و بسیار عبادت را بر مردم سنگین مکنید که عبادت خدا را مکروه طبع بندگان خدا کنید پس از آن باب کسی
باشد که مرکوب خود را آنقدر براند که بازماند نه مسافت را قطع کرده باشد و نه مرکوبی باقی گذاشته باشد
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که عبادت خدا را مکروه نفس خود مکنید و در حدیث دیگر فرمود که
کم عمر بودم دو روزی بر من گذشت در اوایل سن من در طواف بودم و بسیار جهد و سعی در عبادت میکشیدم [illegible]
از من [illegible] فرمود که ای فرزند بدرستی که حق تعالی هر گاه دوست میدارد بنده را داخل بهشت میکند و باندک عملی
از او راضی میشود و در این باب احادیث بسیار است و ایضا باید عقل را بحیث ضعیف نکنند بترک حیوانی
و مثل اینها زیرا که مدار تمیز امور بر عقل است و عقل که ضعیف شد زود فریب اهل باطل را میخورد چنانچه
در احادیث ترک گوشت اشعار باین بود و ظاهرا که شیطان این عبادت ترک گوشت و حیوانیه که مخالف [illegible]
نزد عسا برای همین یعنی از صیدی و صوفیه مقرری ساخته که چون چهل روز در صومعه نشنید و عقل قوی
گردید اوهام و خیالات و عقل انسان مستولی میشود و از راه و هم چیزها در خیال انسان بهم میرسد از ثابت
که بمرض برسام مبتلا باشد و باعتبار ضعف عقل گمان میکند که کمال [illegible] با انسان گفته است
چون پیوسته در آن سوراخ تاریک همین معنی در نظر شان است [illegible] باد قوت و همین و ضعف عقل دعی
حالی انسان میشود و می‌پندارد که آمد نیکه بر [illegible] میگویند که [illegible] مرتبه [illegible] بعض میکند و بدو
بتنه و برهان اینها هم از ضعف عقل است و بدانکه حدیثی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که هر که در چهل صباح عمل خود را برای خدا خالص کند خدا چشمهای حکمت را از دلش بر زبانش جاری گرداند
و در حدیث دیگر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که ایمان خود را از برای خدا چهل روز خالص کرد و ایمانی
چنین فرمود که هر که بنیکو خدا را یاد کند در چهل روز خدا او را زاهد گرداند در دنیا و او را بینا گرداند در عیوب
دنیا بینا گرداند و حکمت را در دل او جا دهد و زبان او را بحکمت گویا گرداند بعد از آن حضرت این آیه خواندند
که ترجمه اش اینست که آنانکه گوساله را خدای خود اخذ کرده اند زود عنقریب بایشان خواهد رسید غضبی از
جانب پروردگار ایشان و خواری در زندگانی دنیا و چنین جزا میدهیم جماعتی را که افترا بر خدا می‌بندند پس
فرمود که هر صاحب بدعتی را که می‌بینی البته ذلیل و خوار است و هر که افترا بر خدا و رسول می‌بندد البته
ذلیل و بیمقدار است و صاحبان بدعت از ذی [illegible] این دو حدیث را حجت خود کرده اند و در برابر اهل حق
و میدانند که هیچ دخلی بمطلب ایشان ندارد زیرا که چنانچه دیدی و لکن باید دانست اخلاص در عمل آنست که

از شوایب

هو المؤلف [illegible] العباد و الاهاء

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

اللهم [illegible]
[illegible] و صلی الله علی محمد و آله الطیبین
الطاهرین المعصومین [illegible]
الحمد لله [illegible]
[illegible]
و التسلیم [illegible]
باتصال [illegible]

[illegible]

۹

هو الله العزیز

...

اللهم صل علی محمد وآل محمد اجمعین

...

۱۱۸

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله رب العالمين حق حمده والصلوة على محمد وآله الطاهرين خير خليقته **اما بعد** چنين گويد احوج عباد الله الى فضل ربه
حسن بن عبد الرزاق جعلهما الله من التوابين والمتطهرين وجعلهما من عباده الصالحين كه اين مجموعيست مسمى بجمال الصالحين
در بيان فضايل وآداب واعمال ومحاسن اخلاق وافعال كه مؤمنان را در اكثر اوقات واحوال در عادات آن بايد بود ودر ذوق حيثيت آن غافل
نبايد بود تا بتوفيق الله تعالى وعونه منتفع شود باينجمع از مؤمنان كه زبان عربی نميدانند واستنباط آنها از كتب اخبار نتوانند
تا انشاء الله از فضايل آن محروم نمانند وجمع آنها از اصول احاديث واخبار وكتب آداب وآثار اهل بيت اطهار صلوات الله عليهم اجمعين
صلوة باقيات الى يوم الدين انتخاب ميشود وبجهة اكثر معونت بسياری قوايد ومؤنت نقل كلام ترك اعتبار شود در اكثر مواضع
تصريح بلفظ حديث وروايت ومثال آن نانموده اكتفا بترجمه آن ميشود ومطالب انشاء الله در مقدمه ودوازده باب وخاتمه
بيان ميشود وتفصيل آن برين نهج است **مقدمه** در ذكر احاديث وحكايات واخباری چند كه بر سبيل اجمال باعث رغبت بطاعت
وفضايل اعمال وموجب كراهت معاصی ورذايل افعال گردد **باب اول** در فضايل عقل وعلم ومكارم اخلاق وصفات وردايل
تناهی ومعاصی وعلاج ذنوب وگناه وانجموع انشاء الله در چهارده فصل بيان شود **فصل اول** در فضايل علم **فصل دوم** در فضايل عقل
در صفات مؤمن بر سبيل اجمال **فصل سوم** در مكارم اخلاق وصفات **فصل چهارم** در بر والدين **فصل پنجم** در صله رحم **فصل ششم** در
حلم **فصل هفتم** در الفت ومحبت وزيارت مؤمنان **فصل هشتم** در آداب ملاقات ومجالست **فصل نهم** در سكوت وكلام **فصل دهم** در كرم
وقضاء حاجت مؤمن **فصل يازدهم** در سرور مؤمنان وقضای حاجت ايشان **فصل دوازدهم** در رذايل ومعاصی بر سبيل اجمال **فصل سيزدهم** در
رذايل بعض معاصی ومناهی بر سبيل تفصيل **فصل چهاردهم** در دوای معاصی وگناه **باب دوم** در تنظيف بدن وحمام وازاله
اخباث ظاهری وتطهير جسد وعمل ازالت آن وازاله احداث باطنی وانجموع انشاء الله در ده فصل بيان شود **فصل اول** در فضيلت
نظافت **فصل دوم** در آداب حمام رفتن وتنوره وانجامايد بجای آوردن **فصل سوم** در فضايل شارب گرفتن وناخن چيدن وموی آن
فصل چهارم در فضايل خضاب وانچه متعلق است بآن از آداب **فصل پنجم** در فضايل موی شانه كردن وآداب آن **فصل ششم** در فضايل
سرمه كشيدن وآينه نگريستن وآداب آن **فصل هفتم** در بيان قضای حاجت وآداب آن **فصل هشتم** در فضايل مسواك كردن وآداب
فصل نهم در فضايل وضو وغسل وآداب آن **فصل دهم** در فضايل بوی خوش وآداب استعمال آن **باب سوم** در فضايل نماز ومتعلقات
آن وذكر بعضی ادعيه مخصوصه باوقات وفضايل قرآن وانجموع انشاء الله در يازده فصل بيان ميشود **فصل اول** در فضايل نمازهای
فريضه يوميه وذكر جماعت وفضايل اين سنت سنيه **فصل دوم** در ذكر نوافل يوميه وفضايل اين سنت سنيه **فصل سوم** در اوقات
نمازها وفضايل آن واحكام متعلقه بآن **فصل چهارم** در فضايل مسجد وآداب آن **فصل پنجم** در كيفيت توجه بنماز وفضايل آن
واحكام متعلقه بآن **فصل ششم** كيفيت اشتغال بنماز وآداب آن **فصل هفتم** در اشاره باسرار مقدمات واعمال نماز وذكر بقيه آداب
وافعال آن **فصل هشتم** در فضايل تعقيب وكيفيت آن **فصل نهم** در فضايل اذكار ساعات شبانه روز واوراد صبح وشام وذكر فضايل

21

روز جمعه وادعيه مخصوصه بآن ولياليها وايام **فصل دهم** در نوافل يوميه بر سبيل تفصيل وبيان ذكر آداب وادعيه متعلقه بآن **فصل يازدهم**
در ذكر بعضی اعمال كه در اثنای نماز توان كرد **فصل دوازدهم** در آداب جماعت **فصل سيزدهم** در احكام سهو وشك ودر رفع بعضی حوادث
در نماز **فصل چهاردهم** در ذكر بعضی ديگر از نمازهای فرض وسنت **فصل پانزدهم** در فضايل قرائت وآداب تلاوت آن **باب چهارم** در فضايل
ذكر ودعا واحكام متعلق بآنها وانجموع انشاء الله در ده فصل بيان شود **فصل اول** در فضايل ذكر **فصل دوم** در فضايل بعضی اذكار
مخصوصه **فصل سوم** در فضل ذكر اهل بيت صلوات الله بر ايشان وبعضی امور مناسب بآن صلوات الله عليهم اجمعين **فصل چهارم** در فضايل
دعا وبعضی امور متعلق بآن **فصل پنجم** در اسباب اجابت دعا وبعضی احكام متعلق بآن **فصل ششم** در ذكر جمعی كه دعای ايشان مستجاب
وجمعی كه دعای ايشان مستجاب نشود **فصل هفتم** در فضايل دعا برای مؤمنان **فصل هشتم** در ذكر بعضی ادعيه ووسايل حاجات **فصل نهم**
در تعويذ وحرز از مخاوف ومكاره **فصل دهم** در بعضی ادعيه متبركه ماثوره **باب پنجم** در آداب عادات ومجاری احوال ومعاش
وسوانح احوال دين وانجموع انشاء الله در دوازده فصل بيان شود **فصل اول** در انواع لباس وآداب پوشيدن آن **فصل دوم** در
طعام خوردن **فصل سوم** در اوقات طعام خوردن وآداب متعلقه بآن **فصل چهارم** در فضايل بعضی از انواع ماكولات **فصل پنجم** در فضايل
آب وآنچه متعلق بآن از آداب **فصل ششم** در فضايل ضيافت كردن واحكام متعلق بآن **فصل هفتم** در آداب مسكن واحكام متعلق
بآن **فصل هشتم** در ...نب وآداب خواب وبيداری **فصل نهم** در آداب بيرون رفتن از خانه وراه رفتن وسوار شدن وفضايل
...واب وحقوق ايشان **فصل دهم** در فضايل وآداب مكاتبه ومعاملات **فصل يازدهم** در فضايل مرض وعيادت مريض ومحافظت
آداب آن **فصل دوازدهم** در بيان ... عادات **باب ششم** در حقوق اموال ورعايت احوال عيال وانجموع انشاء الله در ده فصل بيان شود
فصل اول در جود وبخل **فصل دوم** در فضايل زكوة وعقوبت منع آن **فصل سوم** در صله اهل بيت طاهرين وذريه طيبين واتباع ايشان از
مؤمنين سلام الله عليهم اجمعين **فصل چهارم** در فضايل معروف واحسان **فصل پنجم** در فضايل صدقه **فصل ششم** در وقف ... ...
فصل هفتم در رعايت حال عيال **فصل هشتم** در احسان مؤمن بطعام وجامه **فصل نهم** در فضايل قرض دادن واحكام متعلق بآن
فصل دهم در باب وجوه خير وبر **باب هفتم** در فضايل روزه واحكام متعلق بآن از آداب وفضل اعتكاف ونوع تعلقات آن از
آداب وانجموع انشاء الله در ده فصل بيان ميشود **فصل اول** در فضايل روزه ماه مبارك رمضان **فصل دوم** در فضايل روزه ماه شعبان
فصل سوم در آداب صايم **فصل چهارم** در سحور **فصل پنجم** در افطار **فصل ششم** در تفطير صايم **فصل هفتم** در فضايل افطار كردن بجهت برادر
مؤمن **فصل هشتم** در اعتكاف **باب هشتم** در اعمال شهور واعوام ولياليها وايام ومقصود از اين باب در دوازده فصل انشاء الله بيان ميشود
فصل اول در اعمال ... وفضايل آن **فصل دوم** در اعمال هر ماه كه اختصاص بماهی ندارد **فصل سوم** در اعمال ماه محرم الحرام
فصل چهارم در اعمال ماه صفر **فصل پنجم** در اعمال ماه ربيع الاول **فصل ششم** در اعمال ماه رجب المرجب **فصل هفتم** در اعمال ماه شعبان المعظم
فصل هشتم در اعمال ماه مبارك رمضان **فصل نهم** شبانه روز عيد فطر **فصل دهم** در اعمال شهر ذی القعدة الحرام **فصل يازدهم** در اعمال
شهر ذی الحجة الحرام **فصل دوازدهم** در ذكر بعضی در فضايل شهور واعوام ولياليها وايام بر سبيل اجمال **باب نهم** در تزويج واحكام متعلق

باب ... و مقصود از این باب ان شاء الله در دوازده فصل بیان شود فصل اول در فضایل تزویج و کراهت عزوبت فصل دوم در فضایل
متعه و ... فصل سیم در اختیار زوجه و صفات زنان فصل چهارم در اوقات تزویج و آداب آن فصل پنجم در آداب زفاف فصل
ششم در ثواب مباشرت و آداب و اوقات آن فصل هفتم در طلب فرزند فصل هشتم در فضایل حمل و ولادت و احکام متعلق بآن فصل
نهم در آداب تولد طفل و نام گذاشتن و عقیقه و ختنه کردن فصل دهم در فضایل اولاد و تربیت ایشان فصل یازدهم در حقوق
زوجین بر یکدیگر فصل دوازدهم در بعضی نوادر مناسب این باب باب هشتم در آداب سفر و احکام متعلق بآن و این مجموع ان شاء الله در
ده فصل بیان شود فصل اول در بعضی مقدمات سفر فصل دوم در اختیار ساعات برای سفر فصل سیم در تحصیل رفیق و تشییع شان
و بعضی مناسبات این باب فصل چهارم در افتتاح سفر بدعا و صدقه فصل پنجم در وداع و مفارقت فصل ششم در آداب مرافقت
رفیق فصل هفتم در آداب متعلق بمنزل فصل هشتم در آداب سفر دریا فصل نهم در مکارم اخلاق و آداب رفاقت در سفر فصل دهم
در مراجعت از سفر باب نهم در فضایل حج و عمره و زیارت و مقصود از این باب ان شاء الله در ده فصل بیان شود فصل اول در فضایل
حج و عمره فصل دوم در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فصل سیم در زیارت سایر اهل بیت صلوات الله علیهم بر سبیل اجمال
فصل چهارم در فضایل زیارت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فصل پنجم در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فصل ششم در فضایل
حضرت امام رضا علیه السلام فصل هفتم در آداب و کیفیت زیارت اهل بیت طیبین صلوات الله علیهم فصل هشتم در نیابت و شرکت در
حج و عمره و زیارت فصل نهم در فضایل اماکن مقدسه که در آن حدود و اقامت ... فصل دهم در فضایل زیارت ذریه طیبین و صلحای
مؤمنین باب دهم در احکام متعلق باموات و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات و این مجموع ان شاء الله در ده فصل بیان
شود فصل اول در وصیت و تجهیز شهادة فصل دوم در آداب حالت احتضار و فضایل بعضی اوقات و احوال که وفات در آن اتفاق
افتد فصل سیم در تجهیز میت فصل چهارم در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تربیع آن فصل پنجم در نماز میت
فصل ششم در مکان قبر و آداب دفن فصل هفتم در ثواب و آداب مصیبت و عزا فصل هشتم در آداب تعزیه و اکرام یتیم فصل نهم
در هدیه برای میت و اعمال که بایشان نفع رساند فصل دهم در زیارت قبور خاتمه در مواعظ و نصایح و فواید متفرقه مقدمه
در ذکر احادیث و اخبار و نکات و اسراری چند که بر سبیل اجمال باعث رغبت بطاعات و فضایل اعمال و موجب کراهت
معاصی و رذایل افعال گردد بدانکه در احادیث اهل بیت طاهرین علیهم السلام ثابت و محقق گشته که خدای عز و جل ایمان را بر اعضای
انسان قسمت نموده و بر هر عضوی چیزی از آن لازم فرموده مثلا بر دل واجب گردانیده تصدیق کردن و اعتقاد نمودن
بانکه خدا یگانه است و منزه است از آنکه او را شریک و نظیر و شبیه و وزیر باشد یا احتیاج بمعاون در مملکت و سلطنت و خلق و تصرف
و تدبیر و تکلیف تواند بود یا زاده او و مقدس است از آنکه عیب و عار و قصور و انکسار بجناب جلال او که تواند نمود
و غنی است از آنکه احتیاج و افتقار بمعاونت اغیار چرا که عظمت و جبروت او بحدی رفیع است از آنکه امکان و زمان و حرکت و انتقال
و تغییر احوال از صفات حادث بکبریای او شود و ... از آنکه ظلم و جور و عجز و فتور بحول و قدرة او راه یابد و توهم عیب نماید و اعتقاد نمودن

بانکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتم النبیین و سید المرسلین و افضل اولین و آخرین است و هر چه گفته از حلال و حرام و مبدأ و معاد
همه را از جانب خدای گفته و همه حق و صدق است و بانکه اهل بیت طاهرین او علیهم السلام اوصیای او و خلفای خدای و اعلام رشاد
و ائمه هدی‌اند و بعد از او افضل جمیع عالم و اشرف کافه فرق بنی آدم اند و ایشانند وسیله فیض و رحمت و واسطه فضل و نعمت
خداوند بر دنیا و آخرت و هر کس انکار ایشان کرده و غصب حق ایشان نموده و هر کس اعانت آن کرده و راضی بآن بوده کافر و ملعون
و منافق و مطرود است و واجب است بغض و برائت از او و غیر آن بر دل واجب گردانیده راضی بودن و تسلیم نمودن بانچه خدای تعالی
و پیغمبر و خلفای او حکم کنند و کرده و خواسته اند و بر زبان واجب گردانیده اقرار کردن و اعتراف نمودن بر چه دل باو اعتقاد
کرده و همچنین بر چشم و گوش و دست و پا و هر یک از اعضای عبادتی و طاعتی واجب کرده و هر یک را خدمتی فرموده و بر هر یک از
اعضا امری چند حرام کرده و از آن نهی فرموده که مجملا تفصیل او ان شاء الله در تضاعیف این مجموعه بیان شود و نیز اخبار
بسیار از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده که صفات حسنه از علامات اسلام و ایمان و صفات ذمیمه را بعضی علامت نفاق و بعضی
علامت کفر و بعضی علامت ضلالت شمرده اند و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که ایمان سه قسم است تام و ناقص و زایل ایمان
تمام آنست که از جمیع محرمات و معاصی اجتناب نماید و جمیع فرایض و واجبات را بعمل آورد چنانچه که هیچ معصیتی صادر نشود
و هیچ فریضه ترک نگردد و ایمان ناقص آنکه معاصی بعضی و ترک بعضی واجبات ترک شود و بقدر آنکه واجبات ترک شود و معاصی
بعمل آید نقصان ایمان بیشتر بود و ایمان زایل آنکه در واجبات و مستحبات و مندوبات نیز صادر شود و زیاده
محرمات و مکروهات و مذمومات نیز صادر شود و هر قدر مستحبات بیشتر و مکروهات کمتر ایمان زیاده تر باشد و هم از ایشان
علیهم السلام مرویست که چون کسی مرتکب معصیتی شود یا ترک فریضه نماید در آن حال از ایمان بیرون رود و اسم مؤمن
بر او صادق نباشد لیکن از اسلام بیرون نرود و اگر حلال بیند از اسلام نیز بیرون رود و کافر باشد و هم از ایشان
مرویست و در اخبار بسیار آمده که اگر کسی ترک فریضه نماید که در آن لذتی و شهوتی نبود مانند ترک نماز کافر شود زیرا که سبب
ترک نماز هر چه بغیر استخفاف و بی اعتنایی بآن فریضه چیزی دیگر نباشد و هر کس استخفاف بفریضه نماید کافر باشد و از حضرت
امام محمد بن علی الباقر علیه السلام مرویست که فرمود ای جابر آیا بس است کسی را که دعوی تشیع نماید و تشیع بخود ببندد همین که
بگوید من دوستدار اهل بیتم والله که شیعه ما نیست مگر کسی که از معصیت خدای پرهیز کند و اطاعت خدای نماید و شیعیان ما را
نتوان شناخت مگر بتواضع و خشوع و امانت و ذکر خدای بسیار و یاد داشتن خدای در همه احوال و جوارح اعمال و نماز گزاردن
و روزه گرفتن و اطاعت والدین نمایند و رعایت ایشان نمایند و تعهد احوال همسایگان و فقرا و مساکین و قرض داران
و ایتام نمایند و اعانت ایشان کنند و دین ایشان ادا نمایند و حاجت ایشان برآرند و راست گویند و تلاوت قرآن نمایند و زبان
از مردمان بازدارند مگر بخیر و امین قبیله خود باشند پس جابر گفت یا ابن رسول الله باین صفات کسی را من در این وقت
نمی‌شناسم پس آن حضرت فرمود یا جابر خیالهای بی فایده مکن و راههای بی منفعت مرو آیا بس است همین که کسی گوید علی را دوست

میدارم و قولاً با او نیستم و حال آنکه اطاعت او نکند و فرمان او نبرد پس آنکه بگوید رسول الله را دوست میدارم و حال آنکه رسول الله بهتر
از علی بن حسین بود و پیروی او نکند و طریقه او نیز جاری نسازد و عمل بسنت او ننماید محبت او [illegible] هیچ سود ندهد پس از خدا بترسید و
اطاعت خدای نمایید تا بکرامت و فضل و ثواب او فایز شوید بدرستی که خدا را هیچ یک از بندگان خویشی و قرابتی نیست که رعایت
بآن کند و توسل باو جوید دوست ترین بندگان نزد خدای آنانند که پرهیزکارتر باشند و عمل بطاعت او بیشتر نمایند ای جابر والله
[illegible] بخدا حاصل نشود مگر بطاعت او و برائت کسی از آتش با ما نیست و کسیکه خدا را مطیع [illegible] و هرکه مطیع خدا است دوست ما
و هرکه عاصی خدا باشد دشمن ما است و هیچکس بدوستی ما دست نمی یابد مگر بطاعت خدای و فرمان بری ما و ورع از معصیت
خدای و نافرمانی او و از امام همام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام روایت کرده است که فرمود اصلح [illegible] و [illegible] ما است هرکه
و از آنجمله است ترحم بخدای عز و جل و [illegible] و [illegible] در وقت خشم و عفو نمودن از کسی که بدی نسبت باو کرده باشد و رحم
بفقرا و متعهد احوال همسایگان [illegible] و اقرار نمودن بحق صاحب فضلی و حقی بفضل او و دشمنان ما [illegible] از ایشان
هر قبیحی و از آنجمله است [illegible] و سخن چینی و ارتکاب فواحش و معاصی ظاهر و پنهان و [illegible] مانند آنها
از قبایح و مناهی پس کسی که دعوی محبت و ولای ما کند و [illegible] اعمال ما باشد [illegible] کاذب باشد [illegible]
و اخبار مانند این روایات بسیار است [illegible] و ظاهر [illegible] است که هرکس [illegible]
در طاعت و تقوی و طهارت بیشتر باشد نسبتش باهل بیت طهارت و عصمت بیشتر و [illegible] بایشان نزدیکتر و هرکس [illegible]
معصیت و فجور [illegible] و شرور بیشتر [illegible] از ایشان بیگانه تر [illegible] دشمنان ایشان [illegible]
نزدیکتر [illegible] روز قیامت [illegible] و خبث و طیب [illegible] ببخشد بفضله
کرم [illegible] و شفقت نامتناهی مانند ما و امثال ما [illegible] اصلاح خود [illegible] کردد و لا عصمة الا
بالله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعن الله اعدائهم اجمعین و جعلنا [illegible] بینهم بفضله و منه

باب اول در فضایل عقل و علم و مکارم اخلاق و صفات و [illegible] مناهی و معاصی و [illegible] ذنوب [illegible] و المجموع [illegible]
در چهارده فصل بیان شود فصل اول در فضایل عقل و علم از احادیث حکمت و نبوة صلوات الله علیهم روایت است که افضل عطایای
مواهب الهی عقل است که عقل [illegible] ثواب و عقاب و فضایل [illegible]
درجات عالیه و منازل سامیه و مراتب کرامات نامتناهی و قرب و لقای جناب الهی است محقق گشته جبرئیل
رسالت عقل و دین و حیا [illegible] حضرت آدم [illegible] عقل اختیار کرده [illegible] جبرئیل [illegible] دین و حیا
شما برگردید گفتند خدا ما را رخصت [illegible] عقل [illegible] لازم باشیم هرکس [illegible] عقل [illegible]
چه [illegible] مثل [illegible] چندکس [illegible] فضل و ثواب [illegible] متفاوت [illegible] با عابدی
در جزیره عبادة میکرد [illegible] نظر [illegible] افتاده از کثرت عبادة او تعجب نمود از جناب الهی خواست که منزلت و ثواب او را بر [illegible]

ولعم و
علی
ودوای

چون با و نمودند در ابر آن عابد [illegible] نداشت خطاب رسید که نزول نموده عقلش امتحان نما [illegible] صحبت آغاز کرد گفت
خوش جایی و خوش مکانی داری عابد گفت بلی اما کاش خدای ما را الاغی بودی تا درینجا [illegible] و علف این جا
ضایع نگشتی چون ملک این کلمه را [illegible] رجوع نمود خدا [illegible] با عقل او [illegible] نموده [illegible]
عقلش ثواب [illegible] عبادة ستایش نمود [illegible] حضرت امام [illegible] عقلش [illegible] گفتند آنقدر [illegible]
آنقدر [illegible] و امثال این احادیث و اخبار بسیار است و از حضرت امام پرسیدند که عقل کدام است فرمود آنکه [illegible]
و در کار عقبی [illegible] باشد و آن [illegible] حاصل [illegible] شیطنت
[illegible] روایت کرده طلب علم فریضه است بر هر مسلم و عالمی که مردم از علمش منتفع شوند بهتر است از هفتاد هزار عابد و فضل
عالم بر عابد مثل فضل ماه شب چهارده است بر سایر کواکب و روز قیامت [illegible] علما [illegible] شهدا [illegible] مداد علما [illegible]
و از حضرت امام همام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام روایت کرده فرمود علمای شیعه ما [illegible] فی سبیل [illegible]
[illegible] شیعه ما [illegible] ایشان مسلط [illegible] شیعه ما [illegible] کار [illegible]
[illegible] تعلیم علوم [illegible] و [illegible] معروف و نهی از منکر [illegible] افضل است [illegible]
[illegible] جهاد [illegible] دوستان [illegible] ایشان [illegible] تعلیم [illegible]
[illegible] در تمام عالم منتشر [illegible] روز قیامت [illegible] ثواب [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] تعلیم [illegible] و علم [illegible] در وحشت و مصاحب در غربت [illegible]
صحبت [illegible] و سلاح [illegible] و قوة [illegible] علم [illegible]
و [illegible] صدقات [illegible] و [illegible] تسبیح [illegible] جهاد اکبر [illegible] ایشان [illegible]
و [illegible] استغفار [illegible] ماهیان دریا [illegible] و عبادت [illegible] علم افضل است [illegible]
سال عبادة [illegible] عالم [illegible] افضل است [illegible] عابد [illegible] افضل است [illegible] سال عبادة کردن
و نظر [illegible] عالم [illegible] افضل است [illegible] اعتکاف در مسجد الحرام [illegible]
در [illegible] خدای [illegible] فرستد و [illegible] علم [illegible]
[illegible] استغفار [illegible] علم [illegible]
[illegible] فرشتگان [illegible] عبادة [illegible]
که [illegible] عمل [illegible] و علم [illegible] طاعت [illegible] علم
[illegible] عمل [illegible] علم [illegible] روز قیامت [illegible] علم و عمل [illegible]

وجنود شی

محرّم مانده باشد و منقاد گناه از جاهل آمرزیده شود پیش از آنکه یک گناه از عالم آمرزیده شود حضرت امام جعفر علیه السلام تفسیر آیه فلله الحجة
البالغة پرسیدند فرمود روز قیامت خدا تعالی از بندگان سؤال کند که خبر دهید آیا دانسته بودید اگر گوید بلی دانستیم گوید چرا عمل نکردی
و اگر گوید نمیدانستیم گوید چرا تحصیل علم نکردی تا عمل کنی پس ایشان را ملزم گرداند و از آنچه خضوع و خشوع و خشیت و تهجد در ثنا
و رغبت به آخرت و حلم و وقار و کلام به حق و سکوت از باطل و تخلی به مکارم و تحلّی [illegible] و بسیار که عالم آن کند که فعلش تصدیق قولش
کند و یکی که چنین نباشد عالم نباشد و از آن جمله است سلامت نفس و تواضع و چند علم بیشتر آید و علما [illegible] و حضرت عیسی علیه السلام
روزی با حواریین گفت مرا با شما حاجتیست گفتند یا روح الله حاجت مقرون است پس برخاست پاهای ایشان را شست و بوسید
بوسید گفتند یا روح الله ما سزاوارتر بودیم که این کار را بکنیم فرمود سزاوارترین مردم بخدمت [illegible] عالم است [illegible] تواضع [illegible] کردم
تا بیابید که با مردم [illegible] بعد از من [illegible] بر عالم آنکه [illegible] بدانند که [illegible]
[illegible] کند و هرکس [illegible] عمل کند در [illegible] آنچه داند [illegible] و اگر [illegible] عالم کرده باشد
و چون یکی [illegible] چنانست که [illegible] کرده باشد [illegible] چنانست که [illegible]
بعلم افضل [illegible] علم [illegible] واجب [illegible] مؤمن است [illegible]
که هرکه [illegible] نکند [illegible] حرمات [illegible] عظیم و ضلالت ضعف باشد و هرکس [illegible]
تا [illegible] باشد و [illegible] ضلالت عظیم [illegible] حضرت امام [illegible] سؤال کنیم [illegible]
گفت [illegible] سؤال کنیم جواب [illegible] چه مصلحت [illegible] عالم مثل طبیب حاذق است [illegible]
آنرا استعمال کند [illegible] عالم [illegible] آنست که [illegible] سلام کند و عالم [illegible]
تحیت و اکرام اختصاص دهد [illegible] عالم [illegible] و [illegible] نکند و سؤال [illegible]
تا به خلاف قول او نگوید که فلان [illegible] چنین گفته [illegible] بخلاف [illegible] احتراز کند و حق متعلم بر عالم [illegible]
و هرچه مناسب [illegible] تعلیم [illegible] بر [illegible] مقتضای [illegible]
باشد رعایت کند **فصل دوم** در صفات مؤمن [illegible] اهل بیت طاهرین علیهم السلام [illegible] کسب [illegible] کرده [illegible] خدا [illegible]
آن [illegible] صلاحیت [illegible] طاعت خدا [illegible] باشد که [illegible] سکافت [illegible]
[illegible] مجالس [illegible] قبایح [illegible] حسد [illegible]
نعیب [illegible] غیبت [illegible] زبان [illegible] خویش [illegible]
در نعمت [illegible] مصیبت [illegible] غفلت [illegible] مصیبت [illegible] جزع [illegible]
خلقش موافق و طبعش ملایم [illegible] کذب [illegible]
[illegible] ضحکش [illegible] تبسم [illegible] العلم [illegible] بحلم [illegible]

حتی

حکمش از میل و حیف مبرّا و علمش از جهل و جور معطّل نفسش در دین سخت تر از سنگ و معامله اش شیرین تر از شهد در نعمت حریص
و نه در فقر جزع نه مدعی لاف و نه دعوی گزاف نه عیبش [illegible] قصیر و نه شرش [illegible] با مردم و صول و [illegible] متحمل
مکاره از ایشان رحمتش کثیر و قولش قلیل راضی بقضای خدا مخالف نفس و هوا از غلظت و درشتی منتهی و از خوض
مقدس ناصر دین و حامی مؤمنین و پناه مسلمین نه مدح و ثنا او در نظر شعار [illegible] و نه از طمع دنیا دلش را افکار [illegible]
و نه جاهل را از علمش خبری [illegible] و فعلش مصدق قول و علمش و افر [illegible] آگاه [illegible] مؤمنان و صول و [illegible]
نه در وصلش عنف و خلاف [illegible] بخل و اسراف [illegible] عیب [illegible] و نه [illegible]
عیوب مؤمنان و نه راضی به فضیحت ایشان معین ضعفا و دستگیر درماندگان [illegible] حوایج [illegible]
عیب فعالش و نه کشف سرّ [illegible] زبان [illegible] حفظ غیب [illegible] عیب [illegible]
عذر خواهان [illegible] عفو و بخشش [illegible] مؤمنان [illegible] ایشان [illegible] با مردم [illegible]
ذکر ایشان [illegible] صفات [illegible] دانش [illegible]
[illegible] عالم و معلم جاهل [illegible] تعب و مشقت [illegible]
[illegible] اهل صدق [illegible] عقل [illegible]
مؤمنین [illegible] خدا [illegible] غم [illegible]
و مشغول بعیب خود [illegible] اختلاط [illegible] حزم [illegible] قانع [illegible]
[illegible] حسد [illegible] تواضع [illegible]
حق خاشع و خاضع [illegible] عبرت [illegible] فکر [illegible] حکمت [illegible]
[illegible] دنیا [illegible] فرح [illegible]
[illegible] علمش ممزوج بحلم و عقلش مقرون بصبر [illegible] قریب الامل دایم النشاط قلیل الزلل
همیشه منتظر اجل دلش دایم در ذکر خدا خاشع و نفسش [illegible] کار [illegible] محزون و [illegible]
[illegible] بطاعت خلق [illegible] مجالس خود عجب و فخر [illegible]
حکم [illegible] تا [illegible] مردم [illegible] راحت [illegible]
[illegible] رحمت [illegible] آینده [illegible]
مردم [illegible] راحت [illegible] خلقش و حلیم [illegible] عسکر [illegible] فضل [illegible]
و [illegible] شرم و حیا [illegible] شکر [illegible]
و اگر [illegible] استغفار کند و [illegible] استغفار کند

حالش غالب بر شهوت و [illegible] بحسد و عفوش بیشتر از حقد

٢٨ چنانست شاکر باشد فصل سیم در مکارم اخلاق و صفات مرضیه است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که راس همه طاعت صبر و رضا در قضای الهی و تسلیم
او خواستن آنچه خواهش نفس باشد و خیال نمی چنانکه سر از بدن برخیزد بدن بمیرد همچنین چون صبر از ایمان برخیزد ایمان زایل شود و صبر سه قسمت
یکی صبر در بلیت و محنت دوم در مشقت طاعت سیم در ترک معصیت هر کس در بلا صبر کند خدای تعالی برای او سیصد درجه بنویسد که
هر درجه چندان باشد که ما بین آسمان و زمین است با هر کس در طاعت صبر کند ششصد درجه بنویسد که ما بین هر دو درجه از اطراف زمین باشد
تا ابتدای عرش و هر کس در بلیات و مصیبت و ترک معصیت صبر کند نهصد درجه بنویسد که ما بین هر دو درجه از اطراف زمین است تا منتهای عرش
و بهشت محفوف است بمکاره و صبر و دوزخ محفوف بلذات و شهوات هر کس بر مکاره صبر کند داخل بهشت شود و هر کس پیروی شهوات نماید
داخل دوزخ بود و چون مؤمن داخل قبر شود نماز در جانب راست او ایستد و زکوة در جانب چپ و صبر بر سر او سایه کند و صبر گوید که اینها
کی بشما در جواب منکر و نکیر اعانت صاحب خود کنید اگر عاجز آیید من او را مدد نمایم و هر کس صبر کند بقضای الهی در نفع و ضرر و خیر و شر
رضا دهد و غیر از رضا و تسلیم چیزی بخاطر خود خطور نکند خدای تعالی برای او بغیر حساب از آنچه بهتر است هیچ چیز از خدا طلب نکند مستجاب
شود خدای تعالی برای بعباد خود نخواهد که خیر اگر چه با انواع بلا مبتلا سازد خیر شود در آن باشد و لکن بر پادشاه مشرق و مغرب
مصلحتش در آن بوده است و هر کس بقضای الهی رضا دهد و بر بلیات صبر کند و نعمای او را شکر کند در قیامت از جمله صدیقان باشد
و هر کس بقضای خدا رضا دهد قضا بر او جاری شود و اجر عظیم یابد و اگر بقضای الهی راضی نشود قضا بر او جاری شود و اجرش باطل شود و فرمود
هر که از همه خلق قطع امید کند و طمع نکند و توکل و اعتماد بر حق کند و پناه آورد بر این امر تنها صادق باشد که تمام صفات و امر
و احوال آن در صدد کند و مکر و ضرر او باشد و از ایشان حفظ کنم و هیچ ضرر باو نرسد و اگر اعتماد بر خلق کند و تکیه بر ایشان نماید
اسباب رحمت را از او قطع کنم و هر چه بر سر او آید بر او نگیرم و حضرت صادق فرموده که هر کس خواهد که هر چه از خدا سؤال کند بکرامت عطا فرماید
باید قطع امید از همه کس نماید و امید بجز خدا نداشته باشد و چون خدا بر دل او صادق یابد هر چه سؤال کند عطا فرماید و معنی توکل آنست
که کسی تدبیر و سبب و کار را ها کند که چنین کسی اگر دعا کند مستجاب شود چنانکه انشاء الله بیاید بلکه اجابت کند بکتاب و معاملات
و هر چه مقدر است از نظر بشرط حلال بکرده باشد اما اعتماد بر آنها و بر هیچ چیز غیر خدا نداشته و غیر از او هیچ چیز و هیچ کس را کار ساز نداند
دستی و تعامل و غیر آن همه واسطه و سبب چند اند که خدای تعالی برای مصلحت حال نظام خلق مقرر فرموده تا هر کس حکم بر جای خود
در آن رعایت کند و با مر او عمل نماید مستحق فضل و ثواب و نعیم بی حساب شود و هر کس مخالفت آن کند و متابعت نفس و هوا و اطاعت شیطان
نماید و بحلال اکتفا ننموده دست در حرام زند مستوجب زجر و عقاب گردد حضرت امام علیه السلام که کسی گفت همیشه دعا کن که خدای تعالی
از جمیع معاصی بگرداند و حضرت تقصیر بیرون نیاورد که کسی گفت معاصی مبدل نکابند تا آنکه ایمان بر قبیح ایشان و معاصی رابت
سلب شود اما معنی فرمود که حضرت تقیه و حیثیت نبوده که هر چند عبادت بیشتر کنی خود را در آن مقصر دانی که حق عبادت خدا هیچ
کس نتواند کرد هر چند که فرموده که کسی عبادت و عمل کند اگر کسی تمام عمر در عبادت بسر کند از اندیشه فارغ نباشد و نفس و حق بنده
بجای نیاورده بلکه اعتماد بر رحمت بی کند و امید بفضل بی دارد بعجب نگیرد با این تعامل نباشد که من بیش از حق بنده کار خود کنم

بونجی

٢٩ بر نجی بر کار مرعاند امید داشته باشند با ایشان جنان معامله نمایم لقدر امید بر حمت خدا باید داشت که اگر با ذنوب ثقلین محشر آیی ترسم
رحم نماید و لقدر ترس از خوف از عقوبتش باید داشت که اگر با حسنات ثقلین آیی قبول نفرماید در دل مؤمن دو نور است
نور ترس و نور امید که اگر یکی را بسنجند از دیگری بیشتر نیاید حضرت صادق علیه السلام گفت که حق
تعالی می فرماید من بنده را میکشم و میکویم که ما امید رحمت خدا داریم فرموده دروغ میگویند نه موالی ما اند و هر که امید
امید بچیزی داشته باشد طالب او بود و هر که از چیزی خوف داشته باشد از آن بگریزد و الله که شیعه ما نیست مگر کسی که طاعت حق کند
و از معصیت اجتناب نماید حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در روزی فرمود ای بنی عبد المطلب که گمان مکنید که نجات من مرحبا و نباشد
ما نیز با شما و الله که اولیای من نیستند مگر متقیان من هر چه شما خواهند و از عمل آن بروقت آمده باشید که روز قیامت شما دنیا را پس پشت
انداخته و آخرت را بر دوش خود بار کرده آیید شما داشته باشیم و نیز پیشی نماند حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در روزی خطبه خواند فرمود که ای مردم
و الله که من بکسی همراه بحق شما نقصان نکنم عقیل برادر آن حضرت برخاست که گفت مرا و سیاه حبشی برابر میدهی فرمود که چه خطر داشت
میان ایشان تا از سیاه حبشی هر کسی که خواهش بیشتر داشته باشد فرمود حضرت صادق سؤال کردند در تفسیر آیه وقدمنا الی ما عملوا
من عمل فجعلناه هباء منثورا یعنی در قیامت متوجه اعمال ایشان شویم و چون غبار بر باد دهیم فرمود و الله که ایشان بسیار اعمال
و عبادات داشته ولی بجهت خوبی بکمال بیمال اما چون مانع از زمان ایشان و معصیت بر خیزد اجتناب نماید بلکه اعمال ایشان سوخته و لذت ایشان
نعمت حضرت من بیست که از ما نیست کسی که هر روز محاسبه نفس خود نکند و ملاحظه اعمال خود نماید و هر چند که صبر کرده و صبر میکند و روز قیامت
بجا موقف برای حساب نفرمایند که هر کدام مقام هزار سال است هر کس در دنیا محاسبه خود کند بقدر آن موقف حساب قیامت خلاص باشد
و هر چند بیشتر غفلت کرده در آن روز برای حساب بیشتر توقف باید پس محاسبه خود کنید پیش از آنکه برای حساب توقف فرماید
و معنی محاسبه نفس آنست که چنانکه با شریک و همسایه در همه چیز دنیا معامله کنی حساب هر ساعت و هر دقیقه عمر خود را از خود طلب نمایی
هر لحظه را ملاحظه کنی که در طاعت و رضای خدا صرف کرده یا فایده شکر کرده و زیاده طلب نمایی که در باطل و معصیت گذشته
بر آن توبیخ و عتاب کنی و اگر تقصیری در عمد و تلافی نمایی باید که آن باشی که در آینده توان عمل ثابت مانند آن هیچ
فوت شود و هر کاری که خواهی اول تأمل کنی که اگر نفع آخرت یا دنیا بهر دو هر کدام که مضرت نکند در او باشد متوجه آن شوی و اگر با خوف مضرت
کند بکلی ترک کنی که نفع کند از آن بگذری چه حیف است که مشغول کاری شدن که تحصیل منفعتی که در آن عذاب باشد و هم مضرت آن بیشتر
که منفعتش بر منفعت شود که روز قیامت هیچ کس از حسرت و ندامت خالی نباشد نیکوکاران از حسرت آنکه چرا بیشتر نکرده و بدان از حسرت آنکه چرا
بد کرده اند مگر کسی که بفضل و توفیق الهی ضبط ساعات عمر خود کرده و از تصرف در باطل و بی فایده محافظت نموده در طاعت و عبادت
گذرانیده باشد پس خود را از آن امثال آن مانع باید و مشغول بعبادت و بجا آوردن رضای خدا در آن نهج که در حق
از باطل و بی فایده برای طاعت و عبادت خدا و آنها که خدای تعالی روزی بر دل او نهاده و از خوف خود ابر و نیز
خلق حواله کرده اند و متکفل حوایج و مطالب او شود و کار آن بدیگری نگذارد و هر کس برای طلب باطل و شغل بی حاصل ترک عبادت و طاعت کند

٣٠ و از اما بعلم این دانند خدای تعالی دل ش را مشغول دنیا و محبت آن کرده اند و او را از کمالات و رحمت خود محروم کرده و او را بخود وا گذاشته و بیکسی خدای تعالی
خود را [illegible] او را از جمیع خیرات و کمالات بی نصیب شود و او در اشغال دنیا بماند عاقبت در دوزخ مخلد کردد در روایت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
بقدر یک چشم زدن و اکر [illegible] طعم [illegible] کشت و جنت عبادة هر کاه که کسی باید که از [illegible] رضای باطل دنیا برای خدای تعالی رضای او و جنت
و ثواب او خالص کرده [illegible] هر عمل مقتضای صحت آن [illegible] خیر و حق با اطاعت خدا [illegible] رضای او و جنت
شود و باطل باشد اطاعت شیطان [illegible] هر کسی عملی برای خدا کند [illegible] ثواب [illegible] و اکر برای غیر خدا کند خدای تعالی او را بانکس
عمل برای او [illegible] از فضل و رحمت خود محروم کرده [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] طاعت و عبادة مر برای
و اغراض دنیا [illegible] خدای تعالی ایشان را [illegible] و بلا مبتلا کرده [illegible] قدرت و پای [illegible] و تضرع و دعا کند مستجاب شود
در روایت [illegible] عمل مشکلتر است از اصل کردن [illegible] کسی عمل صالحی مثل تصدق و صله و غیر آن [illegible] برای خدا کند
[illegible] یعنی حفظه در نامه [illegible] مضاعف نویسند و اکر بعد از آن [illegible] محو کنند و علانیه [illegible] بنویسند و چون [illegible]
[illegible] محو کنند و ریا نویسند و هر کسی [illegible] برای خدا کند [illegible] خالص [illegible]
خالص [illegible] از [illegible] چون اراده عمل خیری [illegible] تعجیل نماید [illegible] از [illegible]
کرد [illegible] شیطان [illegible] و ما [illegible] شود و [illegible] کند [illegible] رکعت نماز کند [illegible]
با تصدق کند [illegible] عمل صالح کند [illegible] بعد از این هر که [illegible]
عملی [illegible] شیطان [illegible] کند خدای تعالی [illegible]
کر [illegible] و جلال خودم [illegible] و خدای تعالی [illegible] رضای [illegible]
او [illegible] معصیت کند [illegible] امام محمد باقر
[illegible] ولایت ما [illegible] طاعت خدا [illegible]
حاصل شود [illegible] ولایت ما [illegible] معصیت خدا کند ولایت ما [illegible]
[illegible] چنین [illegible]
و شرب و خمر کند [illegible] و [illegible] طاعت و عبادة امید نجات و بهشت دارم [illegible]
دیکر [illegible] معصیت [illegible] طاعت [illegible] محبت ما [illegible] اعمال [illegible]
[illegible] داخل بهشت شود [illegible] ولایت [illegible] عمل [illegible] ایشان [illegible]
روز قیامت [illegible] بعضی از ایشان علیهم السلام روایت [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] خالص [illegible]
[illegible] طاعة علی [illegible]

[illegible]

٣١ و عمل ش تصدیق قول ش کند و هم از ایشان علیهم السلام روایت که افضل عبادات تفکر است و تفکر دو قسم است یکی تفکر در معرفت خدا و علم
و فضایل این قسم از حد شرح بیرون است و شمه از آن در فصل اول کذشت دویم تفکر در احوال دنیا و بی اعتباری آن و بی حاصلی لذات
آن یکساعت این تفکر افضل است از یکشب عبادت بسبب [illegible] دنیا [illegible] آن شود و [illegible] و قصور از [illegible] و محبت
[illegible] دل [illegible] و موجب طاعت و عبادة و ترک متابعت هوا و هوس و شهوة و معصیت [illegible]
بی عیبت شود خدای تعالی دل ش را از نور حکمت و معرفت مملو کرده [illegible] دنیا [illegible]
[illegible] و حرام [illegible] حلاوة ایمان [illegible] محبت دنیا [illegible]
[illegible] افضل از [illegible] دنیا [illegible] بعد از معرفت خدا و رسول و اهلبیت علیهم السلام افضل از بغض دنیا [illegible]
[illegible] محبت دنیا [illegible] خدا [illegible] رضای خدا [illegible]
دنیا [illegible] محبت خدا [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] دنیا [illegible]
[illegible]
[illegible] قیامت [illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible] عذاب [illegible] حساب [illegible]
[illegible] عمل [illegible]
خدای تعالی [illegible] عبادات و اعمال [illegible]
دولت باطل هر چند [illegible] ایمان [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
ایشان [illegible] حساب [illegible] روایت [illegible]
[illegible] هزار سال [illegible] ایشان علیهم السلام روایت [illegible] خدا [illegible]
[illegible]
[illegible] داخل بهشت شود [illegible] حساب [illegible]
[illegible] داخل بهشت شود [illegible] حساب [illegible]
خدای تعالی [illegible] عمل [illegible] روایت [illegible]
روز قیامت [illegible] درجات فقرا [illegible] دنیا [illegible] ایشان

مرویست که فقرا امانت‌اند از خدا در پیش بندگان هر کس که نماز ایشان دارد مثل آن صایم قایم باشد و هر کس اظهار آن نمی‌کند امین نباشد
کند شکایت خدا به دشمن کرده باشد و اگر به مؤمنی اظهار کند که قادر بر قضای حاجتش باشد و نکند چنان است که او را کشته باشد
در روز قیامت خدای تعالی مثل کسی که از دوستی عذرخواهی کند به فقرای مؤمنین که به عزت خودم که من در دنیا شما را از آن رو محتاج
نکردم که بر من خوار بودید بلکه برای فضل و ثواب و درجات بهشت کردم امروز ببینید که چون تلافی آن کنم هر یک از شما را احسان [illegible]
دنیا را انتقام آن به اعمال دنیا داده معطا فرمایم هر کس در دنیا به شما مهربانی و احسانی کرده دستش را گرفته به جای بهشت [illegible]
ببرید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که کامل‌ترین مؤمنان در ایمان کسی است که خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض هیچ عمل بهتر از خلق
خوب نیست و صاحب خلق خوش درجه صایم قایم و مجاهد را بیابد و اکثر امت به دو خصلت داخل بهشت شوند تقوی و حسن خلق
و حسن خلق خطیئه را بگدازد چنانکه آفتاب یخ را و خلق بد عمل را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را [illegible] بلا باشد و چهار صفت است
که هر کس با او باشد اسلامش کامل و از گناهان خالص گردد اگر چه سرتا پا گناه باشد وفا به خدا [illegible] و راستگویی باشد
و از قبایح در پیش خدا و مردم حیا کند و با اهل خود [illegible] خوش خلقی باشد و خلق بد عمل را فاسد کند چنانکه سرکه [illegible]
پیش خدا دوست‌تر از دو جرعه نباشد یکی جرعه خشمی که به علم رد کنی و دیگر جرعه مصیبتی که به صبر رد نمایی و هیچکس خشم فرو نمی‌برد مگر آنکه
خدای تعالی در دنیا و آخرت عزتش بیفزاید و چون قادر بر انتقام باشد و خشم فرو برد خدای تعالی اجر شهید به او عطا فرماید و در روز قیامت
دلش را از امن و امان و رضا مملو گرداند و هر کس غضب خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب روز قیامت را از او بپوشد و چون [illegible] کرد
و خدای تعالی در مناجات به بعضی پیغمبران فرمود در حال غضب مرا یاد کن تا من نیز در حال غضب تو را یاد کنم و غضب کلید همه بدی است و ایمان را
فاسد کند چنانکه سرکه عسل را و چون دو کس با هم منازعه کنند دو ملک نازل شوند هر کدام از ایشان که سفاهت کند گویند بگو
بد کردی و مستحق بودی و بر آن دیگر که صبر و حلم کند گویند خوب کردی [illegible] اگر کنار آمد از زبان تو [illegible]
الرحیم خود را تمام کنی و تو نیز مثل سفاهت نکنی و دشمنان و جهال را هیچ مکافات به چیزی از این بهتر نباشد که ایشان معصیت کنند و تو
صبر و طاعت نمایی و بهترین اخلاق دنیا و آخرت این است که چون کسی بر تو ظلم کند عفو کنی و اگر از تو قطع کند و دوری کند تو وصل
نزد یکی نمایی و اگر ترا از خیر محروم سازد تو بخل نکنی و چیزی عطا کنی و اگر تو بدی کند تو نیکی نمایی و چون با این صفات
آراسته باشی خدای تعالی عزتت زیاد کند و سه خصلت است که در هر کس باشد اعمالش و طاعتش تمام شود و هر کس از معصیت او را باز دارد
و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جاهلان را به آن رفع نماید و مدارا با مردم نصف ایمان است و ملایمت با ایشان نصف زندگانی
و هر کس را ملایمت نصیب گشت ایمان نصیب گشت و هیچکس را ملایمت نصیب نشد مگر آنکه زینتش داد و هیچکس از آن محروم نگردید
مگر آنکه عار و ننگش بود و هیچ‌گاه ملایمت در چیزی نبوده و در ایشان و سبب [illegible] و چون از آن بی نصیب شد از خیر ایشان بی نصیب
و چون دو کس با هم مصاحبت کنند آنکه ملایمت و مدارا بیشتر کند اجرش عظیم‌تر بود و هر وسیله که ملایمت به چیزی بسته [illegible]
[illegible] هیچ خلقی احسن از او نبود و هر کس در شیئی نصیبش شود ایمان از او محجوب گردد [illegible] مخلوق بسته گردیده [illegible]

هیچ چیز از او قبیح‌تر نبود و هر کس برای خدای تعالی تواضع کند خدا او را بلند کرداند و هر کس تکبر کند او را پست گرداند و فرموده‌اند که بر بزرگ خدا تو اضعنی
و در دنیا تکبر می‌رسید که حد تواضع چیست امام فرمود در جواب است از نجابت تا کرامت که خود را در جای خود بشناسد و نفس را از من و ما
ترقی نکند با مردم چنان کند که خواهد با او چنان کنند و چون بد او بکند بر نیکی دفع کند و خشم فرو برد و عفو کند و با وجود این گفته اند که از
تواضع است که در مجلس پایین‌تر از مرتبه خود نشینی و به هر کس برسی سلام کنی و ترک خصومت کنی اگر چه حق با تو باشد و نخواهی که ترا
مدح و ثنا کنند روزی حضرت امام علیه السلام طعام طلبید و غلامان و خادمان سیاه و سفید را جمع نمود با هم بر یک خوان نشستند
کسی گفت کاش برای ایشان طعام جدا کنند فرمودند خدا یکیست و پدر یکی و مادر یکی و جزای هر کس به قدر عملش باشد و حضرت
امام جعفر علیه السلام فرمود که چهار صفت از من ضامن شوید تا من چهار چیز را ضامن شوم و به بهشت داخل شوم عطا کند و از فقر نترسد و
افشای سلام کند در عالم و ترک خصومت کند اگر چه محق باشد و با انصاف کند و هر کس با انصاف باشد و با فقرا در مال مواسات
کند به حقیقت مؤمن باشد و خدای تعالی عزیز کند و فرموده سید اعمال سه خصلت است انصاف و مواسات و ذکر خدا در همه حال
نه همین تسبیحات سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر بلکه در همه احوال و افعال خدا را یاد آورد و آنچه رضای خدا در آن باشد
اختیار کند و هر کس منصف باشد و عیب مردم نکند و چیزی از او اول از خود سلب نکند و کسی را به چیزی که بد دارد بر او اختیار
تا رضای خدا در آن نه اند در سایه عرش خدا باشد روزی که هیچکس را پناهی نبود و هر کس زود بکشد مردم را خدا در روز قیامت
کسی که در حال غضب بی اختیار شود تا بر زیردست ظلم نکند و کسی که چون در معامله میان دو کس داخل شود به یک طرف میل نکند و
کرده معامله و تنازع از انصاف و حق نکند و خدا او را بهشت کند داخل او شوند و مکر کسی که اگر با نفس خود حکم کند به حق
و هر کس ایمان به خدا و روز آخرت دارد باید به وعده وفا کند که وعده مؤمن نذر است که هیچ کفاره ندارد مگر وفا به آن و هر کس خلف وعده
او کند با خدا خلاف کرده و متعرض سخط او گشته باشد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده از ما نیست کسی که امانت را خیانت کند و امانت صاحب
و خیانت جلب فقر نماید و حضرت سجاد علیه السلام فرمود که اگر قاتل پدرم شمشیری که آنحضرت را شهید کرده بود به امانت سپارد هر آینه
آن را ادا کنم و حضرت صادق علیه السلام فرموده که اگر قاتل علی بن ابی طالب علیه السلام با من مشورت کند و شمشیری به امانت دهد هر آینه
رد کنم با ایشان در آنچه ادای امانت کنم و چهار صفت است که در هر مؤمن که باشد خدای تعالی او را در اعلی علیین دهد بالای بهشت‌ها که نه شرف و کرامت
سالک کرده و کسی که یتیم را در پناه خود آورد و بر عاجز و ضعیف رحم کند و خدمتگزار پدر و مادر خود نماید و مال الدین را تعظیم دهد
و با ایشان ملایمت و مدارا کند و ناخوشی که عمل نکند و در خود حق کند خود در دنیا و انعامش نماید فصل چهارم در بیان آنچه به والدین و
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام اکبر والدین و صله رحم سفارش کرده اند و در تمام عمر پدر و مادر فرج کند حق والدین در روز قیامت
و حقوق و قدرت تمام فرزند صاحب بر او باشد داخل بهشت کند و روزی جوانی به خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت جوانی تواناییم شوق
جهاد دارم فرمود جهاد کن که اگر کشته شوی در پیش خدا زنده و از نعمت‌های بهشت متنعم باشی و اگر بمیری اجر و ثوابت با خدا باشد و اگر برگردی
از گناهان پاک گردی چنانکه از مادر متولد گشته‌ای گفت یا رسول الله آیا والدین من زنده‌اند و می‌خواهند در پیش ایشان باشم فرمود

باشد که کشف ابواب ایشان باقی بود تا سنان بکشد الجهاد در راه خدا از پیش آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و اجتهاد بود رضای [illegible]
آنحضرت آمد چون او را دید شکسته گشته مخالف خود را در آن انداخته تا بر او نشست پس متوجه او گشت از لطف و شکفتگی [illegible] نمود و چون
رفت با [illegible] آمد [illegible] بکرد از سبب آن سوال کردند فرمود [illegible] با والدین خود بیشتر از [illegible] و کسی که حضرت امام جعفر
معروض داشت که [illegible] بسیار [illegible] و چون قضای حاجت خواهد کسی باید [illegible] باشد [illegible] خدمت
کرد [illegible] از آتش [illegible] از آنحضرت سوال کرد که والدین من مخالف مذهب اند با ایشان چون کنم فرمود نیکی کن
با دوستان [illegible] نیکی کن [illegible] والدین باشد [illegible] بهشت ساکن گردد [illegible]
[illegible] خشم [illegible] والدین [illegible] ایشان را [illegible] ظالم باشند [illegible] مقبول نشود [illegible]
[illegible] بهشت [illegible] عاق و قاطع رحم [illegible] حضرت سجاد علیه السلام [illegible]
[illegible] ایشان علیهم السلام [illegible]
[illegible] صاحب ایشان [illegible] سوال [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] نیکی [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] دشنام [illegible] اطاعت [illegible]
[illegible] مال [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
امام محمد باقر [illegible]
باشد [illegible] آنحضرت [illegible] والدین [illegible] ایشان [illegible]
استغفار [illegible] ایشان [illegible] عاق [illegible]
[illegible] داشت [illegible]
[illegible]
[illegible] والدین [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] والدین [illegible]
[illegible] **فصل پنجم** در صله رحم [illegible] از اهل بیت طاهرین علیهم السلام [illegible]
[illegible] صله رحم [illegible]
[illegible] صله رحم [illegible]

کند و حساب قیامت آسان گرداند و خلق نیک کند [illegible] مال [illegible] کند و سبب [illegible]
[illegible] باشد [illegible] صله رحم کند [illegible] سال [illegible] رحم
[illegible] صله [illegible] قطع [illegible] قطع [illegible]
رحم و امانت [illegible] صراط [illegible] صله رحم [illegible] امانت [illegible] قاطع رحم و خاین امانت
[illegible] جهنم [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] خدای
[illegible] امام جعفر علیه السلام [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
[illegible] **فصل ششم** در حق [illegible] علیهم السلام [illegible] همسایه [illegible]
همسایه [illegible] همسایه [illegible]
[illegible] همسایه [illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] همسایه [illegible]
[illegible] همسایه [illegible] روز قیامت خدای تعالی [illegible] حضرت یعقوب
مناجات نمود و گفت خدایا [illegible] یعقوب [illegible]
[illegible] همسایه [illegible]
[illegible] حضرت یعقوب [illegible] حضرت امام موسی
[illegible] همسایه [illegible] همسایه [illegible] خدای تعالی
[illegible] روز قیامت [illegible] همسایه [illegible] بهشت [illegible] همسایه
[illegible] خدای تعالی [illegible] روز قیامت [illegible] همسایه [illegible]
[illegible] **فصل هفتم** در الفت و محبت و زیارت مؤمنان [illegible]
[illegible] مؤمنان [illegible] الفت و محبت [illegible] الفت [illegible] خدای تعالی

و درستی کند و روز قیامت در زمینی از زبرجد سبز در سایه عرش خدا نشسته باشند بر منابر نور نشسته‌اند و روی ایشان از آفتاب
روشن‌تر باشد و هر کس که محبت و بغض و عطا و منعش برای خدا باشد از جمله اصفیای او باشد و روزی حضرت پیغمبر صلعم از اصحاب پرسید
که محکم‌ترین دستگیرهای ایمان کدام است بعضی گفتند نماز و بعضی گفتند روزه و بعضی زکوة و بعضی حج و بعضی عمره و بعضی جهاد فرمود که
از اینها فضیلتی عظیم است اما محکم‌ترین آنست که دوست داری برای خدا و دشمن داری برای خدا و دوستی اولیاء الله و بیزاری از اعداء الله و حضرت
دو مؤمن باهم ملاقات کنند آنکه محبتش بیشتر است فضلش عظیم‌تر بود [illegible] ایشان [illegible] و چون دو مؤمن با هم الفت کنند و یکدیگر را
زیارت کنند و ذکر خدا و ذکر فضایل ما کنند و بر احادیث ما صحبت دارند [illegible] هیچ گناهی [illegible] ابلیس
الفت [illegible] زیارت مؤمنان چون [illegible] با یکدیگر باهم اجتماع کنند [illegible] ایشان حاضر شوند [illegible] دعا کنند
آمین گویند و اگر [illegible] استعاذه کنند دعا کنند و اگر حاجتی [illegible] شفیع باشد و چون مؤمنی برای خدا به دیدن برادر
برای زیارت مؤمنی به خانه بیرون رود [illegible] برای خدا [illegible]
بلند کرده [illegible] هزار ملک [illegible] بهشت [illegible]
و چون در خانه او بکوبد درهای آسمان برایش گشاده شود و چون ملاقات و مصافحه و معانقه کنند خدای تعالی متوجه ایشان شود و
با ایشان [illegible] لازم شد بر [illegible]
ایشان [illegible] فرماید ای بنده من [illegible] حق و متابعت سنت پیغمبر من کردی [illegible]
اجابت فرمایم [illegible] و چون مراجعت کند [illegible]
کند [illegible] و چون داخل خانه خود شود
خدا [illegible] فرماید ای بنده من [illegible]
بنشاند [illegible] بهشت [illegible]
زیارت برادر مؤمن کند برای خدا [illegible] برای خدا [illegible]
مؤمن آزاد کند حضرت امام جعفر [illegible] میان شما و بصره چند فرسخ است گفت [illegible]
و در [illegible] روز قیامت [illegible]
در کار است [illegible] حاجتی [illegible] خدا
تا [illegible] ملاقات کنند و هر که [illegible]
هزار [illegible] حضرت امام محمد باقر [illegible] شیطان [illegible] خدا [illegible] کرد
دوست [illegible] حضرت صادق [illegible]
دو [illegible] باهم دو مؤمن [illegible] مستوجب لعنت [illegible] الله [illegible]

شاید که مظلوم باشد و حق به جانب او باشد [illegible] و حق [illegible] کند [illegible] و قبر [illegible]
اعمال عباد را به خدا عرض کنند [illegible] اعمال ایشان [illegible] و اگر آنها [illegible] کنند [illegible]
هجر کنند [illegible] ولایت اسلام در میان منقطع شود [illegible] و قیامت [illegible]
سبقت به صلح کند [illegible] کند [illegible] شهید [illegible]
عبادة [illegible] روزها و قیام شبها **فصل هشتم** در آداب ملاقات و مجالست روایتست از اهل بیت [illegible]
[illegible] مال با مردم [illegible] ملاقات [illegible]
[illegible] حسن [illegible] موجب دخول بهشت [illegible]
[illegible] موجب دخول نار [illegible] ملاقات سلام است [illegible] سلام حرف [illegible]
[illegible] و چون دو کس به هم [illegible] سلام [illegible]
[illegible] سلام [illegible] سلام [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
مستوجب غضب خدا باشد [illegible] سلام کرد [illegible] جواب [illegible]
جواب [illegible] سلام [illegible] السلام علیکم [illegible] الله [illegible]
[illegible] سلام و دعای [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible] السلام علیکم و رحمة الله [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
و [illegible] کسی که مشغول قضای حاجت باشد [illegible]
یا در حمام باشد [illegible] سلام [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین علی علیه السلم [illegible]
سلام [illegible] السلام [illegible]
[illegible] سلام [illegible]
[illegible] ملاقات کنند [illegible]

تا اگر هیچ نماند و خدای تعالی با ایشان نظر کند تا اگر از هم جدا شوند [illegible] باشد [illegible]

و خدای تعالی با او مصافحه نماید و اگر [illegible] دست [illegible] باشد و [illegible] سلام و مصافحه [illegible]

[illegible]

تسلیم [illegible] معانقه [illegible] کنند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٤٠

بعض و کینه شود که تا باشد که کسی که بعد از مردم را بخندانند بقدر ما بین زمین و آسمان او را از بهشت دور کرده اند و در دوزخ
افکنند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود وای بر کسی که دروغ گوید تا مردم را بخنداند بعد از آن سه مرتبه فرمود وای بر او و کسی که ضحک دو
بکار او چنانکه آب بکرد او آسیب رسد و در حدیث دیگر آمده که هر کس یک کس بخنداند که باعث دوری از غفلت کند حضرت امام جعفر صادق فرمود
کسی که خنده را تعیش بسیار باشد روز قیامت که گریه اش بسیار باشد و با آنکه گران نیم گناهان کرانش بسیار بود ده بهشت خنده و گریه
بسیار بود و مرد با صاحب عقل گفتار و شرم دارا نخنده و دندان ما و آن کرا بسیار کرده مستحب این باشی از این حادثه **فصل**

دهم در اکرام و توقیر مؤمنان روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس مؤمنی را اکرام کرده باشد اول خدا را اکرام کرده باشد و هر که
خوار شده و دلش جراحت شود هر کس برو مؤمن تبسم کند با او حسنه ثبت شود و اگر کسانی که او را ... بر دارد ده حسنه ثبت
دارد و اگر مؤمنی یکی به صحبا خدای تعالی تا روز قیامت بر او رحمت نوشته و اگر او را نیکی از نیکان از او نفقه کند خدام جنت عطا فرماید که
کلمه کرید که موجب تسکین مؤمنی باشد تا به رحمت خدا باشد و اگر کسانی از او مؤمنی به ... و راجی قرار ... صد آیه از قرآن باید که مرحوم باشد
و اگر مؤمن ... با تکلف با طعام یا جامه یا سلام یا غیر آن ملاطفت و اکرام کند بهشت را بنعمت آید که مکافات آن که به خدا تعالی فرماید
نعمتهای تو را بطعام به تو حرام کرده ام مگر بر بهشت و مسجد ها در روز قیامت شود که بهر روز او چیزی در مکافات کرد ... و غلمان از بهشت
آیند و دست طلب ... ار نعمتهای کرده بر ... سرهای تنها را ... جامه ها برایشان پوشند چون بهشت و نعمتها بر ایشان عرضه شد
پروانکند ... آن دست تو ... از ... جانب عرش ندا آید ... که طعام بهشت بخورید ... و نخی ...
حرام شود پس دست دراز کند مثال آن هر کس جمعی از مؤمنان خدمت کند ... خدام جنت عطا فرماید و خادم مؤمنان در طاعت
و خشک ... هر کس ... خدای تعالی ... روز قیامت این کرده و هر کس مؤمنی را ... مسجد الحرام ... هر که ... نزد
قیامت این کرده ... او استخفاف کند ... خدای تعالی بر او مسلط کرداند که ... حضرت پیغمبر فرمود ... کسی که ... کسی
تقصیر ... مؤمنان ... هر کس مؤمنی ... خدای تعالی او را دشمن دارد ... و هر کس ... تحقیر کند ... او را ...
و هر کس مؤمنی فقیر را بسبب فقر او تحقیر کند خدای تعالی روز قیامت او را رسوا نخلق ... **فصل یازدهم** در سرور مؤمنان و قضای حاجات
ایشان روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هیچ عبادت خدای را ... افضل از سرور ... مؤمنان ... کند
و هر چند عظیم تر ... و هر کس مؤمنی را مسرور کند خدای تعالی روز قیامت او را مسرور کرداند و خدا و پیغمبر ... صلوات الله علیهم
مسرور کرده باشد و هر که مؤمنی ... آن ... کرده باشد ... هزار حسنه از خدای تعالی ... مؤمن ... 	آنده و کند ایشان آنده ده
کند در بهشت ... حضرت پیغمبر صلعم فرموده ... خدا ... خلق کند
هزار ... هزار ... هزار ... هزار ... زبان ...
... خدای تعالی ... روز قیامت ... مؤمنی ... ملکی ... نظم ...
او را ... بهشت ... آن بر تو ...

امین ما ...

٤١

او را ... مردان ... صبح شام ... فرشته را ... بهشت ... حضرت امام ... فرمود ...
و هر کس ... از مؤمنان ... بهشت ... هفتاد رحمت ...
... هفتاد ... قیامت ...
... خدای تعالی هفتاد ... هر کس قضای حاجت مؤمنی کند
خدای تعالی روز قیامت ... حاجت او ... و آشنایان ... بهشت ...
و قضای حاجت مؤمن ... هزار بنده آزاد کند و هزار اسب ... فی سبیل الله ...
حج کرده ... هزار درهم صرف کند ... طواف کعبه ... هزار حسنات و ... هزار سیئه محو کند و ...
... هزار حاجت ... بهشت ...
و قضای حاجت مؤمن ... هر که حاجت مؤمنی ... قضای آن ... خدای تعالی ...
بسبب آن ... بهشت عطا فرماید و هر که در حاجت مؤمنی سعی نماید ... حسنه ... شود ... آن ...
و ... هر کس ... حاجت مؤمنی ... حسنه نوشته شود و ... سیئه محو کرده ...
کرده ... آن حاجت ... ثواب حج و عمره ... و اعتکاف در مسجد الحرام ...
... حضرت امام حسن در اعتکاف بود ... حاجت ...
... رسول الله ... اعتکاف ...
مؤمنی ... خدای تعالی هفتاد ...
... روز قیامت ... حاجت ...
... حاجت ... خدای تعالی ...
... عطا فرماید ... حاجت ... خدای تعالی ... قضای حاجت مؤمنی
... خدای تعالی ... روز قیامت ...
... حاجت مؤمنی ... روز قیامت ...
... خدا ... بهشت ...
... روز قیامت ...
... **فصل دوازدهم**
در ... خدای تعالی ...
قیامت ... خدای ...

دعهات نو ... عفو کند و اگر همچنان معصیت بکرده باشد [illegible]

[illegible]

نماید وقت ساعت باید عفو و مغفرة داشته باشد [illegible]

[illegible]

فصل [illegible]

[illegible]

کرده جهنم از فرج زنان بمی آید و با پشا ماند و اگر مداومت بر آن کند مثل بت پرست باشد و شراب خواره روز قیامت رو سیاه و از دو چشم

دهنش ریسنده لعاب از دهنش روان [illegible]

[illegible]

[illegible]

کرده و ستر در آخرة غضب خدا و سختی حساب و خلود در آتش و نیز مرویست که صد هزار در از جهنم در قبر وی گشوده شود که شعلهای آتش و عقارب
و حیات از در دوزخ آید و وی را آتش کنند تا روز قیامت و بعد از آن به دوزخ برند و چون روز قیامت از لحد محشور شود بوی بد از [illegible]
فرج ایشان آید که همه اهل محشر متأذی شوند و هیچ کس نماند مگر ایشان را لعن کند و هر کس با زن نامحرم مکالمه کند به هر یک کلمه که گوید هزار سال
در دوزخ محبوس کرده و اگر زن برغبت خود طاعت کند هر چه در میان ایشان بگذرد گناه مثل گناه مرد باشد و اگر محشور [illegible] گناه او نیز [illegible]
و هر کس چشم از نگاه حرام پر کند خدای تعالی چشم او را از آتش پر کند و هر کس با زن نامحرم مزاح کند [illegible] با او شیاطین در زنجیر آتش کشند پس [illegible]
و هر کس زن او را مردم عفیفه باشد مردم نیز از زنان او عفیف باشند و هر کس از عقب زنان مردم رود مردم نیز از عقب زنان او روند و [illegible]
با مردم معامله کند با او چنان معامله کنند و حضرت پیغمبر صلعم فرمود با فلان عطار تزویج کنید که مرد ایشان عفیف اند زنان ایشان نیز عفیف اند
و با فلان عطار تزویج مکنید که مرد ایشان عفیف نیستند زنان ایشان نیز چنان اند و هر کس نظر با زن نامحرم افکند و چشم از آن [illegible]
[illegible] چشم بر هم زند با آنکه خدای تعالی او را ایمانی عطا فرماید که [illegible] تزویج نمایند و هر کس [illegible]
با زنی حرام یا مردی [illegible]
کسی [illegible] و هر کس [illegible] جهنم [illegible] خدای تعالی [illegible]
و هر [illegible] مردم [illegible] خدای تعالی [illegible]
و [illegible] خدای تعالی [illegible] قیامت [illegible]
در [illegible] ایشان [illegible] روز قیامت [illegible]
و هر کس [illegible] خدای تعالی [illegible] ایشان [illegible]
نکند روز قیامت [illegible] ایشان [illegible] خدای تعالی [illegible]
قیامت [illegible] ایشان [illegible]
باشد [illegible] پادشاه [illegible] و هر کس [illegible]
کند خدای تعالی [illegible] ظلم [illegible]
هیچ کس [illegible] ظلم [illegible] خدای تعالی [illegible]
و [illegible] ظالمان [illegible]
باشد [illegible] ظالمی [illegible]
[illegible] ظالم [illegible] خدای تعالی [illegible] پادشاه [illegible]
و [illegible] پادشاه [illegible] مردم [illegible]
از ظلم ایشان [illegible] و هر کس [illegible] ظالمین [illegible]

و هر کس [illegible] ظلم [illegible] ظالمین [illegible] ایشان [illegible]
از خدای تعالی [illegible] ایشان [illegible] خدای تعالی [illegible]
به خدای تعالی [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ظالمین [illegible]
قیامت [illegible] خدای تعالی [illegible] و هر کس صاحب سلطنتی [illegible] جهنم [illegible]
و هر کس [illegible] صاحب سلطنتی [illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اصحاب [illegible] چشم [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] ظالمین [illegible]
قضای حوایج مؤمنین [illegible] ایشان [illegible]
با ایشان [illegible] امیرالمؤمنین علی [illegible]
در [illegible]
[illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible] قیامت [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] خدای تعالی [illegible] جهنم [illegible]
[illegible] جهنم [illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]

هر کس بقدر ذره ای عصبیت در دلش باشد با اعراب جاهلیت محشور شود و هر کس تعصب کند بند ایمان از گردن دلش منخلع شود و آن تعصب [illegible]

در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقول است [illegible]

[illegible]

[illegible]

باید نمود رحمه الله [illegible] فصل چهارم در [illegible]

[illegible]

٥٠

که مرا چیزی تعلیم فرمایی که چون بآن عمل کنم در پناه و در آشتی با شما باشم فرمود انا انزلناه بسیار بخوان و اکثر با استغفار و تلاوت [illegible]
از ایشان علیهم السلام روایت که هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست کسی را که گناه توبه کند چنانچه اگر گناه کرده باشد و خدای تعالی توبه بنده خود بپذیرد [illegible]
فرشتگان و شادمان شود که کسی در سفر در شبی تاریک راحله و زاد خود را گم کرده باشد و بیابد کسی که توبه نصوح کند یعنی بعد از توبه
رجوع بگناه نکند و اگر نادر خطایی صادر شود باز توبه کند و در گناه مصر نباشد خدای تعالی او را دوست دارد و برحمت خود او را بپوشد
گناهش از یاد ملکین ببرد و بر دو اعضایش و مکانی که گناه کرده امر فرماید تا گناهانش بپوشند تا آنکه روز قیامت هیچ چیز
گناه او شهادت ندهد و اگر بر گناه مصر و ترک نکند و استغفار میکرده باشد چنانچه اگر [illegible] استهزا کرده خدای تعالی [illegible]
عطا فرموده که اگر یکی از آنها بتمام اهل آسمان و زمین عطا فرمودی همه نجات یافتندی یکی آنکه ایشان را دوست ندارد [illegible]
عذاب نکند [illegible] و حمله عرش از فرموده برای ایشان استغفار کنند و دعای ایشان البته اجابت فرمایم [illegible] و وعده فرموده که بشارت
بجنات [illegible] روایت که هر کس گناهی بکند [illegible] خدا [illegible] شرم کند [illegible]
کند گناهانش آمرزیده شود [illegible] کسی معصیتی کند [illegible] خدای تعالی [illegible]
بعقوبت گناهش [illegible] استغفار کند و چون مؤمن گناه کند [illegible] استغفار کند
آمرزیده شود و چون کافر گناه کند [illegible] حضرت صادق [illegible] فرموده که گاه باشد که بنده [illegible]
شود که گناه موجب بهشت با فرمود گناه کند و پشیمان شود و همیشه [illegible] با خود دشمن شود [illegible]
[illegible] فرماید به بهشت [illegible] از ایشان علیهم السلام روایت [illegible]
و اگر کسی [illegible] خدای تعالی [illegible] فرماید [illegible]
[illegible] بهشت چشمه آب عطا فرماید [illegible]
[illegible] قطره [illegible]
کرده باشد [illegible] قطره [illegible] که در شب تار [illegible] چشمی [illegible] از ترس خدا گریسته
و چشمی که [illegible] و چشمی که از حرام پوشیده باشد [illegible] و حفظ [illegible]
در اینجا شرایط بر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] حضرت امیر المؤمنین علی صلوات الله علیه [illegible]
محافظت [illegible] در بهشت عطا فرماید [illegible] از ایشان علیهم السلام روایت
که کسی [illegible] استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم بدیع السموات
والارض ذو الجلال والاکرام واسئله ان یصلی علی محمد و آل محمد و ان یتوب علی [illegible] گناهانش آمرزیده شود [illegible]
[illegible] استغفر الله [illegible] گناهانش آمرزیده شود [illegible]
گناه [illegible] روایت [illegible] استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه گناهش آمرزیده شود [illegible]

انتهی

٥١

از رحمت نومید باشد یعنی نومید [illegible] که از اعظم کبائر است و نبی روایت اللهم اغفر لی انه لا یغفر الذنوب الا انت
[illegible] گناه [illegible]
گناه [illegible] فرمود [illegible] گناهان [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین [illegible] استغفر الله [illegible] استغفار [illegible]
استغفار [illegible] شرط [illegible] پشیمان [illegible]
[illegible]
[illegible]
شرایط [illegible] استغفار کرده باشی و باید دانست [illegible] استغفار [illegible]
[illegible]
کسی از حضرت صادق [illegible]
[illegible]
[illegible] عذاب [illegible]
[illegible] استغفار [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام [illegible]
[illegible] و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم **باب دوم** در تنظیف بدن و جامه [illegible]
اجتناب [illegible] **فصل اول** [illegible]
امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت [illegible]
فصل [illegible] روایت [illegible]
دوم در آداب حمام رفتن [illegible] روایت که چون داخل حمام شوی [illegible]
بگوی [illegible] اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم [illegible]
بسم الله [illegible] شیطان [illegible]
[illegible] اللهم انزع عنی ربقة النفاق و ثبتنی علی الایمان [illegible]
[illegible] روایت [illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام [illegible]
[illegible] اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک من اذاه [illegible]
[illegible] اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر جسدی و قلبی [illegible]

... شود و طراوت و جمال ... [illegible]

نعوذ بالله من النار ... [illegible] ... در حمام ... [illegible]

... جذام ... حمام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

بر ترتیب ناخن بانگشت بزرگ است شروع از حضرت امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه روایت کرده اول انگشت کوچک راست بعد از آن انگشت ... بعد از آن انگشت ...

بعد از آن انگشت میانه ... کوچک بعد از آن سبابه ... بعد از آن ... بعد از آن کوچک بعد از آن سبابه ...

[illegible]

[illegible]

المخبث الشیطان الرجیم

[illegible]

محرم	صفر	ربیع الاول
فیروزه	کروک	زن صالح
ربیع الآخر	جمادی الاولی	جمادی الآخر
...	طلا	جواهر
رجب	شعبان	رمضان
...	آب روان	نقره
شوال	ذی القعده	ذی الحجه
...	مصحف	...

خاطر بیفزاید و صلاة مضاعف شود و ملائکه از خوشی آن بوی مستبشر شوند و وقت وضو و نماز مسواک کردن [illegible] نماز با مسواک

افضلست از هفتاد رکعت بی آن و مسواک پیشتر از وضو باید کرد و اگر بعد از آن کند [illegible] پیغمبر [illegible] شب [illegible] مسواک

[illegible] و وقت خواب و چون از خواب بیدار میشد برای عبادت و وقت نماز صبح [illegible] و منفعت [illegible]

[illegible] مسواک [illegible] **فصل نهم** در فضائل وضو و غسل و آداب

[illegible]

ختوم

ختوم کرده اند [illegible]

[illegible]

فصل دهم [illegible]

[illegible]

باب سیم [illegible]

فصل اول [illegible]

[illegible]

جانب شود از اطراف آسمانها تا اطراف زمین رحمت بر او نازل شود و اطراف او را از پیش قدمش تا اطراف آسمان ملائکه فرو گیرند و ملکی ندا کند و گوید
ای بنده خوش کن که مشغول نماز گشتی اگر بدانی که کیست که متوجه تو شده و با که مناجات میکنی [illegible]
[illegible]

[illegible] با امام جماعت [illegible] بر ایشان [illegible] نظام [illegible]
و هیچ [illegible] مقبول باشد [illegible] نماز جمعه [illegible]
[illegible]

بر ابرار این باید و فضل جانب راست هر صف بر جانب چپ مثل فضل جماعت است بر انفراد **فصل دوم** در ذکر نوافل و شب و فضایل این شب خیلی [illegible]
ظهر [illegible] آنکه خدای [illegible] در هر [illegible] عبادت بنده [illegible] ثلث اقبول [illegible] حضرت [illegible] در شبانروزی
شبی و چهار رکعت نماز سنت [illegible] دو برابر فرایض [illegible] فرایض [illegible] نوافل تمام [illegible]
و عذری [illegible] فریضه [illegible] نماز شب [illegible] گناهان [illegible] روز [illegible] موجب [illegible]
شود [illegible] نماز شب [illegible] نماز شب موجب رضای خدا [illegible]
و هر کس [illegible] عبادت [illegible] رضای خدا [illegible] که حسنات [illegible]
و [illegible] شب [illegible] عبادت [illegible] خدا [illegible] دعا [illegible] اجابت [illegible]
دهند و اگر [illegible] شبی عبادت کند خدای [illegible] صادق [illegible]
و [illegible] شب عبادت کند و [illegible] شب [illegible]
از [illegible] شبی عبادت کند [illegible] گناهان [illegible]
با ابراهیم خلیل [illegible] شبی عبادت [illegible] حساب [illegible] بهشت شود و اگر
[illegible] شبی عبادت [illegible] شبی عبادت کند [illegible]
برابر تمام [illegible] اسماعیل [illegible] شبی عبادت کند [illegible]
[illegible] حسنات [illegible] عبادت کند [illegible] ثواب [illegible]
[illegible] گناهان [illegible] روزی [illegible] حسنات [illegible]
[illegible] دوزخ [illegible]
و خدای [illegible] بنده [illegible] در جنت [illegible]
دهند [illegible] [illegible]
[illegible] آسمان [illegible]
و وضوی کامل [illegible] صادق [illegible] نماز [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] خدای [illegible]
آسمان [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] بعد از نماز شام [illegible]
دو رکعت نافله [illegible] نافله [illegible]

[illegible] خدا را خوش آید و مباهات کند [illegible] بنده [illegible] ملائکه [illegible] عبادت [illegible] فرض کرده ام [illegible] قضا [illegible]
[illegible] و هرکس [illegible] نافلهٔ شب [illegible] اهتمام [illegible]
نوافل [illegible] و چهار رکعت است دو رکعت نافلهٔ صبح و هشت رکعت نافلهٔ ظهر و هشت رکعت نافلهٔ عصر و [illegible]
و چهار رکعت نافلهٔ شام و دو رکعت نشسته [illegible] یک رکعت ایستاده حساب شود و ایستاده افضل [illegible] ایستاده [illegible]
دو رکعت [illegible] و [illegible] هشت رکعت نافلهٔ شب و سه رکعت [illegible] دو رکعت را شفع و یک رکعت [illegible]
[illegible] نوافل [illegible] ایستاده [illegible] رکوع و سجود [illegible]
[illegible] نشسته [illegible] ایستاده [illegible]
[illegible] ایستاده [illegible] فضیلت ایستاده [illegible] **فصل سیم** در اوقات نمازها و فضایل آن و احکام [illegible]
[illegible] وقت [illegible] نماز [illegible] وقت اول افضل است از وقت دوم [illegible]
[illegible] رضای خدا [illegible] عفو [illegible]
[illegible] تأخیر [illegible]
[illegible] وقت [illegible] آسمان [illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible] آسمان [illegible] دعا مستجاب [illegible] صبح [illegible]
[illegible] آسمان [illegible] نماز صبح [illegible]
دو [illegible] تأخیر نماز صبح [illegible] تأخیر نماز عصر [illegible]
[illegible] تأخیر [illegible] نماز شام [illegible] تأخیر [illegible] فضیلت [illegible]
[illegible] نماز [illegible] تأخیر [illegible] نصف شب [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] نماز صبح از طلوع صبح صادق [illegible]
[illegible] چهار رکعت [illegible] تأخیر [illegible]
تا غروب آفتاب و وقت اول نماز شام [illegible] نصف [illegible]
[illegible] نصف شب [illegible] نمازها [illegible] وقت [illegible]
[illegible] نوافل شب از نصف شب است تا طلوع صبح صادق [illegible] افضل است [illegible] صبح [illegible]
صبح [illegible] طلوع [illegible] نوافل [illegible] عصر [illegible]

چهار رکعت سلام نماید و چون نوافل شام [illegible] اگر [illegible] مغرب [illegible] شود [illegible] چهار رکعت نوافل ظهر و عصر [illegible] صحیح [illegible] کتب
پیش از ظهر بگذارد [illegible] تا [illegible] چون آفتاب [illegible] شود شش رکعت [illegible] وقت چاشت شش رکعت [illegible] بعد از ظهر شش رکعت
و وقت زوال دو رکعت و [illegible] بگذارد [illegible] نوافل [illegible] ابتدا [illegible] و
قضا کند [illegible] نوافل ظهر و عصر [illegible] وقت [illegible] بگذارد [illegible] وقت نماز شب [illegible]
صبح [illegible] نماز شفع و وتر بگذارد [illegible] صبح طلوع کرده [illegible] نماز شب بگذارد [illegible] طلوع کرد [illegible] نماز
شب [illegible] قضا کند و اگر چهار رکعت از نماز شب گذارده [illegible] صبح طلوع کند [illegible] تمام کند و افضل آنست که [illegible]
بگذارد و وتر را قضا کند [illegible] وقت [illegible] وقت ظهر و عصر و نوافل آن [illegible] چون [illegible] است [illegible]
[illegible] کند [illegible] سبع قسمت نماید [illegible] کند [illegible] آفتاب [illegible] طلوع
کند [illegible] وقت ظهر [illegible] نماز [illegible] کند [illegible]
شروع در نماز [illegible] ظهر و نوافل [illegible] بگذارد [illegible] چهار رکعت
و [illegible] عصر و نوافل [illegible] حساب [illegible] فصل چهارم در فضایل مسجد و آداب آن نقلست
[illegible] روایتست که [illegible] مسجد جامع [illegible] نماز در مسجد [illegible] باشد [illegible] نماز در مسجد [illegible]
کسی [illegible] مسجد رود [illegible] قدم [illegible] زمین هفتم [illegible] تسبیح کند [illegible] مسجد [illegible]
پاک [illegible] و [illegible] مسجد [illegible] خدای تعالی [illegible] عطا فرماید [illegible]
[illegible] رحمت [illegible] گناهی [illegible]
گناهی [illegible] اهل مساجد [illegible] بیرون
بیرون آید [illegible] در مسجد [illegible] بیرون رود [illegible] باشد [illegible] جمع داشته
[illegible] مساجد [illegible] خانها [illegible] افضل [illegible] افضل
[illegible] بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین والذی
هو یطعمنی و یسقین و اذا مرضت فهو یشفین والذی یمیتنی ثم یحیین والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین
رب هب لی حکما و الحقنی بالصالحین واجعل لی لسان صدق فی الآخرین واجعلنی من ورثة جنة النعیم واغفر
لابی [illegible] خدای تعالی [illegible] بهشت [illegible] گناهان [illegible]
[illegible] کرده [illegible]
[illegible] عطا فرماید [illegible] درجت [illegible]
گناهان [illegible] مسجد [illegible] نجاست [illegible]

پس بگذارد و بگوید بسم الله و بالله و من الله و الی الله و خیر الاسماء کلها لله توکلت علی الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم صل علی
محمد و آل محمد و افتح لی ابواب رحمتک و توبتک و اغلق عنی ابواب معصیتک واجعلنی من زوار بیتک و عمار مساجدک و ممن یناجیک
فی اللیل والنهار ربنا اللهم [illegible] خاشعون و ادحر عنی الشیطان الرجیم و جنود ابلیس اجمعین و چون داخل مسجد شود بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و الله اکبر کبیرا والحمد لله کثیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله [illegible] داخل شود [illegible] مسجد [illegible]
[illegible] مسجد [illegible] بعد [illegible] مسجد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مسجد [illegible] صلی الله علیه
[illegible] مسجد [illegible]
[illegible] مسجد [illegible]
[illegible] مسجد [illegible]
[illegible]
[illegible] مسجد [illegible] اللهم دعوتنی فاجبت دعوتک و صلیت مکتوبتک و انتشرت
[illegible] کما امرتنی فاسألک من فضلک العمل بطاعتک واجتناب سخطک والکفاف من الرزق برحمتک [illegible]
فصل پنجم
چون [illegible] بگوید اللهم اغفر لی و افتح لی ابواب فضلک
در کیفیت [illegible] و فضایل [illegible] و اقامت و احکام [illegible] نمازی [illegible]
بگوید الحمد لله نور السموات والارض [illegible] و انت الحق و وعدک الحق [illegible]
وانا [illegible] اللهم لک اسلمت و بک آمنت و علیک توکلت و الیک انبت و بک خاصمت و الیک حاکمت فاغفر لی ما قدمت
و ما اخرت و ما اسررت و ما اعلنت انت الهی لا اله الا انت [illegible] اللهم انی اتقدم
الیک بمحمد صلی الله علیه و آله [illegible] فاجعلنی بهم وجیها عندک فی الدنیا والآخرة ومن المقربین
واجعل صلاتی بهم مقبولة و ذنبی بهم مغفورا و دعائی بهم مستجابا انک انت الغفور الرحیم [illegible]
اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة و آله [illegible] فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا والآخرة ومن المقربین
اللهم ارحمنی بهم ولا تعذبنی بهم واهدنی بهم ولا تضلنی بهم [illegible] فی الدنیا والآخرة
انک علی کل شیء قدیر [illegible] اللهم الیک توجهت و مرضاتک طلبت [illegible] و بک آمنت و علیک توکلت

٢٤

اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح مسامع قلبي لذكرك وثبتني على دينك ودين نبيك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك
رحمة انك انت الوهاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اشهد ان لا اله الا الله [illegible]
[illegible] اشهد ان محمدا رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

٢٥

[illegible]
[illegible]
[illegible]
اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **فصل سيم** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] الذي فطر السموات والارض [illegible]
وما انا من المشركين ان صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين
[illegible]
[illegible] اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

آنچه جمعه و منافقین و در نماز عصر آن جمعه و قل هو الله و در روایتست هر که این فضل و ثواب بخواهد بخواند که بجای آن [illegible]
بخواند همان ثواب داشته باشد و واجبست در هر دو رکعت نماز جمعه و ظهر آن سورهٔ جمعه و منافقین باید بخواند که افضلست و بعضی از مشایخ رحمهم الله
واجب دانسته اند و اگر هیچ نماز بگذارد که قل هو الله نخواند فرشته ندا کند و گوید ای بندهٔ خدای تو از جملهٔ نماز کنندگان نیستی و در دادن
در رکعت اول نماز شام و خفتن و نماز صبح را بلند قراءة نماید و همچنین نماز جمعه و در رکعت اول نماز جمعه [illegible] و باقی رکعتها
نمازها را آهسته و اگر عمداً نماز جهری را اخفا و یا اخفاتی را جهر کند باطل باشد و اعاده باید کرد و حد آهستگی آنست که خود بشنود و کمال جهر
آنست که بلند بخواند [illegible] و چون نمازهای جهری [illegible]
آنکه [illegible] انا اکبر و [illegible] بست شود چون نماز تمام شود [illegible]
سوره [illegible] تکبیر بگوید و دست [illegible]
[illegible] گردن [illegible] آنکه قراءة [illegible]
[illegible] یا لا اله الا [illegible]
و اعضا [illegible] سبحان ربی العظیم و بحمده و ذکر تسبیح رکوع و سجود [illegible] بگوید [illegible]
[illegible] افضلست [illegible]
رکوع تمام [illegible]
سمع الله لمن حمده الحمد لله رب العالمین اهل الجبروت و الکبریاء و العظمة لله رب العالمین [illegible]
[illegible]
[illegible] سجده [illegible]
و اعضا [illegible] سجده [illegible]
و [illegible] و مستحب [illegible]
و [illegible] سجده [illegible] سبحان
ربی الاعلی و بحمده [illegible] سجده [illegible]
و مستحب [illegible] سجده [illegible]
[illegible]
بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه [illegible] سجده [illegible]
[illegible] سجده [illegible] بحول الله و قوته
اقوم و اقعد [illegible] بحول الله و قوته اقوم و اقعد [illegible] سجده [illegible]

و تکبیر بگوید و دستها بردارد [illegible] بخواند [illegible] افضل آنکه [illegible] سبحان الله بگوید [illegible]
[illegible] و افضل [illegible] کلمات فرج [illegible] لا اله الا
الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش
العظیم و الحمد لله رب العالمین [illegible]
[illegible] اللهم انی اسألک [illegible]
الیقین و العفو و المعافاة و الرحمة و المغفرة و العافیة فی الدنیا و الآخرة [illegible] اللهم [illegible]
[illegible] فانت ثقتی و رجائی یا اجود من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و مسکنتی و قلة حیلتی و امنن علی بالجنة
و فک رقبتی من النار و عافنی فی نفسی و فی جمیع امری برحمتک یا ارحم الراحمین [illegible]
[illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد [illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد [illegible]
ربنا لا تجعلنا [illegible] ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب
[illegible] اللهم [illegible] فلک الحمد
[illegible] الکریم [illegible]
[illegible] و یکشف الضر و یشفی السقیم و ینجی من الکرب العظیم [illegible]
[illegible]
ربنا اغفر لنا و ارحمنا و افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین اللهم انا نشکو الیک غیبة نبینا [illegible]
[illegible]
الحق رب العالمین [illegible]
[illegible] اللهم اصلح عبدک و خلیفتک [illegible]
[illegible]
سلطانا و [illegible] انک علی کل شیء قدیر [illegible]
[illegible]
[illegible] لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا
عبده و رسوله [illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل
[illegible]
اقوم و اقعد [illegible]

ع

اما از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه مرویست که قرائة الحمد در این دو رکعت از تسبیح افضل است [illegible] بیاید [illegible] نیکو کند پس
بنابر این حدیث احتیاط آنست که بضرورت تسبیح اختیار نکند و چون بخواهد سلام بگوید بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته
السلام علی جمیع انبیاء الله و رسله السلام علی جبرئیل و میکائیل و الملائکة المقربین السلام علی محمد بن عبد الله خاتم النبیین لا نبی
بعده السلام علی الائمة الهادین المهدیین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و سلامی که نماز بآن تمام میشود سلام آخرست [illegible]
باشد و چون تنها باشد [illegible] منفرد [illegible] رو بقبله [illegible] اشاره [illegible] مستحب است [illegible]
بعد از سلام نماز خطاب بماموین کند و بگوید السلام علیکم و رحمة الله و برکاته و ماموم بعد از سلام نماز [illegible] سلام بگوید جانب امام [illegible]
[illegible] **فصل هفتم** در اشاره باسرار [illegible]
اعمال نماز و ذکر بعضی آداب و افعال آن از ائمه اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مرویست که بهترین جامهای [illegible] لباسها
برای مؤمنان لباس تقوی و پرهیزکاریست [illegible] حرام [illegible] لباس تقوی و ظاهر [illegible]
بدن و اعضا و عیوب و قبایح آن [illegible] پوشیده شود [illegible] تقوی [illegible] باطن [illegible]
[illegible] باطل [illegible] ظاهر [illegible] پوشیده [illegible]
از [illegible] باطن [illegible] آدم [illegible]
باید [illegible] استراحت نماید [illegible] چون [illegible] انتهای آن [illegible]
عمر [illegible] بعبادت [illegible]
باقی نماید [illegible] شکر [illegible] الذکر [illegible]
و [illegible] طهور [illegible] و نجاسات [illegible]
ذنوب و سیئات [illegible] نجاسات ظاهر [illegible] وضو [illegible]
[illegible] اعضای ظاهر [illegible] تسبیح [illegible]
[illegible]
و [illegible] حدیث [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] نجاست [illegible] شیطان و محبت دنیا [illegible] خشوع و انابت و خضوع [illegible]
متوجه قبله شوی [illegible] اعمال [illegible]
[illegible] باید [illegible] خدا [illegible]
[illegible] خضوع و خشوع [illegible] خدا [illegible]
[illegible]

او چنان باشد که ضعیفی پیش بنده [illegible] پادشاهی [illegible] نماز [illegible]
[illegible] انگشتان [illegible] نماز [illegible]
[illegible] شیطانست [illegible] نماز [illegible] تکبیر [illegible]
و عظمت خدا [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] انگشتان [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
خدای [illegible]
که [illegible] نماز [illegible] اطراف [illegible] خدا [illegible]
[illegible] الاکرمین [illegible] الاجودین [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
[illegible] نماز [illegible] رکعت نماز [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
[illegible] رکوع [illegible] خدای [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
[illegible] رکوع ادبست [illegible] سجود [illegible]
خدا [illegible] خاک [illegible] سجده [illegible]
[illegible] خاک [illegible] سجود [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] سجود [illegible]
[illegible] خدا [illegible] قنوت [illegible]
[illegible] دعا [illegible]
خدا [illegible] دعا [illegible] مستجاب [illegible]

والطمأنینه خود تجدید بدی سازی وجود صلوة بر پیغمبر و آل او فرستد ایشان را شفیع خویش گرداند چنانکه بزبان اقرار میکند دل او نیز با زبان موافق دارد
و از آنچه میگوید غافل نباشد تا مانند قومی نباشد که [illegible] ذکر [illegible] فضایل [illegible]
آورده‌اند که حضرت امام همام حسن بن علی العسکری [illegible] حضرت پیغمبر [illegible] صلوات [illegible]
[illegible]
[illegible] کلام [illegible]
[illegible] الله اکبر [illegible]
[illegible]
[illegible] صلوة [illegible]
[illegible] صلوات الله علیهم [illegible]
و در صلوات بر ایشان [illegible] فصل در فضایل تعقیب و کیفیت آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام روایت کرده‌اند که بعد از
فریضه [illegible] تعقیب [illegible] آفتاب
[illegible] تعقیب [illegible]
افضل است از [illegible]

آمرزیده

بعد از فریضه [illegible] تعقیب [illegible] از نافله [illegible] افضل
در فضیلت [illegible] وقت تعقیب

آمرزیده شود و چنان باشد که [illegible]
آمرزیده شود و ثواب حجی داشته باشد و اگر بعد از نماز شام تعقیب [illegible]
چهار رکعت [illegible] تعقیب [illegible]
[illegible] فضایل تعقیب [illegible]
[illegible] الله اکبر [illegible] لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر عبده
واعز جنده وهزم الاحزاب وحده فله الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر [illegible]
[illegible] لا اله الا الله [illegible]
[illegible]
[illegible] استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام واتوب الیه [illegible]
و اگر [illegible] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له [illegible] احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا
[illegible]
الکریم [illegible] الدنیا والآخرة ومن شر الاوجاع [illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
[illegible] لا اله الا هو [illegible] آیة الکرسی [illegible] اللهم مالک الملک [illegible]
[illegible]

تا که خدای تعالی ... [illegible] ... جمیع ... کناهان ... [illegible]
قل هو الله احد بخواند و بعد از آن دست برداشته بگوید اللهم انی اسئلك باسمك المكنون المخزون الطاهر المطهر ... [illegible] ... واسئلك باسمك
العظیم و سلطانك القدیم ان تصلی علی محمد و آل محمد یا واهب العطایا یا مطلق الاساری یا فكاك الرقاب من النار اسئلك ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تعتق رقبتی من النار و تخرجنی من الدنیا سالما و تدخلنی الجنة آمنا و ان تجعل دعائی اوله فلاحا و اوسطه
نجاحا و آخره صلاحا انك انت علام الغیوب ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

بجهة زنی که بچه اش نماند هفت خانه آرد کنند ... [illegible]

۱۱۱۱۹۱۱۱۶۱۲۴۲۹۹۹۹۹۹۲۹ اسم فلان بن فلان

بجهة زنی که طفل او نماند

احد	حی	خبیر
لطیف	بصیر	کبیر
قدیر	واحد	باری

بجهة زیاد شدن شیر زنان اکرم ...

۶	۵	۵	۳	۴
۵	۴	۴	۳	۶
۶	۵	۴	۳	۳
۵	۵	۳	۲	۴

یا ما اند وضو کرده نشسته تغیر دهد صد مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم صد [illegible] اول [illegible] شود [illegible]
[illegible] شیطان و سلطان بار [illegible] مرتبه بگوید هفتاد بار [illegible] شود [illegible] آنچه [illegible] بار [illegible] اند
[illegible] شود و گر بعد از نماز صبح بگوید باسم اعظم [illegible] بار [illegible] چشم [illegible] و اسم اعظم در آن داخل بار و گر بعد از نماز صبح
پیش از آنکه [illegible] کسی [illegible] ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما اللهم صل علی محمد
و آل محمد [illegible] خدا [illegible] حاجت [illegible] هفتاد [illegible] و گر بعد از نماز صبح [illegible] بگوید اللهم انی اسئلک بحق محمد و آل محمد علیک
صل علی محمد و آل محمد و اجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر
لک ابدا ما ابقیتنی [illegible] چشم [illegible] بار [illegible] و گر بعد از نماز صبح [illegible] بگوید اللهم اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک
و رسلک علی محمد و آل محمد [illegible] بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم [illegible]
حضرت صاحب الزمان [illegible] و گر بعد از نماز صبح پیش از آنکه [illegible] بگوید [illegible] صل علی محمد و اهل بیته [illegible]
و گر بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible] و گر بعد از نماز صبح [illegible] حاجت [illegible] بسم الله و صلی الله علی محمد و آله
و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد [illegible] لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه
من الغم و کذلک ننجی المؤمنین حسبنا الله و نعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله و ان کره الناس حسبی الرب من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق
من المرزوقین حسبی الذی لم یزل حسبی حسبی من کان مذ کنت حسبی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم و هر که
بعد از نماز عصر بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم ذو الجلال و الاکرام و اسئله ان یتوب علی توبة عبد
ذلیل خاضع فقیر بائس مسکین مستجیر لا یملک لنفسه نفعا و لا ضرا و لا موتا و لا حیوة و لا نشورا [illegible]
[illegible] بار [illegible] و گر بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفر الله [illegible] گناه [illegible]
[illegible] شود [illegible] گناه [illegible]
و هر که بعد از نماز عصر ده مرتبه انا انزلناه [illegible] حسنات [illegible] اعمال [illegible]
[illegible] و [illegible] خدا [illegible] بهشت [illegible]
[illegible] و گر بعد از نماز [illegible] بگوید اللهم ما اخذت
فی جمعتی هذه من قول او خلاف فیما بین خلقا [illegible] بکند [illegible]
[illegible] اللهم اغفر لی و تجاوز عنی اللهم ما صلیت علیه من صلوة فصلاتی علیه [illegible]
بعد از عصر روز جمعه هفت مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک و السلام

علیه و علیهم و رحمة الله و برکاته [illegible] صد [illegible] حسنه [illegible] صد [illegible] صد هزار [illegible] کند از وصیت
حاجتش بر آورده [illegible] و حسنه بار [illegible] مرتبه بگوید [illegible] بار [illegible] چشم [illegible]
و چون از نماز فارغ شود [illegible] سجده شکر کرده [illegible] تمام شود [illegible] خدا بار [illegible] آنکه [illegible] خدای
[illegible] بار [illegible] سجده میکند [illegible] داده
آنچه [illegible] بار [illegible] رحمت [illegible] فرماید [illegible] سئوال کند [illegible]
کرده [illegible] هیچ [illegible] شود [illegible] خدا [illegible] علم [illegible] فرماید [illegible]
[illegible] بکند [illegible] خدای [illegible] بعضی [illegible] گفت [illegible]
[illegible] کلام خود [illegible] گفت خدا [illegible] تواضع [illegible]
[illegible] سجده شکر [illegible] سجده
صد مرتبه بگوید شکرا للمجیب و چون صد مرتبه تمام شود بگوید یا ذا المن الذی لا ینقطع ابدا و لا یحصیه غیره و یا ذا المعروف الذی
لا ینفد ابدا یا کریم یا کریم [illegible] بگوید اللهم ان کنت عصیتک فانی قد اطعتک فی احب الاشیاء الیک و هو الایمان بک
لم اتخذ لک ولدا و لم ادع لک شریکا منا منک به علی لا منا منی به علیک [illegible] یا کریم صل علی محمد و اهل بیته و صل بجمیع ما سألتک من فی مشارق الارض
و مغاربها من المؤمنین و المؤمنات و ابدأ بهم و ثن بی برحمتک و چون [illegible] است [illegible] بگوید اللهم لا تسلبنی
ما انعمت به علی من ولایتک و ولایة محمد و آل محمد علیهم السلام [illegible] بگوید
سجده کند و سه مرتبه بگوید شکرا شکرا [illegible] سجده اول بگوید اسئلک بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله
الا کفیتنی مؤنة الدنیا و کل هول دون الجنة و چون [illegible] بگوید اسئلک بحق حبیبک محمد صلی الله
علیه و آله الا غفرت لی الکثیر من الذنوب و القلیل و قبلت من عملی الیسیر و چون [illegible] سجده کند بگوید
اسئلک بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله الا ادخلتنی الجنة و جعلتنی من سکانها و لما نجیتنی من
سفعات النار برحمتک [illegible] سجده شکر [illegible] شکرا لله شکرا لله [illegible] سجده [illegible] بگوید
بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب عنی الهم و الحزن [illegible]
بموضع سجده [illegible] جانب [illegible] بکشد [illegible]
بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین [illegible] خدای [illegible]

کیلها او [illegible] در فضایل اذکار ساعات شبانه روز و اوراد

صبح و شام و ذکر فضایل شبانه روز جمعه و ادعیه مخصوص با آن و بیان لیالی و ایام [illegible]
[illegible] ادم [illegible] عالم [illegible]

۷۶

خیر گوید و هر که ... تا روز قیامت ... چون از خواب ... بیدار شود دیگر ... باشد ... از ... علیهم السلام ... شیطان

لعنة الله ... طلوع صبح تا طلوع آفتاب ... ثواب ... دعا ... خواهد ... زمین ... بر ... آسمان ... در بیان

... که ... این ... کتاب ... از ... که ... بر او ... مطلب ...

و هم از ائمه علیهم السلام ... کتاب ... صبح ... بعد ... از ... کتاب ... نام ... به ... ثواب ...

ذکر ... ما ... این ... از ... زبان ایشان ... دعا ... ثواب ... صبح ... الاولیا

... الساعة ... اللهم صبّح ... اللهم ... علیه ... انک تنزل باللیل ... ما تشاء

فانزل علیّ وعلی اهل بیتی من برکات السموات والارض رزقاً حلالاً طیّباً تغنینی به عن جمیع خلقک و از جمله ادعیه مخصوصه بصبح

دعائیست عظیم الفضل ... حضرت امیر المؤمنین امام المتقین صلوات الله علیه اللهم یا من

دلع لسان الصباح بنطق تبلّجه وسرّح قطع اللیل المظلم بغیاهب تلجلجه واتقن صنع الفلک الدوّار فی مقادیر

دعای صباح از امیر المؤمنین علیه السلام

۷۷

والجبال بزنة عرشک ومداد کلماتک وما احصاه کتابک واحاط به علمک اللهم انی اجدّد له فی صبیحة یومی هذا وما عشت فی ایام حیاتی

عهداً وعقداً وبیعةً له فی عنقی لا احول عنها ولا ازول ابداً اللهم اجعلنی من انصاره واعوانه والذابّین عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین

لاوامره ونواهیه والسابقین الی ارادته والمجاهدین معه والمحامین عنه والمستشهدین بین یدیه اللهم فان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته علی

عبادک حتماً مقضیّاً فاخرجنی من قبری مؤتزراً کفنی شاهراً سیفی مجرّداً قناتی ملبّیاً دعوة الداعی فی الحاضر والبادی اللهم ارنی الطلعة الرشیدة

والغرّة الحمیدة واکحل ناظری بنظرة منی الیه وعجّل فرجه وسهّل مخرجه واوسع منهجه واسلک بی محجّته وانفذ امره واشدد ازره

واعمر اللهم به بلادک واحی به عبادک فانک قلت وقولک الحق ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس فاظهر اللهم لنا ولیّک

وابن بنت نبیّک المسمّی باسم رسولک صلی الله علیه وآله حتی لا یظفر بشیء من الباطل الا مزّقه ویحقّ الحقّ ویحقّقه

واجعله اللهم مفزعاً للمظلوم من عبادک وناصراً لمن لا یجد له ناصراً غیرک ومجدّداً لما عطّل من احکام کتابک ومشیّداً لما ورد

من اعلام دینک وسنن نبیّک محمد صلی الله علیه وآله واجعله اللهم ممن حصّنته من بأس المعتدین اللهم وسرّ نبیّک محمداً صلی الله علیه وآله

برؤیته ومن تبعه علی دعوته وارحم استکانتنا بعده اللهم اکشف هذه الغمّة عن هذه الامّة بحضوره وعجّل لنا ظهوره انّهم یرونه

بعیداً ونراه قریباً برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن سه مرتبه دست بر ران خود بزند و در هر مرتبه بگوید العجل العجل یا مولای یا صاحب الزمان

الغوث الغوث صلّی الله علیک انا منتظر لک حتی یمکّننی ... دولتک وسعادتک ویمنک وبرکاتک یا مولای العجل العجل

الساعة الساعة بعد از آن بسیار گریه کند ... یا صاحب الزمان الامان الامان الغوث الغوث ... ادرکنی ... یا ابن

الکرام الطاهرین المعصومین المکرمین انا اهل بیت طاهرین علیهم السلام ... هر کس ... از آدم تا حضرت خاتم صلی الله علیه وآله

وعلیهم وسلم ... این دعا ... بگوید اللهم انی اسئلک ایماناً تباشر به قلبی ویقیناً حتی اعلم انه لا یصیبنی الا

ما کتبت لی ورضّنی بما قسمت لی ... حتی لا احب تعجیل ما اخّرت ولا تأخیر ما عجّلت یا حیّ

یا قیّوم برحمتک استغیث اصلح لی شأنی کلّه ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابداً وصلی الله علی محمد وآله ... پیش از طلوع آفتاب بگوید

الله اکبر کبیراً وسبحان الله بکرة واصیلاً والحمد لله رب العالمین کثیراً لا شریک له وصلی الله علی محمد وآله ... در بیان ...

گذشت ... آسمان ... چون ... آسمان و دنیا ... دعا ... بگوید ...

کند و گناهان ... دعا ... ایشان ...

... اللهم صلّ علی محمد وآل محمد فی الاوّلین وصلّ علی محمد

وآل محمد فی الآخرین وصلّ علی محمد وآل محمد فی الملأ الاعلی وصلّ علی محمد وآل محمد فی المرسلین اللهم اعط محمداً الوسیلة والفضیلة والشرف

والرفعة والدرجة الکبیرة اللهم انی آمنت بمحمد صلی الله علیه وآله ولم اره فلا تحرمنی یوم القیامة رؤیته وارزقنی صحبته وتوفّنی علی ملّته واسقنی من

حوضه مشرباً رویّاً سائغاً هنیئاً لا اظمأ بعده ابداً انک علی کل شیء قدیر اللهم کما آمنت بمحمد صلی الله علیه وآله ولم اره فعرّفنی فی الجنان وجهه اللهم

بلّغ روح محمد عنی تحیّة کثیرة وسلاماً ... خطاهای ... دوستان ...

بجا یا بعمل آورد و آنرا هر روز [illegible] از حضرت محمد و آل محمد ... از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده
که هر که [illegible] طلوع و پیش از غروب آفتاب ده مرتبه بگوید این تهلیل لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت
وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير و بعد از آن ده مرتبه این استعاذه بگوید اعوذ بالله السميع العليم من همزات الشياطين واعوذ بك رب
ان يحضرون ان الله هو السميع العليم و اگر فراموش شود قضا کند [illegible] افضل آنست که [illegible] قضا کند
طلوع و غروب آفتاب [illegible] کند و [illegible] که پیش از طلوع و غروب آفتاب [illegible] فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون وله
الحمد في السماوات والارض وعشيا وحين تظهرون [illegible]
الحمد لله رب العالمين [illegible]
[illegible] بخواند و بعد از نماز صبح [illegible]
[illegible] اللهم انت ربي لا اله الا انت عليك توكلت وانت رب العرش العظيم
ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اعلم ان الله على كل شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما اللهم اني اعوذ
بك من شر نفسي ومن شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم [illegible]
[illegible] اللهم اصبحنا معتصمين [illegible]
[illegible] اللهم اني اصبحت استغفرك
في هذا الصباح وفي هذا اليوم لاهل رحمتك وابرأ اليك من اهل لعنتك اللهم اني اصبحت ابرأ اليك في هذا اليوم وفي هذا الصباح ممن نحن
بين ظهرانيهم من المشركين ومما كانوا يعبدون انهم كانوا قوم سوء فاسقين اللهم اجعل ما انزلت من السماء الى الارض في هذا الصباح وفي
هذا اليوم بركة على اوليائك وعقابا على اعدائك اللهم وال من والاك وعاد من عاداك اللهم اختم لي بالامن والايمان كلما طلعت شمس
او غربت اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات اللهم انك
تعلم منقلبهم ومثواهم اللهم احفظ امام المسلمين بحفظ الايمان وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واجعل له ولنا من لدنك سلطانا نصيرا
اللهم العن فلانا وفلانا والفرق المختلفة على رسولك وولاة الامر بعده وعلى الائمة من بعده وشيعتهم واسألك الزيادة من
فضلك والاقرار بما جاء من عندك والتسليم لامرك والمحافظة على ما امرت به لا ابتغي به بدلا ولا اشتري به ثمنا قليلا اللهم اهدني
فيمن هديت وقني شر ما قضيت انك تقضي ولا يقضى عليك ولا يذل من واليت تباركت وتعاليت سبحانك رب البيت تقبل
مني دعائي وما تقربت به اليك من خير فضاعفه لي اضعافا كثيرة وآتنا من لدنك رحمة واجرا عظيما رب ما احسن ما ابليتني واعظم ما اعطيتني
واطول ما عافيتني واكثر ما سترت علي فلك الحمد يا الهي كثيرا طيبا مباركا عليه ملء السماوات وملء الارض ومثل ما شاء ربي وكما
يحب ربي ويرضى وكما ينبغي لوجه ربي ذي الجلال والاكرام [illegible] اصبحت [illegible]
[illegible] من النساء [illegible] الحمد لله الذي [illegible] ما الحسن ۳

بالنساء

تدبيرها فاحسنت تدبيرها وسخرتها بسلطان الليل وسلطان النهار والساعات وعدد السنين والحساب وجعلت
رؤيتها لجميع الناس مرأى واحدا واسألك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران في المقدسين فوق احساس الكروبيين فوق
غمائم النور فوق تابوت الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء وفي جبل حوريث في الوادي المقدس في البقعة المباركة من جانب الطور الايمن من
الشجرة وفي ارض مصر بتسع آيات بينات ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر سوف وعقدت
ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت ببني اسرائيل البحر وتمت كلمتك الحسنى عليهم بما صبروا واورثتهم مشارق الارض ومغاربها
التي باركت فيها للعالمين واغرقت فرعون وجنوده ومراكبه في اليم وباسمك العظيم الاعظم الاعز الاجل الاكرم وبمجدك الذي تجليت
به لموسى كليمك عليه السلام في طور سيناء ولابراهيم خليلك عليه السلام من قبل في مسجد الخيف ولاسحاق صفيك عليه السلام في بئر شيع
وليعقوب نبيك عليه السلام في بيت ايل واوفيت لابراهيم عليه السلام بميثاقك ولاسحاق عليه السلام بحلفك وليعقوب عليه السلام بشهادتك
وللمؤمنين بوعدك وللداعين باسمائك فاجبت وبمجدك الذي ظهر لموسى بن عمران على قبة الرمان وبآياتك التي
وقعت على ارض مصر بمجد العزة والغلبة بآيات عزيزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشأن الكلمة التامة وبكلماتك التي تفضلت بها على اهل
السماوات والارض واهل الدنيا والآخرة وبرحمتك التي مننت بها على جميع خلقك وباستطاعتك التي اقمت بها على العالمين وبنورك الذي نفضلت ۳
قد خر من فزعه طور سيناء وبعلمك وجلالك وكبريائك وعزتك وجبروتك التي لم تستقلها الارض وانخفضت لها السماوات وانزجر
لها العمق الاكبر وركدت لها البحار والانهار وخضعت لها الجبال وسكنت لها الارض بمناكبها واستسلمت لها الخلائق كلها وخفقت
لها الرياح في جريانها وخمدت لها النيران في اوطانها وبسلطانك الذي عرفت لك به الغلبة دهر الدهور وحمدت به في السماوات
والارضين وبكلمتك كلمة الصدق التي سبقت لابينا آدم وذريته بالرحمة واسألك بكلمتك التي غلبت كل شيء وبنور وجهك الذي
تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى صعقا وبمجدك الذي ظهر على طور سيناء فكلمت به عبدك ورسولك موسى بن عمران وبطلعتك في ساعير
وظهورك في جبل فاران بربوات المقدسين وجنود الملائكة الصافين وخشوع الملائكة المسبحين وببركاتك التي باركت فيها على ابراهيم
خليلك في امة محمد صلى الله عليه وآله وباركت لاسحاق صفيك في امة عيسى عليهما السلام وباركت ليعقوب اسرائيلك في امة موسى عليهما السلام
وباركت لحبيبك محمد صلى الله عليه وآله في عترته وذريته وامته اللهم وكما غبنا عن ذلك ولم نشهده وآمنا به ولم نره صدقا
وعدلا ان تصلي على محمد وآل محمد وان تبارك على محمد وآل محمد وترحم على محمد وآل محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت على ابراهيم وآل
ابراهيم انك حميد مجيد فعال لما تريد وانت على كل شيء قدير و هر حاجت که دارد بخواهد و بعد از آن بگوید يا الله يا حنان يا منان يا بديع تمجيد ۳
السماوات والارض يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم الراحمين اللهم اني اسألك بحق هذا الدعاء وبما فات منه من الاسماء بما يشتمل عليه
من التفسير والتدبير الذي لا يحيط به الا انت ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعجل فرجهم في عافية [illegible] اعداءهم في الدنيا والآخرة
وان [illegible] ما [illegible] وتصرف عني [illegible] انك على كل شيء قدير وانت
الكريم الاكرمين **فصل دوم** در نوافل جمعه بر سبیل تفصیل و بیان ذکر و آداب و ادعیه متعلق بآن [illegible]

كذا فى تاليف نوافل بهفت تكبير وادعيه آن درست موضع است با بيتوته در ليالى قدر [illegible] ونوافل شب [illegible] فرض [illegible]
اما افضل اينست كه در ركعت اول [illegible] شود در هر ركعتى الحمد الكافرون [illegible] بالحكم النكاح [illegible]
كه [illegible] اول نوافل [illegible] در ركعت [illegible] انا انزلناه [illegible] بذات الصدور [illegible]
و در ركعت دوم [illegible] سورة الملك [illegible] قل هو الله احد [illegible] قل يا ايها الكافرون [illegible]
در ركعت اول نوافل شب [illegible] قل هو الله [illegible] در ركعت [illegible]
[illegible] قل هو الله [illegible] در هر ركعتى [illegible]
[illegible]
[illegible] امام رضا [illegible] قل هو الله [illegible]
بعد [illegible] قل يا ايها الكافرون [illegible] قل هو الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
اللهم انى ضعيف فقوّ فى رضاك ضعفى وخذ الى الخير بناصيتى واجعل الايمان منتهى رضائى عابر [illegible]
واجعل لى ودا [illegible] المؤمنين [illegible] اللهم انى اسألك
بوجهك الكريم واسمك العظيم ان تصلى على محمد وال محمد وان تغفر لى الذنب العظيم [illegible]
اللهم انى اسألك [illegible] انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين [illegible]
[illegible] يجيب دعوة المضطرين وارحم الراحمين اسألك بافضل [illegible] واعظمها [illegible]
واسألك العليا [illegible] اسمائك [illegible]
لديك [illegible] الاكرم [illegible] دعاك [illegible]
دعاك [illegible] فى التورية والانجيل والزبور والقرآن العظيم وبكل اسم دعاك [illegible]
حملة عرشك وملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك من خلقك ان تصلى على محمد وال محمد وان تعجل [illegible]

[illegible] من اصحابه وانصاره ورزقنا بهم رضاك [illegible] اللهم انى اسألك [illegible]
[illegible] مثل الابل [illegible]
[illegible]
وفى [illegible] ان تصلى على محمد وال محمد [illegible] من فضلك [illegible]
[illegible] يا من [illegible]
[illegible]
اليك [illegible] فضلك ومعروفك [illegible] على احد من خلقك [illegible] صل على محمد واهل بيته
الطيبين الطاهرين من الفاضلين [illegible] بفضلك ومعروفك وكرمك يا رب العالمين وصل على محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين
الذين اذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا انك حميد مجيد اللهم انى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى انك لا تخلف الميعاد
[illegible] لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلى العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن
وما بينهن ورب العرش العظيم اللهم انت الله نور السموات والارض وانت الله [illegible] السموات والارض وانت جمال السموات والارض وانت
عماد السموات والارض وانت الله قيوم السموات والارض وانت الله صريخ المستصرخين وانت الله غياث المستغيثين وانت الله المفرج عن
المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين وانت الله مجيب دعوة المضطرين وانت الله اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله كاشف
السوء وانت الله بك تنزل كل حاجة [illegible] غضبك الا حلمك ولا ينجى من عذابك الا رحمتك ولا ينجى منك الا التضرع اليك
فهب لى [illegible] يا الهى رحمة [illegible] من سواك بالقدرة التى بها احييت جميع ما فى البلاد [illegible] العباد
ولا تهلكنى [illegible] حتى تغفر لى وترحمنى وتعرفنى الاستجابة فى دعائى [illegible] العافية الى منتهى اجلى [illegible] عثرتى ولا تشمت
بى عدوى ولا تمكنه من رقبتى اللهم انك ان تضعنى فمن ذا الذى يرفعنى وان ترفعنى فمن ذا الذى يضعنى [illegible]
[illegible] فى حكمك ظلم ولا فى نقمتك عجلة انما يعجل من يخاف الفوت
وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك يا الهى فلا تجعلنى للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلنى ونفسنى واقلنى عثرتى
ولا تبتلينى ببلاء على اثر بلاء فقد ترى ضعفى وقلة حيلتى وتضرعى اليك [illegible]
[illegible] وجهت وجهى للذى فطر السموات والارض حنيفا مسلما وما انا من المشركين ان صلاتى ونسكى
ومحياى ومماتى لله رب العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا من المسلمين اللهم صل على محمد وال محمد [illegible]
[illegible] اللهم عذب كفرة اهل الكتاب وجميع المشركين ومن ضارعهم من المنافقين
[illegible] اللهم العن [illegible] القادة والاتباع
من الاولين والآخرين الذين صدوا عن سبيلك اللهم انزل بهم بأسك ونقمتك [illegible]

٨٢

كتابك وخيرتك ... اللهم العنهم ... واحشرهم واتباعهم الى جهنم ... اللهم صل على محمد عبدك

ورسولك بافضل صلواتك وعلى ائمة الهدى الراشدين المهديين بعد از آن ... دعا كند ...

[illegible]

٨٣

[illegible]

در بیان رخت بریدن

یک شنبه — غم باو رسد
دو شنبه — مبارک باشد
سه شنبه — بسوزد
چهار شنبه — روزی فراخ شود
پنج شنبه — علم و فضل ...
جمعه — ...

در بیان رخت پوشیدن

جمعه — مبارک باشد
شنبه — البته بسوزد
یک شنبه — دولت یابد
دو شنبه — ...
سه شنبه و چهار شنبه — متصل بپوشد ...
پنج شنبه

در بیماری ... شود

در بیان ناخن چیدن

شنبه — ...
یک شنبه — فقیر گردد
دو شنبه — حافظ و قاری گردد
سه شنبه — ...
چهار شنبه — ...
پنج شنبه — ...

جمعه — ...

در بیان سر تراشیدن

شنبه — ...
یک شنبه — ...
دو شنبه — البته ... گردد
سه شنبه — ...
چهار شنبه — ...
پنج شنبه — ...

جمعه — از گناهان پاک شود

... بسم الله الرحمن الرحیم اولم یر الانسان انا خلقناه من نطفة فاذا هو خصیم مبین

[illegible]

[illegible]

[illegible]

واجبات سجود چهارده است

اول سجده کردن بر اعضای سبعه است که آن جبهه و کفین و رکبتین و ابهامی الرجلین است دوم تمکین اعضا ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

واجبات رکوع شش است

[illegible]

[illegible]

العظیم الخالق الرازق المحیی الممیت المبدئ البدیع لك الکرم ولك المجد ولك المن ولك الجود وحدك لا شریك لك یا واحد یا احد یا صمد
یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة یا ارحم الراحمین یا غنی یا عفو یا ودود یا حلیم یا شکور انت ابی وامی
ابی وامی من النار اجمعین یا اکرم یا اجود اللهم انی صلیت هذه الصلاة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك ورجاء رفدك وجائزتك
وعظیم عفوك وقدیم غفرانك اللهم فصل علی محمد وآل محمد وتقبلها منی واجعل نائلك ومعروفك ورجاءك ما ارجو منك فکاك
رقبتی من النار والفوز بالجنة وما جمعت فیها من انواع النعیم ومن حشر العین ... بی منك العتق من النار وغفران ذنوبی وذنوب
والدی وما ولدا وجمیع اخوانی واخواتی المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات ولن تخیبه دعائی ورجائی
انك لا ترد من خاب خاسرا واقلبنی مفلحا منجحا مرحوما مستجابا دعائی مغفورا لی یا ارحم الراحمین یا عظیم یا عظیم یا حلیم ... الذنب
من عبدك فلیحسن العفو منك یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا فتاحا بالخیرات یا معطی السؤلات یا فکاك الرقاب
من النار صل علی محمد وآل محمد وفك رقبتی من النار واعطنی سؤلی واجب دعائی وارحم تضرعی ... ونداءی واقض حوائجی کلها التی
ادعوك بها ما ذکرتها وما لم اذکر واجعل لی فی ذلك الخیرة انك لا ترد من خاب خاسرا واقلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی دعائی مغفورا
لی مرحوما یا ارحم الراحمین یا محمد یا ابا القاسم یا رسول الله یا علی یا ابا الحسن یا امیر المؤمنین انا عبدکما ومولاکما غیر مستنکف ولا مستکبر
بل خاضع ذلیل عبد مقر متوسل الیکما معتصم من ذنوبی بولایتکما اتقرب الی الله تعالی بکما واتوسل الی الله بکما وانتما ...
حوائجی الی الله عز وجل فاشفعا لی فی فکاك رقبتی من النار وغفران ذنوبی واجابة دعائی اللهم فصل علی محمد وآله وتقبل دعائی
یا ارحم الراحمین **پنجم** نماز ... که ... پیغمبر ... هر مومن و مومنه ... این نماز ... بگذارد ... بهشت ...
و ... بخشیده شود ... گناهان ... و ... ونه ... و ... اول ... بکلام ...
بعد حمد قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه و در دوم قل اعوذ برب الناس هفت مرتبه و بعد از سلام هفت مرتبه آیة الکرسی ... بعد از آن هفت
بعد سلام ... نماز ... رکعت بعد از ... نصر الله ... و قل هو الله ... و ... تا از فارغ شود هفتاد
بگو سبحان الله رب السموات السبع ... الکریم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم **ششم** نماز ... و الله اکبر ... بعد از آن ... نماز
... در رکعت اول بعد از حمد آیه وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن
ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلك ننجی المؤمنین
و در رکعت دوم این آیه وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ... اللهم انی اسألك بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تجمع لی خیر الدنیا والآخرة ... بعد از ... حاجت ... بعد از آن بگوید اللهم
انت ولی نعمتی والقادر علی طلبتی وتعلم حاجتی فاسألك بحق محمد وعلی ... لما قضیتها لی ... حاجت
مستجاب شود **هفتم** نماز ... روایت ... پیغمبر ... نماز ... بعد از حمد ...
... در دوم قل هو الله احد پانزده مرتبه ... نماز ... بگذارد ...

... بگذارد در بهشت ... آنرا ... خدای تعالی **هشتم** هر کس میان نماز شام و خفتن
در شب پنجشنبه ... رکعت بعد از حمد آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله ... بحمد ... بعد از
نماز ... استغفار ... **نهم** روایت که هر کس وقتی خواب ... از
... عبادة ... شب ... که ... خدای تعالی ... از آن شب ...
که ... **دهم** هر که ... در بهشت ...
نماز ... هر رکعت ... قل هو الله ... خدای ... هیچ گناه ... نماز ... شود ...
هر که ... **فصل یازدهم** در فضائل قرائت و ثواب تلاوت آن
اهل بیت طاهرین علیهم السلام ... روز قیامت ... بصف ... قرآن ... بصف ... سلمین ...
... آنرا ... بعبادة ... فرشته ...
... مصیبت ... عظیم ...
... پیغمبر ... صلی الله علیه ...
بنده ... سلام ...
... خدای تعالی ...
... پس ...
... خدای ... سائم ...
... خدای ...
... امام ...
... پیغمبر ... خدای ...
... ایشان ... بهشت ...
... پیغمبر ... خدای ... ایشان ...
... ایشان ... قرآن ...
... ایشان ... قرآن ...
... هر حرفی ... حسنه ...
... حسنه ...
... هر حرفی ... حسنه ...

باید حسنه عطا فرماید و یک سیئه محو نماید و یک درجه بلند گرداند و چون قرآن ختم کند او را دعای مستجاب بود اگر ختم در روز واقع شود تا شب

[illegible]

جمعه

نوافل یومیه

للظهر

ثمان رکعة قبل الظهر رکعة اولی الحمد و قل هو الله رکعة ثانی قل یا ایها الکافرون

والعصر

ثمان قبل العصر حمد و هر سوره که خواهد

والمغرب

اربع بعد المغرب در دو رکعت اول بعد از حمد قل یا ایها الکافرون و رکعت ثانی قل هو الله و در دو رکعت ثانیه رکعت اول بعد از حمد سوره حدید تا علیم بذات الصدور و رکعت ثانی لو انزلنا هذا القرآن على جبل الى آخر سوره

والعشاء

رکعتین جالسا بعد العشاء رکعت اول اذا وقعت الواقعة

نماز شب

[illegible]

[illegible]

وچون حضرت پیغمبر سعد معاذ را [illegible]

[illegible]

غِشَاوَةً وَلَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَبُّرَ فِيهَا بَلِ اجْعَلْنِي أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَلَا تَجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَاءَتِي هَذَرًا
إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ وچون خواهد شروع در تلاوت کند [illegible] از شیطان [illegible] بگوید أَعُوذُ بِاللَّهِ
السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وچون بآیه سجده رسد [illegible] سجده کند [illegible] بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيمَانًا
وَتَصْدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا مُسْتَنْكِفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ [illegible]
[illegible] اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ قَرَأْتُ مَا قَضَيْتَ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ الصَّادِقِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِلُّ
حَلَالَهُ وَيُحَرِّمُ حَرَامَهُ وَيُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهِ وَمُتَشَابِهِهِ وَاجْعَلْهُ لِي أُنْسًا فِي قَبْرِي وَأُنْسًا فِي حَشْرِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تُرَقِّيهِ بِكُلِّ آيَةٍ قَرَأَهَا دَرَجَةً فِي أَعْلَى
عِلِّيِّينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وچون ختم کند [illegible] اللَّهُمَّ [illegible] **باب چهارم** در فضائل
دعا و احکام متعلق [illegible] **فصل اول** [illegible]

[illegible]

مخالفین و غافلین مثل منافقان و الضال بقتول شان باد و خدای تعالی قبول نمی‌کند [illegible] حکمت او قبول [illegible] بلکه نظر به دلش کند اگر به ایمان و یا دین کرد جمیع آنچه [illegible]

با دعا الکلام [illegible] کرده و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] بر آنست [illegible] از عاشر که عمل [illegible] مقبول نبود و اینست که عمل [illegible]

روایتست که وقتی در مدینه قحط شد [illegible] روز [illegible] گذشت [illegible] که گندم بود [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] ثواب باید وجوه [illegible] نیست [illegible] ذکر [illegible] مقام ذکر [illegible] نیست [illegible] باب [illegible] نماند [illegible]

بالابر [illegible] آن باشد [illegible] بیند [illegible] روی [illegible] و خوف [illegible] ذکر خدا [illegible] سبحان الله و الحمد لله [illegible]

[illegible] آنست که در [illegible] اعمال [illegible] ثواب [illegible] و ذکر [illegible] احادیث بسیار است [illegible]

[illegible] و بعضی [illegible] انشاء الله [illegible] افضل [illegible] آنست که ذکر [illegible] با جمیع شود [illegible]

[illegible] و هرگز [illegible] عبد الله [illegible] اکبر [illegible]

[illegible] روز [illegible] گردان [illegible] نماید [illegible] احادیث [illegible]

آن مذکور شد در غایت وضوح است و تحقیق **فصل دوم** در فضایل بعضی اذکار مخصوص روایتست از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم [illegible]

[illegible] داشتند [illegible] الله [illegible] صدقه [illegible] و الله اکبر [illegible] افضل

[illegible] سبحان الله [illegible] و الحمد لله [illegible] لا اله الا الله [illegible] افضل [illegible]

و [illegible] لا اله الا الله [illegible] افضل از جمیع [illegible] حضرت رسول [illegible]

[illegible] بهشت [illegible] الله [illegible] بهشت [illegible] آتش [illegible]

[illegible] سبحان الله [illegible] الحمد لله [illegible] لا اله الا الله [illegible] الله اکبر

[illegible] الله اکبر [illegible] لا اله الا الله [illegible] سبحان الله [illegible]

[illegible] و الله اکبر [illegible] لا اله الا الله [illegible] بهشت [illegible]

[illegible] آسمان [illegible]

[illegible] سبحان الله

و [illegible] سبحان الله العظیم و بحمده [illegible]

[illegible] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له [illegible] احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا [illegible]

[illegible] باشد [illegible] شیطان [illegible]

[illegible] بهشت [illegible] لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله تعبدا و رقا

لا اله الا الله ایمانا و تصدیقا [illegible] و لا حول و لا قوة الا بالله

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible] هر که [illegible] بگوید اشهد ان لا اله الا الله

و اشهد ان محمدا رسول الله [illegible] **فصل سیم** در فضایل ذکر اهل بیت و صلوات بر ایشان و بعضی [illegible] صلی الله

علیهم روایتست از ایشان صلی الله علیهم که هیچ مجلسی نیست که جمعی بنشینند و ذکر خدای و ذکر ما نکرده و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] آن مجلس روز قیامت بر ایشان حسرت [illegible] ذکر ما ذکر خداست و ذکر [illegible] ذکر شیطان [illegible]

[illegible] ذکر خدا و ذکر فضل ما [illegible]

آسمان و خزان جنان مطلع گشته [illegible] امام رضا صلوات الله علیه فرمود هر که در مجلسی بنشیند که فضایل

[illegible] فرموده هر که [illegible]

از فضایل علی بن ابی طالب [illegible] هر که [illegible] فضیلتی از فضایل علی

[illegible] فضیلتی [illegible] علی

بن ابی طالب عبادتست و ذکر او عبادت [illegible] امام حسن [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت امام جعفر [illegible]

از ایشان علیهم السلام روایتست [illegible] صلوات [illegible]

[illegible] صلوات [illegible] صلی الله علیهم [illegible]

[illegible] صلوات [illegible] حضرت [illegible]

باشد [illegible] صلوات بر آنحضرت [illegible]

[illegible] صلوات بر آنحضرت و آلش صلی الله علیهم [illegible] صلوات بر ایشان [illegible]

آنحضرت [illegible] صلوات [illegible]

[illegible]

[illegible] صلوات [illegible] حضرت امام جعفر [illegible]

[illegible] صلوات بر آنحضرت [illegible] آسمان [illegible]

[illegible] صلوات [illegible]

[illegible] صلوات [illegible] بهشت [illegible]

[illegible] صلوات [illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد [illegible]

نوشته شود و فضیلت [illegible] صلاة و بعضی صلوات مخصوصه در مباحث تعقیب و اعمال جمعه و غیر آن گذشت **فصل چهارم** در فضیلت دعا و بعضی امور
متعلق بآن بر روایات از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین که دعا افضلست از عبادة و خدا [illegible] هیچ چیز را دوست‌تر از آن ندارد که بنده از او مسئلت
کند و هیچ چیز را بدتر از آن ندارد که [illegible] تکبر کند و [illegible] در قران مجید فرموده که [illegible] دعا بکنید خدا [illegible]
و دعا سلاح مومن است و عمود دین [illegible] و قضا [illegible] دعا [illegible]
امام جعفر [illegible] پرسیدند که دو کس با هم [illegible] نماز کردند [illegible] دعا بیشتر کرد و دیگری قرآن [illegible] فرمود که دعا [illegible] افضلست [illegible]
کسی [illegible] شود [illegible] دعا [illegible]
[illegible] **فصل پنجم** در اسباب اجابت دعا و بعضی احکام متعلق بآن تا اسباب اجابت دعا که
در روایات از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم [illegible]
[illegible] دعا [illegible] مستجاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دعای [illegible] مستجاب [illegible]
مستجاب [illegible] دعای [illegible]
[illegible] مستجاب [illegible]
[illegible] دعا [illegible]
[illegible] دعا [illegible]
[illegible] جمعه [illegible]
[illegible] مستجاب میشود [illegible]
مستجاب میشود [illegible] اذان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دعا [illegible]
دعا [illegible]

در دعا

در دعا شرط باشد و از جمله اسباب آنکه ابتدا بمدح و ثنای خدا کند که از حضرت امام جعفر [illegible] دعا [illegible] اجابت [illegible]
تا دعا بکنم و مستجاب نمیشود [illegible] خدا [illegible] مستجاب نمیشود [illegible]
خدا کند [illegible] دعا [illegible] مستجاب شود [illegible]
[illegible]
[illegible] روایتست [illegible]
[illegible]
[illegible] دعا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دعا [illegible] مستجاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دعا [illegible]
[illegible] دعا [illegible] مستجاب شود [illegible]
[illegible] ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله [illegible]
[illegible]
[illegible] دعا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دعا [illegible]
[illegible] دعا [illegible]
[illegible]

معنا عف عوض بعد عمر باید دیگر آمده [illegible] خواسته و مصلحت نباشد [illegible] دعا زود مستجاب شود [illegible]

کشاید [illegible] اول کذشت [illegible] دعا کند و خدای تعالی برای [illegible] فرماید [illegible]

آرزو شود شکر و حمد [illegible] **فصل ششم** در ذکر جمعی که دعاشان مستجاب شود

[illegible] دعاشان مستجاب [illegible] دعای [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] دعا [illegible]

[illegible] خدای تعالی [illegible]

کردعاشان مستجاب [illegible] خدای تعالی [illegible]

تا حاجت [illegible] دعا کند [illegible]

[illegible]

تا [illegible] **فصل**

هفتم در فضایل دعا برای مؤمنان [illegible] دعا کند [illegible]

[illegible] خدای تعالی [illegible]

[illegible] دعا [illegible]

[illegible] آسمان [illegible]

[illegible] مؤمنین و مؤمنات [illegible] دعا کند خدای تعالی [illegible]

[illegible] دعا کرده [illegible]

[illegible] اللهم

للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات [illegible] **فصل**

هشتم در ذکر بعضی [illegible] امیر المؤمنین [illegible] دعای سریع الاجابة [illegible]

[illegible] اللهم انی اسئلک باسمک العظیم الاعظم الاجل الاکرم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الاعظم الاجل [illegible]

[illegible] ان تصلی علی محمد وآل محمد [illegible]

امام جعفر [illegible] حاجتی [illegible] غسل کند [illegible] رکعت نماز [illegible]

سلام [illegible] بگوید انت السلام ومنک السلام والیک یرجع السلام اللهم صل علی محمد وآل محمد وبلغ روح

محمد منی السلام وارواح الائمة الصادقین سلامی واردد علی منهم السلام والسلام علیهم ورحمة الله وبرکاته اللهم ان هاتین

الرکعتین هدیة منی الی رسول الله صلی الله علیه وآله فاثبنی علیهما ما املت ورجوت فیک وفی رسولک یا ولی المؤمنین [illegible]

[illegible] یا حی یا قیوم یا حیا لا یموت یا حی لا اله الا انت یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین [illegible]

[illegible]

[illegible] یا محمد یا رسول الله اشکو

الی الله والیک [illegible] حاجتی [illegible] یا الله [illegible]

صل علی محمد وآل محمد واقض حاجتی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] اللهم ان اطعتک فالمحمدة لک وان عصیتک فالحجة لک منک الروح ومنک الفرج سبحان من انعم وشکر

سبحان من قدر وغفر اللهم ان کنت عصیتک فقد اطعتک فی احب الاشیاء الیک وهو الایمان بک لم اتخذ لک ولدا ولم ادع لک

شریکا منا منک به علی لا منا منی به علیک وقد عصیتک یا الهی علی غیر وجه المکابرة ولا الخروج عن عبودیتک ولا الجحود لربوبیتک

ولکن اطعت هوای وازلنی الشیطان فلک الحجة علی والبیان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم وان تغفر لی وترحمنی فبجودک وکرمک

یا کریم [illegible]

[illegible]

[illegible] ان تصلی علی محمد وآل محمد [illegible]

[illegible] مستجاب [illegible]

[illegible] ان شاء الله [illegible]

بکاری نبود فکر آن آنحضرت بعضی امام موسی کاظم ... بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله واسئله
من فضله بگوید اندک زمانی نخواهد گذشت که ... [illegible] ... اصحاب حضرت ... [illegible]
بعد از آنکه ... [illegible] ... ولا حول ولا قوة الا بالله
علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا ... امام جعفر ... دعا
خواست ... [illegible] ... اللهم ارزقنی من فضلک الواسع رزقا حلالا طیبا ... بلاغا للدنیا والآخرة
صبا صبا هنیئا مریئا من غیر کد ولا من من احد من خلقک الا سعة من فضلک الواسع فانک قلت واسئلوا الله من فضله فمن فضلک
أسأل ومن عطیتک أسأل ... [illegible] ... امیر المؤمنین ... ومن یدک الملاء أسأل
... اللهم اغننی بحلالک عن حرامک وبفضلک عمن سواک ... [illegible]
بلاد ... [illegible] ... الدنیا
... [illegible] ... امام جعفر ...
... [illegible] ... القضاء ... [illegible]
... [illegible] ... استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الرحمن الرحیم
القیوم بدیع السموات والارض ذو الجلال والاکرام جمیع ظلمی وجرمی واسرافی علی نفسی واتوب الیه ... [illegible]
ثم ... [illegible]
... [illegible] ... صل علی محمد وآل محمد ... [illegible]
... [illegible] ... صل علی محمد وآل محمد ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم من الملک الحق المبین ... [illegible]
الی الملک الجلیل ... محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ... [illegible]
صلوات الله علیهم ... [illegible] ... محمد وآل محمد ... [illegible] ... وکاشف
محمد یا ارحم الراحمین ... [illegible] ... یا ارحم الراحمین
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... یا مولای ... [illegible]
... [illegible]

عند ... [illegible] ... فی ... [illegible] ... وتوکلت فی المسألة علیک
... [illegible] ... رب العالمین ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
فی ... [illegible] ... صلوات الله علیک ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... محمد بن عثمان ... [illegible]
... [illegible] ... سلام علیک ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] فصل نهم ... [illegible]
... [illegible] خوف از ... [illegible] ... امام جعفر ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... اللهم ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... امام جعفر ... [illegible]
... [illegible] خوف وقتل حضرت امام زین العابدین ... [illegible]
... [illegible] ... اللهم ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... امام موسی ... [illegible]
... [illegible] ... اللهم ... [illegible]
... [illegible] ... ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ...

ایاک ... [illegible]

خالقتني ورزقتني وسترتني وعن العباد بلطف ما خولتني اغنيتني اذا هويت رددتني واذا عثرت قومتني واذا مرضت شفيتني
واذا دعوت اجبتني يا سيدي ارض عني فقد ارضيتني [illegible] بگويد وقل للذين آمنوا يغفروا للذين لا يرجون ايام الله ليجزي
قوما بما كانوا يكسبون واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه
وفي آذانهم وقرا وان يروا كل آية لا يؤمنوا بها حتى اذا جاؤك يجادلونك يقول الذين كفروا ان هذا الا اساطير الاولين سبع واز حضرت
امام جعفر روايت كه چون سباع ملاقات كنى ده مرتبه آية الكرسى بخوان بعد خطاب با او نموده بگويد عزمت عليكم بعزيمة الله وعزيمة محمد صلى الله عليه وآله وسلم
وعزيمة سليمان بن داود وعزيمة امير المؤمنين علي بن ابي طالب والائمة من بعده [illegible] انشاء الله [illegible] چون
آنكه سبعى [illegible] لا تخشب من طرفنا [illegible]
زبان بند عقرب و كژدم حضرت امام محمد باقر [illegible] بكلمة اللهم [illegible] الاجاود [illegible]
من شر ما ذرء ومن شر ما برء ومن شر كل دابة هو آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم [illegible]
[illegible] كيك [illegible] ايتها الاسود [illegible] الكتاب [illegible]
عليك بام الكتاب ان لا تؤذيني واصحابي الا ان تذهب الليل وتذهب الصبح بما آب دزد [illegible]
ادعوا الله او ادعوا الرحمن الى آخر سوره بني اسرائيل [illegible] انشاء الله [illegible] افتادن سقف حضرت
امام رضا [illegible] ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا
ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا وحشت و دهشت حضرت امام جعفر [illegible] بسم الله وبالله [illegible] على الله انه
من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا اللهم اجعلني في كنفك وفي جوارك واجعلني في امانك وفي
[illegible] هلاك [illegible]
الرحمن الرحيم [illegible]
[illegible] جميع مكروهات از حضرت امام رضا [illegible]
[illegible] قل اعوذ برب الفلق [illegible] قل اعوذ برب الناس [illegible] قل هو الله احد [illegible]
[illegible]
[illegible] جوادث از حضرت امام جعفر روايت [illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم يا حي يا قيوم يا من [illegible]
يا حي لا اله الا انت صل على محمد وآل محمد [illegible] حصنا [illegible] يا رب العالمين وصلى الله على محمد
خاتم النبيين وآله الطاهرين [illegible] انشاء الله بايد قطع دم [illegible]

[illegible]

روايت از حضرت [illegible] آسمان [illegible]
[illegible]
[illegible] بالحجة [illegible] يا من [illegible]
[illegible] يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا
منتهى كل شكوى يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها يا ربنا ويا سيدنا ويا مولانا ويا غاية رغبتنا اسألك يا الله ان لا تشوه
خلقي بالنار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم اني اسألك يا من [illegible]
بالقبول [illegible] يا من هو [illegible] كل محمود يا من [illegible] يا من يطلب عنده كل مقصود يا من [illegible]
عن سؤاله غير مردود يا من هو غير موصوف ولا محدود يا من عطاؤه غير ممنوع ولا منكود يا من [illegible]
المقصود يا من [illegible] يا من ليس بالد ولا مولود يا من ليس شبهه [illegible] يا من [illegible]
يا من [illegible] يا من لا يوصف بمنام ولا قعود يا من لا يجري عليه حركة ولا جمود يا الله يا رحمن يا رحيم يا ودود
[illegible] يعقوب [illegible]
كل نفس [illegible] ووجوده احد صمد [illegible]
المعبود [illegible] وصل على محمد [illegible]
الطيبين الطاهرين اهل الكرم والجود وافعل بنا ما انت اهله يا ارحم الراحمين [illegible]
[illegible] از عبد الله بن سلام روايت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
انت المحجوب عن جميع خلقك بانوار النور انت الذي احتجبت دون خلقك [illegible] يا الله يا الله [illegible]
فوق عرشك من فوق سمائك [illegible] يا نور النور قد استنار بنورك اهل سمائك واستضاء بضوئك
اهل ارضك يا الله يا الله انت الذي لا اله غيرك تعاليت عن ان يكون لك شبيه [illegible] ان يكون لك ضد فانت الله
المحمود بكل لسان وانت المعبود في كل مكان [illegible] يا نور النور [illegible]

بنفسي فيرتك يا دائم كل حي يموت غيرك يا الله يا الله يا الرحمن الرحيم ارحمني رحمة تطفئ بها غضبك وتكف بها عذابك وترزقني بها
سعادة من عندك وتحلني بها دارك التي تسكنها احباءك من خلقك يا ارحم الراحمين يا من اظهر الجميل وستر القبيح يا من لم يؤاخذ
بالجريرة ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى
يا مفرج كل كربة يا مقيل العثرات يا كريم الصفح يا عظيم المن يا مبتدئ النعم قبل استحقاقها يا رباه يا سيداه يا مولاه يا غاية رغبتاه
اسألك بك وبمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة القائم ان تصلي على محمد وآل
محمد واسألك يا الله يا الله ان لا تشوه خلقي بالنار وان تغفر لي وللمؤمنين برحمتك يا ارحم الراحمين وان تعطيني خير الدنيا والآخرة
انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله اجمعين از حضرت ... مرويست كه هر كس اين دعا را بخواند ...
بخواند ... سلطان ... مشفق ...
كرد ان شاء الله تعالى اللهم اني اسألك يا من احتجب بشعاع نوره عن نواظر خلقه يا من تسربل بالجلال والعظمة واشتهر بالتجبر في قدسه — ترتيب ...
يا من تعالى بالجلال والكبرياء في تفرد مجده يا من انقادت الامور بازمتها طوعا لامره يا من قامت السموات والارضون مجيبات لدعوته يا من
زين السماء بالنجوم الطالعة وجعلها هادية لخلقه يا من انار القمر المنير في سواد الليل المظلم بلطفه يا من انار الشمس المنيرة وجعلها
معاشا للخلق وجعلها مفرقة بين الليل والنهار بعظمته يا من استوجب الشكر بنشر سحائب نعمه اسألك بمعاقد العز من عرشك
ومنتهى الرحمة من كتابك وبكل اسم هو لك سميت به نفسك او استأثرت به في علم الغيب عندك وبكل اسم هو لك انزلته في كتابك
او اثبته في قلوب الصافين الحافين حول عرشك فتراجعت القلوب الى الصدور عن البيان باخلاص الوحدانية وتحقيق الفردانية
مقرة بالعبودية وانك انت الله انت الله الذي لا اله الا انت واسألك بالاسماء التي تجليت بها للكليم على الجبل العظيم
فلما بدا شعاع نور الحجب من بهاء العظمة خرت الجبال متدكدكة لعظمتك وجلالك وهيبتك وخوفا من سطوتك راهبة منك
فلا اله الا انت واسألك بالاسم الذي فتقت به رتق عظيم جفون عيون الناظرين الذي به تدبير حكمتك وشواهد حجج انبيائك
يعرفونك بفطن القلوب وانت في غوامض مسرات سريرات الغيوب اسألك بعزة ذلك الاسم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تصرف
عني جميع الآفات والعاهات والاعراض والامراض والخطايا والذنوب والشك والشرك والكفر والنفاق والشقاق والضلالة والجهل والمقت — والنفاق
والغضب والعسر والضيق وفساد الضمير وحلول النقمة وشماتة الاعداء وغلبة الرجال انك سميع الدعاء لطيف لما تشاء
... از حضرت ... مرويست كه هر كس ...
...
بود ... شهادة لا اله الا الله ... على بن الحسين ...
محشور شود ...
امام ... اول اللهم اني اسألك بحق ... وبحق ... ان تستجيب لي فقد

يقيني ... ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل لي من امري يسرا دويم يا دائم يا ديموم يا حي يا قيوم
يا كاشف الغم يا فارج الهم يا باعث الرسل يا صادق الوعد صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله سيم ان كان لي
عندك رضوان وود فاغفر لي ولمن تبعني من اخواني وشيعتي وطيب ما في صلبي برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله
على محمد وآله اجمعين چهارم يا من غرس ... يا ارحم الراحمين اجعل لشيعتي من النار وقاء وعندك رضاء واغفر ذنوبهم
ويسر امورهم واقض ديونهم واستر عوراتهم وهب لهم الكبائر التي بينك وبينهم يا من لا يخاف الضيم ولا تأخذه سنة ولا نوم
اجعل لي من كل غم فرجا ومخرجا پنجم يا فالق الحب ... يا باعث من في القبور ويا محيي الموتى
... واتم ... انت اهله ولا تفعل بي ما انا اهله فانك اهل التقوى واهل
المغفرة ششم اللهم اعطني الهدى وثبتني عليه ... امنا امن من لا خوف عليه ولا حزن ولا جزع انك اهل التقوى واهل
المغفرة هفتم اللهم يا من لا شبيه له ولا مثال انت الله لا اله الا انت ولا خالق الا انت تفني المخلوقين وتبقى انت حلمت عن
من عصاك وفي المغفرة رضاك هشتم يا من ... يا من ...
تبقى في الصدور نهم يا من ... واكتب ...
... عني ... واجعلني ... يا واحد يا احد يا فرد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له
كفوا احد دهم يا نور النور يا مدبر الامور يا باعث من في القبور صل على محمد وآل محمد واجعل لي ولشيعتي من الضيق فرجا و
من الهم مخرجا ... المنهج ... وافعل بنا ما انت اهله يا كريم ...
روايت از حضرت صاحب الزمان صلوات الله عليه ... اللهم ارزقنا توفيق الطاعة وبعد المعصية وصدق النية وعرفان الحرمة
واكرمنا بالهدى والاستقامة وسدد السنتنا بالصواب والحكمة واملأ قلوبنا بالعلم والمعرفة وطهر بطوننا من الحرام والشبهة
واكفف ايدينا عن الظلم والسرقة واغضض ابصارنا عن الفجور والخيانة واسدد اسماعنا عن اللغو والغيبة وتفضل على علمائنا
بالزهد والنصيحة وعلى المتعلمين بالجهد والرغبة وعلى المستمعين بالاتباع والموعظة وعلى مرضى المسلمين بالشفاء والراحة وعلى
موتاهم بالرأفة والرحمة وعلى مشايخنا بالوقار والسكينة وعلى الشباب بالانابة والتوبة وعلى النساء بالحياء والعفة وعلى
الاغنياء بالتواضع والسعة وعلى الفقراء بالصبر والقناعة وعلى الغزاة بالنصر والغلبة وعلى الاسراء بالخلاص والراحة وعلى
الامراء بالعدل والشفقة وعلى الرعية بالانصاف وحسن السيرة وبارك للحجاج والزوار في الزاد والنفقة واقض ما اوجبت عليهم من الحج والعمرة بفضلك يا ارحم الراحمين
واز حضرت امير المؤمنين روايت ...
... اللهم صل على محمد وآل محمد والعن صنمي قريش وجبتيهما وطاغوتيهما وافكيهما وابنتيهما الذين خالفا امرك وانكرا وحيك
وجحدا انعامك وعصيا رسولك وقلبا دينك وحرفا كتابك واحبا اعداءك وجحدا آلاءك وعطلا احكامك وابطلا فرائضك
والحدا في آياتك وعاديا اولياءك وواليا اعداءك وخربا بلادك وافسدا عبادك اللهم العنهما واتباعهما واولياءهما واشياعهما

ومجیئهما فقد أخربا بیت النبوة وردما بابه ونقضا سقفه وألحقا سماءه بأرضه وعالیه بسافله وظاهره بباطنه واستأصلا أهله وأبادا
أنصاره وقتلا أطفاله وأخلیا منبره من وصیه ووارث علمه وجحدا إمامته وأشرکا بربهما فعظّم ذنبهما وخلّدهما في سقر وما
أدراك ما سقر لا تبقي ولا تذر اللهم العنهم بعدد کل منکر أتوه وحق أخفوه ومنبر علوه ومؤمن أرجوه ومنافق ولّوه وولي آذوه
وطرید آووه وصادق طردوه وکافر نصروه وإمام قهروه وفرض غیّروه وأثر أنکروه وشر آثروه ودم أراقوه وخبر بدّلوه
وکفر نصبوه وإرث غصبوه وفيء اقتطعوه وسحت أکلوه وخمس استحلّوه وباطل أسّسوه وجور بسطوه ونفاق أسرّوه وغدر
أضمروه وظلم نشروه ووعد أخلفوه وأمان خانوه وعهد نقضوه وحلال حرّموه وحرام أحلّوه وبطن فتقوه وضلع دقّوه
وصك مزّقوه وشمل بدّدوه وعزیز أذلّوه وذلیل أعزّوه وحق منعوه وکذب دلّسوه وحکم قلبوه اللهم العنهم بکل آیة
حرّفوها وفریضة ترکوها وسنة غیّروها ورسوم منعوها وأحکام عطّلوها وبیعة نکثوها ودعوی أبطلوها وبیّنة أنکروها
وحیلة أحدثوها وخیانة أوردوها وعقبة ارتقوها ودباب دحرجوها وأزیان لزموها وشهادات کتموها ووصیة ضیّعوها
اللهم العنهما في مکنون السر وظاهر العلانیة لعنا کثیرا أبدا دائما دائبا سرمدا لا انقطاع لأمده ولا نفاد لعدده لعنا یغدو أوله
ولا یروح آخره لهم ولأعوانهم وأنصارهم ومحبیهم وموالیهم والمسلّمین لهم والمائلین إلیهم والناهضین باحتجاجهم والمقتدین
بکلامهم والمصدّقین بأحکامهم بعد از آن چهار مرتبه بگوید اللهم عذّبهم عذابا یستغیث منه أهل النار آمین رب العالمین

باب پنجم در آداب عادات و مجاری احوال و سایر چیزها و مصالح اهل ایمان و انشاء الله در دوازده فصل یاد میشود **فصل** پنجم

اول در انواع لباس و آداب پوشیدن آن بدانکه از روایات اهل بیت طاهرین علیهم السلام ظاهر میشود که تجمل مستحب است و [illegible]
و خدا دوست میدارد که اثر نعمت را بر بنده ظاهر ببیند [illegible] و بهترین لباسها [illegible]
که لباس حضرت پیغمبر و اهل بیت او صلوات الله علیهم [illegible] باشد و [illegible] انگشتر [illegible]
بود و روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام [illegible] جامهای [illegible] پوشید [illegible]
که [illegible] پوشید [illegible] امام علی بن الحسین [illegible] حضرت امام [illegible]
امام موسی [illegible] جامه [illegible] پوشید [illegible]
[illegible] حضرت امام جعفر علیه السلام [illegible] لباس [illegible]
[illegible] لباس [illegible] آمده [illegible]
[illegible] الطاهرین [illegible] روز قیامت [illegible] لباس [illegible]
[illegible] لباس [illegible] عمامه [illegible] لباس [illegible]
[illegible] لباس شیطان [illegible] لباس اهل بیت علیهم السلام [illegible]
[illegible] مباشر [illegible] لباس [illegible]

ضعف کند و بر شغلها باشد و بمباشرت ضرر کند و آهن لباس اهل نار است شاید که مؤمنان را بپوشند تا آن نماز کند و [illegible]
باشد و [illegible] انگشتر آهن باشد و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که عقیق سرخ و زرد و سفید سه کوه است در بهشت
عقیق سرخ شرف یافت بر خانه حضرت پیغمبر و سفید بر خانهٔ امیر المؤمنین و زرد بر خانه فاطمه علیها السلام [illegible]
[illegible] اهل بیت علیهم السلام [illegible] انگشتر [illegible]
[illegible] دست [illegible]
دو [illegible] انگشتر عقیق [illegible]
[illegible] عقیق [illegible]
[illegible] عقیق [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین و اولاد طاهرین صلوات الله علیهم [illegible]
[illegible] عقیق [illegible] محمد نبی الله و علی ولی الله [illegible] انگشتر [illegible]
[illegible] انگشتر عقیق [illegible]
از جمیع [illegible] امام علی النقی [illegible]
حضرت امام رضا [illegible] انگشتر عقیق [illegible] ما شاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله [illegible] محمد و علی
[illegible] الملك [illegible]
[illegible] الملك لله الواحد القهار [illegible]
[illegible] انگشتر [illegible]
[illegible]
[illegible] انگشتر [illegible]
[illegible] انگشتر [illegible]
[illegible]
[illegible] امام جعفر [illegible] انگشتر [illegible]
یاقوت [illegible] عقیق [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] انگشتر [illegible]

و نعم البدل باشد ... [illegible] ... تسبیح و استغفار کند
و ... [illegible] ... روایت است از اهل‌بیت طاهرین علیهم‌السلام ... [illegible]
... [illegible] ... بسم الله بگوید ... [illegible] ... آیة الکرسی
... [illegible] ... بگوید الحمد لله الذی ... [illegible] ... فی الناس ... [illegible]
و بعد ... [illegible] ... الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمّل به فی
الناس اللهم اجعلها ثیاب برکة اسعی فیها لمرضاتک واعمر فیها مساجدک ... [illegible]
... [illegible] ... باقی بود ... [illegible]
... [illegible] ... بسم الله و بالله ... توجّهت و بک اعتصمت و علیک توکّلت انت ثقتی
و انت رجائی اللهم اکفنی ما اهمّنی و ما لا اهتمّ به و ما انت اعلم به منّی عزّ جارک و جلّ ثناؤک ولا اله غیرک اللهم
زوّدنی التقوی واغفر لی ذنبی و وجّهنی للخیر حیثما توجّهت ... [illegible] ... بگوید اللهم ...
تا آخر ... در فصل آداب حمام ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
بعضی ... [illegible] ... اللهم صلّ علی محمد و آل
محمد و ثبّت قدمی فی الدنیا والآخرة ... علی الصراط یوم تزلّ فیه الاقدام ... [illegible] ... بسم الله الحمد لله
الذی ... [illegible] ... الاذی ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... **فصل دویم** در قدر طعام خوردن ... [illegible]
... [illegible] ... طعام ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... طعام ... [illegible]

... [illegible] ... طعام ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... **فصل سیم** در اوقات طعام خوردن ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... طعام ... [illegible]
... [illegible] ... طعام ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... طعام ... [illegible]
... [illegible] ... بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعم الجنة ... [illegible]
... [illegible] ... بسم الله ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... طعام ... [illegible] ... بسم الله ... [illegible]
العالمین ... [illegible] ... بسم الله ... [illegible]
بگوید بسم الله علی اوله و آخره ... [illegible] ... بسم الله ... [illegible]
... [illegible] ... طعام ... [illegible] ... بسم الله ... [illegible]
بسم الله ... [illegible] ... طعام ... [illegible]
... [illegible] ... طعام ... [illegible] ... بسم الله ... [illegible]
بالله ... [illegible] ... اللهم

۱۱۰

[illegible] بالسلامة [illegible] شکرک [illegible] تجمعنی [illegible] علی [illegible]

[illegible] معصیتک [illegible] کرم [illegible] طعام [illegible]

دانستن آنچه از جمله [illegible] دانستن آنکه این نعمت از خدای تعالی است [illegible] و شکر کردن و [illegible]

دست شستن پیش از طعام و بر جانب چپ نشستن [illegible] و جمله از ادب [illegible]

[illegible] طعام [illegible] ادب و تواضع باید نشست چنانکه [illegible]

[illegible] الانبیاء [illegible] باید نشست تا دست [illegible]

[illegible] انگشت باید خورد [illegible] انگشت [illegible]

[illegible] باید خورد [illegible] طعام [illegible]

و مستحب است افتتاح و اختتام به نمک کردن [illegible]

[illegible] باشد [illegible]

[illegible] افتتاح و اختتام [illegible] اهل بیت [illegible] افتتاح [illegible] اختتام [illegible]

[illegible] نان [illegible]

[illegible] سفره [illegible]

امام موسی علیه السلام [illegible] طعام [illegible] طعام [illegible]

[illegible] طعام [illegible]

[illegible] طعام [illegible] مصحف [illegible]

[illegible]

[illegible] دست [illegible]

[illegible] طعام [illegible]

[illegible] باید [illegible]

[illegible]

[illegible] طعام [illegible]

[illegible] الحمد لله الذی اطعمنا [illegible]

فی [illegible] وسقانا [illegible]

[illegible] الحمد لله الذی اطعمنی [illegible] ولا قوة [illegible]

[illegible]

۱۱۱

[illegible] اللهم بارک لنا فیه [illegible] اللهم بارک لنا فیه [illegible]

[illegible] الحمد لله رب العالمین اللهم اجعلنا [illegible] اللهم بارک [illegible]

[illegible] واغفر لهم وارحمهم اللهم اطعم من اطعمنی واسق من سقانی و بعد از طعام [illegible]

[illegible] و چون بعد از طعام دست [illegible] چشم [illegible] الحمد لله المحسن المجمل المنعم المفضل

[illegible] الحمد لله الذی هدانا

واطعمنا وسقانا [illegible] اولادنا [illegible] اللهم کما [illegible]

[illegible] اللهم بارک لنا فی [illegible]

[illegible] مستحب است [illegible]

[illegible] بعد از طعام خلال کردن سنت است [illegible]

[illegible] طعام [illegible]

[illegible] اللهم بارک [illegible]

[illegible]

[illegible] **فصل چهارم** در فضایل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۹

۲		۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]

[illegible]

فصل ششم [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل هفتم [illegible]

[illegible]

در بلاد و عالمین ... [illegible] ... و آداب و تعلیم

[illegible]

فصل هشتم

اللهم ادخر عنی و عن اهلی و ولدی مردة الجن و شیاطین ... [illegible] ... عطا فرماید

در وظایف شب و آداب خواب و بیداری روایت از امام جعفر صادق علیه السلام که هرگاه آفتاب غروب کند ... [illegible] ... چراغ روشن کنید

[illegible]

چراغ ... [illegible] ... اللهم اجعل لنا نورا نمشی به فی الناس و لا تحرمنا نورک یوم نلقاک اللهم اجعل لنا نورا انک نور لا اله الا انت ... [illegible] ... اللهم اخرجنا من الظلمات الی النور ... [illegible]

[illegible]

جرب تنها نخوابد بالا ایستاده و یا در آب بول کند یا ایستاده در شب آب بیاشامد ... [illegible]

[illegible]

در زوال [illegible] وقت آخر شب [illegible] بیان آن نور [illegible]
استغفار [illegible] قل یا ایها الکافرون [illegible] حضرت پیغمبر [illegible] فاطمه زهرا علیها السلام [illegible]
[illegible] ختم قرآن [illegible]
[illegible] ختم قرآن کرده باشی [illegible] شفیع تو باشیم [illegible]
[illegible] سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر [illegible] ختم قرآن کرده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه [illegible]
[illegible] ذی الشان دائم السلطان عظیم البرهان کل یوم هو فی شان [illegible]
[illegible] یا کاسی الجنوب العاریة یا مسکن العروق الضاربة یا منوم العیون الساهرة سکن عروقی الضاربة [illegible]
[illegible] اذ یغشیکم النعاس امنة منه [illegible] وجعلنا نومکم سباتا [illegible]
[illegible] بکلمات الله التامات من غضبه وعقابه ومن شر عباده ومن همزات الشیاطین وان یحضرون [illegible]
[illegible] اذ یغشیکم النعاس [illegible] ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین [illegible]
[illegible] اللهم انی اعوذ بک من الاحتلام ومن سوء الاحلام ومن ان یتلاعب بی الشیطان فی الیقظة والمنام [illegible]

[illegible]
اللهم لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین [illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم اجعل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ذکر [illegible] اللهم انت الحی الذی لا یوصف [illegible] منک بدت الاشیاء
والیک تعود فما اقبل منها کنت ملجأه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له ملجأ ولا منجا منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا
انت واسئلک ببسم الله الرحمن الرحیم وبحق محمد سید النبیین وبحق علی خیر الوصیین وبحق فاطمة سیدة نساء العالمین وبحق الحسن والحسین
اللذین جعلتهما سیدی شباب اهل الجنة [illegible] ان تصلی علی محمد وآل محمد [illegible]
[illegible]
[illegible] لا اله الا الله الحی القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان الله رب النبیین والمرسلین وسبحان الله رب السموات [illegible]
العرش العظیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین [illegible]
[illegible]
[illegible] انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا ولیس بضارهم شیئا الا باذن الله [illegible]
[illegible] وعباده الصالحین من شر ما رأیت ومن شر الشیطان الرجیم [illegible]
[illegible] علیه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و بیداری ایشان یکسان باشد چنانکه حضرت پیغمبر صلعم فرمود تنام عینی و لا ینام قلبی یعنی اگرچه چشم گاهی بخواب میکشد اما دلم همیشه [illegible]

خدا بیدار است و انبیا [illegible] علیهم السلام [illegible] منتظر نزول وحی باشند چنانکه در احادیث آمده اما سایر مؤمنان [illegible]

[illegible]

و تجده

العباد

[illegible] حسبی الله و نعم الوکیل [illegible]

[illegible]

فصل نهم

[illegible]

۱۲۴

و ما ... آورده که ... أفغير دين الله يبغون وله أسلم من في السموات والأرض طوعا وكرها وإليه يرجعون ...

اللهم ... بسم الله مجريها ومرسيها ... [illegible]

[illegible]

... لا حول ولا قوة الا بالله ... الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله ...

... سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين ... [illegible]

[illegible]

فصل دهم در فضایل و آداب ... [illegible]

[illegible]

۱۲۲

... في شر السباع والهوام ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

بعون تکیّی بصاحب علّه و صابر شاکر کلا و کرامة الناس بمعان ... بآن باشد ... بانتظار ... کامل ...

دنه ... است از ... و ... کنند ... در ... صد و ... این ...

شرح ... کند **فصل یازدهم** در فضایل ... عبادة ... التهایه ... فضایل ...

[illegible]

دعوت بنشیند ... اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم انی اسألك ... العلاجات ... واعوذ

بك ان اظلم و اظلم واعوذ بك من صفقة خاسرة ... شکر ... کلمات ...

معاملات ...

[illegible]

[illegible]

با رسول الله اگر بر بعضی از اهل بیت ابتلایی شد [illegible] آنحضرت [illegible] اهل بیت طاهرین علیهم السلام دون
بکی [illegible] اهل بیت علیهم السلام [illegible]
[illegible] اخلاص [illegible] بانقسم
[illegible]
دعا [illegible]
[illegible]
آنها [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بصحیفه [illegible] **قسم اول** [illegible] **نوع اول** [illegible]
[illegible]
[illegible]
اختصار [illegible] **بحث** جمیع [illegible] من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین حسبنا الله
ونعم الوکیل تبارک الله احسن الخالقین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
تب [illegible] [illegible]
[illegible]
[illegible]

دعائی که جهت [illegible]
[illegible] بسم الله
[illegible] اللهم عظمها
[illegible]
[illegible] اللهم اجعلنا [illegible]
علیهم السلام [illegible]

[illegible]
۱۱۱ ح ط ا م ا م

ویگوید اللهم انی اسئلک باسمک الذی اذا سئلک به المضطر کشفت ما به من ضر ومکنت له فی الارض وجعلته خلیفتک علی
خلقک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تعافینی من علتی [illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم انک وهبته لی ولم یک شیئا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم انک وهبته لی ولم یک شیئا اللهم انی استوهبکه [illegible]
[illegible] اللهم انت اعطیتنیه وانت وهبته [illegible]
هبتک الیوم هبة جدیدة انک قادر مقتدر [illegible] اللهم ارحم جلدی الرقیق
وعظمی الدقیق واعوذ بک من فورة الحریق یا ام ملدم ان کنت آمنت بالله فلا تاکلی اللحم ولا تشربی الدم ولا تنهکی الجسم
وانتقلی الی من یزعم ان مع الله الها آخر فانی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده ورسوله [illegible]
[illegible] لا اله الا الله وحده لا شریک له الملک وله الحمد
[illegible] سبحان الله رب العباد والبلاد والحمد لله حمدا کثیرا طیبا مبارکا فیه علی کل حال والله اکبر کبیرا کبریاء ربنا
وجلاله وقدرته بکل مکان اللهم ان کنت امرضتنی لقبض روحی فاجعل روحی فی ارواح من سبقت لهم منک الحسنی
تب لرزه [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله [illegible] الرحمن [illegible] الرحیم [illegible]
[illegible] بسم الله ذی العزة والکبریاء [illegible]
[illegible] **تب غب** [illegible]
تب ربع [illegible] بسم الله [illegible]
[illegible] بسم الله العزیز الجبار [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]

[illegible]

علم ... که با دعا ... نوشته

ح ماح لح	ما ويه وبه	ح م د	
ح ماح لح	ما ويه وبه	دهله لح	
ساما وطال	٢٢	دن	نح ملاد
ساما وطال	٢٢	دن	طا لح

[illegible]

[illegible]

ايضاً بجهت دفع تب ...
بنوشته ...
روز اول
بسم الله نارت واستنارت
روز دوم
بسم الله حملة العرش دارت
روز سوم
بسم الله في علم الغيب غارت
ايضاً
...
اول جمعون
دوم جمهروت
سوم جمهاروت
١٢

عزّ في تعاله ومن شرّ حزاب الناس رسل [illegible] بالله يا ربّ الارباب ويا سامع الدعوات يا اله الآلهة يا ملك الملوك ويا جبار
السموات والارض اشفني وعافني من دائي هذا فاني عبدك القلب في قبضتك وناصيتي بيدك خاتم [illegible]
[illegible] يا رؤف يا رحيم يا ولي يا سيدي صلّ على محمد وآل محمد وعافني من علّتي برص [illegible] يا الله يا رحمن
يا رحيم يا سامع الاصوات يا معطي الخيرات اعطني خير الدنيا والآخرة وقني شر الدنيا والآخرة واذهب عني ما اجد فقد غاظني واحزنني
[illegible] دنبل وجراحت [illegible] وبجلال الله العظيم وبكلماته
التامات التي لا يجاوزهن بر ولا فاجر ومن شر كل ذي شر جرجس [illegible]
لا اله الا الله العليم الكريم [illegible] قولنج [illegible]
[illegible]
الا قمر [illegible] ويسئلونك عن الجبال فقل ينسفها ربي نسفا فيذرها قاعا صفصفا لا ترى فيها عوجا ولا امتا
[illegible]
[illegible] صرع [illegible]
عليك يا [illegible] بالعزيمة التي عزم بها علي بن ابي طالب [illegible] على الجن [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
يا من السموات [illegible]
صلّ على محمد وآل محمد [illegible]
وانت ارحم الراحمين وصلى الله على محمد النبي وآله الطاهرين [illegible]
[illegible] غلبه زبان [illegible] بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بجهت دفع وبای این اسم را بنویسد
بشوید و بخورند با [illegible] طاس

نقش بجهت آبله

و مالم عم	[illegible]
ماوس	[illegible] ۱۲

ایضاً بجهت [illegible] بازوی ببندد

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۵	۵
۲	۷	۶	۹
	۱۴	۱۵	۴

[illegible] ساید [illegible]
[illegible] اللهم [illegible] في كتابك [illegible] قل ادعوا الذين زعمتم من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا
يا من لا يملك كشف ضري ولا تحويله [illegible]
اشهد ان لا اله غيرك [illegible] [illegible]
[illegible] خنازیر [illegible]
[illegible] تب [illegible]
[illegible]
[illegible] وابراهيم خليلك [illegible] وموسى كليمك [illegible]
[illegible] ابراهيم [illegible] موسى [illegible] داود [illegible] عيسى [illegible] محمد [illegible]
[illegible] وباسمك الذي [illegible]
[illegible] وباسمك الذي [illegible] على الارض فاستقرت [illegible] على السموات فاستقلت [illegible] على الجبال
[illegible] وباسمك الذي [illegible] وباسمك الذي [illegible]
[illegible] وباسمك الذي [illegible] وباسمك الواحد الاحد الفرد
[illegible] الطاهر المطهر [illegible] الحي القيوم [illegible] السموات والارض الرحمن الرحيم الكبير المتعال
وكتابك المنزل بالحق [illegible]
ان تصلي على محمد وآل محمد وان ترزقني حفظ القرآن واصناف العلم [illegible] في قلبي وسمعي وبصري [illegible]
[illegible] ولا حول ولا قوة الا بك يا حي يا قيوم [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible]
[illegible] اللهم [illegible] انك على كل شيء قدير
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

بر جمیع عالم [illegible] دعا کرد آن [illegible] فرمود [illegible]
[illegible] اللهم انی اسألک بحق الملک الذی [illegible] بحق النبی [illegible]
[illegible] ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل [illegible] من کل [illegible] وآمنا من کل خوف [illegible]
[illegible] وچشم [illegible]
[illegible] امام محمد باقر [illegible]
[illegible] امام جعفر [illegible]
[illegible] غضب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
یا ایها الکافرون [illegible] لا اله الا الله [illegible] لا اله الا الله [illegible]
[illegible] سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع [illegible] رب العرش العظیم
وصلی الله علی محمد وآله [illegible] والحمد لله رب العالمین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **دویم** [illegible]
[illegible] **سیم** [illegible]

بیاشامد [illegible] قطره [illegible] آب باران [illegible] الحمد [illegible] آیة الکرسی [illegible]
[illegible] **چهارم** آب نیسان [illegible]
[illegible] آب نیسان [illegible] الحمد و آیة الکرسی [illegible]
[illegible] الله اکبر و لا اله الا الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **پنجم** [illegible]
[illegible]
[illegible] **قسم دویم** [illegible]
[illegible]
[illegible] **اول** [illegible]
[illegible]
[illegible] **دویم** [illegible]
[illegible] **سیم** [illegible]
[illegible]
[illegible] **چهارم** [illegible]
[illegible]
[illegible] **پنجم** [illegible]
[illegible] **ششم** [illegible]
[illegible] **هفتم** [illegible]
[illegible]
[illegible]

مدعا از آب نیسان آب باران [illegible] نیسان
[illegible] در این [illegible]
است [illegible]
[illegible] (١٢

۱۲۴

حجامت کنند دملها و کمی در خفتان داده بر من را دفع کند و چون زکام یا دمل بهم رسد خلل تحت کند **هشتم** صبر سقوطری و مرو و کافور و ریاحین
ساویده بهم کوفته از حریر بیخته مثل سرمه در چشم کشند سفیدی و درد چشم و ضعف باصره را نافع باشد و در روایت دیگر صبر و مر
مذکور است بی کافور و فرمود که آن را مثل سرمه در چشم کشند همه آثار این از سر دفع نماید **نهم** روایت از حضرت امیر المؤمنین که کرد غزال
و سعد و ترمس بی قدر یکی با عسل معجون ساخته هر روز ثنی در شقال بخورند و بگداز سی بطحا قطنی بهم آن شود که ساحر باشد **دهم** حجامت و فصد
روایت است که چون آثار زیادتی خون ظاهر شود و خون از بعضی بیرون کند ترکها باشد کرغافل الطغیان کند و موجب هلاکت شود و غیره بتر زدن
کره روم و بعضی چنین بدنها و ایکت و بعضی از بکجای حجامت خون با ایک بگذشت غسل و حضرت صادق فرمود که حجامت در سر دوای همه مرضها است مگر مرگ
و اگر بیرون خود جنگی کنید و آنجا که ایشان رسید فرمود این موضع را حجامت کنید چون حجامت کنید باید چیزی بخورند یا گرخون در موضع حجامت
جمع شود و کوفت و آلم از بدن بیرون رود و حجامت کنند خون بیرون رود و کوفت بماند و بعد از حجامت قدری خون بدن کند خون تا اندک
شود و حجامت روز شنبه و یکشنبه و عصر روز یکشنبه و عصر روز دوشنبه تا فرق با روایت که روز یکشنبه بخوانید و در آن روز
پنجشنبه پیش از زوال الحجامات کنید که خون در موضع حجامت جمع شود و چون زوال شود متفرق گردد در پنجشنبه آخر ماه که اول ربیع برابر اول
و در روایت که روز شنبه اگر حجامت کنند خون تا نیست تا اکنون بر دیگر خود خواهد شد و روز چهارشنبه حجامت و روز پنجشنبه بعضی از ایام
دیگر معلوم کرده‌اند برای کسب که از وقت ایام حیض به حامله رسید یا روز جمعه وقت زوال اگر حجامت کند و یکی بمیرد خود کسی را
ملامت نکند و در روایت که حضرت پیغمبر فرمود که اول ماه و میانه ماه و نصف ماه را حجامت احتراز کنند که هر روز سه شنبه بعضی باران روز
تا آخر ماه حجامت کنید که هر روز شفا و منفعتی باشد که شنبه و چهارشنبه کر موجب بر آن که روایت کردند که اگر حجامت در روز شنبه
با انجام ابیت که ما الثلاثا فی قدح و یکی من الحمی با تا یک الله در روایت که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه یک بار حجامت کنید کمیاب
بیماری تست و تصدیق نیزه در اکثر احکام ظاهر است حجامت بحجامت کند چون بیرون آید حنوط فاسخ شده بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ
بالله الکریم فی حجامتی هذه من العین فی الدم و من کل سوء که از فقر و فنا و از هر مضرتی بیش از آنکه فرو کند در
مذکور است و بسیاری اغذیه بر دو ایشان نیز در فصل فضایل ماکولات گذشت و از حضرت امام جعفر روایت کرده‌اند که هیچ دوایی نیست که بهتر
در منفعت کند و هیچ دوایی بهتر از شیر گاو نیست که دست خود در دهان زدن یا زدن یک کره بیضه و تیم از آن حضرت روایت کرده که
بجای استعمال دو کنید **فصل دوازدهم** در بیان جبهات عاده کرده روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که ابتدا کنید هر کار را به نام خدا
شیطان ابن شود در چون روز قیامت نامه اعمال و فضایح اعمال بنده را بیت و رسد بحسب عادت که کرد نام خدا نشر لسم الله الرحمن الرحیم گوید
و فاعر ا کرده که بر یکی سایه مخفی و هیچ نوشته شود آن که بنا بر آنکه آن رسول اکرم که کرد نام نیز بنام مطلوب و آن شاه و معاصی اعمال او
این کلمه مبارک همه عفو و محو گشت و نیز روایت کرده‌اند چون روز قیامت بنده را پس از بعث کند بسم الله گوید و قدم در آن نهد آتش ضعیف شود
دور شود و ایضا روایت کرده‌اند که چون ابتدای کار بسم الله الرحمن الرحیم بگوید خداوند او را برکت دهد و بگذرد از آنجا که ان آن تقصیر بنا
عظیم عزیز است بصدقه و دعا و استغاثه کند که گرامی است باشد و شروع کند و شروع در کار هائی که نفع و اثر است که احادیث بسیار وارد

[illegible]

۲۲۵

کار آن روز نیز با برکت و در روایتی از حضرت امیر المؤمنین منقول است که در هر ماه دو روز نحس است که اگر کاری در آن روز شروع شود با تمام نرسد
و اگر طفلی متولد شود چنانکه ولادت کسی در آن روز نظر نیاید و اگر در جنگی بیفتد شکست یابد و تفصیل محرم یازدهم و چهاردهم صفر اول و بیستم
ربیع الاول دهم و بیستم ربیع الثانی اول و یازدهم جمادی الاول دهم و یازدهم جمادی الثانی اول و یازدهم رجب یازدهم و سیزدهم
شعبان چهاردهم و بیستم رمضان سیم و بیستم شوال ششم و هشتم ذی القعده ششم و بیستم ذی الحجه هشتم و بیستم و از حضرت امام
روایت کرده هر ماه یک روز نحس است که هر که در آن تا اجتناب کند از شر آن روز محفوظ است در ایام کار بنده از کرده آید و مجلسی تفصیل محرم
بیست و دو صفر دهم ربیع الاول چهارم ربیع الثانی و جمادی الاول بیست و هشتم جمادی الثانی و رجب دوازدهم شعبان بیست و
رمضان بیست و چهارم شوال دهم ذی القعده بیست و هشتم ذی الحجه هشتم ایضا از حضرت صادق روایت کرده در هر ماه هفت روز نحس است
چنانکه مشهور است سیم و پنجم و سیزدهم و شانزدهم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم و ظاهر آن است که در هر ماه قمری است که ظاهر اول ماه است روز شنبه نحس و روز نحس است و بیست و تمام مبشر نیست تا آخر ماه وقت
بسیار نحس است روز عاشورا و روز شنبه و چهارشنبه آخر ماه چنانکه بعد از این ان شاء الله بیاید و در روایت دیگر آمده که هر ماه روزها دشمنی است که
با آنها با مقاد شمس نکنند و از حضرت پیغمبر روایت کرده که روز یکشنبه چهارم سه روز هر چهارشنبه آخر ماه عمل کنید و روز دوشنبه
مبارک باشد و روز سه شنبه روز جنگ است و شب چهارشنبه آب ضایع کرده و چهارشنبه آخر ماه روز نحس است و کسی هیچ چیز نگیرد تا الی الکل
و پنجشنبه روز عبادت علما و روز جمعه روز دیدن دم است و روز جمعه مکرم است باید روز جمعه عبادت شود و در هفته روز عبادت شود و شنبه و پنجشنبه مجامع نیکو باشد که آن را
بکسی بدهد که آنجا که از نیکی احادیث معلوم است که بر کار پیش توکل بر خدا کنند و متوسل به صدقه و دعا شوند از ضرر و همها
این کرده‌اند و مناسب مقام آنکه تحقیق علم نجوم و آنچه چنانکه احادیث بسیار که در آن وارد شده با دلیل و برهان عقلیه
نیز صریح است و آنکه خدای بمقتضای حکمت کامله و مصلحت شامله کارها را صنعت خود که بر اسباب و وسایل جمع ساخته و نظام
هر این عالم بسیار بسبب علوی نمود و ملائکه که حادث و عوارض عالم کون و فساد از خیرات و شرور عبارت از آسمان‌ها و آفتاب و ماه و کواکب و نجوم
و اعوان و خدام ایشان در جمیع کرده اند و تحت ایشان قرار گرفته و نظام امور ایشان بنا بر آن است و هیچ چیز از موجودات در این عالم حادث نشود مگر
به تاثیر ایشان باذن الله العزیز الحکیم اما جمعی که جاهل به علم نجوم اند و حکمت آن را انکار کرده‌اند و تعلیم و تعلم آن ممنوع است و آن جماعت که نجوم را
معرفت بآن احکام تاثیرات کواکب و حرکات افلاک و خصوصیات نسب و اوضاع آنها بالهم معارضه کنند و بگویند که مقاومت نمایند چیزی با آنها
که نظری و وضعی خاص مقتضی آن است با نظری و وضعی دیگر مقتضی خلاف آن باشد و بالعکس و مقاومت کند که بر او تادی نماید و همچنین از
کواکب و اختصاصات و خصوصیات تاثیرات و احکام ایشان از انسان غیر اهل بیت نبوت که کسی نداند و طالع و حقایق جمیع آنها غیر ایشان
کسی نتواند و آنچه از نجوم و حساب منصوبات عدد و محسوس است که نیز در عقد صدر و اخراج زیج و صنعت اسطرلاب و کتاب تقویم
سقم و غلط مصون نیست بی آنکه با جمیع آنها فرض صحیح و تصحیح حاصل نمی شود چنانکه از کسی از حضرت امام جعفر
پرسید که علم نجوم میکنم و مردم منع میکنند که ضرر و ضرر چه کنم فرمود که ضرر چیست و اما علمیت که در آن است بسیار بدانید که کسی
ندارد بعد از آنکه کسی که نام آن را شنیده‌اند بود و از بعضی احوال کواکب منتفع شود که والله که هیچ کس از ایشان از نجوم و از کسی

۱۴۶

فرمود اگر کسی این حساب را بمعقولات دانست که نتیجه میان بیزار کدام است و در هر طرفی چند بعد جنبات است تا آنکه بیان علم بود که

و لیکن مرویست که حضرت علی ... [illegible] ... حساب ... [illegible] ... استنباط فرمودند امثال این

اخبار به اشارات دیگر آنکه تا ثیر اتحرکات افلاک و کواکب بحسب اختلاف طالع مولود تا من مختلف شود ... [illegible]

اثر کند ... [illegible]

خلاف ... [illegible]

ایشان اختیار ساعت سعد ... [illegible]

کسی ... [illegible]

[illegible]

۱۴۷

[illegible]

اللّهمّ صلّ علی محمّد واهل بیته وخِر لی فی کذا وحضرت صادق فرموده که هر کس از خدا چیزی طلب خیر کند و استخاره نماید و با آنچه خدا
برای او اختیار کند راضی باشد [illegible] خدا [illegible] و هم آنحضرت فرموده [illegible] استخاره [illegible] و سلامت
طلب کنید [illegible] باشد که خیر کسی [illegible] در قطع [illegible] مشورت [illegible] با عقلا [illegible]
کنید [illegible] در روایتست که هیچ جمعی مشورت نکنند که [illegible] محمّد یا احمد یا حامد یا محمود نام داشته
باشد با ایشان حاضر شود [illegible] **چشم زخم** در روایتست که [illegible] از چشم [illegible]
از چشم [illegible] چیزی [illegible] چشم [illegible] نظر [illegible]
یاد کند [illegible] ما شاء الله لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم [illegible] چشم زخم [illegible]
بخواند [illegible] ما شاء الله لا قوّة الّا بالله [illegible]
وقت [illegible] ما شاء الله [illegible] چشم زخم [illegible]
[illegible] **بیان** [illegible]
خبر [illegible] **شکر** چون نعمتی با احسانی [illegible] الحمد لله [illegible]
[illegible]
و مخطیه عظیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **حلم** [illegible]
[illegible]
[illegible] **حلم** [illegible] الحمد لله الذی عافانی ممّا ابتلاک به وفضّلنی علیک وعلی کثیر ممّن خلق [illegible]
[illegible] الحمد لله الذی فضّلنی علیک بالاسلام دینا وبالقرآن کتابا وبمحمّد نبیّا وبعلیّ اماما وبالمؤمنین اخوانا وبالکعبة قبلة
خدای [illegible] **قابل** [illegible]
[illegible]
[illegible] **غضب** چون غضب [illegible]
[illegible] اللّهمّ اغفر لی ذنبی واذهب غیظ قلبی واجرنی من الشیطان الرجیم ولا حول ولا قوّة الّا بالله

العظیم

العظیم و اگر خواهد [illegible] اللّهمّ اذهب عنّی غیظ قلبی واغفر لی ذنبی واجرنی من مضلّات الفتن اسئلک رضاک واعوذ بک من سخطک
[illegible] اسئلک جنّتک واعوذ بک من نارک واسئلک الخیر کلّه واعوذ بک من الشرّ کلّه اللّهمّ ثبّتنی علی الهدی والصواب واجعلنی
راشدا مرضیّا غیر ضالّ ولا مضلّ [illegible] ربّنا [illegible] سبقت رحمتک غضبک
لا اله الّا انت وحدک لا شریک لک [illegible] ظلمت نفسی فاغفر لی وارحمنی انّه لا یغفر الذنوب الّا انت [illegible]
[illegible] اللّهمّ لا [illegible] الحمد لله ربّ العالمین
[illegible] وصلّی الله علی محمّد وآله [illegible]
[illegible] ربّ العالمین [illegible]
[illegible] صلّی الله علی محمّد وآل [illegible] ربّ العالمین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
دعای [illegible] **نیاز** [illegible]
[illegible] اللّهمّ انّی اسئلک [illegible] صلّ علی محمّد وآل محمّد [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم اللّهمّ ایّاک نعبد وایّاک نستعین [illegible]
[illegible]
[illegible] لا اله الّا انت سبحانک انّی کنت من [illegible]
[illegible]
[illegible] لا قوّة الّا بالله [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible] اللّهمّ انّی عبدک وابن عبدک وابن امتک ناصیتی بیدک ماض فیّ حکمک عدل فیّ قضاؤک
اسئلک بکلّ اسم هو لک سمّیت به نفسک او علّمته احدا من خلقک او استأثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن
ربیع قلبی ونور بصری وشفاء صدری وجلاء حزنی وذهاب همّی وغمّی الله الله ربّی ولا اشرک به شیئا [illegible]
یا من یکفی من کلّ شیء ولا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمّنی [illegible]
[illegible] وکم لله من لطف خفیّ

١٤٠

بدو قنوطا من قيام الركب ولم نيأس من بعد عسر وفرج كربة القلب المنجي وكم أمر تساء صباحا وتأتيك المسرة في العشي

إذا ضاقت بك الأحوال يوما فثق بالواحد الفرد العلي [illegible] على النبي [illegible] الأبوة والحمد لله الذي لم يتخذ

ولدا ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا [illegible]

[illegible]

١٤١

[illegible]

هرچون دندان دارد باید دندانش پاک باشد [illegible] زکوة [illegible] منع کند [illegible]

روایت کرده‌اند [illegible] روز قیامت [illegible]

حق خدا را از مال [illegible] منع زکوة [illegible]

خود منع کند [illegible] صدقه [illegible]

[illegible] **فصل سیم** در [illegible] اهل بیت طاهرین [illegible] مومنین [illegible]

حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود [illegible] احسان کند [illegible] روز قیامت [illegible]

[illegible]

[illegible] **فصل چهارم** در فضیلت معروف و احسان [illegible]

[illegible]

آن که

خیر

گرانی کرده باشد و حضرت صادق فرمود که خدای تعالی لعن کرده قاطعان سبیل معروف را [illegible] کسی که یاد معروف کنند

و کفران کند که سبب این شود که دیگری معروف نکند و باید [illegible] **فصل پنجم** در فضیلت صدقه [illegible]

در فضیلت صدقه روایت است از اهل بیت طاهرین که خدای تعالی فرمود [illegible] صدقه [illegible]

اگر کسی خرمائی یا نصف خرمائی صدقه دهد [illegible] روز قیامت [illegible]

[illegible]

[illegible]

اگر خود حاجت داشته باشد ... احسان ... صدقه ... [illegible]

آنست که پنهان باشد که صدقه پنهان آتش غضب خدا را بنشاند و صدقه ... غضب الهی ... [illegible]

و صدقه ... [illegible]

[illegible]

فصل ششم [illegible]

[illegible]

فصل هفتم [illegible]

[illegible]

بدین سبب صدقه و احسان آنست که بعد از نفقه کفایت عیال باشد ... [illegible]

[illegible]

فصل هشتم در احسان نمودن بطعام و جامه ... [illegible]

[illegible]

فصل نهم [illegible]

[illegible]

فصل دهم [illegible]

[illegible]

[illegible] خدای تعالی در قیامت [illegible] روز قیامت دوزخ آرزو کند که تنها [illegible] و طلب کند [illegible]
[illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] چهل هزار [illegible] چهل هزار [illegible]
[illegible] چهل هزار [illegible] چهل هزار غلام و چهل هزار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible] ابراهیم خلیل الله [illegible]
[illegible] چهل هزار [illegible]
[illegible]
[illegible]

باب هفتم در فضایل روزه و احکام متعلق بآن [illegible] **فصل اول** از آداب و فضل اعتکاف [illegible]
[illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible] روزه [illegible]
[illegible] روزه [illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] روزه [illegible]
[illegible] روزه [illegible]
[illegible]
[illegible] روزه [illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] روزه [illegible]
[illegible] روزه [illegible]
[illegible] و تلاوت قرآن **فصل دوم** در فضایل روزه ماه رجب [illegible]

از اهل بیت

از اهل بیت طاهرین که رجب نام نهری است در بهشت سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل هر کس یک روز از این ماه روزه بگیرد از آن نهر بیاشامد و آتش
دوزخ صد ساله راه از او دور شود [illegible] و هر کس یک روز از این ماه روزه بگیرد مخلصا لله غضب الهی از او دور شود [illegible]
هفتاد ساله راه [illegible] خدای تعالی [illegible] آسمان [illegible] واجب شود [illegible]
هر کس [illegible] این ماه روزه بگیرد بهشت او را واجب شود [illegible]
[illegible]
[illegible] روزه بگیرد [illegible]
[illegible] روزه بگیرد [illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible] روزه بگیرد [illegible]
[illegible] خدای تعالی [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible] خدای [illegible]
[illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible]

١٤٨

بگیرد روز قیامت هفتاد هزار شمع از نور پیش روی او [illegible] روشنی آن تا [illegible] بعضی [illegible]

در جنت خلد [illegible] ثواب ابراهیم [illegible] نیابد و اگر روزه روز دیگر دارد در جنت [illegible] قصری بنا کند [illegible] آدم

و ابراهیم علیهما السلام [illegible] سلام کند [illegible] روز دیگر [illegible]

بیست هزار سال العبادة کرده باشد و اگر بیست [illegible] روز دیگر [illegible] منادی

از آسمان ندا کند [illegible] روز دیگر

از آسمان ندا کند که خوش باد [illegible] ابراهیم علیه السلام [illegible] روز دیگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل سیم [illegible]

فضایل روزه ماه شعبان روایت است از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] ماه شعبان [illegible]

[illegible]

١٤٩

ابلیس [illegible] محفوظ کرداند و اگر هشت روز دیگر [illegible] روز دیگر [illegible]

[illegible] روز دیگر [illegible] هفتاد [illegible] روز دیگر [illegible]

کند و اگر [illegible] روز دیگر [illegible] هفتاد هزار [illegible] روز دیگر [illegible] آسمان [illegible]

[illegible] روز دیگر [illegible]

و اگر [illegible] روز دیگر [illegible] هفتاد [illegible]

قصر [illegible] بهشت [illegible] روز دیگر [illegible] هفتاد هزار [illegible]

[illegible] روز دیگر [illegible] هفتاد [illegible]

[illegible]

رمضان [illegible] شعبان [illegible] ماه رمضان متصل کند [illegible]

[illegible] روزه [illegible] ماه رمضان متصل کند [illegible]

روز دیگر [illegible] باشد **فصل چهارم** در فضایل ماه مبارک رمضان روایت است از حضرت پیغمبر [illegible]

[illegible]

[illegible]

نستان و کلوخ و ... بود هر بار که برآید خدا ... شفاعت کند ... [illegible]

باشهید ... باشد ... روزه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل پنجم در آداب طعام ... [illegible]

[illegible]

فصل ششم در سحور ... [illegible]

[illegible]

فصل هفتم ... [illegible]

[illegible]

فصل هشتم در فطر صایم ... [illegible]

[illegible]

فرمایند چنانست که بنده آزاد کند و کسانی که اعمال... [illegible] باشد و حضرت امام محمد باقر به یکی از اصحاب فرمود میتوانی که در ماه مبارک
رمضان هر شب ده بنده از اولاد اسمعیل آزاد کنی گفت مالم باین قدر وفا نکند پس یک یک کم میفرمود و میگفت نمیتوانم تا یک
بنده رسید و گفت نمیتوانم فرمود میتوانی هر شب یک مسلم را افطار فرمائی گفت بلی ده مسلم را نیز میتوانم فرمود مقصود من
همین بود که افطار فرمودن مؤمن مثل آزاد کردن بنده ایست از اولاد اسمعیل **فصل نهم** در فضایل افطار کردن بدانکه روزه مؤمن
در روایات اهل بیت طاهرین وارد شده که در خانه برادر مؤمن افطار کردن هفتاد مرتبه افضل است از روزه و مکرر گفته و چون کسی روزه [illegible]
داشته باشد و مؤمنی او را تکلیف افطار کند و او افطار کند سرور او [illegible] باید روزه و [illegible]
بکرده و [illegible] افطار کند [illegible] اهل بیت [illegible] کرده و آنچه [illegible]
که بعد [illegible] افطار کردن سبب [illegible] باشد **فصل دهم** در اعتکاف و در روایات اهل
بیت طاهرین که افضل اوقات [illegible] اعتکاف ماه مبارک رمضان است [illegible] روایت کرد اعتکاف باشد که در عشر آخر ماه رمضان [illegible]
در ماه رمضان برابر است با ده حج و ده عمره و اعتکاف [illegible] باشد [illegible] اصل اعتکاف سنت است
[illegible] سه روز [illegible] واجب شود [illegible] روز سیم واجب شود [illegible] باختیار [illegible]
[illegible] اعتکاف روزه داشتن [illegible] اعتکاف [illegible] صحیح نباشد [illegible]
مجزی باشد خواه واجب و خواه غیر آن [illegible] مسجدی باشد که امام عادل در آن نماز [illegible] و افضل مساجد [illegible]
مسجد الحرام و مسجد رسول و مسجد کوفه است [illegible] ایام اعتکاف [illegible]
و جنازه [illegible] عیادت مریض [illegible] حاجت مؤمن [illegible]
[illegible] نماز جمعه [illegible] باشد [illegible] ایام اعتکاف
مباشرت کردن خواه [illegible] شب و در این ایام [illegible] و بیع و شرا [illegible]
که وقت نیت اعتکاف با خدا شرط کند [illegible]
رفت و حج بر آن [illegible] روزه [illegible] **باب هشتم** در اعمال شوال و ذی القعده و ذی الحجه [illegible] مقصود [illegible]
در دوازده فصل بیان شود **فصل اول** در اعمال روز نوروز و فضایل آن در روایات اهل بیت طاهرین [illegible]
در غدیر خم [illegible]
روزه داشتن و غسل کردن [illegible] آیة الکرسی [illegible] اللهم هذه
سنة جديدة وانت ملك قديم اسئلك خيرها وخير ما فيها واعوذ بك من شرها وشر ما فيها واستكفيك مؤنتها وشغلها
يا ذا الجلال والاكرام [illegible]
[illegible] قل يا ايها الكافرون [illegible]

بجا [illegible] اللهم صل على محمد وآل محمد الاوصياء المرضيين وعلى جميع انبيائك ورسلك بافضل صلواتك
وبارك عليهم بافضل بركاتك وصل على ارواحهم واجسادهم اللهم بارك على محمد وآل محمد وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته
وكرمته وشرفته وعظمت قدره اللهم بارك لي فيما اعطيتني حتى لا اشكر احدا غيرك ووسع في رزقي يا ذا الجلال والاكرام
اللهم ما غاب عني من شيء فلا تغيبن عني عونك وحفظك وما فقدت من شيء فلا تفقدني عونك عليه حتى لا اتكلف
ما لا احتاج اليه يا ذا الجلال والاكرام [illegible]
از علما [illegible] يا محول الحول والاحوال حول حالنا الى
احسن الحال [illegible] **فصل دوم** در اعمال [illegible]
[illegible] ايها القمر المطيع الدائب السريع المتصرف في فلك [illegible]
اللهم اهله علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **فصل سیم** در اعمال ماه محرم
و ذی القعده و ذی الحجه [illegible]
[illegible]
اللهم انت الابدي القديم [illegible] الرجيم [illegible]
على هذه النفس الامارة بالسوء [illegible] يا ارحم الراحمين
[illegible]

سلام قولا من رب رحیم سلام علی نوح فی العالمین سلام علی ابراهیم سلام علی الیاسین سلام علی موسی وهرون سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین سلام هی حتی مطلع الفجر

اعانت کنند و روز دهم اینها و قضیهٔ عظیمی که رو داد واقع شده و بنی امیه و اتباع لعنهم الله آن روز را تبرک کردند و روز عید گرفتند و هر که در آن روز
روز عید گیرد و آن را تبرک کند با آل زیاد لعنهم الله در جهنم باشد و هر که در این روز ذخیره کند در منزل خود خدا نفاق در دلش اندازد و برکت از او و
اولادش و اهل بیتش بردارد و شیطان در آن شریک شود و کسی که ترک کارها و حاجتهای دنیا بکند و ... شود ... باشد
در این روز دست از حوائج دنیا باز دارد خدا حوائج دنیا و آخرتش را بر آورد و دعا در این روز اعظم مستجابست و در این روز مشغول مصیبت حضرت
و اهل بیت و اصحاب آن حضرت باشد و اظهار ... و گریه ... مصیبت زدگان ... و ... کنند و ...
بعد از عصر دست از طعام و شراب و لذات ... بعد از آن ... افطار نمودن ... و ... مصیبت
کرده باشد ... و ... روز ... مصیبت اهل بیت را یاد کند ... و روز قیامت با ایشان
در ... ایشان باشد ... چشمی که ... ایشان ... الحجج ...
ایشان را ... تا ... و ... باشد ... که ...
برای حضرت امام حسین ... آن حضرت ... و ...
و قلیل و کثیر ... و ... در ... آن حضرت ... و ...
و لعنت ... آن حضرت ... و ... لعنت ... باد ... بر اهل بیت ...
باشد ... آن حضرت ... یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما ... آن حضرت شهید شد ...
ایشان ... باشد ... در درجات عالی بهشت باشد ... شیعه ... حضرت ...
که در ... آن حضرت شهید شد ... باشد ... روز عاشورا ... که ...
بر ... زیارت کند ... و ... حضرت امام محمد باقر ... روز عاشورا ... آن حضرت ... حج
و ... عمره ... آن حضرت ... و ... بهشت ...
... آن حضرت سلام ... و ... بعد ...
در ... لعنت کند و اهل بیت خود ... و ... مصیبت آن حضرت ... و ...
اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام وجعلنا واياكم من الطالبين بثاره مع وليه الامام المهدي من آل محمد ... صلی الله علیه
هر آنکه ... ثواب ... مصیبت ... و ... ایشان ... تعلیم
کن ... زیارت ... و ... حضرت ... سلام ... بعد ...
رکعت نماز ... آن حضرت ... شهید ... ایشان ...
باشد ... ایشان ... زیارت آن حضرت ... شده ...
... زیارت ... السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله السلام

عليك يا ابن امير المؤمنين وابن سيد الوصيين السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك
يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام عليك وعلى الارواح التي حلت بفنائك واناخت برحلك عليكم
مني جميعا سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار يا ابا عبد الله لقد عظمت الرزية وجلت وعظمت المصيبة
بك علينا وعلى جميع اهل الاسلام وجلت وعظمت مصيبتك في السموات على جميع اهل السموات فلعن الله امة
اسست اساس الظلم والجور عليكم اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم عن مقامكم وازالتكم عن مراتبكم التي رتبكم الله
فيها ولعن الله امة قتلتكم ولعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم برئت الى الله واليكم منهم ومن اشياعهم واتباعهم
واوليائهم يا ابا عبد الله اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم الى يوم القيامة ولعن الله آل زياد وآل مروان ولعن الله
بني امية قاطبة ولعن الله ابن مرجانة ولعن الله عمر بن سعد ولعن الله شمرا ولعن الله امة اسرجت والجمت و
تنقبت وتهيأت لقتالك بابي انت وامي لقد عظم مصابي بك فاسئل الله الذي اكرم مقامك واكرمني بك
ان يرزقني طلب ثارك مع امام منصور من اهل بيت محمد صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين
في الدنيا والآخرة يا ابا عبد الله اني اتقرب الى الله والى رسوله والى امير المؤمنين والى فاطمة والى الحسن واليك بموالاتك
وبالبرائة ممن قاتلك ونصب لك الحرب وبالبرائة ممن اسس اساس الظلم والجور وبني عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره
عليكم وعلى اشياعكم برئت الى الله واليكم منهم واتقرب الى الله ثم اليكم بموالاتكم وموالاة وليكم وبالبرائة من اعدائكم
والناصبين لكم الحرب وبالبرائة من اشياعهم واتباعهم اني سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولي لمن والاكم وعدو
لمن عاداكم فاسئل الله الذي اكرمني بمعرفتكم ومعرفة اوليائكم ورزقني البرائة من اعدائكم ان يجعلني معكم في الدنيا
والآخرة وان يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا والآخرة واسئله ان يبلغني المقام المحمود لكم عند الله وان
يرزقني طلب ثاري مع امام هدى ظاهر ناطق منكم واسئل الله بحقكم وبالشان الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي
بكم افضل ما يعطي مصابا بمصيبته ما اعظمها واعظم رزيتها في الاسلام وفي جميع السموات والارض اللهم اجعلني
في مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل
محمد اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك في كل موطن
وموقف وقف فيه نبيك اللهم العن ابا سفيان ومعاوية ويزيد بن معاوية وآل مروان عليهم منك اللعنة
ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف عليهم اللعن منك والعذاب
اللهم اني اتقرب اليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا وايام حياتي بالبرائة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة لنبيك وآل نبيك
عليهم السلام ثم تقول مائة مرة اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة
التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت وتابعت على قتله اللهم العنهم جميعا ثم تقول مائة مرة السلام عليك يا ابا عبد الله

وعلى الأرواح التي حلّت بفنائك وأناخت برحلك عليك منّي سلام الله ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا
جعله الله آخر العهد منّي لزيارتك السلام على الحسين وعلى عليّ بن الحسين وعلى أولاد الحسين وعلى
أصحاب الحسين بعد از آن بگوید اللهمّ خصّ أنت أوّل ظالم باللعن منّي وابدأ به أوّلاً ثمّ الثاني والثالث و
الرابع اللهمّ العن يزيد خامساً والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمراً وآل أبي
سفيان وآل زياد ومروان إلى يوم القيامة بعد از آن بسجده رود و بگوید اللهمّ لك الحمد حمد الشاكرين
لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيّتي اللهمّ ارزقني شفاعة الحسين يوم الورود وثبّت لي قدم
صدق عندك مع الحسين وأصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين

فصل چهارم در اعمال ماه صفر بعضی از اعاظم علما در کتب خود نقل کرده اند که هر روز از این ماه ده مرتبه این دعا بخوانند از ابتلای این ماه
نازل شود ایمن باشد یا شدید القوی یا شدید المحال یا عزیز یا عزیز یا عزیز ذلّت بعظمتك جميع خلقك فاكفني شرّ جميع خلقك
يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا لا إله إلّا أنت سبحانك إنّي كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجّيناه من الغمّ وكذلك ننجي المؤمنين
وصلّى الله على محمّد وآله الطيّبين و مستحبات دیگر این ماه که روز اربعین است زیارت حضرت امام حسین است و روایت است از حضرت
امام حسن عسکری که علامات مؤمن پنج است صلوة احدی و خمسین و زیارت اربعین و تختّم بالیمین و تعفیر جبین و جهر
بسم الله الرحمن الرحیم و زیارت اربعین اینست السلام على وليّ الله وحبيبه السلام على خليل الله
ونجيبه السلام على صفيّ الله وابن صفيّه السلام على الحسين المظلوم الشهيد السلام على أسير الكربات وقتيل العبرات
اللهمّ إنّي أشهد أنّه وليّك وابن وليّك وصفيّك وابن صفيّك الفائز بكرامتك أكرمته بالشهادة وحبوته
بالسعادة واجتبيته بطيب الولادة وجعلته سيّداً من السادة وقائداً من القادة وذائداً من الذادة وأعطيته
مواريث الأنبياء وجعلته حجّة على خلقك من الأوصياء فأعذر في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ
عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرّته الدنيا وباع حظّه بالأرذل الأدنى وشرى آخرته
بالثمن الأوكس وتغطرس وتردّى في هواه وأسخطك وأسخط نبيّك وأطاع من عبادك أهل الشقاق والنفاق وحملة
الأوزار المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابراً محتسباً حتّى سفك في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهمّ فالعنهم
لعناً وبيلاً وعذّبهم عذاباً أليماً السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيّد الأوصياء أشهد أنّك أمين الله
وابن أمينه عشت سعيداً ومضيت حميداً ومتّ فقيداً مظلوماً شهيداً وأشهد أنّ الله منجز ما وعدك ومهلك
من خذلك ومعذّب من قتلك وأشهد أنّك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيله حتّى أتاك اليقين فلعن الله
من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله أمّة سمعت بذلك فرضيت به اللهمّ إنّي أشهدك أنّي وليّ لمن والاه و
عدوّ لمن عاداه بأبي أنت وأمّي يا ابن رسول الله أشهد أنّك كنت نوراً في الأصلاب الشامخة والأرحام المطهّرة

لم تنجّسك

تعفیر در خاک گردانیدن جبین که جانب پیشانی است و ... آفتاب کم ... خاک مالیدن ... در وقت سجده ...

تا آخر زیارت ...

لم تنجّسك الجاهليّة بأنجاسها ولم تلبسك المدلهمّات من ثيابها وأشهد أنّك من دعائم الدين وأركان المسلمين وأشهد أنّك الإمام
البرّ التقيّ الرضيّ الزكيّ الهادي المهديّ وأشهد أنّ الأئمّة من ولدك كلمة التقوى وأعلام الهدى والعروة الوثقى والحجّة
على أهل الدنيا وأشهد أنّي بكم مؤمن وبإيابكم موقن بشرائع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وأمري لأمركم متّبع ونصرتي لكم معدّة
حتّى يأذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوّكم صلوات الله عليكم وعلى أرواحكم وأجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم آمين ربّ العالمين
بعد از آن دو رکعت نماز گزارد و هر دعا که خواهد بکند **فصل پنجم** در اعمال ماه ربیع الاول اکثر شیعه بر آنند که نهم این ماه قتل عمر ابن
الخطاب واقع شده و اهل تواریخ و بعضی علمای شیعه در این خلاف کرده اند الله تعالی اعلم و حدیثی صحیح در این روایت شده و خلاصه مضمون حدیث آنست
که دو کس از شیعیان گویند روز نهم ربیع الاول بود که رفتیم بخانهٔ احمد بن اسحق قمی که از اعاظم اصحاب امام علی النقی بود دیدیم که غسل کرده بود
پرسیدیم ... گفت ... بود و اعضای خود ... شکر ...
امروز عید است و ... غسل عید کرده ام گفتیم که شیعیان از غسل اضحی و فطر و غدیر و جمعه عید دیگر است گفت ...
نشنیده اید که ... بجماعتی از شیعیان که در خدمت ... نهم ربیع الاول ... امام علی النقی ...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...
...

١٥٩

على كل شيء قدير اللهم لا مانع لما اعطيت ولا معطي لما منعت ولا ينفع ذا الجد منك الجد [illegible]

و بعد از فراغ [illegible] لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت بيده الخير وهو على كل شيء

قدير [illegible] الها واحدا احدا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا [illegible] و بعد از فراغ [illegible]

بگويد لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله

الطاهرين ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم [illegible]

[illegible]

[illegible]

الشافين الحافين وبارك لنا في شهرنا هذا المرجب المكرم وما بعده من الاشهر الحرم واسبغ علينا فيه النعم واجزل لنا فيه القسم
وابرر لنا فيه القسم باسمك الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي وضعته على النهار فاضاء وعلى الليل فاظلم واغفر لنا ما تعلم
منا وما لا نعلم واعصمنا من الذنوب خير العصم واكفنا كوافي قدرك وامنن علينا بحسن نظرك ولا تكلنا الى غيرك ولا تمنعنا
من خيرك وبارك لنا فيما كتبته لنا من اعمارنا واصلح لنا الخبيئة من اسرارنا واعطنا منك الامان واستعملنا بحسن الايمان
وبلغنا شهر الصيام وما بعده من الايام والاعوام يا ذا الجلال والاكرام و در هر روز [illegible] بخواند اللهم اني اسالك بالمولودين
في رجب محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب واتقرب بهما اليك خير القرب يا من اليه المعروف طلب وفيما لديه رغب
اسالك سؤال معترف مذنب قد اوبقته ذنوبه واوثقته عيوبه فطال على الخطايا دؤوبه ومن الرزايا خطوبه يسالك التوبة
وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فكاك رقبته والعفو عما في ربقته فانت يا مولاي اعظم امله وثقته اللهم واسالك
بمسائلك الشريفة ووسائلك المنيفة ان تتغمدني في هذا الشهر برحمة منك واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة الى
نزول الحافرة ومحل الآخرة وما هي اليه صائرة و در كل روز ماه رجب و شعبان و رمضان هر روز ده مرتبه الحمد و آية الكرسي
و قل يا ايها الكافرون سه مرتبه و سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم سه مرتبه بخواند اللهم
صل على محمد وآل محمد وكل ملك ونبي سه مرتبه اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات سه مرتبه واستغفر الله [illegible]
ديگر سه مرتبه انا انزلناه و سه مرتبه اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا [illegible]
ستارگان آسمان و قطرهٔ باران و برگ درختان [illegible] باشد و بعدد هر حرفي [illegible] دوستان و آشنايان
هر كس در اين سه ماه [illegible]
كه [illegible]
نامهاي [illegible] **عمل رغائب** هر كه پنجشنبه اول اين ماه روزه بگيرد و
جمعه [illegible] شب رغايب [illegible] نماز شام و خفتن دوازده ركعت نماز بگذارد در هر ركعت بعد الحمد سه مرتبه انا انزلناه و دوازده
مرتبه قل هو الله بخواند و [illegible] صلوات بفرستد بعد از آن سجده كند و هفتاد
مرتبه بگويد سبوح قدوس رب الملائكة والروح بعد از آن سر بردارد و هفتاد مرتبه بگويد رب اغفر وارحم وتجاوز عما تعلم
انك انت العلي الاعظم بعد از آن [illegible] سجده كند [illegible] هفتاد مرتبه [illegible] حاجت [illegible] باشد
[illegible] مستجاب شود [illegible] باشد
و [illegible] باشد **عمل ايام البيض** هر كس ايام بيض اين ماه روزه بگيرد و شبهاي [illegible]
[illegible] ركعت نماز بگذارد و در هر ركعت [illegible] قل هو الله احد [illegible] استغفار
كند [illegible] آسمان و زمين [illegible] شهيد باشد [illegible]

بپانصد

بپانصد آمرزيده شود [illegible] هر كس در اين شب دوازده ركعت نماز بگذارد در هر ركعت بعد الحمد سي مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فراغ
صد مرتبه استغفار و تمجيد و تكبير كند [illegible] استغفر الله ذا المجد والكبرياء [illegible]
[illegible] و بعدد هر قطره كه در آن شب از آسمان ببارد حسنه بنويسند و بعدد هر ركوع و سجود كه كرده در بهشت قصري از زبرجد
سبز و بعدد هر حرفي از قرآن كه خوانده شهري از ياقوت سرخ عطا فرمايند و تاج كرامت بر سر [illegible] مستجاب گردد [illegible]
حضرت امام حسين **عمل استفتاح** كيفيت اين عمل در كتب ادعيه [illegible] آنچه اقرب بصواب [illegible]
فاطمه نام زني بود [illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible] منصور خليفهٔ عباسي محبوس كرده
اراده قتل داشته [illegible] فاطمه بخدمت حضرت صادق [illegible] آنحضرت [illegible] رجب [illegible] ايام بيض آنماه روزه بگير
[illegible] غسل كن و هشت ركعت نوافل ظهر بگذار و در هر ركعت اول الحمد الم نشرح و در دوم قل يا ايها الكافرون و در [illegible]
انا انزلناه و در چهارم اذا [illegible] بعد از نماز ظهر هشت ركعت ديگر بگذار در اول
بعد الحمد قل هو الله و در دوم قل اعوذ برب الفلق و در سيم قل اعوذ برب الناس و در چهارم انا اعطيناك [illegible] ركوع و سجود
و قنوت نمازها را خوب بجا آر و بعد از تمام هشت ركعت [illegible] و در هر ركعت بعد الحمد [illegible]
و صد [illegible]
بعد از آن نماز عصر [illegible] الحمد و آية الكرسي و قل هو الله [illegible]
هر يك صد مرتبه بعد از آن سورهٔ انعام و بني اسرائيل و كهف و لقمان و يس و صافات و حم سجده و حم عسق و دخان و انا فتحنا
و اذا وقعت و سورهٔ الملك و ن والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن بخواند و اگر از خواندن قرآن عاجز باشي بجاي [illegible] قل هو الله
[illegible] دعاء استفتاح نام [illegible]
[illegible] مستجاب شود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **دعا** صدق الله العظيم الذي لا اله الا هو الحي القيوم
ذو الجلال والاكرام الرحمن الرحيم الحليم الكريم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير العليم الخبير شهد الله انه
لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وبلغت
رسله الكرام وانا على ذلك من الشاهدين اللهم لك الحمد ولك المجد ولك العز ولك الفخر ولك القهر ولك النعمة
ولك العظمة ولك الرحمة ولك المهابة ولك السلطان ولك البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح ولك

وبعد از نيمهٔ شب ظهر ده ركعت نماز بكن بهر چه
كه خواهي و بعد از آن صد مرتبه بگو يا قاضي
حوائج الطالبين صح في زاد المعاد
و در زاد المعاد بجاي صد آية الكرسي
ده آية الكرسي ذكر است صح
و اگر از خواندن آن عاجز باشي بجاي آن الحمد
صد مرتبه و آية الكرسي ده مرتبه و قل
هو الله صد مرتبه بخوان آن نيز

العليم

المقدسين وآلك المكبرين وآلك المهللين ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق السماوات العلى ولك ما تحت الثرى ولك
الأرضون السفلى ولك الآخرة والأولى ولك ما تحب وترضى به من الثناء والحمد والشكر والنعماء اللهم صل على
محمد وآل محمد صل على جبرئيل أمينك على وحيك والقوي على أمرك والمطاع في سماواتك ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك
الناصر لأنبيائك المدمر لأعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك والمستغفر المعين لأهل
طاعتك اللهم صل على إسرافيل حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لأمرك الوجل المشفق من خيفتك اللهم صل
على عزرائيل قابض أرواح عبادك بأمرك ملك الموت الأمين على أرواح خلقك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين
وعلى الملائكة الموكلين على دعاء المؤمنين وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين
وملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت والأعوان يا ذا الجلال والإكرام اللهم صل على أبينا آدم بديع فطرتك
الذي كرمته بسجود ملائكتك وأبحته جنتك اللهم صل على أمنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس
المفضلة من الإنس المترددة بين محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وإدريس ونوح وهود وصالح وإبراهيم
وإسماعيل وإسحاق ويعقوب ويوسف والأسباط ولوط وشعيب وأيوب وموسى وهارون ويوشع وميشا والخضر
وذي القرنين ويونس وإلياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا ويحيى و
تورخ ومتى وإرميا وحيقوق ولقمان ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والأتباع
وخالد وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت
ورحمت وترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد اللهم صل على الأوصياء والسعداء والشهداء و
أئمة الهدى اللهم صل على الأبدال والأوتاد والسياح والعباد والصالحين والمخلصين والزهاد وأهل الجد
والاجتهاد واخصص محمدا وآل محمد بأفضل صلواتك وأجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية
وسلاما وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه أعلى درجات أهل الشرف من النبيين والمرسلين والأفاضل
المقربين اللهم وصل على من سميت ومن لم أسم من ملائكتك وأنبيائك ورسلك وأهل طاعتك وأوصل
صلواتي إليهم وإلى أرواحهم واجعلهم إخواني فيك وأعواني على دعائك اللهم إني أستشفع بك إليك وبكرمك إلى
كرمك وبجودك إلى جودك وبرحمتك إلى رحمتك وبأهل طاعتك إليك وأسألك اللهم بكل ما سألك به أحد
منهم من مسألة شريفة غير مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم
يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير يا مبير يا منيع يا مديل
يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط
يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل

يا قابض

محال نسخه — آب الأنبياء نسخه بدل — متى ... وحنظلة نسخه — والمخلصين أفضل نسخه — يا مجمل نسخه

يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح
يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل مفتاح يا نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا وافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن يا عزيز
يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا أحد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر يا قدوس يا ناصر يا مؤنس يا باعث يا وارث
يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار يا عدل
يا فاصل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خفير يا معين يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع
يا رازق يا مقتدر يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق يا واحد يا راصد يا حاضر يا جابر يا حافظ يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض
يا باسط يا محيي يا قيوم يا مهيمن يا طاهر يا مجيب يا متفضل يا منتجب يا عادل يا بصير يا متوكل يا مسدي يا أواب يا وفي يا رشيد يا ملاذ
يا رب يا مبدل يا معز يا ماجد يا رؤوف يا ولي يا فاضل يا سبحان يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الأعلى يا من قرب فدنا
وبعد فنأى وعلم السر وأخفى يا من إليه التدبير وله المقادير يا من العسير عليه سهل يسير يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل
الرياح يا فالق الإصباح يا باعث الأرواح يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الأموات يا جامع الشتات يا رازق من
يشاء بغير حساب ويا فاعل ما يشاء كيف يشاء ويا ذا الجلال والإكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي
لا إله إلا أنت بديع السماوات والأرض يا إلهي صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت
ورحمت وترحمت على إبراهيم وآل إبراهيم إنك حميد مجيد وارحم ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين
يديك واعتمادي عليك وتضرعي إليك أدعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير
العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء من أسلمته ثقته ورفضته أحبته وعظمت فجيعته دعاء حرق
حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم وأسألك بأنك مليك وأنك ما تشاء من أمر يكون وأنك على ما تشاء قدير
وأسألك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر العظام وبحق نبيك محمد عليه وآله
السلام يا من وهب لآدم شيثا ولإبراهيم إسماعيل وإسحاق ويا من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر أيوب
يا راد موسى على أمه وزائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمان ولزكريا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب
يا كافل ولد أم موسى أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك وأمانك
وإحسانك وغفرانك وجنانك وأسألك أن تفك عني كل حلقة بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي كل باب وتلين لي كل
صعب وتسهل لي كل عسير وتخرس عني كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت عني كل عدو لي وحاسد وتمنع
مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين حاجتي ويحاول أن يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبادتك
يا من ألجم الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين وأذل رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين أسألك
بقدرتك على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء أن تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء

التدبير نسخه — حرق: الحرق حرقي النار ... — مليك نسخه — خلقته ... نسخه — لي نسخه — ولدي نسخه

بعد از آن سجده کن و هر دو رو بر خاک بگذار و بگوی اللهم لک سجد سوادی وبک آمنت فؤادی ارحم ذنبی وفاقتی واجتهادی وتضرعی ومسکنتی
وفقری الیک یا رب و جهد کن تا اشک از چشمت بیاید [illegible] روز بیست و هفتم ماه رجب
[illegible] عمل شب مبعث روایت کرده‌اند که شب بیست و هفتم رجب [illegible]
[illegible]
[illegible] و مستحب است [illegible]
[illegible] حضرت امام محمد تقی [illegible]
[illegible] دوازده رکعت نماز [illegible]
[illegible] قل هو الله احد [illegible] و آیة الکرسی [illegible]
بگو الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا اللهم انی اسألک بمعاقد
عزک علی ارکان عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم الاعظم الاعظم وذکرک الاعلی الاعلی الاعلی وبکلماتک
التامات ان تصلی علی محمد وآله وان تفعل بی ما انت اهله و بعد از آن [illegible] دعا کند و مستحب است [illegible]
اللهم انی اسألک بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المکرم ان تصلی علی محمد وآله وان تغفر لنا ما انت به منا اعلم
یا من یعلم ولا نعلم اللهم بارک لنا فی لیلتنا هذه التی بشرف الرسالة فضلتها وبکرامتک اجللتها وبالمحل الشریف احللتها
اللهم انا نسألک بالمبعث الشریف والسید اللطیف والعنصر العفیف ان تصلی علی محمد وآله وان تجعل اعمالنا فی هذه
اللیلة وفی سائر اللیالی مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا مشکورة وسیئاتنا مستورة وقلوبنا بحسن القول مسرورة
وارزاقنا من لدنک بالیسر مدرورة اللهم انک تری ولا تری وانت بالمنظر الاعلی وان الیک الرجعی والمنتهی وان لک الممات
والمحیا وان لک الآخرة والاولی اللهم انا نعوذ بک ان نذل ونخزی وان نأتی ما عنه تنهی اللهم انا نسألک الجنة من
رحمتک ونستعیذ بک من النار فاعذنا منها بقدرتک ونسألک من الحور العین فارزقنا بعزتک واجعل اوسع ارزاقنا
عند کبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا واطل فی طاعتک وما یقرب الیک ویحظی عندک ویزلف لدیک اعمارنا
واحسن فی جمیع احوالنا وامورنا معرفتنا ولا تکلنا الی احد من خلقک فیمن علینا وتفضل علینا بجمیع حوائجنا للدنیا والآخرة
وابدأ بآبائنا وابنائنا وجمیع اخواننا المؤمنین فی جمیع ما سألناک لانفسنا یا ارحم الراحمین اللهم انا نسألک باسمک العظیم
وملکک القدیم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تغفر لنا الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم وهذا رجب المکرم
الذی اکرمتنا به اول اشهر الحرم اکرمتنا به من بین الامم فلک الحمد یا ذا الجود والکرم فنسألک به وباسمک الاعظم الاعظم الاجل
الاکرم الذی خلقته فاستقر فی ظلک فلا یخرج منک الی غیرک ان تصلی علی محمد واهل بیته الطاهرین وان تجعلنا
من العاملین فیه بطاعتک والآملین فیه بشفاعتک اللهم اهدنا الی سواء السبیل واجعل مقیلنا عندک خیر مقیل فی ظل

ظلیل وملک جزیل فانک حسبنا ونعم الوکیل اللهم اقلبنا مفلحین منجحین غیر مغضوب علینا ولا الضالین برحمتک یا ارحم الراحمین
اللهم انی اسألک بعزائم مغفرتک وبواجب رحمتک السلامة من کل اثم والغنیمة من کل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار
اللهم دعاک الداعون ودعوتک وسألک السائلون وسألتک وطلب الیک الطالبون وطلبت الیک اللهم انت الثقة
والرجاء والیک منتهی الرغبة والدعاء اللهم فصل علی محمد وآله واجعل الیقین فی قلبی والنور فی بصری والنصیحة فی صدری
وذکرک باللیل والنهار علی لسانی ورزقا واسعا غیر ممنون ولا محظور فارزقنی وبارک لی فیما رزقتنی واجعل
غنای فی نفسی ورغبتی فیما عندک برحمتک یا ارحم الراحمین بعد از آن سجده کن و بگو الحمد لله الذی هدانا لمعرفته
وخصنا بولایته ووفقنا لطاعته [illegible] شکرا شکرا بعد از آن سر بردار و بگو اللهم انی قصدتک بحاجتی
واعتمدت علیک بمسألتی وتوجهت الیک بائمتی وسادتی اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم
وادخلنا الجنة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین و مستحب است غسل کردن [illegible]
[illegible]
و بعد از [illegible] بخواند الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا
یا عدتی فی مدتی یا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی
فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلک الحمد وانت المقیل عثرتی فلک الحمد وانت المنعش
صرعتی فلک الحمد صل علی محمد وآل محمد واستر عورتی وآمن روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی فی اصحاب
الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون
و چون از مجموع نماز فارغ شوی هر یک از سوره حمد و قل هو الله و معوذتین و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی را هفت مرتبه بخوان
بعد از آن هفت مرتبه بگو لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله بعد از آن هفت مرتبه بگو الله الله
ربی لا اشرک به شیئا و هر حاجت که خواهی بطلب و مستحب است [illegible] یا من امر بالعفو والتجاوز وضمن
نفسه العفو والتجاوز یا من عفا وتجاوز اعف عنی وتجاوز یا کریم اللهم وقد اکدی الطلب واعیت الحیلة والمذهب
ودرست الآمال وانقطع الرجاء الا منک وحدک لا شریک لک اللهم انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة ومناهل
الرجاء لدیک مترعة وابواب الدعاء لمن دعاک مفتحة والاستعانة لمن استعان بک مباحة واعلم انک لداعیک بموضع
اجابة وللصارخ الیک بمرصد اغاثة وان فی اللهف الی جودک والضمان بعدتک عوضا من منع الباخلین ومندوحة
عما فی ایدی المستأثرین وانک لا تحتجب عن خلقک الا ان تحجبهم الاعمال دونک وقد علمت ان افضل زاد الراحل
الیک عزم ارادة یختارک بها وقد ناجاک بعزم الارادة قلبی واسألک بکل دعوة دعاک بها راج بلغته امله او صارخ
الیک اغثت صرخته او ملهوف مکروب فرجت عن قلبه او مذنب خاطئ غفرت له او معافی اتممت نعمتک علیه او فقیر
اهدیت غناک الیه ولتلک الدعوة علیک حق وعندک منزلة الا صلیت علی محمد وآل محمد وقضیت حوائجی حوائج الدنیا

والآخرة اللهم وهذا رجب المرجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر الحرم اكرمتنا به من بين الامم يا ذا الجود والكرم
فنسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي
على محمد واهل بيته الطاهرين وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل
واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل فانك حسبنا ونعم الوكيل والسلام على عباده المصطفين وصلواته عليهم
اجمعين اللهم وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته وبكرامتك جللته وبالمنزل العظيم انزلته وصل على من فيه الى عبادك
ارسلته وبالمحل الكريم احللته اللهم صل عليه صلاة دائمة تكون لك شكرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا يسرا
واختم لنا بالسعادة الى منتهى آجالنا وقد قبلت اليسير من اعمالنا وبلغتنا برحمتك افضل آمالنا انك على كل شيء قدير
وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين وسلم **فصل هفتم** در اعمال شهر شعبان المعظم بروايت از اهل بيت طاهرين عليهم السلام
كه اينماه منسوبست بحضرت پيغمبر و در اينماه اعمال عباد را بالا ميبرند و حسنات مضاعف ميشود و سيئات محو ميگردد و در كتب احاديث
آمده است ... در اينماه ... ماه رمضان بهشت ... خداى تعالى نظر ...
در روز ... اينماه ... بتفصيل در باب ... در اينماه ...
... صدقه ... اينماه ...
باشد ... حرام شود ... در اينماه ... استغفار كند ...
از حضرت پيغمبر صلى الله عليه وآله ... هر روز هفتاد مرتبه بگويد استغفر الله واسأله التوبة خداى تعالى ...
... در اينماه هر روز هفتاد مرتبه بگويد استغفر الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم
الحي القيوم واتوب اليه ... امام ...
كه در آن ... هر روز ... اين صلوات ... اللهم صل على محمد وآل محمد
شجرة النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة ومعدن العلم واهل بيت الوحي اللهم صل على محمد وآل محمد الفلك الجارية
في اللجج الغامرة يأمن من ركبها ويغرق من تركها المتقدم لهم مارق والمتأخر عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل
على محمد وآل محمد الكهف الحصين وغياث المضطر المستكين وملجأ الهاربين ومنجى الخائفين وعصمة المعتصمين
اللهم صل على محمد وآل محمد صلاة كثيرة طيبة تكون لهم رضا ولحق محمد وآل محمد اداء وقضاء بحول منك وقوة يا رب
العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد الطيبين الابرار الاخيار الذين اوجبت حقوقهم وفرضت طاعتهم وولايتهم
اللهم صل على محمد وآل محمد واعمر قلبي بطاعتك ولا تخزني بمعصيتك وارزقني مواساة من قترت عليه من رزقك
بما وسعت علي من فضلك ونشرت علي من عدلك واحييتني تحت ظلك وهذا شهر نبيك سيد رسلك شعبان الذي
حففته منك بالرحمة والرضوان الذي كان رسول الله صلى الله عليه وآله يدأب في صيامه وقيامه في لياليه وايامه بخوعا

له في اكرامه واعظامه الى محل حمامه اللهم فاعنا على الاستنان بسنته فيه ونيل الشفاعة لديه اللهم واجعله لي شفيعا مشفعا وطريقا
اليك مهيعا واجعلني له متبعا حتى القاك يوم القيامة عني راضيا وعن ذنوبي غاضيا قد اوجبت لي منك الرحمة والرضوان وانزلتني دار القرار ومحل الاخيار
در روز سوم اينماه حضرت امام حسين متولد شده مستحبست در اين روز روزه داشتن و خواندن اين دعا اللهم اني اسألك بحق المولود
في هذا اليوم الموعود بشهادته قبل استهلاله وولادته بكته السماء ومن فيها والارض ومن عليها ولما يطأ لابتيها قتيل
العبرة وسيد الاسرة الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله ان الائمة من نسله والشفاء في تربته
والفوز معه في اوبته والاوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته حتى يدركوا الاوتار ويثأروا الثار ويرضوا
الجبار ويكونوا خير انصار صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار اللهم فبحقهم اليك اتوسل واسأل سؤال مقترف
معترف مسيء الى نفسه مما فرط في يومه وامسه يسألك العصمة الى محل رمسه اللهم فصل على محمد وعترته واحشرنا
في زمرته وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم وكما اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته
وسابقته واجعلنا ممن يسلم لامره ويكثر الصلاة عليه عند ذكره وعلى جميع اوصيائه واهل اصفيائه الممدودين
منك بالعدد الاثني عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا في هذا اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه كل
طلبة كما وهبت الحسين لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته وننتظر اوبته
آمين رب العالمين **عمل ايام البيض** و روايتست كه هر كه ايام بيض ماه شعبان روزه بدارد ...
... نصف شعبان ... شب ... است و در اين شب ...
... دعا مستجاب ... زيارت حضرت امام حسين ...
كه هر كه شب نصف شعبان ... زيارت ... خداى تعالى ...
... الحمد لله ولا اله الا هو والله اكبر ...
... خواهد ... حضرت امام محمد باقر ... در اين شب بعد از نماز خفتن ...
نماز ... الحمد ... سبحان الله ... الحمد لله ...
... يا من اليه ملجأ العباد في المهمات واليه يفزع الخلق في الملمات يا عالم الجهر والخفيات
يا من لا تخفى عليه خواطر الاوهام وتصرف الخطرات يا رب الخلائق والبريات يا من بيده ملكوت الارضين والسماوات انت الله
لا اله الا انت امت اليك بلا اله الا انت فيا لا اله الا انت اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت اليه فرحمته وسمعت دعاءه
فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن سالف خطيئته وعظيم جريرته فقد استجرت بك من ذنوبي ولجأت اليك
في ستر عيوبي اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط خطاياي بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك
واجعلني فيها من اوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك واخترتهم لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني ممن

ملجأ العباد نسخه بدل
تصرف ن
امت اليك ن

يلجأ الهارب
على

يعجله وتوفر من الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فنعم وفاز فغنم واكفني شر ما اسلفت واعصمني من الازدياد
في معصيتك وحبب الي طاعتك وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي اليك ملجأ الهارب ومنك يلتمس
الطالب وعلى كرمك يعول المستقيل التائب ادبت عبادك بالتكرم وانت اكرم الاكرمين وامرت بالعفو عبادك
وانت الغفور الرحيم اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا تخيبني من جزيل
قسمك في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار بريتك رب ان لم اكن اهل ذلك فانت اهل الكرم
والعفو والمغفرة وجد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك
فانت ارحم الراحمين واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعوذ بعفوك من عقوبتك واغفر
لي الذنب الذي يحبس علي الخلق ويضيق علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ
نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد لي بما سألتك
وانل ما التمست منك اسألك بك لا بشيء هو اعظم منك بعد از آن سجده كند و بيست مرتبه بگويد يا رب و هفت مرتبه بگويد
يا الله ده مرتبه ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله بعد از آن دعا صلوة بر محمد و آل محمد فرستد و حاجت خود را از خدا بخواهد كه البته قضا
باد حاجت بخواهد كه خداى تعالى بفضل و كرم خود همه را اجابت فرمايد و در آن شب ده ركعت نماز بگذارد و در هر ركعت بعد الحمد ده مرتبه
قل هو الله احد بخواند و بعد از نماز سجده كند و در سجده بگويد اللهم انك تجد سوائي ولا اجد سواك يا عظيم اغفر لي ذنبي العظيم
فانه لا يغفر العظيم الا العظيم و بعد از آن سر از سجده بر دارد و صلوات بر محمد و آل محمد صلى الله عليه و آله بفرستد و ...
ان شاء الله اللهم صل على محمد سيد المرسلين وخاتم النبيين وحجة رب العالمين المنتجب في الميثاق المصطفى في
الظلال المطهر من كل آفة البريء من كل عيب المؤمل للنجاة المرتجى للشفاعة المفوض اليه دين الله اللهم شرف بنيانه
وعظم برهانه وافلج حجته وارفع درجته واضئ نوره وبيض وجهه واعطه الفضل والفضيلة والوسيلة والدرجة الرفيعة
وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والآخرون وصل على امير المؤمنين ووارث المرسلين وقائد الغر المحجلين وسيد
الوصيين وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الحسين
بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن الحسين امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على جعفر بن محمد امام
المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على موسى بن جعفر امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على علي بن موسى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على محمد بن علي امام المؤمنين ووارث
المرسلين وحجة رب العالمين وصل على علي بن محمد امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الحسن
بن علي امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل اللهم على الخلف الهادي المهدي امام المؤمنين ووارث

المرسلين

المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صل على محمد واهل بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين الابرار المتقين دعائم دينك
واركان توحيدك وتراجمة وحيك وحججك على خلقك وخلفائك في ارضك الذين اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك وارتضيتهم
لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم بكرامتك وغشيتهم برحمتك وربيتهم بنعمتك وغذيتهم بحكمتك والبستهم
نورك ورفعتهم في ملكوتك وحففتهم بملائكتك وشرفتهم بنبيك صلواتك عليه وآله اللهم صل عليه وعليهم صلوة
كثيرة دائمة طيبة لا يحيط بها الا انت ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها احد غيرك اللهم صل على وليك المحيي
سنتك القائم بامرك الداعي اليك الدليل عليك حجتك على خلقك وخليفتك في ارضك وشاهدك على عبادك
اللهم اعز نصره ومد في عمره وزين الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغي الحاسدين واعذه من شر الكائدين وادحر عنه
ارادة الظالمين وخلصه من ايدي الجبارين اللهم اعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وجميع اهل
الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل ما امله في الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير اللهم جدد به
ما امتحى من دينك واحي به ما بدل من كتابك واظهر به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضا جديدا خالصا
لا شك فيه ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا بدعة لديه اللهم نور بنوره كل ظلمة وهد بركنه كل بدعة
واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك بعدله كل جائر واجر
حكمه على كل حكم واذل بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل من ناواه واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده واستأصل
من جحد حقه واستهان بامره وسعى في اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد
المصطفى وعلي المرتضى وفاطمة الزهراء والحسن الرضا والحسين المصفى وجميع الاوصياء مصابيح الدجى واعلام
الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط المستقيم وصل على وليك وولاة عهده والائمة
من ولده ومد في اعمارهم وزد في آجالهم وبلغهم اقصى آمالهم دينا ودنيا وآخرة انك على كل شيء قدير **فصل هشتم** در فضائل
ماه مبارك رمضان روايتست از امام ... عليه السلام كه اين ماه ماهيست كه اولش رحمتست و ميانش مغفرت و آخرش اجابت
دعوات و آزادي از آتش و حضرت رسول صلى الله عليه و آله در فضايل اين ماه خطبه ادا فرمود و فرمود كه اين ماه افضل ماههاست و روزهايش
بهترين روزها و شبهايش بهترين شبهاست و ساعتهايش بهترين ساعتها و نفس كشيدن در اين ماه مثل ثواب تسبيح و خواب در اين ماه مثل ثواب عبادت
در ديگر ماهها و ... در اين ماه مثل ... ديگر ماهها و ... ثواب ... رمضان ...
... در اين ماه ... آزاد كند و ... گذشته ... آمرزيده شود ...
... در اين ... نصف ... باشد ... در اين ماه ... خدمت ...
... مستجاب ... و دعاهاى ... و ثواب عبادت ... در اين ماه ... ماه خداست ...
... در اين ماه ... دعاى ... و عطش ...
باد ... بر ... در ... روزه ... ماه ... و ... بر ... در ...

بپوشید و کوشش از آن بکنید به یتیمان مردم رحم کنید تا بر ایتام شما رحم کنند و توبه کنید و در اوقات صلوة که افضل اوقات است از گناهان استغفار کنید

و دستها بدعا بردارید که خدا نظر میکند در آن وقت برحمت بسوی بندگان و اجابت میکند ایشانرا چون بخوانند و عطا کند ایشانرا چون سؤال کنند

فرماید ای مردم نفسهای شما گرو کرده اعمال است آزاد کنید آنها را باستغفار و پشتهای شما گرانست از گناهان سبک کنید آنها را بطول سجود

کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز کنندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشانرا به آتش در روزی که مردم برای پروردگار عالمیان بایستند

شیاطین ... بسته شده اند درهای آتش و گشوده شده درهای بهشت پس سؤال کنید پروردگار خود را که نگشاید آنها را بر شما

آنکه ... و هر که ... افطار دهد روزه داری را ... ثواب آزاد کردن بنده ... و آمرزش گناهان گذشته او ...

کنند ... ای رسول الله ... و هر که ... بیست ... روزی ... الکرام

بخواند ... افطار ... و هر که ...

با ... شب ... آنچه ... در این ماه ...

و ... وقت سحر در اینجا بخواند الهي ... و يا صاحبي في وحدتي

ويا وليي في نعمتي ويا غايتي في رغبتي أنت الساتر عورتي والمؤمن روعتي والمقيل عثرتي فاغفر لي خطيئتي اللهم إني أسألك

خشوع الإيمان قبل خشوع الذل في النار يا واحد يا أحد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد يا من يعطي من

سأله تحننا منه ورحمة ويبتدئ بالخير من لم يسأله تفضلا منه وكرما بكرمك الدائم صل على محمد وأهل بيته وهب لي

رحمة واسعة جامعة أبلغ بها خير الدنيا والآخرة اللهم إني أستغفرك لما تبت إليك منه ثم عدت فيه وأستغفرك

لكل خير أردت به وجهك فخالطني فيه ما ليس لك اللهم صل على محمد وآل محمد واعف عن ظلمي وجرمي بحلمك وجودك

يا كريم يا من لا يخيب سائله ولا ينفد نائله يا من علا فلا شيء فوقه ودنا فلا شيء دونه صل على محمد وآل محمد وارحمني

يا فالق البحر لموسى الليلة الليلة الساعة الساعة الساعة اللهم طهر قلبي من النفاق وعملي من الرياء

ولساني من الكذب وعيني من الخيانة فإنك تعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور يا رب هذا مقام العائذ

بك من النار هذا مقام المستجير بك من النار هذا مقام المستغيث بك من النار هذا مقام الهارب إليك من النار

هذا مقام من يبوء لك بخطيئته ويعترف بذنبه ويتوب إلى ربه هذا مقام البائس الفقير هذا مقام الخائف المستجير

هذا مقام المحزون المكروب هذا مقام المغموم المهموم هذا مقام الغريب الغريق هذا مقام المستوحش الفرق هذا مقام

من لا يجد لذنبه غافرا غيرك ولا لضعفه مقويا إلا أنت ولا لهمه مفرجا سواك يا الله يا كريم لا تحرق وجهي بالنار

بعد سجودي لك وتعفيري بغير منّ مني عليك بل لك الحمد والمنّ والتفضل علي ارحم أي رب أي رب ... ضعفي

وقلة حيلتي ورقة جلدي وتبدد أوصالي وتناثر لحمي وجسمي وجسدي ووحدتي ووحشتي وجزعي من صغير البلاء أسألك

يا رب قرة العين والاغتباط يوم الحسرة والندامة بيض وجهي يا رب يوم تسود فيه الوجوه آمني من الفزع الأكبر أسألك

البشرى

البشرى يوم تقلب فيه القلوب والأبصار والبشرى عند فراق الدنيا الحمد لله الذي أرجوه عونا في حياتي وأعده ذخرا ليوم

فاقتي الحمد لله الذي أدعوه ولا أدعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعائي الحمد لله الذي أرجوه ولا أرجو غيره ولو رجوت غيره

لأخلف رجائي الحمد لله المنعم المحسن المجمل المفضل ذي الجلال والإكرام وولي كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة وقاضي

اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني اليقين وحسن الظن بك وأثبت رجاءك في قلبي واقطع رجائي عمن سواك حتى لا أرجو غيرك

ولا أثق إلا بك يا لطيفا لما يشاء الطف لي في جميع أحوالي بما تحب وترضى يا رب إني ضعيف على النار فلا تعذبني بالنار

يا رب ارحم دعائي وتضرعي وخوفي وذلي ومسكنتي وتعوذي وتلوذي يا رب إني ضعيف عن طلب الدنيا وأنت واسع

كريم أسألك يا رب بقوتك على ذلك وقدرتك عليه وغناك عنه وحاجتي إليه أن ترزقني في عامي هذا وشهري هذا ويومي هذا

وساعتي هذه رزقا تغنيني به عن تكلف ما في أيدي الناس من رزقك الحلال الطيب أي رب منك أطلب وإليك

أرغب وإياك أرجو وأنت أهل ذلك لا أرجو غيرك ولا أثق إلا بك يا أرحم الراحمين يا رب ظلمت نفسي فاغفر لي

وارحمني وعافني يا سامع كل صوت ويا جامع كل فوت ويا بارئ النفوس بعد الموت يا من لا تغشاه الظلمات ولا تشتبه عليه الأصوات

ولا يشغله شيء عن شيء أعط محمدا وآله أفضل ما سألت وأفضل ما سئلت له وأفضل ما أنت مسؤول له إلى يوم القيامة وهب لي

العافية حتى تهنئني المعيشة واختم لي بخير حتى لا تضرني الذنوب اللهم رضني بما قسمت لي حتى لا أسأل أحدا شيئا

اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح لي خزائن رحمتك وارحمني رحمة لا تعذبني بعدها أبدا في الدنيا والآخرة وارزقني من فضلك

الواسع رزقا حلالا طيبا لا تفقرني إلى أحد بعده سواك تزيدني بذلك لك شكرا وإليك فاقة وفقرا وبك عمن سواك

غنى وتعففا يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا مليك يا مقتدر صل على محمد وآل محمد واكفني المهم كله واقض لي بالحسنى

وبارك لي في جميع أموري واقض لي جميع حوائجي اللهم يسر لي ما أخاف تعسيره فإن تيسير ما أخاف تعسيره عليك

سهل يسير وسهل لي ما أخاف حزونته ونفس عني ما أخاف ضيقه وكف عني ما أخاف همه واصرف عني ما أخاف بليته

يا أرحم الراحمين اللهم املأ قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وإيمانا بك وفرقا منك وشوقا إليك يا ذا

الجلال والإكرام اللهم إن لك علي حقوقا فتصدق بها علي وللناس قبلي تبعات فتحملها عني وقد أوجبت لكل ضيف

قرى وأنا ضيفك فاجعل قراي الليلة الجنة يا وهاب الجنة يا وهاب المغفرة ولا حول ولا قوة إلا بك

روز اول اینها را بخواند که جامع اند جمیع شرور ... و حفظ ... الدعا اللهم إني

أسألك باسمك الذي دان له كل شيء وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبعزتك التي خضع لها كل شيء وبجبروتك التي غلبت

كل شيء وبعلمك الذي أحاط بكل شيء يا نور يا قدوس يا أول قبل كل شيء ويا باقيا بعد كل شيء يا الله يا رحمن صل على محمد

وآل محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي

الذنوب التي تديل الأعداء واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق بها نزول البلاء واغفر لي

(margin notes:) صلى الله عليه وآله — بذلك — تعسيره — وبعظمتك التي ملأت كل شيء وبعزتك التي قهرت كل شيء وبقوتك — بالأول — لعيد — في قبري

الذنوب التي تحبس غيث السماء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب
التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم والبسني درعك الحصينة التي لا ترام وعافني من شر ما احاذر
بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السماوات السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم ورب السبع
المثاني والقرآن العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله عليه وآله سيد المرسلين وخاتم النبيين اسألك
بك وبما سميت به نفسك يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف الحسنات بالقليل
والكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن يا رحيم صل على محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك واضئ
وجهي بنورك واحببني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم عطيتك من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من خلقك
والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما تشاء من بلية يا كريم العفو يا حسن
التجاوز توفني على ملة ابراهيم وفطرته وعلى دين محمد وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني مواليا لاوليائك معاديا لاعدائك
اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني منك في هذه
السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه
حذار ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به نقصا من حظ لي عندك يا رؤوف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل
سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك
اللهم اجعلني تابعا لصالح من مضى من اوليائك والحقني بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ بك
ان تحيط بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك
فاكون منسيا عندك متعرضا لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما
كفيت نبيك محمدا صلواتك عليه وآله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته وعدك وانجزت له عهدك
اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك
كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسألك سؤال من اساء وظلم واستكان واعترف واسألك ان
تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك واحصتها كرام ملائكتك علي وان تعصمني اللهم من الذنوب فيما بقي
من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيت محمد وآتني كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني
بالدعاء وتكفلت بالاجابة يا ارحم الراحمين [illegible]
[illegible] بصلوات على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك يا رب وسعديك و
سبحانك اللهم صل على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم
ارحم محمدا وآل محمد كما رحمت ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم سلم على محمد وآل محمد كما سلمت على نوح في العالمين

اللهم امنن

اللهم امنن على محمد وآل محمد كما مننت على موسى وهرون اللهم صل على محمد وآل محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد كما شرفتنا
به اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الاولون والآخرون على محمد وآله السلام كلما طلعت شمس
او غربت على محمد وآله السلام كلما طرفت عين او برقت على محمد وآله السلام كلما ذكر السلام على محمد وآله السلام
كلما سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد وآله في الاولين السلام على محمد وآله
في الآخرين السلام على محمد وآله في الدنيا والآخرة السلام على محمد وآله ورحمة الله وبركاته اللهم رب البلد الحرام ورب الركن
والمقام ورب الحل والحرام ابلغ محمدا نبيك وآله عنا السلام اللهم اعط محمدا من البهاء والنضرة والسرور والكرامة
والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام والشرف والرفعة والشفاعة عندك يوم القيامة افضل ما تعطي احدا من خلقك
واعط محمدا فوق ما تعطي الخلائق من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد وآل محمد الطيب الطهر الزكي
وانمى وافضل ما صليت على احد من الاولين والآخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على علي امير
المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك
محمد صلى الله عليه وآله والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين امامي المسلمين ووال من والاهما وعاد
من عاداهما وضاعف العذاب على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن
جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي ائمة المسلمين ووال من والاهم وعاد من عاداهم وضاعف
العذاب على من ظلمهم اللهم صل على الخلف من بعدهم امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وعجل اللهم فرجه
اللهم صل على الطاهر والقاسم وابراهيم بني نبيك اللهم صل على رقية وام كلثوم ابنتي نبيك والعن من آذى نبيك
فيهما اللهم صل على الخيرة من ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته اللهم مكن لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم
ومددهم وانصارهم على الحق في السر والعلانية اللهم اطلب بذحلهم ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل
مؤمن ومؤمنة بأس كل باغ وطاغ وكل دابة انت آخذ بناصيتها انك اشد بأسا واشد تنكيلا [illegible]
[illegible] اللهم هذا شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان وهذا شهر الصيام
وهذا شهر القيام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة
وهذا شهر فيه ليلة القدر التي هي خير من الف شهر اللهم فصل على محمد وآل محمد واعني على صيامه وقيامه وسلمه لي وسلمني
فيه واعني عليه بافضل عونك ووفقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك صلى الله عليهم وفرغني فيه لعبادتك
ودعائك وتلاوة كتابك واعظم لي فيه البركة واحسن لي فيه العافية واصح فيه بدني واوسع
لي فيه رزقي واكفني فيه ما اهمني واستجب فيه دعائي وبلغني فيه رجائي اللهم صل على محمد وآل محمد واذهب عني
فيه النعاس والكسل والسأمة والفترة والقسوة والغفلة والغرة وجنبني فيه العلل والاسقام والهموم والاحزان و

على محمد وآله السلام كلما ذكر السلام

ووصي رسول رب العالمين

واشياعهم واتباعهم

وسلمه مني

والاعراض والامراض والخطايا والذنوب واصرف عني فيه السوء والفحشاء والجهد والبلاء والتعب والعناء انك سميع الدعاء
اللهم صل على محمد وآل محمد واعذني فيه من الشيطان الرجيم وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وكيده ومكره
وحبائله وخدعه وامانيه وغروره وفتنته وشركه واعوانه واتباعه واشياعه واوليائه وشركائه وجميع كيدهم اللهم
صل على محمد وآل محمد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عني صبرا واحتسابا وايمانا
ويقينا ثم تقبل ذلك مني بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم يا رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني فيه الحج والعمرة
والجد والاجتهاد والقوة والنشاط والانابة والتوبة والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرع والخشوع والرقة
والنية الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح
القول ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم
ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل بالتعهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك ووعدك برحمتك يا ارحم
الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل ما تعطي اولياءك
المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز بالجنة
وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه
مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكثر وحظي فيه الاوفر اللهم صل على محمد وآل محمد و
وفقني فيه لليلة القدر على افضل حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر
وارزقني فيها افضل ما رزقت احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار و
سعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط
وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القرآن ورب جبرئيل و
ميكائيل واسرافيل وجميع الملائكة المقربين ورب ابراهيم واسماعيل واسحاق ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين
والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين اسالك بحقهم عليك وبحقك العظيم لما صليت عليه وعليهم اجمعين ونظرت الي
نظرة رحيمة ترضى بها عني رضى لا تسخط علي بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت
عني ما اكره واحذر واخاف على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني وذريتي اللهم اليك فررنا من
ذنوبنا فآونا تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا متعوذين واعذنا مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين
وآمنا راغبين وشفعنا سائلين واعطنا انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سأل
العبد ربه ولم يسأل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث
المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف

كرب

كرب المكروبين ويا فارج هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين صل على محمد وآل محمد
واغفر لي ذنوبي وعيوبي واساءتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكهما
غيرك واعف عني واغفر لي كل ما قد سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي وولدي
وقرابتي واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في الدنيا والآخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع
المغفرة فلا تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سألتك
وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد وآله ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء الحسنى كلها
والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واساءتي مغفورة
وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا لا يشوبه شك وترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني
برحمتك عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فصل على محمد وآل محمد واخرني الى ذلك وارزقني
فيها ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك وصل على محمد وآل محمد بافضل صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد
اغضب اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا
ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البديع البديء
الذي ليس كمثله شيء والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم في شأن انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسالك ان تنصر وصي
محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا
انت صل على محمد وآل محمد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورضوانك ورحمتك يا ارحم الراحمين
وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطيف بلى انك لطيف فصل على محمد وآل محمد والطف بي لما تشاء
اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وفي كل عام وتطول علي بجميع حوائج الآخرة والدنيا
ثم يكرر استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي قريب مجيب استغفر الله ربي واتوب اليه ان ربي رحيم ودود
استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان غفارا اللهم اغفر لي انك انت ارحم الراحمين رب اني عملت سوءا وظلمت نفسي
فاغفر لي ذنوبي انه لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم الحليم الكريم العظيم غفار
الذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان الله كان غفورا رحيما وبعد ذلك عشر مرات يكرر اللهم اني اسالك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل فيما تقضي وتقدر من الامر العظيم المحتوم في الامر الحكيم من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني
من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع
رزقي وتؤدي عني امانتي وديني آمين يا رب العالمين اللهم اجعل لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب

و ایضاً هر روز بخواند این دعا را اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وافترضت
علی عبادک فیه الصیام ارزقنی حج بیتک الحرام فی هذا العام وفی کل عام واغفر لی الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرک یا ذا الجلال
والاکرام و هر کس در این ماه بعد از نمازهای فریضه این دعا بخواند گناهان او تا روز قیامت آمرزیده شود اللهم ادخل علی اهل القبور السرور اللهم
اغن کل فقیر اللهم اشبع کل جائع اللهم اکس کل عریان اللهم اقض دین کل مدین اللهم فرج عن کل مکروب اللهم رد کل
غریب اللهم فک کل اسیر اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین اللهم اشف کل مریض اللهم سد فقرنا بغناک اللهم غیر
سوء حالنا بحسن حالک اللهم اقض عنا الدین واغننا من الفقر انک علی کل شیء قدیر هر شب از شبهای این ماه
در اعمال ماه رجب گذشت و هر کس در شب پانزدهم صد رکعت نماز گذارد در هر رکعت بعد الحمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند
صد نفر از ملائکه او را ... بهشت دهند و ... از دوزخ و ... از خطا و گناه نگاه دارند
کیدو مکر ... و مستحب است غسل کردن در شب پانزدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و اول
غروب آفتاب ... در شب بیست و سیم ... هر عمل خیر ... نماز صد رکعت
در این شب تلاوت ... شب قدر ... احکام
... در شب قدر ...
... احکام تمام ... امام ...
... احکام ... شب قدر ...
و بیست و یکم و بیست و سیم ... در شب نوزدهم ... و مستحب است ...
نماز ... و مستحب است ... شب بیست و یکم و شب بیست و سیم
... احکام ... حضرت امام ... و مستحب است ...
... اللهم یا ذا الجلال ...
صل علی محمد وآل محمد ... فی هذه الساعة وفی کل ساعة ولیا وحافظا وقائدا وناصرا ودلیلا وعینا
حتی تسکنه ارضک طوعا وتمتعه فیها طویلا ... حضرت امام جعفر ... در شب بیست و سیم ... سوره عنکبوت و روم
والله ... انه من اهل الجنة ... انشاء الله ...
... در خواب ...
در شب نوزدهم ... اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل وما فیه وفیه اسمک الاعظم الاکبر واسمائک الحسنی
وما یخاف ویرجی ان تجعلنی من عتقائک من النار ... ادعیهٔ ایام العشر
آخر ... حضرت ... شب آخر ماه مبارک رمضان بعد از فرایض ... اللهم ادخلنا ...

والقرآن

واغفر لنا تقصیرنا فیه وتسلمه منا متقبلا ولا تؤاخذنا باسرافنا علی انفسنا واجعلنا من المرحومین ولا تجعلنا من المحرومین
و فرمود هر کس این دعا بخواند هر گناهی کرده باشد ... آمرزیده شود و ... در این شب
ابواب ... شب اول یا مولج اللیل فی النهار ومولج النهار فی اللیل ومخرج الحی من المیت ومخرج المیت من الحی یا رازق
من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا رحیم یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة
وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی
علیه وآله شب دوم یا سالخ النهار من اللیل فاذا نحن مظلمون ومجری الشمس لمستقرها بتقدیرک یا عزیز یا علیم ومقدر القمر منازل
حتی عاد کالعرجون القدیم یا نور کل نور ومنتهی کل رغبة وولی کل نعمة یا الله یا رحمن یا الله یا قدوس یا احد یا واحد یا فرد
یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی ... شب سیم یا رب لیلة القدر وجاعلها خیرا من الف شهر ورب اللیل والنهار
والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء یا بارئ یا مصور یا حنان یا منان یا الله یا رحمن یا الله یا قیوم یا بدیع
یا الله یا الله یا الله ... شب چهارم یا فالق الاصباح وجاعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا یا عزیز یا علیم یا ذا المن
والطول والقوة والحول والفضل والانعام یا ذا الجلال والاکرام یا الله یا رحمن یا الله یا فرد یا وتر یا الله یا ظاهر یا باطن
یا حی لا اله الا انت لک الاسماء الحسنی ... شب پنجم یا جاعل اللیل لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال
اوتادا یا الله یا قاهر یا الله یا جبار یا الله یا سمیع یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی ...
شب ششم یا جاعل اللیل والنهار آیتین یا من محا آیة اللیل وجعل آیة النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه ورضوانا یا مفصل
کل شیء تفصیلا یا ماجد یا وهاب یا الله یا جواد یا الله یا الله یا الله ... شب هفتم یا ماد الظل ولو شئت لجعلته ساکنا
وجعلت الشمس علیه دلیلا ثم قبضته الیک قبضا یسیرا یا ذا الجود والطول والکبریاء والآلاء لا اله الا انت عالم الغیب
والشهادة الرحمن الرحیم لا اله الا انت یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله یا خالق یا باری
یا مصور یا الله یا الله ... شب هشتم یا خازن اللیل فی الهواء وخازن النور فی السماء ومانع السماء ان تقع علی الارض
الا باذنه وحابسهما ان تزولا یا علیم یا عظیم یا غفور یا دائم یا الله یا وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله ... شب نهم
یا مکور اللیل علی النهار ومکور النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا الله یا رب الارباب وسید السادات لا اله الا انت یا اقرب
الی من حبل الورید یا الله یا الله یا الله ... شب دهم الحمد لله لا شریک له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله
وکما هو اهله یا قدوس یا نور القدس یا سبوح یا منتهی التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا کبیر یا الله یا لطیف یا
جلیل یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله یا الله ... و ... در این ماه ... هر شب ...

تک
شب اول
یا بدیع
تمام
یا الله
الحول م
یا عظیم م
من هو م
یا نور

۱۷۸

بت و بخوانند قل هو الله احد بخواند و چون از تمام دوازده رکعت فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و هفتاد مرتبه استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی القیوم و اتوب
الیه [illegible] حکمت از دلش بر زبانش گشوده شود [illegible] دنیا بیرون نرود [illegible]
بسیار [illegible] داخل بهشت شود [illegible] آمرزیده شود [illegible] ماه مبارک رمضان
[illegible] ماه مبارک رمضان دعای صحیفه کامله
بخواند **فصل نهم** در اعمال شب و روز عید فطر [illegible] کتب عید فطر [illegible] فضل و شرف
[illegible] امام [illegible] گناهان [illegible] آمرزیده شود و در فضل عبادات [illegible] در اعمال
[illegible] غسل کند [illegible] و بعد از نماز شام و نافله [illegible] بگوید یا ذا المن
والطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد و ناصره صل علی محمد و آله و اغفر لی کل ذنب اذنبته و نسیته انا و هو عندک فی
کتاب مبین پس صد مرتبه بگوید اتوب الی الله [illegible] ان شاء الله مستجاب شود [illegible]
[illegible] و بعد از نماز [illegible] تکبیر [illegible] و عشا و صبح و نماز عید [illegible]
[illegible] الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد الحمد لله علی ما هدانا و له الشکر علی ما
اولانا [illegible] ده رکعت نماز [illegible] حمد یک مرتبه و قل هو الله ده مرتبه [illegible] بگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر [illegible] استغفر الله [illegible] بگوید یا حی یا قیوم یا ذا
الجلال والاکرام یا رحمن الدنیا والآخرة و رحیمهما یا ارحم الراحمین یا اله الاولین والآخرین اغفر لی ذنوبی
و تقبل صومی و صلاتی و قیامی [illegible]
[illegible] دعای ایشان مستجاب [illegible]
[illegible] جمیع عباد [illegible]
رکعت [illegible] قل هو الله [illegible] و در روز عید زیارت امام حسین
[illegible] غسل [illegible]
تا وقت نماز عید [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] تکبیر [illegible] اللهم اهل الکبریاء والعظمة و اهل الجود والجبروت و اهل العفو والرحمة و اهل
التقوی والمغفرة اسئلک بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد صلی الله علیه و آله ذخرا و شرفا و مزیدا ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا و آل محمد و ان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلواتک علیه و علیهم

۱۷۹

اللهم انی اسئلک خیر ما سئلک به عبادک الصالحون و اعوذ بک مما استعاذ منه عبادک المخلصون [illegible] تکبیر
[illegible]
[illegible] اللهم انی توجهت الیک بمحمد
امامی و علی [illegible]
[illegible] الصالحین [illegible]
[illegible] علی دین محمد و سنته و علی دین علی و سنته [illegible]
الی الله [illegible] من شر ما استعاذوا منه ولا حول ولا قوة ولا منعة الا بالله العلی العظیم
علی الله توکلت [illegible] حسبی الله [illegible] اللهم انی [illegible] اللهم انک قلت
فی محکم کتابک المنزل [illegible] شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی للناس [illegible]
رمضان [illegible] القرآن العظیم و خصصته [illegible] لیلة القدر [illegible]
[illegible] و عبادک الصالحون
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقبل منی کل ما تقربت به الیک فیه [illegible]
و استجابة دعائی [illegible] النار [illegible]
[illegible] هذا الیوم [illegible]
[illegible]
[illegible]
الساعة [illegible] هذا الیوم [illegible] اللهم انی اسئلک
[illegible] اللهم [illegible]
[illegible] اللهم لا تجعله
آخر شهر رمضان صمته لک [illegible]
من الدنیا [illegible]
المستجاب [illegible]
هذا [illegible]
[illegible]
[illegible]

عنها ولا الى الناس فيرفضوني وعافني في بدني واهلي وولدي واهل مودتي وجيراني واخواني وذريتي ومن علي والاتي
لديّا انتهيتني اللهم اني توجهت اليك بمحمد وال محمد صلى الله عليه وعليهم وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي و
تضرعي ومسئلتي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي بالسعادة
انك على كل شيء قدير فانك وليي ومولاي وسيدي وربي والهي وثقتي ورجائي ومعدن مسئلتي وموضع شكواي
ومنتهى رغبتي فلا تخيبن عليك دعائي يا سيدي ومولاي ولا تبطلن لديك طمعي ورجائي فقد توجهت اليك بمحمد
وال محمد صلواتك عليهم وقدمتهم اليك امامي وامام حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسئلتي وجعلتهم وجيها في الدنيا
والاخرة ومن المقربين فانك مننت علي بمعرفتهم فاختم لي بالسعادة انك على كل شيء قدير اللهم لا تبطلن عملي و
طمعي ورجائي يا الهي ومسئلتي واختم لي بالسعادة والسلامة والاسلام والامن والايمان والمغفرة والرضوان والشهادة والحفظ
يا منتهى ولا تجعل لي حاجة بانّا اليك لا اله الا انت وفي كل حاجة فتولّ عاقبتها ولا تسلط علينا احدا من خلقك بشيء لا
طاقة لنا به من امر الدنيا وفرغنا لامر الاخرة يا ذا الجلال والاكرام صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد وارحم محمدا وال
محمد كافضل ما صليت وباركت وترحمت وسلمت وتحننت ومننت على ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد
وايضا الكعظ هود دعاي صحيفه كامله نخوانند باقي برحم من لا يرحمه العباد تا آخر فصل دهم در اعمال شهر ذي القعدة الحرام
روايت از اهل بيت طاهرين عليهم السلام كرده شده كه در روز يكشنبه ماه ذي القعده جبرئيل نماز كنند
كردن خالق ... تعبش كننده ... در اين روز ... روايت ديگر آمده كه در شب ... و روز ... عباد
كه هر روز ... در دوشنبه ... نماز كند ... طاعت و عبادت ... در اين شب ... مستحب كه ... باشد
و بعضي در اين شب دعايي كند كه مستجاب شود ... در اين روز ...
دو ركعت نماز ... بعد الحمد ... سلام ... يا سميع الدعاء اقلني عثرتي
يا مجيب الدعوات اجب دعوتي يا سامع الاصوات اسمع صوتي وارحمني وتجاوز عن سيئاتي يا ذا الجلال والاكرام يا ارحم
الراحمين وايضا مستحب است در اين روز خواندن اين دعا اللهم داحي الكعبة وفالق الحبة وصارف اللزبة وكاشف
الكربة اسئلك في هذا اليوم من ايامك التي اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند المؤمنين وديعة واليك
ذريعة وبرحمتك الواسعة ان تصلي على محمد عبدك المنتجب في الميثاق القريب يوم التلاق فاتق كل رتق وداعٍ الى كل
حق وعلى اهل بيته الاطهار الهداة المنار دعائم الجبار وولاة الجنة والنار واعطنا في يومنا هذا من عطائك المخزون غير
مقطوع ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة يا خير مدعو واكرم مرجو يا كفي يا وفي يا من لطفه خفي الطف لي
بلطفك واسعدني بعفوك وايدني بنصرك ولا تنسني كريم ذكرك بولاة امرك وحفظة سرك واحفظني من شوائب الدهر
الى يوم الحشر والنشر واشهدني اوليائك عند خروج نفسي وحلول رمسي وانقطاع عملي وانقضاء اجلي اللهم واذكرني

يعني

على طول البلى اذا حللت بين اطباق الثرى ونسيني الناسون من الورى واحللني دار المقام وبوئني منزل الكرامة
واجعلني من مرافقي اوليائك واهل اجتبائك واصطفائك وبارك لي في لقائك وارزقني حسن العمل قبل حلول
الاجل بريئا من الزلل وسوء الخطل اللهم واوردني حوض نبيك محمد واهل بيته صلواتك عليهم واسقني منه مشربا
رويا سائغا هنيئا لا اظمأ بعده ولا احلأ ورده ولا عنه اذاد واجعله لي خير زاد واوفى ميعاد يوم يقوم الاشهاد اللهم
والعن جبابرة الاولين والاخرين الجاحدين بحقوق اوليائك المستأثرين اللهم واقصم دعائمهم واهلك اشياعهم و
اعقابهم وعجل مهالكهم واسلبهم ممالكهم وضيّق مسالكهم والعن مساهمهم ومشاركهم اللهم وعجل فرج
اوليائك واردد عليهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم واجعله لدينك منتصرا وبامرك في اعدائك مؤتمرا اللهم
احففه بملائكة النصر وبما القيت اليه من الامر في ليلة القدر منتقما لك حتى ترضى ويعود دينك
به وعلى يديه غضا ويمحق الحق محضا ويرفض الباطل رفضا اللهم صل عليه وعلى جميع ابائه واجعلنا من
صحبه واسرته وابعثنا في كرته حتى نكون في زمانه من اعوانه اللهم ادركنا قيامه واشهدنا ايامه
وصل عليه واردد الينا سلامه والسلام عليه ورحمة الله وبركاته

فصل يازدهم در اعمال شهر ذي الحجة الحرام مرويست از اهل بيت طاهرين عليهم السلام كه در ده روز اول اين ماه حضرت ابراهيم را ... در هر روز
از دهه اول حضرت فاطمه عليها السلام دو ركعت نماز دارد ... و ... در ركعت ... الحمد ... و ...
از تسبيح ... لا اله الا الله ... سبحان ذي العز الشامخ المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم سبحان ذي الملك الفاخر القديم سبحان
من لبس البهجة والجمال سبحان من تردى بالنور والوقار سبحان من يرى اثر النمل في الصفا سبحان من يرى وقع الطير في
الهواء سبحان من هو هكذا ولا هكذا غيره ... در روز ... فضيلت ... روزه ... روز ... ترويه
كه ... ثواب ... در هر روز ... سال ... ثواب ... عيد ...
... اللهم هذه الايام التي فضلتها على الايام وشرفتها وقد بلغتنيها بمنك ورحمتك فانزل علينا فيها
من بركاتك واوسع علينا فيها من نعمائك اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تهدينا فيها لسبيل الهدى وترزقنا
فيها التقوى والعفاف والغنى والعمل فيها بما تحب وترضى اللهم اني اسئلك يا موضع كل شكوى ويا سامع كل نجوى ويا شاهد
كل ملأ ويا عالم كل خفية ان تصلي على محمد وال محمد وان تكشف عنا فيها البلاء وتستجيب لنا فيها الدعاء وتقوينا فيها وتعيننا
وتوفقنا فيها لما تحب ربنا وترضى وعلى ما افترضت علينا من طاعتك وطاعة رسولك واهل ولايتك اللهم اني اسئلك يا ارحم
الراحمين ان تصلي على محمد وال محمد وان تهب لنا فيها الرضا انك سميع الدعاء ولا تحرمنا خير ما تنزل فيها من السماء وطهرنا
من الذنوب يا علام الغيوب واوجب لنا فيها دار الخلود اللهم صل على محمد وال محمد ولا تترك لنا فيها ذنبا الا غفرته ولا هما
الا فرجته ولا دينا الا قضيته ولا غائبا الا اديته ولا حاجة من حوائج الدنيا والاخرة الا سهلتها ويسرتها انك على كل

اوّل شهر ... روز

182

شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَبَّ الْأَرَضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ يَا مَنْ
لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنْ عُتَقَائِكَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَالْفَائِزِينَ بِجَنَّتِكَ
النَّاجِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً و هر کس در این ده روز هر روز
ده مرتبه این تهلیل را بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالدُّهُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ أَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ
مِمَّا يَجْمَعُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ
قَطْرِ الْمَطَرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ
فِي الْبَرَارِي وَالصُّخُورِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنَ الْيَوْمِ إِلَى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ خدای تعالی در بهشت بعدد هر تهلیلی ده درجه بلند کند و
یاقوت ... بلند ... که ما بین هر دو درجه صد سال راه سوار تیزرو باشد و در هر درجه شهری باشد و در هر شهری قصری از یک دانه گوهر
که ... آن نباشد و در هر شهری منازل و خانه‌ها و غرفه‌ها و تختها و حور العین و مسندها و فرشها و بساطها و زینتها و
طعامها و خدام و انهار و اشجار که وصف آن عاجز باشد ... و چون از قبر بیرون آید بهر موئی از بدن او نوری درخشان
باشد و هفتاد هزار ملک استقبال او نموده در پیش روی او بروند تا داخل بهشت شود و ... ملک از عقب او باشند تا داخل بهشت
شود و چون در بهشت بنشیند ... تا ... سرخ ... و ... بهر ... آن شهرها با صنایع خدا ... کرده باشند
باو گویند این ... که ... آن ... برای تو مهیا کرده ... و ... بقدر یک ... ده ... بدست آن کرده فضل خدای تعالی
ثواب ... السلام ... در ... بود و هر کس شب عرفه در زیارت قبر امام حسین باشد ... کند ... اما ... کرده و فضایل دیگر
در عمل شعبان مذکور شد و هر کس روز عرفه زیارت آنحضرت کند خدای تعالی ... باشد هزار حج که با حضرت قائم ... هزار عمره که با حضرت پیغمبر
کرده باشد ... هزار ... که در راه ... کرده ... و در ... اهل ... کرده باشد ... و ... که ...
و در زیارت ... که بجای خود ... و در روایت دیگر ... هزار حج و ... عمره ... با پیغمبر مرسل یا امام معصوم کند و خدای تعالی اول ... بر اهل
عرفه ... آنحضرت ... و ... ایشان ... و گناهان ... ایشان ... و ... سوال ایشان را اجابت فرماید و بعد از آن ... اهل عرفه
شده ... ایشان ... و هر کس شب عید اضحی زیارت آنحضرت کند گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود و ... روایت
زیارت آنحضرت در عید ... مثل ثواب حج و ... عمره ... با پیغمبر مرسل یا امام معصوم ... و در روز عید ... و ... که
و صد ... روزه ... هزار حج و هزار عمره و هزار ... و ... که ... به ... در ... تا ... بعد ... انا ... شفعه
و غضبا ... کرده ... که ... کامل ... مناسک ... و ... روز ... صحیفه
کامل ... عید اضحی ... اللهم ... و ... و مستحب ... اثنی ... بر ... های آسمان ... دعا
کند ... عید و تعقیب ... ملائکه ... و ... فطر ... ما ... روز عید ... ذکر ...
... عید ... و بعضی از ... اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

183

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا **عید غدیر** فضل و شرف این عید زیاده
از آن است که ... بیان نمود ... با آنکه ... و ... حضرت امام رضا ... روز را
مانند ... آسمان ... در ... عید فطر و عید اضحی و روز جمعه و عید غدیر ... آسمان ... ماه ...
ستارگان ... حضرت پیغمبر ... امیر المؤمنین ... در روز غدیر ... امامت و خلافت ... و ... ابن فضیلت
نعمت ... بندگان ... خدای ... که ... خدای تعالی ... یکی ...
کرده ... حمد و ثنای خدا ... و صلوات ... پیغمبر ... شیعیان
ایشان ... کرام الکاتبین ... ایشان ... ایشان ... و ... گناهان ... مرد
و ... اعمال ... کند ... عید ... دوستان ...
... بنده ... کند ... خدای ...
... خدای ... کند ...
... که ... و ... خدای ... و ... که ... شهید ...
... جمیع ... طعام داده ... خدای ...
... هفتاد ... ملک ...
آن ... زیارت ... و ... صلوات ... بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوفِينَ بِعَهْدِهِ إِلَيْنَا وَمِيثَاقِهِ الَّذِي وَاثَقَنَا بِهِ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِهِ وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ
الْجَاحِدِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ و ... احسان و اکرام ...
... طعام ... استطاعت ... اسباب ...
احسان ... روزه ... تمام عمر ...
عمر کند ... عبادت ... روزه ... عید ...
و صد ... روزه ... ثواب ... روزه ...
... افطار ... روزه ... افطار ...
... طعام ... ایشان ...
و ... غسل کردن ... و ذکر و دعا و استغفار و صلوات ...
... اهل بیت ... ایشان ... امام رضا ...
... خدای ... و ... سال ... ماه رمضان

الغدیر ولیلة الفطر از آتش آزاد کرده در این روز آزاد و هر که درین روز ... وقت کند خواهد و افضل اینست که نیم ساعتی پیش از ظهر بیا
دو رکعت نماز گذارد و در هر رکعت بعد از حمد قل هو الله و آیة الکرسی تا خالدون و انا انزلناه هر یک را ده مرتبه بخواند برابرست با صد هزار حج
و صد عمره و هر حاجت از حوائج دنیا و آخرت سؤال کند بر آورده شود و در این باب ... مستحب است ... کلمات ... و بعد از
نماز خطبه مشتمل بر ذکر فضایل این روز بخواند چنانکه حضرت امیر المؤمنین روایت کرده چنین کرد و بعد از ... مستحب است این دعا را بخواند
خوانده ... ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا
وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة انك لا تخلف الميعاد اللهم انا نشهدك و
كفى بك شهيدا ونشهد ملائكتك وانبياءك وحملة عرشك وسكان سماواتك وارضك بانك انت الله لا اله الا انت
المعبود فلا نعبد سواك فتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا واشهد ان محمدا عبدك ورسولك واشهد ان امير
المؤمنين عبدك ومولانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادي رسولك صلواتك عليه وآله اذ نادى بنداء عنك
بالذي امرته ان يبلغ ما انزلت اليه من ولاية ولي امرك فحذرته وانذرته ان لم يبلغ ما امرته به ان تسخط عليه وانه
اذا بلغ رسالاتك عصمته من الناس فنادى مبلغا عنك الا من كنت مولاه فعلي مولاه ومن كنت وليه فعلي وليه ومن كنت نبيه
فعلي اميره ربنا فقد اجبنا داعيك النذير المنذر محمدا عبدك ورسولك الى الهادي المهدي عبدك الذي انعمت عليه وجعلته مثلا لبني
اسرائيل علي امير المؤمنين مولاهم ووليهم ربنا واتبعنا مولانا وولينا وهادينا وداعينا وداعي الانام وصراطك المستقيم وحجتك
البيضاء وسبيلك الداعي اليك على بصيرة هو ومن اتبعه وسبحان الله عما يشركون وتشهد انه الامام الهادي الرشيد امير المؤمنين
الذي ذكرته في كتابك فقلت وانه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم فانا نشهد بانه عبدك والهادي من بعد نبيك
النذير المنذر وصراطك المستقيم وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك المعبر عنك في خلقك وانه القائم بالقسط
في بريتك وديان دينك وخازن علمك وامينك المامون المأخوذ ميثاقه وميثاق رسولك عليهما السلام من جميع خلقك وبريتك
شاهدا بالاخلاص لك بالوحدانية والعبودية بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين وجعلت
الاقرار بولايته تمام توحيدك وكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم اكملت لكم
دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك بالذي جددت من عهدك وميثاقك وذكرتنا
ذلك وجعلتنا من اهل الاخلاص والتصديق بميثاقك ومن اهل الوفاء بذلك ولم تجعلنا من اتباع المغيرين والمبدلين والمحرفين
والمبتكين اذان الانعام والمغيرين خلق الله ومن الذين استحوذ عليهم الشيطان فانساهم ذكر الله وصدهم عن السبيل والصراط
المستقيم اللهم العن الجاحدين والناكثين والمغيرين والمبدلين والمكذبين بيوم الدين من الاولين والاخرين اللهم فلك الحمد على
انعامك علينا بالهدى الذي هديتنا به الى ولاة امرك من بعد نبيك صلى الله عليه وآله الائمة الهداة الراشدين واعلام
الهدى ومنار القلوب والتقوى والعروة الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك ومن بهم وبموالاتهم رضيت لنا الاسلام دينا

ربنا

بعد از آن سجده کند و صد مرتبه بگوید شکراً لله **بیست و چهارم** ایضاً حضرت امیر المؤمنین در این روز در رکوع تصدق خاتم فرمود و آیه تصدق که فضلی
هست که امامت و خلافت آن حضرت و اولاد طاهرین او نازل گشت [illegible] نماز [illegible] روز جمعه [illegible] همان غسل و [illegible]
بیست و پنجم ایضاً حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] مباهله [illegible] نقل است در فضل اهل بیت نازل گشت و روایت دیگر آمده که روز مباهله
روز بیست و چهارم است و مشایخ [illegible] ظاهر [illegible] روز مباهله بسیار است و مستحب است در این روز غسل [illegible]
نماز گذارد و بعد از هر دو رکعت هفتاد مرتبه استغفار کند و چون از نماز فارغ شود بایستاد و نظر بر موضع سجود افکند [illegible]
بخواند الحمد لله رب العالمین الحمد لله فاطر السموات والارض الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض الحمد لله الذی خلق

روز آخر ایضاً هر که در روز آخر ماه دو رکعت نماز گذارد در هر رکعت الحمد یک مرتبه و ده مرتبه قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از
سلام بگوید اللهم ما عملت فی هذه السنة من عمل نهیتنی عنه ولم ترضه ونسیته ولم تنسه ودعوتنی الی التوبة بعد
اجترائی علیک اللهم فانی استغفرک منه فاغفر لی اللهم وما عملت من عمل یقربنی الیک فاقبله منی ولا تقطع رجائی
منک یا کریم خدای تعالی گناهان سال او را بیامرزد و [illegible] شیطان فریاد کند [illegible] **فصل دوازدهم** در ذکر
فضایل اعمال لیالی و ایام و شهور و اعوام بر سبیل اجمال روایت از حضرت امام همام حسن بن علی العسکری علیه السلام که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرمود که چون روز قیامت خدای تعالی بندگان را [illegible] حاضر سازد [illegible] روزها و شبها و ساعتها
و شبهای جمعه و ماهها و سالها را محشور گرداند [illegible] اعمال العباد شهادة [illegible] طاعت و عمل صالح شهادة
دهند بسعادة [illegible] معصیت و [illegible] شهادة دهند [illegible]

روز قیامت کنید و ترک معاصی نمایند که در آخر روز بشفاعت ائمه باخلاص و بطاعت خدا چشم داشته نجات باشد و هر کی ماه رجب و شعبان
بشناسد و بنماید و ماه را بطاعت و عبادت بماه مبارک رمضان متصل کند از این سه ماه مشغول باشد روز قیامت منادی ندا
کند که کجایید رجب و شعبان و رمضان چون برد صاحب این بنده خدا با شما و چون که عبادت و طاعت خدا در شما این ایشان
که بنده خدا این بنده ترجیح با ما بود و جهد در طاعت بود میکرد و سعی در تحصیل رضای تو میکرد و عبادت و طاعت محبت و حرمت
میجست این ماهها که در این سه ماه میکرد شما شاهد طلب ایشان کنید که بنده خدا با رجب و شعبان و رمضان راست کنند بما الله
نمیدیم میکرد طاعت و عبادت و تحصیل رضای تو میبرد و احسان باینکه این تو اینها همه را از وی بخوبی و ابتهاج بازگرفتی و حرمت
واسد عفو و مغفرت تو میکرد از آنچه قوارا منع فرموده بود بجا آورد از بیم غضب تو بر جرم توجه رحمت و سبب مغفرت تو بود حق تعالی
و عبادت میکرد و با نفس خود و تحرج و تجمع و تضرع و با حاجی بجواب روزه میداشت و روزها را بتشنگی روزه میکرد این ایشان را
بر تعب و عبادت بر روزه نمی دید و نفقه و اکرام و صدقه و احسان بفقرا و مساکین میکرد و محبت این ماهها خوب میداشت
و در ایشان خوب میکرد و بعد از آن تبرکت طاعت و عبادت باقی نبرد و هلاک و حسرت آمد و غمی تو و نمی دید بخدای تعالی آن بنده
آخرت جنت فرمایید و ملائکه بر انتظار عطایا و کرامات استقبال کنند و بهشت را زینت نمایند و هر که بماه رجب اقبال و رمضان
کرده اند و نعمتها باقی و ثنا و دائمی بر تکرار بهر که از آنجا برود و نیابد و جوانان را هر که در بیرون بیرون و حسرت و غم در عقب بماند
و از ناز و خفتگی ایمن باشد از گروه به حساب و عصیان و از مشقت و عذاب و نامه و در دوزخ و از تعریف و در صحیفه این سه و مکروه
منع باشد و هم آنحضرت فرموده روز اول شعبان شود شیطان لشکر خود را در اطراف زمین متفرق سازد و که بهشت گویند بند
خدا اکبر بروز اول و ای خدا بگردانید و فضل این ملائکه را در اطراف زمین منتشر سازد و فرماید بندگان را بر اعمال کنید و همه را در آینه مکر
کسی که دارد و سرکشی کند و طغیان و در ذکر او داخل جنود ابلیس شود و هر روز اول شعبان فرماید درخت طوبی در کشاخهای آن بدنیا
آویخته شود و درخت زقوم را که شاخهای آن بدنیا آویزند و بعد از آن ملکی از جانب خدا ندا کند و گوید ای بندگان خدا این شاخهای
طوبی است محکم بگیرید و خود را در آن آویزید تا شما را بهشت برد و این شاخهای زقوم است از آنها بگریزید تا شما را بجهنم نبرد
بعد از آن فرمود بحق خدایی که مرا بحق بنبوت اختیار کرده که هر که عملی از اعمال خیر کند بشاخی از شاخهای طوبی چسبیده بعد از آن
پس هر کی امروز روزه کرده بشاخی از طوبی چسبیده و هر کی نماز تطوع کند بشاخی چسبیده و هر کی میان زن و شوهر و والد و
مولود یا خویشی با همسایه یا بیگانه اصلاح بخشد و مکروهی کند بشاخی چسبیده و هر کی قرض داری بر ایشان اضطرار دهد یا چیزی از حق
خود با و بخشد بشاخی چسبیده و هر کی متکفل احوال یتیمی شود بشاخی چسبیده و هر کی سفیهی و جاهلی را از غیبت و عیب گفتن
منع کند بشاخی چسبیده و هر کی نعمتی خدا شکر نعمای او کند بشاخی چسبیده و هر کی عبادت بیماری کند بشاخی چسبیده و هر کی تشییع
جنازه کند بشاخی چسبیده و هر کی صاحب مصیبتی را تعزیت کند بشاخی چسبیده و هر کی بر والدین یا یکی از ایشان نیکویی کند
چسبیده یا اکرام ایشان یا یکی از ایشان که از او ناراضی باشند عذر خواهی کند و رضای ایشان تحصیل نماید بشاخی چسبیده و همچنین هر کی

هر کاری از کارهای خیر کند بشاخی چسبیده باشد و هر کی عملی از اعمال شر کند بشاخی از شاخهای زقوم چسبیده باشد و هر کی نماز فریضه
نقص کند و حقی از آن ضایع کرده باشد بشاخی آویخته و هر کی فقیری پیش او بیاید و از احوال خبر داشته باشد و قادر بر حاجت او باشد و او را
اعانت نکند و با شفقت بر کشد و مضطر باشد بشاخی چسبیده و هر کی کسی از و عذر تقصیری و بدی خواهد و قبول نکند بلکه بر آن عذر زیاده شتم کند
چسبیده و هر کی میان زن و شوهر و والد و ولد یا خویش یا همسایه یا دوست با دوستی فساد کند بشاخی چسبیده و هر کی
بر قرضدار پریشانی که حال او را داند تنگ کند بشاخی چسبیده و هر کی قرض داشته باشد و از صاحب خود چیزی انکار کند و حق را
بر دارد بشاخی چسبیده و هر کی یتیمی را برنجاند و بر او ظلم کند بشاخی چسبیده و هر کی غیبت مؤمنی کند و عیب جویی و بدگویی کند بشاخی چسبیده
و هر کی غنا و ملاهی استماع کند بشاخی چسبیده و هر کی قیام بر افعال بد کند و انواع ظلم خود را فعل کند و آن افعال را اظهار کند بشاخی چسبیده و هر کی از روی
تکبر بعیادت مریض نرود بشاخی چسبیده و هر کی از باب استخفاف ترک تشییع جنازه نماید و از روی غرور صاحب مصیبتی را تعزیت نکند بشاخی چسبیده
و هر کی عقوق والدین یا یکی از ایشان کند و با ایشان ناراضی بوده باشند و تحصیل رضا و عذر خواهی نکند و حال آنکه قادر بوده باشد بشاخی
چسبیده و همچنین هر کی مرتکب فعلی از افعال شر شود بشاخی چسبیده و والله بسبب کسب شده تا بجهنم بعد از آن نبی نگاه با آسمان میکرد
و اظهار سرور و شکفتگی میفرمود و بعد از آن نگاه بر زمین کرد و اظهار کراهت و حزن و دلگیری نمود و بعد از آن رو جانب اصحاب کرد و فرمود
که بحق بحق آن خدایی که مرا بحق بنبوت اختیار نمود مکرر دیدم درخت طوبی را که جمعی که بر شاخهای او آویخته اند ایشان را بهشت میبرد و بعضی یک شاخ آویخته
و بعضی دو شاخ و بعضی بحسب کارهای خیری که کرده دیدم آن را بر ما به همچنان که ایشان آنحضرت فرموده ببعضی از شاخهای طوبی چسبیده بود
و او را از همه کس بالاتر میبرد از آنجهت خندان شدم و چون نگاه بر زمین کردم درخت زقوم را دیدم که جمعی که بر شاخهای آن چسبیده بودند
همه را فرو میبرد و بجهنم و بعضی را دیدم یک شاخ چسبیده و بعضی بر دو شاخ و بعضی بچند شاخ که بحسب قبایحی که کرده و بعضی از
منافقین را دیدم که بر شاخهای زقوم چسبیده بودند و ایشان را فرو برد تا اسفل درکات جهنم و از آنجهت دلگیر شدم و بعد از آن باز
نگاه بر آسمان کردم خندان شدم و نگاه بر زمین کردم دلگیر شدم فرمود که آنحضرت میدیدم شما ببین و ... ای کشته و کرسنه
بر زمین بکنید ببیند و شما را شب و شفقت و عبادت و نهی و هر ... خود را بصدقه تمام میکرد و جانهای خود در جهاد
بیا خیر نکنید ... و ملائکه و حور و ... ایشان را بهشت جمع کردند و فرمود و ...
خدا ... ملائکه ... بر ... بر شما ... از طوبی آویخته ... بر سایر ... آن شاخ ... از هر جانب ...
و بعضی ... و بعضی ... و بعضی ... از شاخهای زقوم ... جهنم رفتند
از جانب خدا ... از ... زقوم جهنم ... بشاخی چسبیده ... از هر جانب ...
و ... و ... و ... و ...
و صد سال ... و ... بعد از آن ... زمین نگاه ...
خوشا آنان که طاعت خدا ... بشاخهای طوبی آویخته اند ... ایشان را ... بر ... ایشان ...

از آن چسبیده و هر کی فقیری پیش
او بیاید که خبر از حال او داشته باشد

که ایشان را اکرام کنند خدا تعالی ما را گرامی کرده که با شیاطین مقاتله و جهاد کنیم و شیاطین ملک شده و دو دهان دارند و با آن گرم غضب میکنند
و شیاطین ایشان را اکرام کرده همیشه مسخر شده‌اند بعد از آن فرمود پس تعظیم امر و نهی کنید و رفقا را ابا کنید و بر حسن معاشرت ایشان شناسند که با آن مردم
کار امر و نهی سعید شوند و بسیار مردم که امر و نهی شقی کردند **باب نهم** در تزویج و احکام متعلقه به آن و مقصود در این باب انشاء الله
در دوازده فصل بیان میشود **فصل اول** در فضیلت تزویج و مذمت ترک آن به سندهای معتبر از اهل بیت طاهرین علیهم السلام منقول است که هر که تزویج
کند نصف دین خود را حفظ کرده است پس در نصف دیگر احتیاط و محافظت خود نماید و دو رکعت نماز صاحب اهل و عیال افضل است از هفتاد
رکعت عزب و هیچ بنائی در اسلام پیش خدا دوست‌تر از نکاح نیست و هیچ خرابی دشمن‌تر از فرقت و طلاق نیست و ضعیف ... از ... دشمن
ملائکه و فرمود که ... قرآن بسیار ... و بدترین مردگان شما عزبان‌اند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود ... از آنکه تزویج کند
شاید او را اولادی بهم رسد که روز قیامت بر شما و بر امم سایر فخر کنم حتی طفلی که از شما سقط شود در سقط شما غضبناک
و خشم آلوده بر در بهشت ایستاده باشد و گویند به او داخل شو گوید داخل نشوم تا والدین من داخل نشوند پس خدا تعالی ملکی را فرماید که
والدین او را آورده داخل بهشت کنند و اولاد در روز قیامت در زیر عرش ... از ... برای پدر و مادر خود استغفار کنند و در خبر
فرموده که ... آنانند که عزب باشند و حضرت امام جعفر فرمود که دوست ندارم که تمام دنیا و آنچه در آن است از من باشد و یک شب
عزب بخوابم بعد از آن فرمود که دو رکعت نمازی که متزوج بکند بهتر است از آنکه عزب شبها نماز کند و روزها روزه بگیرد و مردی به خدمت حضرت
پیغمبر آمد و شکایت از فقر کرد حضرت فرمود که تزویج کن خدا به برکت آن ترا غنی گرداند و فرمود که هر که ترک تزویج کند به سبب فقر گمان بد به خدا برده است
غنی کردانم و هر که به زن ... خدا ... تزویج کند خدا تعالی ملک پادشاهی بر سر او ... کند
خیر دنیا و آخرت ... جمع کرده ... بعد از ... و شهوت ... که ... نظر ... کند ... و چون
خدمتی فرماید اطاعت کند و چون از او غایب شود محافظت نماید عطا ... و بستر ... کنید بتنهای ... اما
کریمان ... تزویج ... که ... کند ... که با ... خدا ... عبادت ... اتراب دیده
که شبها ... روزها ... عطا ... که ... در ... اند و ... که ... تزویج کند ... جمله
جمیع ... کند خدا تعالی در روز قیامت نظر رحمت به ایشان نکند ... از جمله سعادت ... دنیا ... شود ... و ...
... زنان ... و ... کند ... و ... شود ... بکند ... کند ... صالح ... نماید ...
هزار شهید ... کند ... و ... کلمه ... عبادت ... روزها ... شبها **فصل دوم** در فضایل ...
روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر که ... کند ... خدا ... کند ... و ... کند ...
که ... در ... کند ... شود ... غسل کند ... در ...
... که ... خدا ... کند ... از ...
از حضرت امام جعفر ... سوال کرد ... دوست ندارم که ... دنیا ... و ... که ... باشد

باشد و دیگری با آن حضرت گفت قسم خورده‌ام که متعه نکنم فرمود که عهد کرده که اطاعت خدا نکنی والله که اگر اطاعت نکنی معصیت کرده
باشی و در روایت دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر عرض داشت که حضرت عمر متعه را حرام کرد و بعد از پیغام کرده که ... کرده
بسیار ... بکرده ... نهی ... شدم ... مدت ... چون شنیده‌ام که خدا تعالی و رسول او متعه را حلال کرده‌اند
و عمر آن را حرام کرده ... اطاعت ایشان و مخالفت ... حضرت فرمود که ... صلوات و رحمت فرستد
بر تو ... که ... طلب اولاد کنند ... رحم ... ایشان ... نزد ... نیکی ... و ...
... با او مباشرت کند ... حلال ... که ... زنا ... کند ... ولد ... متعه حلال ... کرده
اما ... مستغنی ... باشد ... مستحب است ... ائمه طاهرین ...
که ... متعه ... نکند ... حضرت امام جعفر با اصحاب خود فرمود
شما را که خدا تعالی به نکاح مستغنی از متعه کرده شرم نمی‌کنید ... که ... زنان ... جهال ...
فصل سوم در اختیار زوجه و صفات زنان و روایت از اهل بیت طاهرین که زنان ... باشد ... خوب ... تا ...
وزن ... کردن ... مستحب است ... که ... باشد ... مستحب است اختیار ... که ... شود و کسی که زن
مال و جمال ... مال و جمال ... کند ... حضرت امیرالمومنین علیه
فرموده که ... سیاه چشم ... بالاختیار کنید ... و ... باشد ... که ایشان نجیب
باشند و بهترین زنان آنست که عفیف و ولود باشد و ... خود عزیز ... و ... مطیع ... و ... شوهر ... و
خراب نکند ... و ... شوهر ... کند ... باشد ... مطیع باشد ...
و بدترین زنان آنست که ... خلاف ... باشد و کسی به خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ... استقبال
... و ... کند ... و ... حضرت فرمود ...
او ... نظام ... ایشان ... شهید ... باشد ... آنست که ... باشد و اولاد ...
و ... باشد ... **فصل چهارم** در اوقات تزویج و
آداب آن روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که سنت است که تزویج در شب باشد ... شود و اگر تزویج
در ... واقع شود ... باشد ... در عقرب ... تزویج ... کند ...
باشد ... باشد ... تزویج کند ... کند ... کند
بعد از آن بگوید اللهم انی ارید ان اتزوج اللهم فقدر لی من النساء احسنهن خلقا و خلقا و اعفهن فرجا و احفظهن لی
فی نفسها و مالی و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة و اقدر لی منها ولدا طیبا تجعله لی خلفا صالحا فی حیاتی و بعد موتی و مستحب
است که تزویج به خطبه مشتمل بر حمد و صلوات و موعظه ... نکاح و این خطبه ... افضل خطبه‌ها است الحمد لله

١٩٢

حمد في الكتاب نفسه وافتتح بالحمد كتابه وجعل الحمد اول جزاء محل نعمته وآخر دعوى اهل جنته واشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له شهادة اخلصها له وادخرها عنده وصلى الله على محمد خاتم النبوة وخير البرية وعلى آله آل الرحمة
وشجرة النعمة ومعدن الرسالة ومختلف الملائكة والحمد لله الذي كان في علمه السابق وكتابه الناطق وبيانه الصادق
ان احق الاسباب بالصلة والاثرة واولى الامور بالرغبة فيه سبب اوجب نسبا وامر اعقب غنى فقال
جل وعز وهو الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان ربك قديرا وقال وانكحوا الايامى منكم والصالحين من
عبادكم وامائكم ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم ولو لم يكن في المصاهرة والمناكحة آية محكمة ولا
سنة متبعة ولا اثر مستفيض لكان فيما جعل الله من بر القريب وتقريب البعيد وتأليف القلوب وتشبيك
الحقوق وتكثير العدد وتوفير الولد لنوائب الدهر وحوادث الامور ما يرغب في دونه العاقل اللبيب ويسارع اليه
الموفق المصيب ويحرص عليه الاديب فاولى الناس بالله من اتبع امره وانفذ حكمه وامضى قضاءه ورجا جزاءه و
فلان بن فلان من قد عرفتم حاله وجلاله دعاه رضى نفسه واتاكم ايثارا لكم واختيارا لخطبة فلانة بنت فلان
كريمتكم وبذل لها من الصداق كذا وكذا فتلقوه بالاجابة واجيبوه بالرغبة واستخيروا الله في اموركم يعزم لكم على رشدكم
ان شاء الله نسأل الله ان يلحم ما بينكم بالبر والتقوى ويؤلفه بالمحبة والهوى ويختمه بالموافقة والرضا انه سميع
الدعاء لطيف لما يشاء **فصل پنجم** در آداب زفاف و روایت از اهل بیت طاهرین که در شب زفاف پیش از آنکه داماد و عروس
بنزد هم آیند داماد دو رکعت نماز بکند و بعد از آن حمد خدا بکند و صلوات بفرستد و بگوید اللهم ارزقني الفها وودها ورضاها
بي واجمع بيننا باحسن اجتماع واكمل ائتلاف فانك تحب الحلال وتكره الحرام و جمعی که حاضر باشند آمین بگویند و عروس
نیز چنین کند اما اول دعا را چنین بگوید اللهم ارزقني الفه ووده ورضاه بي تا آخر و چون بنزد هم آیند دست بر
پیشانی عروس گذاشته بگوید اللهم على كتابك تزوجتها وفي امانتك اخذتها وبكلماتك استحللتها فان قضيت لي في
رحمها شيئا فاجعله مسلما سويا ولا تجعله شرك الشيطان و در حدیث دیگر بگوید اللهم بامانتك اخذتها وبكلماتك
استحللتها فان قضيت لي منها ولدا فاجعله مباركا تقيا من شيعة آل محمد ولا تجعل للشيطان فيه شركا ولا نصيبا
و پای عروس را بشوید و آب را در خانه بپاشد هفتاد قسم حاجت از آنخانه بیرون رود و هفتاد قسم برکت داخل شود و هفتاد رحمت
بر عروس فرود آید که برکتش بهر گوشه خانه برسد و عروس از دیوانگی و خوره و جذام و برص ایمن گردد تا در آنخانه باشد و در هفته اول عروس
از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش اجتناب کند حضرت فرمود که رحم زن از سرما عقیم و سرد میگردد و بسبب آن بهم نرسد و حیض
پاک نشود و گشنیز ولادت را دشوار کند و سیب ترش حیض را قطع کند **فصل ششم** در ثواب مباشرت و آداب و اوقات آن به روایت از
اهل بیت طاهرین علیهم السلام که روزی زینب عطاره بخدمت حضرت پیغمبر صلعم آمد حضرت از تزویج خود حکایت کرد و فرمود که فضایل مباشرت
با زنان میخواهد گفت کدام است آن فضایل فرمود که مرد چون متوجه زن شود دو ملک اکرام او کنند و چون مشغول شود گویا شمشیر کشیده باشد در جهاد و چون مجامعت کند

گناهان

١٩٣

گناهان او فرو ریزد مثل برگ از درخت و چون غسل کند از گناه پاک شود و از آنحضرت صلعم منقولست که با زن خود مجامعت کنید [illegible]
با اهل خود مقاربت کنید تا ثواب یابید گفتند یا رسول الله با اهل خود صحبت داریم ثواب یابیم فرمود بلی چنانکه حرام گناه دارد حلال
نیز ثواب دارد و در حدیث دیگر منقولست که مرد بسبب [illegible] و [illegible] که اهل [illegible] باشد [illegible]
باشد و از آداب مباشرت روایت کرده وقتی مجامعت اگر بسم الله نگوید شیطان با او شریک شود و نطفه شرکت به شیطان
شریک باشد و شرکت شیطان کفر و نفاق و عداوت اهل بیت علیهم السلام باشد و علامت اول حب فسوق و معاصی در فرزند باشد و اگر بسم الله
بگوید از شرکت شیطان ایمن گردد و در حدیث دیگر روایت است از حضرت امام جعفر ع بگوید افضل است بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو
بديع السموات والارض اللهم ان قضيت مني في هذه الليلة خليفة فلا تجعل للشيطان فيه شركا ولا نصيبا ولا
حظا واجعله مؤمنا مخلصا مصفى من الشيطان ورجزه جل ثناؤك و در حدیث دیگر روایت است که بگوید بسم الله وبالله اللهم جنبني
الشيطان وجنب الشيطان ما رزقتني که فرزندی شود که ضرر با شیطان با او نرسد و اگر خواهد در وقت مجامعت بگوید اللهم
ارزقني ولدا واجعله تقيا زكيا ليس في خلقه زيادة ولا نقصان واجعل عاقبته الى خير و در اثنای مجامعت حرف نزند که بیم
لال و کر شدن فرزند باشد و نگاه بفرج زن نکند که کور شدن فرزند باشد و اگر بدرون و تردد غشو دیا بپوشد [illegible]
خود و زن دستمالی باشد که نطفه حالی از فرش [illegible] و بر دین شکر که اگر فرزند [illegible] و [illegible] [illegible]
استعمال نکند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
خواه طفل و خواه غیر آن باشد که بسبب آن فرزند [illegible] و [illegible] [illegible] و اگر محتلم شده باشد تا غسل نکند جماع نکند
که بیم جنون در فرزند باشد [illegible] [illegible] مجامعت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
باشد در فرزند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
نطفه شیطان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
با پیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
کرده و با زن پیر مجامعت نموده و [illegible] [illegible] [illegible] جماع کرده [illegible] [illegible] [illegible]
منافق و صاحب بدعت و مرائی شود و در آفتاب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
و [illegible] [illegible] و اگر زن حامله باشد بی وضو با او مجامعت نکند که فرزند کور دل و بخیل شود و اگر [illegible] [illegible]
شهوت با زن خود مجامعت نکند که فرزند مخنث یا دیوانه شود و اگر در کشتی نشسته باشد مجامعت نکند و اگر جنب باشد با زن
دیگر [illegible] [illegible] قرآن نخواند [illegible] [illegible] [illegible] و اگر زن جنب باشد [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و اما اوقات مجامعت [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

کہ فرزند حافظ قرآن و راضی بقسمت خدا باشد و شب سه شنبه فرزند مؤمن و رحیم دل و سخی شود و زبانش از غیبت و بهتان پاک
باشد و شب چهارشنبه که فرزند حکیم عالم الا آنکه ... شود و روز پنجشنبه وقت ظهر که فرزند کار اندیشه باشد و ...
بلامت بود و شیطان نزدیکش نشود تا آنکه پیر شود و شب اول ماه مبارک رمضان نیز مستحب است جماع کردن و در چند وقت
مکروهست اول ماه و میان آن و آخر آن که فرزند دیوانه شود و میان طلوع صبح و طلوع آفتاب و از غروب آفتاب تا
ذهاب شفق مغرب و در وقت طلوع و غروب آفتاب که آفتاب زرد باشد و روزی که آفتاب بگیرد و شبی که ماه بگیرد و ...
روز و شبی که زلزله شود یا بادهای سرخ و سیاه و زرد در آن وقت فرزند بی حیا شود و در اول و میان و آخر ماه که فرزند بلا و
بی جنون و جذام باشد و در تحت الشعاع که فرزند ساقط شود و بعد از ظهر که فرزند احول شود و در شب عید قربان که فرزند
شش انگشت شود یا چهار انگشت شود و در نصف ماه شعبان که فرزند شوم و معیوب باشد و روز آخر شعبان که فرزند
معین ظالمان باشد و اول شب که فرزند ساحر شود و بنا بر حدیث اختیار کند و در شب از ... سفر بیرون رود و ...
فرزندان شیطان ... در ... ، **فصل هفتم** در طلب فرزند بروایت از اهل بیت طاهرین ...
که چون کسی را فرزند نشود در صبح و شام هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله و ده مرتبه استغفر الله ...
بعد از آن بگوید ... و بروایت دیگر بدستی بر پشت ... و از آنجناب منقولست ... بسیار ... کدام را ...
فرزندان بسیار شد ... رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء رب
لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین ... کرد و در ... گفت ...
رب لا تذرنی فردا و انت خیر الوارثین ... که هر ... بسیار ... فرزند پسر شود ...
از آنکه ... تمام شود ... و ... آیة الکرسی ... دست بر پهلوی ... بگوید ... محمد
کردم خدا ... که ... فرزند محمد نام ... خدا ... او را ... که ... نام دیگر کند ...
... بروایت دیگر ... که فرزند ... محمد ... تا ... پسر شود ...
مجامعت کند ... دست راست بر جانب راست ناف زن بگذارد و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند بعد از آن صحبت
وچون حمل ظاهر شود ... دست بر جانب ناف زن بگذارد و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند ...
... هفت ... و ... فرزند ...
انتقام ... **فصل هشتم** در آداب حمل و ولادت و احکام متعلق بآن بروایت از اهل بیت طاهرین که چون زن حامله
شود ... که ... حمل کند ... آیت ...
... و چون ... سه ماه از ... بگذرد ...
... و در ... فرزند ...

طلبه ...

خدا ... تا روز قیامت و روز قیامت ... حساب ... فرزند ... شود
در ایام حمل ... دل و عاقل شود ... شجاع باشد ... در نظر شوهر ... صاحب
... وضع حمل ... فرزند حلیم و عاقل شود ... در وقت ولادت
... و اگر وضع حمل دشوار باشد ... این آیات بخواند
الذی لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله رب السموات رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرونها
لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم
الفاسقون ... باذن الله ...
... بسم الله الرحمن الرحیم ان مع العسر یسرا ... یرید الله بکم الیسر
ولا یرید بکم العسر ... فتحنا ... لنا رشدا ... قصد السبیل ...
الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون ... الیل نسلخ
منه النهار فاذا هم مظلمون ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا
الا ساعة من نهار ...
... **فصل نهم** در آداب ...

اربعه	ثلثه	اثنین
اربعه	اثنین	ثلثه

... از اهل بیت ...
... و عقیقه و ختنه کردن
طفل متولد شود ... در گوش راست اذان و در گوش چپ اقامه بگوید ... ام الصبیان ... بروایت ...
... اذان و ...
... از جنون و ... شیطان ... کام طفل را ... امام حسین ...
... کام ... حضرت امیر المؤمنین ... کام اطفال ... بآب فرات ...
... کام طفل خود را ... حضرت پیغمبر ... امام حسن و امام حسین ...
بروایت ... که طفل ... نام ... محمد ...
... محمد ... نام ...
فرزند ... نام خوب ... روز قیامت ... بنام خود ...
... مثل عبد الله و عبد الرحمن ... و افضل اسمای انبیاء و ائمه ... محمد ...
... شیطان ...
... شیطان ... علی ... محمد ... عظیم ... شیطان ...

محمد و علی آواز کنند بگویند مثل قلبی ح آنرا و اگر بیشتر ذکر نام یکی از ائمه علیهم السلام کنند بهتر خود را بالا دو سر شود و بزرگ
فقر داخل نشود که در آن خانه نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه باشد و در روایت دیگر حضرت پیغمبر
فرمود کسی را که چهار پسر شود و نام هیچیک را بنام من نکند پس به تحقیق که بر من جفا کرده باشد و در روایت دیگر آنحضرت بسیار نام نیکو فرمود
دوست ترین نامها نامهاست که پیش بندگی و در روایت که چون طفل را محمد و فاطمه نام کنند او را دشنام مدهید و گرامی دارید و بجای آرند
و بر مجالس وسیله آید که عقیقه واجب است و روز هفتم طفل را عقیقه کنید و اگر هفت روز بگذرد و عقیقه نشود تا بزرگ شود
دختر و پسر هر کدام که عقیقه کنند گوسفندی و اگر گوسفند نیابند بکرده باشد که خود عقیقه کند و در وقت
بلوغ یا آخر عمر و افضل آنست که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده و بهتر آنست که اگر به سلامت باشد و در وقت
شود چیزی بود و هر چند فربه تر باشد افضل است و در وقت ذبح بگوید بسم الله و بالله و الحمد لله و الله اکبر ایمانا بالله و ثناء علی
رسول الله صلی الله علیه و آله و العصمة لامره و الشکر لرزقه و المعرفة بفضله علینا اهل البیت اللهم لحمها بلحمه و دمها بدمه
و عظمها بعظمه و شعرها بشعره و جلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان بن فلان و بعد از آن بگوید اللهم
انک وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما وهبت و منک ما اعطیت و کل ما صنعنا فتقبله منا علی سنتک و سنة نبیک و
رسولک صلی الله علیه و آله و اخسا عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک لک و الحمد لله رب العالمین و اگر خواهد بگوید
بسم الله و بالله اللهم عقیقة عن فلان لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها بعظمه اللهم اجعله وقاء لآل محمد صلی الله
علیه و آله و عقیقه را ... دهند و اگر قابله نباشد ... مادر ... بخورد و ...
... عقیقه حصه ... ساعت ... به تصرف کند و هر چند بیشتر باشد
افضل است و افضل آنست که والدین ... از ... استخوانهای او را نشکنند افضل است
... و ... افضل آنست که عقیقه و نام کردن و ختنه و سر تراشیدن ... هم
باشد و در روز هفتم ختنه کنند ... زودتر ... بهتر است ... و دعا
... وقت ختنه کردن بگوید اللهم هذه سنتک و سنة نبیک صلواتک علیه و آله و اتباع منا لک و لنبیک بمشیتک و بارادتک
و قضائک لامر اردته و قضاء حتمته و امر انفذته فاذقته حر الحدید فی ختانه و حجامته لامر انت اعرف به منی اللهم
طهره من الذنوب و زد فی عمره و ادفع الآفات عن بدنه و الاوجاع عن جسمه و زده من الغنی و ادفع عنه الفقر
فانک تعلم و لا نعلم و اگر در آن وقت نگفته باشد پیش از آنکه محتلم شود هر وقت که بگوید ... خدا ... او را از ... قتل
و غیر آن محفوظ دارد ... سنت ... و ... سر ... افضل آنست که ... بعد از ... هفت ...
و در روایت که شیر دادن باید ... و ... باشد ... شیر ... طفل ... در روایت ... که ... بهتر است
بگاه شیر دادن ... طفل و غذا ... دو سال تمام است و بیشتر از بیست و یک ماه نباید فصل دهم در فضایل اولاد

و ترتیب ایشان و روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون فرزندی برای شیعیان ... از ... بزرگ ... صالح ...
و فرزند ... در بهشت و ... اطفال مؤمنان ... هفت ... ابراهیم خلیل است و بعد از آن ... استغفار است برای والدین
ثواب ... باشد و اگر ... که ... ایشان ... و ... اطفال ... والدین ... و ... والدین را از آن ثواب
در جاها باشد حتی آنکه سقط بر در بهشت ایستاده باشد ... داخل نشوم تا ... والدین ... داخل بهشت ... ایشان
دعا و استغفار کند ... حضرت عیسی ... بر قبری گذشت که صاحبش
معذب بود سال دیگر ... گذشت عذاب از آن برداشته بود ... سبب آن سؤال نمود وحی ... فرزندی
صالح ... یتیمی را پناه داد ... عذاب از او برداشتیم و در روایت ... سؤال کنند ...
ثواب دهند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود ... دختر ... خواهر ... باشد ... واجب شود ... بکند ... باشد
... و ... باشد ... پسری ... باشد ... دختر ... خواهر ...
... باشند ... و ... حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود اطفال را دوست دارید ... و ... ایشان ... وعده ... بسیار ...
... ایشان ... تا ... چیزی ...
اطفال ... دختر ... افضل آنست ...
... که ... است ... باشد ...
... اهل بهشت باشد ...
و ... قرآن تعلیم کند در بهشت ...
... حضرت ...
... لا اله الا الله ... الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
... تعلیم کند ... سال تمام شود ... لا اله
الا الله ... سال ... تمام شود ... محمد رسول الله ...
شود ... صلی الله علی محمد و آل محمد ... سال تمام شود ...
... شش سال تمام شود ... هفت سال تمام شود ...
... سال تمام شود ...
... هفت سال ...
... هفت سال ... تعلیمش کنند ...

اگر آنها صالح و راغب بدین اسلام در او یابند بهتر [illegible] باشد و اگر نه دوست ندارم بر آنها **فصل یازدهم** در حقوق زن و شوهر بر یکدیگر
روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حق [illegible] بر زن آن است که خدمت و اطاعت او کند و خلاف امر او نکند و [illegible]
او بی اذن او تصدق نکند و بکسی چیزی ندهد و اگر [illegible] بی اذن شوهر [illegible] و حفظ مال او بکند و [illegible]
زن در خانه شوهر [illegible] خدای [illegible] بر او [illegible] رحمت
بعد از آن [illegible] و از جمله حقوق آنکه [illegible]
[illegible] ملایکه آسمان و زمین و ملایکه رحمت و غضب
لعنت کنند تا [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود [illegible] نماز [illegible]
[illegible] اطاعت شوهر [illegible]
فرمود [illegible] اطاعت شوهر [illegible] حضرت
[illegible] خدای تعالی [illegible] اطاعت شوهر [illegible] و از جمله حقوق آنکه بی اذن او [illegible]
[illegible] تصدق [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
[illegible] شوهران ایشان [illegible]
[illegible] شوهر [illegible] و از جمله حقوق آنکه [illegible] شوهر [illegible]
[illegible] شوهر [illegible] اطاعت [illegible]
[illegible] شوهر [illegible]
[illegible] تصدق [illegible]
[illegible] شوهر [illegible] ثابت [illegible]
[illegible] شوهر [illegible]
مشقت و تعب [illegible] غضب خدا [illegible] باشد
و جهاد زن آن است که شوهرداری خوب کند و بر آزار و مشقت او صبر کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود ای زنان تصدق کنید اگر چه
از زینت خود و اگر چه [illegible] و اطاعت شوهران [illegible]
[illegible] یا رسول الله [illegible]
شوهران [illegible] یا رسول الله [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] شوهر [illegible]
[illegible] حق [illegible] زن [illegible] حق شوهر [illegible]

[illegible] که زنان شوهران [illegible] خدمت آنحضرت صلی الله علیه و آله
[illegible] شوهر [illegible]
[illegible] روزها روزه [illegible] عبادت [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] عیشت [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود [illegible]
[illegible] حقوق [illegible] احکام
[illegible] **فصل دوازدهم** در بعضی [illegible]
[illegible] از اهل بیت طاهرین [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] حضرت امام [illegible]
[illegible]
حضرت [illegible]
[illegible] اطاعت [illegible]
[illegible] عظیم باشد
[illegible] **باب [illegible]** در آداب سفر و احکام متعلقه آن
و [illegible] انشاء الله [illegible] **فصل اول** در بعضی [illegible] سفر [illegible] از اهل بیت طاهرین [illegible]
سفر [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
[illegible] سفر [illegible]
فصل [illegible] در اختیار ساعات [illegible] سفر [illegible] از اهل بیت طاهرین [illegible] سفر [illegible] شنبه و پنجشنبه [illegible]
[illegible] پنجشنبه [illegible] خدا [illegible]
[illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] پنجشنبه [illegible]
[illegible] چهارشنبه [illegible]
[illegible] چهارشنبه [illegible]

بدانکه اکثر مردم نحس میدانند سفر در عقرب را و بعضی بر آنند که در عقرب برای مؤمنان و در روایت دیگر آمده که کسی از حضرت امام موسی پرسید که مردم
سفر در چهارشنبه آخر ماه را شوم میدانند و حکم میکنند بخلاف هر کسی که خلاف ایشان کند چه میفرمائی فرمود هر که در چهارشنبه آخر ماه
سفر کند از آفات و بلاها سالم ماند و عافیت یابد و حق تعالی حاجتش را برآورد و بسند معتبر روایت است که هر که روز جمعه پیش از نماز سفر رود ملائکه
گویند خدا او را یاری نکند و از حضرت پیغمبر صلعم روایت است که روز دوشنبه و پنجشنبه برای دشمنان ما آفریده شده و روز [illegible]
[illegible] بر آمده است در این روز که هجرت کردم و در این روز حضرت امیر را شهید کردند و در این روز کشته خواهد شد حسین
مسموم شد و در این روز عزم سفر کرده [illegible] روایت است که جمعی در این روز عزم سفر کرده رفتند که حضرت امام جعفر را وداع کنند
فرمود [illegible] بر کنار [illegible] حضرت پیغمبر صلعم در این روز از میان ما رفت و در این روز
[illegible] وحی منقطع شد و در روایت دیگر است که اهل بیت را هیچ مصیبتی رو نداده مگر در این روز
و در روایت دیگر است که [illegible] از آنحضرت صلعم مرویست [illegible]
دوشنبه سفر مکنید [illegible] کاری [illegible] از اعمال ماه محرم گذشت [illegible]
مشهور است و بعضی از کتب علما مسطور است [illegible] روایت دیگر آمده [illegible]
[illegible] روایت است که هرگاه [illegible] سفر [illegible] روایت است [illegible]
[illegible] شعاع سفر کند [illegible] در فصل [illegible]

فصل سیم در تحصیل بعضی از اسباب و بعضی آداب و آداب سفر از اهل بیت طاهرین [illegible]
کسی بعد از آنکه عزم سفر نماید [illegible] روایت است که [illegible] کسی که [illegible] سفر رود
شیطان با ایشان [illegible] سفر [illegible] روایت است که [illegible] دو کس دو شیطان [illegible] صاحب
و چهار کس [illegible] روایت است که [illegible] زیاده از هفت نباشد مگر [illegible]
و غوغا [illegible] روایت است که [illegible] ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
[illegible] و حق تعالی [illegible] اسباب سفر [illegible] با خود بیاورد [illegible]
تا [illegible] باشد [illegible] سلاح و مسواک [illegible]
و در روایت است که [illegible] سفر [illegible] و حضرت امام زین العابدین [illegible]
[illegible] و حضرت صادق [illegible] لقمان [illegible]
[illegible] روایت است [illegible] و بار [illegible]
و در روایت است که [illegible] سفر عصای بادام تلخ با خود داشته باشد [illegible] عصای بادام [illegible]
[illegible] و لما توجه تلقاء مدین [illegible] والله علی ما نقول وکیل [illegible]

تا آنکه

تا آنکه خانه اش مراجعت کند و هفتاد و هفت فرشته در وقت مراجعت باشند و برایش استغفار کنند و عصا در دست داشتن
نفی فقر کند و شیطان را دور کند [illegible] و هرکس آمانت مؤمن مسافری کند در حاجتی از حوائج خدا حاجتش هفتاد و هشت کربت از او بر دارد
و از غموم و هموم دنیا و آخرت نجاتش دهد و کربت روز قیامت از او بردارد و هرکه حاجت خود در خانه بماند و اهل او [illegible]
بدانند که در روایت است [illegible] و کربت دنیا و هفتاد کربت آخرت را از او برطرف
کند چون شروع در سفر کند [illegible] مراجعت کند بیش از آنچه فصل چهارم در افتتاح سفر بدعا
و صدقه روایت است از اهل بیت طاهرین که چون عزم سفر کنید بگوئید اللهم خل سبیلنا و احسن تسییرنا و اعظم عافیتنا و [illegible]
[illegible] روایت است که هیچ مسافری [illegible] اهل خود [illegible] وقتی که بیرون رفتن [illegible] بعد از آن بگوید
اللهم انی استودعک الیوم دینی و نفسی و مالی و اهلی و ولدی و جیرانی و اهل حزانتی الشاهد منا و الغائب و جمیع
ما انعمت به علی اللهم اجعلنا فی کنفک و منعک و عیاذک و عزک عز جارک و جل ثناؤک و امتنع عائذک
و لا اله غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن
له ولی من الذل و کبره تکبیرا الله اکبر کبیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا [illegible]
فرمود حضرت امام محمد باقر [illegible] سفر [illegible]
[illegible] فصل [illegible] امام [illegible]
[illegible] روایت [illegible] باشد [illegible]
[illegible] بنده [illegible] خانه [illegible]
و الحمد لله رب العالمین [illegible] اللهم احفظنی
و احفظ ما معی و بلغنی و بلغ ما معی و سلمنی و سلم ما معی ببلاغک الحسن [illegible]
و من بین یدی [illegible] استفتح و بالله استنجح و بمحمد صلعم اتوجه اللهم سهل لی کل حزونة و ذلل لی کل صعوبة و
اعطنی من الخیر کله اکثر مما ارجو و اصرف عنی من الشر اکثر مما احذر فی عافیة یا ارحم الراحمین و [illegible]
حضرت امام علی النقی [illegible] صادقه [illegible] و [illegible] ایام
حاجتی [illegible] سفر [illegible]
ما [illegible] خدا [illegible]
محافظت [illegible] اللهم [illegible]
گذشت [illegible] سفر [illegible]
[illegible] انا انزلناه [illegible] ان فی خلق السموات و الارض

ماتك لا تغافل لما دونه اللهم بك يصول الصائل وبقدرتك يطول الطائل ولا حول لكل ذي حول الا بك ولا قوة
يمتازها ذو قوة الا منك بصفوتك من خلقك وخيرتك من بريتك محمد نبيك وعترته وسلالته عليه وعليهم السلام اكفني شر
هذا اليوم وضره وارزقني خيره ويمنه واقض لي في متصرفاتي بحسن العافية وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكفاية الطاغية
الغوية وكل ذي قدرة لي على اذية حتى اكون في جنة وعصمة من كل بلاء ونقمة وابدلني من المخاوف فيه امنا ومن العوائق
فيه يسرا حتى لا يصدني صاد عن المراد ولا يحل بي طارق من اذى العباد انك على كل شيء قدير والامور اليك
تصير يا من ليس كمثله شيء وهو السميع البصير و [illegible] پس صدقه بدهد و بگويد اللهم اني بصير
اشتريت سلامتي في سفري هذا بهذه [illegible]
[illegible]
بيرون رود و بگويد لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب السماوات السبع ورب الارضين
السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين اللهم كن لي
جارا من كل جبار عنيد ومن كل شيطان مريد بسم الله دخلت وبسم الله خرجت اللهم اني اقدم بين يدي نسياني
وعجلتي بسم الله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله في سفري هذا ذكرته او نسيته اللهم انت المستعان على الامور
كلها وانت الصاحب في السفر والخليفة في الاهل اللهم هون علينا سفرنا واطو لنا الارض وسيرنا فيها بطاعتك وطاعة
رسولك اللهم اصلح لنا ظهرنا وبارك لنا فيما رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم اني اعوذ بك من وعثاء السفر وكآبة
المنقلب وسوء المنظر في الاهل والمال والولد اللهم انت عضدي وناصري اللهم اقطع عني بعده ومشقته واصحبني
فيه واخلفني في اهلي بخير لا حول ولا قوة الا بالله اللهم اني عبدك وهذا حملانك والوجه وجهك والسفر اليك
وقد اطلعت على ما لم يطلع عليه احد غيرك فاجعل سفري هذا كفارة لما قبله من ذنوبي وكن عونا لي عليه و
اكفني وعثه ومشقته ولقني من القول والعمل رضاك فانما انا عبدك وبك ولك **فصل پنجم** در وداع و مفارقت
مومنان [illegible] مسافر را وداع كنند بگويند زودكم الله التقوى ووجهكم الى كل خير وقضى لكم
حاجتكم وسلم لكم دينكم ودنياكم وردكم سالمين الى سالمين [illegible] بگويند احسن الله لك الصحابة واكمل لك
المعونة وسهل لك الحزونة وقرب لك البعيد وكفاك المهم وحفظ لك دينك وامانتك وخواتيم عملك ووجهك
لكل خير عليك بتقوى الله استودعك الله [illegible] آية الكرسي بخواند و اذان
واقامت گويد و بعد از آن بگويد اللهم الطف بي في تيسير كل عسير فان تيسير كل عسير عليك يسير واسألك اليسر و
العافية والمعافاة الدائمة في الدنيا والآخرة و چون مسافر [illegible] بگويد اللهم اعني على اهاويل الدنيا و
مصيبات الليالي والايام واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض **فصل ششم** در آداب سوار شدن و [illegible] نقل

از اهل بيت طاهرين نقل كرده اند كه چون پا در ركاب گذارد بگويد بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله والله اكبر و [illegible] فصل در
خود گذارد و چون سوار شود و بر پشت مركب قرار گيرد بگويد بسم الله ولا قوة الا بالله الحمد لله الذي هدانا للاسلام
ومن علينا بمحمد صلى الله عليه وآله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا لمنقلبون والحمد لله رب العالمين
اللهم انت الحامل على الظهر والمستعان على الامر اللهم بلغنا بلاغا يبلغ الى الخير بلاغا يبلغ الى رحمتك و
رضوانك ومغفرتك اللهم لا طير الا طيرك ولا خير الا خيرك ولا حافظ غيرك و چون مركب [illegible] بگويد خرجت
بحول الله وقوته بغير حول مني وقوة ولكن بحول الله وقوته برئت اليك يا رب من الحول والقوة اللهم اني اسألك
بركة سفري هذا وبركة اهلي اللهم اني اسألك من فضلك الواسع رزقا حلالا طيبا تسوقه الي وانا خائض في عافية
بقوتك وقدرتك اللهم اني سرت في سفري هذا بلا ثقة مني لغيرك ولا رجاء لسواك فارزقني في ذلك شكرك وعافيتك ووفقني
لطاعتك وعبادتك حتى ترضى وبعد الرضا [illegible] بگويد اللهم اني استودعك ديني ونفسي ومالي و
دنياي وآخرتي وخاتمة عملي واحفظني من كل آفة وعاهة واحجبني من كل ذلك [illegible] بالشفيع الاقرب الحفيظ
المجيب اجب دعائي يا اكرم [illegible] بگويد اللهم بك انتشرت واليك توجهت وبك اعتصمت انت ثقتي ورجائي اللهم
اكفني ما اهمني وما لا اهتم له وما انت اعلم به مني اللهم زودني التقوى واغفر لي وارحمني و [illegible] بگويد بسم الله مخرجي وباذنه
خرجت وقد علم قبل ان اخرج خروجي وقد احصى بعلمه مخرجي ومرجعي توكلت على الله الاله الاكبر توكل مفوض اليه امره
مستعين به على شؤونه مستزيد من فضله مبرئ نفسه من كل قوة الا به خروج ضرير خرج بضره الى من يكشفه خروج
فقير خرج بفقره الى من يسده وخروج عائل خرج بعيلته الى من يغنيها وخروج من ربه اكبر ثقته واعظم رجائه
وافضل امنيته الله ثقتي في جميع اموري كلها به فيها جميعا استعين ولا شيء الا ما شاء الله في علمه اسأل خير
المخرج والمدخل لا اله الا هو اليه المصير و [illegible] بگويد اللهم اني خرجت في وجهي هذا بلا ثقة مني بغيرك ولا رجاء اوى
به الا اليك ولا قوة اتكل عليها ولا حيلة الجأ اليها الا طلب رضاك وابتغاء رحمتك وتعرضا لرزقك وسكونا
الى حسن عائدتك وانت اعلم بما سبق لي في علمك في وجهي هذا مما احب واكره اللهم فاصرف عني مقادير كل
ما بلاء ومقضي كل لاواء وابسط علي كنفا من رحمتك ولطفا من عفوك وتماما من حفظك وسعة من رزقك وتماما
من نعمتك وجماعا من معافاتك واوقع لي فيه جميع قضائك على موافقة هواي وحقيقة املي وادفع
عني ما احذر وما لا احذر على نفسي وديني ومالي مما انت اعلم به مني واجعل ذلك خيرا لآخرتي ودنياي مع
ما اسألك ان تخلفني فيمن خلفت ورائي من ولدي واهلي ومالي واخواني وجميع حزانتي بافضل ما خلفت به
غائبا من المؤمنين في تحصين كل عورة وحفظ كل مضيعة وتمام كل نعمة وكفاية كل مكروه ودفع كل سيئة و
صرف كل مكروه وكمال ما يجمع لي الرضا والسرور في الدنيا والآخرة ثم ارزقني ذكرك وشكرك وطاعتك وعبادتك

حتى ترضى وبعد الرضاء اللهم إني أستودعك اليوم ديني ونفسي ومالي وأهلي وولدي وذريتي وجميع إخواني اللهم
احفظ الشاهد منا والغائب اللهم احفظنا واحفظ ما معنا اللهم اجعلنا في جوارك ولا تسلبنا ولا تغير ما
بنا من نعمة وعافية وفضل و بزیر بگوید اللهم اسعد بأعد هذه الحركة وأمددنا باليمين والبركة وقنا سوء القدر وآمنا
مما يا السفر وقرب لنا البعيد والنوى وسهل لنا الشر والسرى وقنا لظى الرحل وأزل لنا خشن [illegible]
احفظ مخلفينا واجمع بيننا وبينهم بأحسن آمالنا وآمالهم سالمين غانمين تائبين آيبين برحمتك يا أرحم الراحمين
وچون بر مرکب [illegible] شود بگوید قل من يكلؤكم بالليل والنهار من الرحمن بل هم
عن ذكر ربهم معرضون و [illegible] محفوظ کرده [illegible]
اعتصمت بك يا رب من شر ما أجد في نفسي فاعصمني من ذلك و [illegible]
وچون بر بلندی بر آید بگوید لا إله إلا الله والله أكبر والحمد لله رب العالمين اللهم لك الشرف على كل شرف [illegible]
باشد [illegible] تهلیل [illegible]
[illegible] أعوذ بالله من شرك وشر ما فيك وشر ما خلق فيك ومن شر ما دب عليك أعوذ بالله من شر كل
أسد وأسود وحية وعقرب ومن ساكن البلد ومن شر والد وما ولد أفغير دين الله يبغون وله أسلم من في السموات
والأرض طوعا وكرها وإليه يرجعون الحمد لله [illegible] اللهم صاحبنا في السفر وأفضل علينا [illegible] ولا حول
ولا قوة إلا بالله [illegible]
[illegible] أفغير دين الله يبغون [illegible]
[illegible] آية الكرسي [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
إلى الطريق [illegible]
[illegible]
حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم [illegible]
سفر [illegible]
[illegible]

در هر

در فصل [illegible] **فصل هفتم** در آداب متعلق بمنزل [illegible] چون بمنزل [illegible] شود بگوید اللهم إني
أسألك خيرها وأعوذ بك من شرها اللهم حببنا إلى أهلها وحبب صالحي أهلها إلينا و چون بمنزل نزدیک شود بگوید اللهم
رب السماء وما أظلت ورب الأرض وما أقلت ورب الرياح وما ذرت ورب الأنهار وما جرت عرفنا خير هذه القرية
وخير أهلها وأعذنا من شرها وشر أهلها إنك على كل شيء قدير اللهم يسر لي ما كان فيها من خير ووفق لي ما كان فيها
من خير وأعني على حاجتي يا قاضي الحاجات ويا مجيب الدعوات أدخلني مدخل صدق وأخرجني مخرج صدق واجعل لي من
لدنك سلطانا نصيرا و چون فرود آید بگوید رب أنزلني منزلا مباركا وأنت خير المنزلين [illegible] الصالحين
وهب لي السلامة والعافية في وقت وحين أعوذ بكلمات الله التامات من شر ما خلق [illegible]
[illegible]
أنزلني منزلا مباركا وأنت خير المنزلين [illegible] اللهم ارزقنا خير هذه البقعة وأعذنا من شرها اللهم أطعمنا من
جناها وأعذنا من وباها وحببنا إلى أهلها وحبب صالحي أهلها إلينا [illegible]
[illegible] بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الأرض ولا في السماء [illegible]
لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم إني أعوذ بك من شر كل سبع [illegible]
باشد [illegible] ذي العرش المجيد [illegible]
بعزتك التي لا ترام وملكك الذي لا يضام وبنورك الذي ملأ أركان عرشك أن تكفيني شر [illegible] يا مغيث أغثني
يا مغيث أغثني [illegible]
[illegible] السلام علينا [illegible]
السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين **فصل هشتم** در آداب [illegible]
بسم الله الرحمن الرحيم وما قدروا الله حق قدره والأرض جميعا قبضته يوم القيامة والسموات مطويات بيمينه سبحانه وتعالى
عما يشركون بسم الله مجريها ومرسيها إن ربي لغفور رحيم [illegible] لا إله
إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين [illegible]
[illegible] ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم [illegible]
[illegible] **فصل نهم** در مکارم اخلاق [illegible]
رفاقت در سفر [illegible]
كتاب الله [illegible]
[illegible]

۲۰۶ وخود نیز ذلیل ایشان نشوی و حضرت امام جعفر فرمود که مروت و مروة بشش چیز است که سه در حضر است و سه در سفر
خانه‌اش باشد مروت دو قسم است در حضر و آن تلاوت قرآنست و ملازمت مساجد و گرفتن برادران در راه خدا و در سفر بذل زاد
و شفقت و بیان آن برفقا و کتمان احوال ایشان بعد از مفارقت و کثرت مزاح بغیر آنکه معصیتی در آن باشد و فرمود که با جمعی رفیق
باشی که از تو باشند در حسب و نسب و احسان بر ایشان باشد چنانکه مردی بخدمت حضرت رسول آمد و فرمود بیش از خود
و کسی را که از تو ضعیف‌تر است در سفر با جمعی رفیق مشو و با ایشان توسعه و احسان بسیار بکن با جمعی مردم مخالطه و مصاحب
باش و اگر ایشان نیز مثل تو مالدار باشند دعوت برای ایشان بکن چون ذلیل شود بسبب ایشان خود دست
بنیکی وضع و طعام شما در سفر ما دهیم ناشد که بعضی را نگرد خانه خود حضر میباشید و اقدر که میشود احسان و طعام
کنید و نیز مرویست که نیکو کنید و مستحب است دعا مستحب بدانکه فصل دهم در جمیع آنچه در سفر مرویست از اهل بیت طاهرین
که بخوانند در ایام سفر برای حفظ و وصل باهل و بازگشتن بخانه‌ها یَا جَامِعَ بَيْنَ الْجَنَّةِ عَلَى الْمَنِّ بَيْنَ الْقُلُوبِ وَمُدَبِّرٍ فَاصِلٍ لَهُمْ
فِي الْمَحَبَّةِ يَا جَامِعًا بَيْنَ طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَ لَهَا يَا مُفَرِّجًا عَنْ كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا سَمِيعًا لِكُلِّ عَزِيزٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ارْحَمْنِي
فِي غُرْبَتِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكَلَاءَةِ وَالْمَعُونَةِ لِي وَفَرِّجْ مَا بِي مِنَ الضِّيقِ وَالْحُزْنِ بِالْجَمْعِ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِي يَا مُؤْنِسَ
بَيْنَ الْأَحِبَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَفْجَعْنِي بِانْقِطَاعِ خَبَرِي وَلَا تَفْجَعْ أَهْلِي وَوَلَدِي بِانْقِطَاعِ خَبَرِي وَتَمِّمْ بِحَقِّ مَسَائِلَكَ
أَغْلَاكَ وَادْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي وَذَلِكَ دُعَاءُ أَخْبَرْنَاكَ فَارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و مرویست که سفر قطعه از عذابست
چون در سفر قضای حاجت خود کردید زود مراجعت کنید بسوی اهل و چون بشهر خود برسید و خواهد داخل شود چون
داخل شود بگوید آئِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِفْظِكَ لِي فِي سَفَرِي وَحَضَرِي
اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوْبَتِي هَذِهِ مُبَارَكَةً مَيْمُونَةً مَقْرُونَةً بِتَوْبَةٍ نَصُوحٍ تُوجِبُ لِي بِهَا السَّعَادَةَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و بیشتر از آنکه مشغول
کاری شود دو رکعت نماز بکند و بعد از نماز در مسجد محله بنشیند و شکر الهی تصدق بکند و مرویست که مروت نیست نقل
احوال سفر از خیر و شر و مستحب است که تحفه همراه بیاورد برای دوستان و فرزندان و کسی که از سفر حج آمده باشد و همچنان با او مصافحه
معانقه کنند چنانست که استلام حجر الاسود کنند و مستحب است حاج چنین کنند تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْكَ وَأَخْلَفَ عَلَيْكَ نَفَقَتَكَ وَ
غَفَرَ ذَنْبَكَ **باب پانزدهم** در فضایل حج و عمره و زیارات و مقصود از این باب انشاء الله در ده فصل یاد میشود **فصل**
اول در فضایل حج و عمره مرویست از اهل بیت طاهرین که هرکس حج و عمره بکند و اگر بمیرد از گناه پاک شود چنانکه از مادر متولد
و نیز مرویست که ثواب حج بهشت است و هرگاه گناهی هست بپوشد کسی مشغول تهیه اسباب حج شود با هرکاری که از او کرم
کرده دریکی بکند ده حسنه نوشته شود ده سیئه محو کنند و ده درجه بلند کنند دائما تا وقتی که از تهیه اسباب فارغ شود و چون سوار شود
هر گام که مرکب بر دارد بگذارد همان حسنات نوشته شود و چون طواف خانه و سعی صفا و مروه بکند از گناه پاک شود چنانکه
متولد شده و چون جمرات را بیندازد روز قیامت باشد و چون حلق کند از گناه بیرون رود و ثوابها بیعطا از ما بیداریه چون آمد که

۲۰۷ چون تلبیه گوید بهر تلبیه ده حسنه نوشته شود ده سیئه محو کنند و چون هفت مرتبه طواف کند خدا عز و جل از برای او ذخیره کند و شرم دارد
که هرگز بعد از آن عذابش کند و چون در مقام ابراهیم دو رکعت نماز گذارد دو هزار حج برای او نوشته شود و چون سعی صفا و مروه کند چنانست
که هفتاد بنده مؤمن آزاد کند و چون وقوف عرفات بجا آرد چنانکه اگر گناهان او بعدد ریگ بیابان و عالج و قطره باران و ستاره
آسمان باشد و چون رمی جمرات کند بهر جمره ده حسنه نوشته شود و چون قربانی کند بهر قطره خون ده حسنه نوشته شود و چون از مناسک
فارغ شود از همه گناهان پاک شود و چهار ماه مهلت دارند که گناه بر او نوشته نشود مگر آنکه گناه کبیره کند و حاج و معتمر همه در رحمت خدایند و مهمانان خدایند
اگر بمیرد به بهشت میروند و اگر بمانند از گناهان پاک باشند و اگر دعا کنند مستجاب شود و اگر سؤال کنند عطا فرماید و اگر خاموش باشند ابتدا نماید
و اگر شفاعت کنند قبول کند و بعوض یک درهم که صرف کنند هزار هزار عوض عطا فرماید و نیز مرویست که چون وفد حق بمنی آیند منادی ندا کند
احرام بسته بودید لبیک گویان محشور شوید و اکر در مراجعت بمیرد از همه گناهان پاک باشند و هرکه در راه مکه در رفتن یا آمدن بمیرد از فزع
اکبر قیامت ایمن باشد و نیز مرویست که هر مؤمن که حضرت رسول بشارت خدا تعالی بهرام و هزار حسنه که هر یک برای حاجیان و او انفاق فرماید
سه روز و آمد و غسل کند و کفش از دست که قدم بر زمین بگذارد با حال تواضع وقتی که داخل حرم شود خدا تعالی صد هزار حسنه در حج بلند کند و صد هزار
حاجتش را بر آورد و چون داخل مکه شود با خشوع و تسلیم گناهان او آمرزیده شود و هرکه ثواب نمازش نامیده و چون سعی صفا و مروه بکند ملائکه
برایش شفاعت کنند و خدا تعالی قبول شفاعت فرماید و نیز مرویست که اهل حج سه قسم اند اول آنکه گناه گذشته و آینده‌اش همه آمرزیده شود
دوم آنکه گناه گذشته‌اش آمرزیده شود سیم آنکه اهل و مال او را خدا حفظ کند و در این دو قسم کسیست که حجش قبول نشود و هر که حج بجز
ماضی شود دعایش البته مستجاب شود و خواه مؤمن خواه مخالف مؤمن باشد و حج او در آن دنیا و آخرت مخالف آن در دنیا و نیز مرویست که چون مؤمنی
وقوف عرفه بجا آرد از همه ولایت بکرامت عطا کند آن ولایت از مؤمنان همه آمرزیده شوند و کسی از حضرت صادق پرسید که گناه که عظیم
ترست فرمود کسی که مناسک حج بجا آرد و بعد از آن گمان داشته باشد که گناهش آمرزیده نشده و چون اهل حج در منا وحوض
بیعت و کنند منادی ندا کند که ای پاینده چه درگاه آمده اید بخشیدیم کسی که چه صرف کرده ایم عوض آن بدهد پا منفعت بکنم
و نیز مرویست که یک درهم در حج افضل است از دو هزار درهم در غیر آن و چون کسی از حضرت رسول پرسید که
مال بسیار دارم حج نرفته ام که کرم حج بیاید فرمود اگر کوه ابو قبیس تمام طلا باشد و همه را در راه خدا صرف کنی ثواب حج بیاید
دیگر آمده که اگر کسی بر حج بشنود در نفقه سفر حج گناه خدا از گناهانش بیامرزد و حلال تر از آن نیست که داند و اگر برود
نفقه حج گناهان و اوامر را از علمای دین ابنیا و صدیقین و شهدا و صالحین جا دهند و نیز مرویست که اهل قبور آرزو کنند بعوض
تمام دنیا و ما فیها آنکه ایشان را یک حج بسوی عرفه مرویست که هر کس چهار حج بکند از فشار قبر ایمن شود و چون بمیرد حج بعضی که کرده باشد
صورت بیدا قبر او شود و او را روز قیامت تا زکیه و ثواب نماز ایشان و هر امام شود و بگفته آن صورت با او است تا هر رکعت نمازی
که بیج حج کرده خدا تعالی هرگز عذابش نکند و اگر ده حج کرده حساب نکند و هر که بیست حج کند بسیار کرده و هر که پنجاه حج بکند بهشت جای او است
بنا کنند در هر شهری بها و عظمت بسیار که در آن حور باشند و خدمتکاران بسیار که هر جنس و جمال ایشان هیچ چشمی ندیده

و هر کس چون از حج مراجعت کند در خاطر داشته باشد که بار دیگر به حج آید عمر وی زیاده شود و اگر در خاطر باشد که دیگر نیاید اجلش نزدیک شود
مشاهده کرده و حضرت امام جعفر فرموده که هر کس به حج رود و به حج فی اللّه شغل عیال ما نفقه فرمود که ... آن بلد باشد
و زینت قناعت کنید و هر سال به حج بیایید و روایت است که هر کس مستطیع باشد و هر پنج سال یک حج نکند محروم باشد و هر کس که حج کند
از حوایج دنیا و آخرت حاجت او را روا شود و معذور و حاجت بر آید و باشد و هیچ کس را ... نفرستد
نظر وی بخشوده شود و نیز مرویست که اگر کسی در حج مال کسی شود در دنیا ... و عفو کرده در آخرت ... شود
حضرت امام جعفر علیه السلام گفت مردی با من سخن در حج بود من گفتم ... و مانع او شدم فرمود منتظر باش
بیماری باشد یا مرگی یا بیماری کشد اما آداب و ادعیه مناسک حج چون طول عظیم دارد در این مختصر مناسب نبود
او نمودیم **فصل دوم** در زیارت حضرت پیغمبر صلعم از آنحضرت مرویست که فرمود هر کس مرا زیارت کند روز قیامت در جوار من باشد
و شفاعت من او را واجب شود و هر که شفاعت من واجب شود بهشت بر او واجب شود و هر که در مکه بمیرد در روز حساب ایمن باشد
و هر کس بعد از وفات زیارت کند چنانست که بعد هجرت کرده باشد و اگر استطاعت آمدن نداشته باشد از دور سلام فرستد و آنحضرت
صلعم و حضرت امام حسین فرموده هر کس ... بیاید ... زیارت کند بر من لازم باشد که روز قیامت او را زیارت کنم و از گناهان پاک
کرده ام و بهشت او را واجب شود و روایت دیگر فرموده که از اهوال و شداید قیامت خلاص کنم و در درجه بهشت جای دهم
مرویست که هر کس آنحضرت را زیارت کند چنانست که خدا را در عرش زیارت کرده **فصل سیم** در زیارت سایر اهل بیت علیهم السلام روایت
هر امامی را عهدی در گردن اولیا و شیعیان خود هست و تمامی وفا عهد زیارت قبور ایشانست و هر کس زیارت ایشان کند
ایشان شفیع او باشند و هر کس یکی از ایشان را زیارت کند چنانست که رسول اللّه صلعم را زیارت کرده باشد و نیز مرویست که هر کس یکی از ایشان را
زیارت کند دو رکعت نماز در آن روضه گزارد حج و عمره مقبول برای او نویسند و کسی که چهار رکعت نماز گزارد ... و ... حج و عمره نوشته شود و حضرت
بحضرت امیر المؤمنین فرمود یا علی خدا قبر تو و قبور اولاد ترا بقعه های بهشت گردانیده و دلهای اصفیای خود را با ایشان مایل کرده
که در محبت ایشان تحمل مشقتها کنند و قبور ایشان تعمیر نمایند و زیارت ایشان کنند یا علی ایشان اهل شفاعت و اهل حوض منند و
ایشان همسایگان منند در بهشت یا علی هر کس تعمیر قبور شما کند چنانست که بنای بیت المقدس را با سلیمان علیه السلام کرده باشد
و هر کس زیارت قبور شما کند برابر است با هفتاد حج بعد از حجة الاسلام و از گناهان پاک شود مثل آنکه از مادر متولد شده و نعیم بهشت
بلقا و لباس جان شما مطالبات کند ... هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به هیچ خاطری نرسیده و از حضرت فاطمه علیها السلام
مرویست که فرمود هر کس بر من و بر پدرم و بر من سلام کند در ایام حیات یا بعد از وفات ما بهشت او را واجب شود **فصل چهارم**
در زیارت حضرت امیر المؤمنین مرویست از اهل بیت طاهرین که هر مؤمنی که زیارت آنحضرت کند خدای تعالی برای او اجر صد هزار شهید بنویسد
و گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در روز قیامت این محشور شود و حساب او آسان کرده شود و ملائکه استقبال او کنند
و در وقت مراجعت مشایعت نمایند تا بخانه او برسانند و اگر بیمار شود عیادت او کنند و اگر بمیرد تشییع جنازه او نمایند

بر ایشان استغفار کنند و گفت که بحضرت امام جعفر گفتم که فرزند دست تو آمدم و زیارت امیر المؤمنین ترک کردم فرمود بد کردی اگر نه از اولیای ما بودی
نگاه بر تو نمیکردم زیارت کنی کسی را که خدا و انبیا و ملائکه و مؤمنان زیارت او میکنند و ابو حمزه روایت کرده که چون کسی پیاده بزیارت آنحضرت
رود بهر گامی یک حج و یک عمره برایش نویسند و اگر دیگر آید هر کس بزیارت آنحضرت رود بهر گامی حج و عمره مقبول برایش نوشته شود
و خدای تعالی آتش بر وی حرام کند و اگر بزیارت آنحضرت غبار گرفته بخواب سوار رود یا پیاده **فصل پنجم** در زیارت حضرت امام حسین
مرویست از اهل بیت طاهرین که هر کس زیارت آنحضرت کند و او را امام مفترض الطاعه داند گناهان پیش و پس او آمرزیده شود و آینده اش همه
آمرزیده شود و زیارت آنحضرت فرض است بر هر مسلم و حضرت صادق علیه السلام از کسی پرسید که چند حج کرده گفت نوزده فرمود اگر
بیست حج تمام کنی یک زیارت امام حسین کرده باشی و روایت دیگر آمده که زیارت آنحضرت برابر است با بیست حج و عمره و روایت دیگر برابر است
با بیست و پنج حج و نیز مرویست که حضرت صادق فرمود زیارت آنحضرت معادل حج و عمره است و اضعاف مضاعف آن و به کسی که پرسید
که مثل چند حج و عمره است فرمود نود حج فرمود ... صد و ... هزار فرمود بیشتر بعد از آن فرمود نعمت خدا را چند
شمار توان کرد تمام نشود و نیز مرویست که زیارت آنحضرت برابر است با آنکه هزار بنده آزاد کنی و هزار اسب با زین و لجام در راه خدا بجهاد
فرستی و گناهان هفتاد سال او بخشیده شود و آفات و موجب در آن بر عمر وی زیاده شود و ترک زیارت آنحضرت سبب نقصان
عمر و فوت ... و حضرت امام فرمود اگر یکی از شما هزار حج کند و زیارت آنحضرت نکند حقی از حقوق الهی را ترک کرده باشد
و اگر کسی زیارت آنحضرت نکرده بمیرد ... از اهل بهشت بود و در بهشت از مؤمنان پست تر باشد و نیز مرویست که اگر کسی
بزیارت آنحضرت رود خدا برای او ... گناهانش بیامرزد و سیئات او را بحسنات بدل کند و در هر گامی که بر دارد حجی و عمره برای وی
بنویسند و شفاعت برای ... و هر دعائی که در آن روضه کند مستجاب شود و هر حاجتی که در آن روضه از خدا طلبد بر آید و عطا فرماید
بکسی که زیارت آنحضرت کند و هر قدم که بر دارد بهشت ... هزار فرشته ... او را ... و ... هزار فرشته با وی همراهی
کنند و ... غبار آلوده بر قبر آنحضرت ... روز قیامت ... که زیارت وی کنند و اگر بمیرد فرشتگان
عیادت او نمایند و چون بمیرد ... نماز کنند و ... روز قیامت برایش استغفار کنند و نیز مرویست که هر کس بزیارت آنحضرت رود
ملائکه ازو استقبال کنند و ... هر ... برایش ... با ... پیغمبری کرده باشد و ... روایت
مرویست که چون کسی متوجه زیارت آنحضرت کند اهل آسمانها یکدیگر را بشارت دهند و چون از زیارت برگردد آنچه او حاجت خواهد
خدای تعالی بفرشتگان فرماید که او را ... و ... باز گردد ... چون بر در روضه ایستاده بگوید السلام
علیک یا وارث آدم صفوة اللّه تا آخر چنانکه در فصل آداب زیارت ان شاء اللّه بیاید بعد از آن بر جانب قبر مقدس رو آورد و بر کام
بگذارد و بر ... ثواب آن ... خدا ... خود غلطیده باشد بعد از آن دست بر قبر مبارک گذاشته بگوید السلام علیک
یا ابا عبد اللّه تا آخر چنانکه بیاید بعد از آن بگذاری و ... مشغول نماز شود و ... دعا و ... صلوات فرستد و چون
فارغ شود هر رکعت نماز که در آن روضه گزارد ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار بنده آزاد کرده و هزار ... باشد

مرسهل عطا فرماید و چون از آنجا برخیزد دو رکعت نماز کند و دعایی بخواند من خوشت باد که گناهان گذشته اش آمرزیده شود و گه در آن
بیرون خدای تعالی از خود شنود پس قبض روح شود و چون زن و تا آنکه خودش صلاح کرد با او رفاقت کند و بر او صلوات فرستد تا آنکه
خود بسبب او در خانه اش اقامت نموده و تسبیح و تهلیل و تقدیس خدا بکرده باشند و ثوابی که از اجلاس برسد و ثواب آن عمل او را و تا
بعد از آن در تغسیل و تکفین و نماز بر او حاضر باشند بعد از آن در قبر او مقیم شوند و ذکر و تسبیح و تقدیس بکرده باشند تا روز قیامت
و ثواب همه برای او نوشته شود و در نیمه ولایت که آمده که نماز در پیش قبر مقدس آنحضرت برابر است با حج و نافله برابر است با عمره
این بود فضایل زیارت مطلق آنحضرت و فضایل زیارت مطلق آنحضرت مخصوص در باب اعمال شهور گذشت **فصل ششم** در فضیلت زیارت
حضرت امام رضا کسی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسید که زیارت امام حسین افضل است یا زیارت امام رضا علیه السلام فرمود زیارت پدرم
افضلست که حضرت امام حسین را همه کس زیارت کند و زیارت پدرم مخصوص شیعیان و دوستان ما است و نیز روایت که هر که زیارت
آنحضرت کند و معترف باشد بامامت او گناهان گذشته و آینده اش همه آمرزیده شود اگرچه بعدد ستاره آسمان و قطره باران و برگ
درختان باشد و روز قیامت در برابر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله منبری برای او نصب کنند تا آنکه حساب خلایق فارغ شود و آن
حضرت بخود فرمود هر که بزیارت من آید ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد هزار جهاد او را عطا کنند
و با ما محشور شود و در درجات رفیع بهشت رفیق ما باشد و هیچ ما شفیع او باشیم اگرچه با بکه گناهش مثل گناه جن و انس باشد
باشد هر که آنحضرت را زیارت کند روز قیامت در سه موقف او را دریابم و از اهوال آن موقف خلاص کنم و در وقتی که نامه های اعمال را
در آنجا متفرق باشند و وقتی که اعمال الخلق را بمیزان سنجند و وقتی که بر صراط بگذرند و نیز در حدیث معتبر است که
با جر حج و عمره وارد شد که حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت است که جمیع کسی که حج نسیب او نشود زیارت کند مرا
و ثواب هزار حج برای او است با کسی که حقا و شناسد و بداند که امام مفترض الطاعه است و نیز روایت که هر که زیارت آنحضرت
کند و یک شبه آنجا ماند بکه خدا او را بهشت زیارت کند و نیز روایت که زیارت ائمه طاهرین علیهم السلام در
همنشین و هم صحبت ایشان باشد و فرمود حضرت امام رضا در جایی از خراسان که هر که داخل آن روضه شود روز قیامت
آتش بر او حرام شود و حضرت پیغمبر فرمود دفن شود بضعه من در خراسان و هر مؤمنی که او را زیارت کند خدای تعالی
بهشت را بر او واجب کند و آتش جهنم را بر او حرام کند و هیچ مکروبی زیارت نکند مگر آنکه خدا غم او را زایل کند و هیچ گناهکاری زیارت
نکند مگر آنکه گناهانش را بیامرزد و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود هر که زیارت کند فرزندم را که در طوس مدفون است روز قیامت
دستش گرفته داخل بهشت کنم و حاجتهای او را برآورم و هر که را حاجتی باشد غسل کرده زیارت آنحضرت کند و پیش سر مبارک آنحضرت
نماز کند و در قنوت حاجت خود را طلبد مستجاب شود و اگر معصیت یا قطع رحم نباشد **فصل هفتم** در آداب و کیفیت زیارات
اهل بیت علیهم السلام مستحب است که چون بزیارت هر کدام از ایشان برود غسل کند و در وقت غسل بگوید اللهم طهرنی وطهر قلبی
واشرح لی صدری واجر علی لسانی محبتک ومدحتک والثناء علیک فانه لا قوة الا بک وقد علمت ان قوام دینی

التسلیم

التسلیم لامرک والاتباع لسنة نبیک والشهادة علی جمیع خلقک اللهم اجعله لی طهورا وشفاء ونورا انک علی کل شیء قدیر
و صلی الله علی محمد وآله اجمعین و جامه های پاک بپوشد و تطهیر نمودن و باوقار و سکینه و ذکر و تسبیح و صلوات بر ایشان متوجه
شده اما در حضرت امام حسین مستحب است تطهیر کردن و بندهای جامه گشودن و اداب طهارت و اجتناب نمودن و سایر
مصیبت زده متوجه گشتن و چون بدر روضه مقدسه رسد بایستد و اذن دخول طلبد اللهم انی قد وقفت علی
باب بیت من بیوت نبیک وقد منعت الناس ان یدخلوا الا باذنه فقلت یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی
الا ان یؤذن لکم وانی اعتقد حرمة نبیک فی غیبته کما اعتقدها فی حضرته واعلم ان رسلک وخلفاءک احیاء عندک
یرزقون فرحین بما آتاهم من فضلک ویستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم ولا هم یحزنون
وانهم یرون مکانی ویسمعون کلامی ویردون علی سلامی وانک حجبت عن سمعی کلامهم وسلامهم وفتحت
باب فهمی بلذیذ مناجاتهم وانی استأذنک یا رب اولا واستأذن رسولک ثانیا واستأذن خلیفتک الامام المفروض علی طاعته واستأذن الملائکة
الموکلین بهذه البقعة المبارکة ثالثا ءأدخل یا رسول الله ءأدخل یا حجة الله ءأدخل یا ملائکة الله المقربین المقیمین فی هذا المشهد فاذن لی یا مولای فی الدخول افضل ما اذنت لاحد من اولیائک
هذا البیت فکن لی انت وملائکتک الطاعون فی وقت داخل شد بکوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اشهد ان
لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وان علیا ولی الله و بضریح مقدس نزدیک شود
زیارت کند و بعد از آن نماز زیارت بکند و دعا و مسئلت و آنچه مذکور شد بر ای جمیع ائمه وارد شده پس زیارت نامه دیگر
مناجات کنند که در روایات از حضرت صاحب الزمان آمده و دیگر زیارات که در کتب مذکور است
هر یک در جای خود بیاید و بعضی از آنها در این کتاب ذکر شده و زیارات مخصوصه هر یک از
ائمه علیهم السلام بتفصیل از کتب دیگر باید گرفت
بکار معروف باشد و این مختصر را از آن مشرف شود **زیارت حضرت پیغمبر** که روایت از حضرت امام علی نقی علیه السلام
علیک یا رسول الله السلام علیک یا حبیب الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا امین الله السلام علیک
یا حجة الله اشهد انک قد نصحت لامتک وجاهدت فی سبیل الله وعبدته مخلصا حتی اتاک الیقین فجزاک الله
افضل ما جزی نبیا عن امته اللهم صل علی محمد وآل محمد افضل ما صلیت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید
و در روایت از حضرت صادق است که بعد از آن سلام که در بالای سر مبارک در عقب نقش مقدس داده رو بقبله کرده بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد انک رسول الله وانک محمد بن عبد الله واشهد انک قد بلغت رسالات ربک ونصحت
لامتک وجاهدت فی سبیل الله وعبدت الله مخلصا حتی اتاک الیقین ودعوت الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة
وادیت الذی علیک من الحق وانک قد رؤفت بالمؤمنین وغلظت علی الکافرین فبلغ الله بک افضل شرف محل المکرمین

الحمد لله الذي استنقذنا بك من الشرك والضلالة اللهم فاجعل صلواتك وصلوات ملائكتك المقربين وأنبيائك المرسلين
وعبادك الصالحين وأهل السماوات والأرضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الأولين والآخرين على محمد
عبدك ورسولك ونبيك وأمينك ونجيك وحبيبك وصفيك وخاصتك وصفوتك وخيرتك من خلقك
اللهم وأعطه الدرجة الرفيعة وآته الوسيلة من الجنة وابعثه مقاما محمودا يغبطه به الأولون والآخرون
اللهم إنك قلت ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما
إلهي فقد أتيت مستغفرا تائبا من ذنوبي فصل على محمد وآله واغفرها لي يا سيدي أتوجه بك وبأهل بيتك
إلى الله تعالى ربك وربي ليغفر لي ذنوبي بعد از آن سه باره بگوید ده انه رو با خضوع و انقیاد آنگاه پشت بقبر داده
رو بقبله بگوید اللهم إليك ألجأت أمري وبك أسندت ظهري وقبلتك التي رضيتها لمحمد صلى الله
عليه وآله استقبلت وجهي اللهم لا أشتكي الزمني ولا أشكو غير جسمي ولا أستبدل غيري أصبحت وأمسيت لا
أملك لنفسي خير ما أرجو ولا أصرف عنها شر ما أحذر إلا بك وحدك لا شريك لك اللهم زدني من فضلك
ولا تجعلني محروما من فضلك اللهم يسر لي التقوى وحلني بالعافية وارزقني بالنعم وارزقني شكر العافية
إنك على كل شيء قدير و هر حاجت که داشته باشد از خدا طلب کند که سزاوار است ... باجابت انشاء الله زیارت

حضرت امیر المؤمنین

بگوید السلام عليك يا أمين الله في أرضه وحجته على عباده السلام عليك يا أمير
المؤمنين أشهد أنك جاهدت في الله حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله إلى جواره
فقبضك إليك باختياره وألزم أعداءك الحجة في قتلهم إياك مع ما لك من الحجج البالغة على
جميع خلقه اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة
أوليائك محبوبة في أرضك وسمائك صابرة على نزول بلائك شاكرة لفواضل نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك
مشتاقة إلى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن أوليائك مفارقة لأخلاق
أعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك بعد از آن رو بقبر مقدس داشته بگوید اللهم إن قلوب المخبتين
إليك والهة وأفئدة العارفين منك فازعة وأصوات الداعين إليك صاعدة وأبواب الإجابة لهم
مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة وتوبة من أناب إليك مقبولة وعبرة من بكى من خوفك مرحومة والإغاثة
لمن استغاث بك موجودة وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك مقالة وأعمال العاملين لديك
محفوظة وأرزاقك إلى الخلائق من لدنك نازلة وعوائد المزيد إليهم واصلة وذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج
خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدة
ومناهل الظماء مترعة اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع بيني وبين أوليائي بحق محمد وعلي وفاطمة

والحسن

السلام عليك يا مولاي

سبل الراغبين إليك شارعة وأعلام القاصدين إليك واضحة

والحسن والحسين إنك ولي نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي بحضرت امام محمد
پس بعد هر کس از شیعیان که حضرت امیر المؤمنین یا یکی دیگر از ائمه را بشرق ذیارت کند در زیارت
نوشته است که خدای تعالی ثواب آنرا با خاتم محمد صلی الله علیه وآله مخصوم سازد و حضرت قائم علیه السلام رو
بالجنت و کرامت و بشارت بصاحبش رساند و باید دانست که اگر بالنظر بقبر یکی دیگر از ائمه علیهم السلام
زیارت کند بجای لفظ امیر المؤمنین نام آن امام را باید گفت و در جانب ضریح مقدس حضرت آدم و نوح علیهما السلام
را زیارت کند و در زیارت حضرت آدم بگوید السلام عليك يا صفي الله السلام عليك يا حبيب الله السلام
عليك يا نبي الله السلام عليك يا أمين الله السلام عليك يا خليفة الله في أرضه السلام عليك يا أبا
البشر آدم صلى الله عليك وعلى روحك وعلى بدنك وعلى الطاهرين من ولدك وذريتك وصلى عليك
صلاة لا يحصيها إلا هو ورحمة الله وبركاته

زیارت نوح علیه السلام

بگوید السلام عليك يا نبي الله السلام عليك
يا صفي الله السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا أمين الله في أرضه صلوات الله وسلامه عليك
وعلى روحك وبدنك وعلى الطاهرين من ولدك ورحمة الله وبركاته

زیارت فاطمه علیها السلام

السلام
عليك يا بنت رسول الله السلام عليك يا بنت نبي الله السلام عليك يا بنت حبيب الله السلام عليك
يا بنت خليل الله السلام عليك يا بنت أمين الله السلام عليك يا بنت خير خلق الله السلام عليك أيتها
المعصومة المظلومة السلام عليك أيتها المحدثة العليمة ورحمة الله وبركاته أشهد الله ورسوله وملائكته
أني راض عمن رضيت عنه ساخط على من سخطت عليه متبرئ ممن تبرأت منه موال لمن
واليت معاد لمن عاديت مبغض لمن أبغضت محب لمن أحببت وكفى بالله شهيدا وحسيبا وجازيا
ومثيبا

زیارت حضرت امام حسین علیه السلام

برود بر روضه مقدس ایستاده بگوید السلام عليك يا وارث آدم
صفوة الله السلام عليك يا وارث نوح نبي الله السلام عليك يا وارث إبراهيم خليل الله السلام عليك
يا وارث موسى كليم الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله
السلام عليك يا وارث علي أمير المؤمنين وخير الوصيين السلام عليك يا وارث أخيه الحسن الزكي الطاهر
الرضي المرضي السلام عليك أيها الوصي البار التقي السلام عليك وعلى الأرواح التي حلت بفنائك أشهد أنك قد
أقمت الصلاة وآتيت الزكاة وأمرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وعبدت الله مخلصا حتى أتاك اليقين
والسلام عليك ورحمة الله وبركاته بعد از آن بجانب ضریح مقدس برود و دست بر آن گذاشته بگوید السلام عليك يا
أبا عبد الله السلام عليك يا حجة الله وبركاته بعد از آن بگوید لعن الله أمة قتلتك ولعن الله أمة سمعت
بذلك فرضيت به مولاي يا أبا عبد الله أشهد الله وملائكته وأنبياءه ورسله أني بكم مؤمن وبإيابكم موقن

بشرایع دینی وخواتیم عملی فصلوات الله علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی شاهدکم وعلی غائبکم وظاهرکم
وباطنکم ورحمة الله وبرکاته پس بعد از آن در پیش پای مبارک آنحضرت علی اکبر را زیارت کند وبگوید السلام علیک یا ابن
رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن الحسین الشهید السلام علیک ایها الشهید
المظلوم لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به پس بعد از آن
شهدا را زیارت کند وبگوید السلام علیکم یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم یا اصفیاء الله واوداءه
السلام علیکم یا انصار دین الله وانصار نبیه وانصار امیر المؤمنین وانصار الحسن والحسین طبتم
وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم وچون از نماز ودعا فارغ شود
بزیارت عباس رفته بگوید السلام علیک ایها العبد الصالح المطیع لله ولرسوله ولامیر المؤمنین والحسن
والحسین وعلیک السلام ورحمة الله وبرکاته وعلی روحک وبدنک اشهد انک مضیت علی ما مضی
علیه البدریون المجاهدون فی سبیل الله المناصحون له فی جهاد اعدائه المبالغون فی نصرة اولیائه فجزاک
الله افضل واوفر جزاء احد ممن وفی ببیعته واستجاب له دعوته وحشرک مع النبیین والصدیقین و
الشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا وروایت است که حضرت امام جعفر از کسی پرسید که هر روز زیارت امام حسین
میکنی گفت گاهی میشود [illegible] حضرت فرمود چه شود اگر هر روز زیارت آنحضرت کنی گفت از ما
بسیار دور است حضرت فرمود بر بام خانه برای جانب راست نگاه کن بعد از آن بجانب چپ نگاه کن
بعد از آن سر باسمان بالا کن بعد از آن متوجه روضه مقدسه شده بگوی السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک
ورحمة الله وبرکاته که زیارت برای تو نوشته شود که برابر باشد با یک حج ویک عمره واگر روزی بخواهی باین نحو زیارت
کنی هر روز یک حج ویک عمره برای تو نوشته شود **زیارت جامعه** که در همه مشاهد مقدسه مجزی بود
وروایت است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود السلام علی اولیاء الله واصفیائه السلام علی امناء الله واحبائه
السلام علی انصار الله وخلفائه السلام علی محال معرفة الله السلام علی معادن حکمة الله السلام علی
مساکن ذکر الله السلام علی عباد الله المکرمین الذین لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون السلام علی
مظاهر امر الله ونهیه السلام علی الادلاء علی الله السلام علی المستقرین فی مرضات الله السلام علی المخلصین
فی طاعة الله السلام علی الذین من والاهم فقد والی الله ومن عاداهم فقد عادی الله ومن عرفهم فقد عرف الله
ومن جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم بالله ومن تخلی منهم فقد تخلی من الله اشهد الله انی
سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم مؤمن بما آمنتم به کافر بما کفرتم به محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مؤمن
بسرکم وعلانیتکم مفوض فی ذلک کله الیکم لعن الله عدوکم من الجن والانس وضاعف علیهم العذاب الالیم

ولیه

السلام علیک یا ابن نبی الله
وابن المظلوم

السلام علیکم یا انصار رسول الله
السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین
السلام علیکم یا انصار فاطمة الزهراء
سیدة نساء العالمین السلام علیکم
یا انصار ابی محمد الحسن بن علی
الزکی الناصح الامین السلام علیکم
یا انصار ابی عبد الله بابی انتم
وامی طبتم وطابت الارض

ایضا

واوی الی الله منهم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته هر یک از ایشان علیهم السلام بگوید السلام علیک
یا مولای السلام علیک یا حجة الله السلام علیک یا صفوة الله السلام علیک یا خالصة الله السلام علیک
یا امین الله السلام علیک یا ولی الله سلام مودع لا قال ولا سئم فان امض فلا عن ملالة وان اقم فلا
عن سوء ظن بما وعد الله الصابرین ولا جعله الله یا مولای آخر العهد منی لزیارتک ورزقنی العود
الی مشهدک والمقام فی حرمک وجعلنی معکم فی الدنیا والآخرة **فصل هشتم** در نیابت وشراکت وغیره

ودر بارهٔ روایت است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر کسی برای دیگری از روی تبرع حج کند ثواب ده حج
یابد واگر از جانب کسی حج کند که مرده باشد [illegible] از صاحب مال در روایت دیگر آمده که گناهان او ومادر وپدر او
وخواهر وعم وعمه وخال وخاله همه آمرزیده شود ودر روایت دیگر آمده که هر کس که در حج باخود شریک کند [illegible]
از ثواب حج چیزی کم نمیشود [illegible] از ثواب او چیزی کم نشود وثواب [illegible] باشد [illegible] زیارت
را تبرع کند باکسی اشراک کرد [illegible] بعد از فراغ از حج یا زیارت بگوید اللهم اشرک فی حجتی وزکی وصلواتی
واگر زیارت باشد بگوید فی زیارتی ابی وامی وفلانا وفلانا وهر کرا خواهد نام ببرد وجمیع اهلی وولدی
وحرمی وعبیدی وابیضهم واسودهم وعجمیهم وعربیهم واگر نیابت در حج باطواف کند بگوید اللهم فتقبل حجتی و
طوافی وصلواتی عن فلان وفلان وهر کرا خواهد واگر نیابت در زیارت کند بعد از فراغ از کارهای خود بگوید السلام
علیک یا مولای عن ابی وامی وهر کرا خواهد پس بهر یک از ایشان که بکوید [illegible] طواف ونماز زیارت
کرده است که نیابت باشد **فصل نهم** در فضیلت اماکن مقدسه که در آن حدود واقع است از اهل بیت طاهرین
که هر کس نظر بر کعبه کند [illegible] گناهانش آمرزیده شود [illegible]
کتابت شود [illegible] نظرش بر کعبه باشد حسنه برایش نویسند [illegible] بخشد [illegible] کعبه صد [illegible]
رحمت [illegible] شصت از طواف کنندگان [illegible] نماز کنندگان وبیست از نظر کنندگان [illegible] بنی
آدم [illegible] قیامت [illegible] باشد [illegible] آب زمزم [illegible] حج [illegible] کعبه [illegible]
ایمن باشد [illegible] افضل است از خراج تمام عراق که در راه خدا صرف کنند [illegible]
کند [illegible] جای خود در بهشت ببیند وچیزی [illegible] در مکه [illegible] روزه داشت [illegible]
در آنجا [illegible] در جای دیگر وخواب کردن در آنجا [illegible] عبادت است در جای دیگر [illegible]
گناهان او [illegible] استغفار کرده [illegible] آمرزیده شود [illegible] کرده در آنجا سجده کند چنانکه
[illegible] غلطیده باشد [illegible] آنجا [illegible] نماز [illegible] صدقه برابر است با صد هزار درهم
دیگر [illegible] گناهان گذشته [illegible] مقبول شود وهر چند بجانب کعبه نزدیکتر

باشد افضلست و در مسجد کوفه هفتصد و پنجاه و بروایتی دیگر هزار پیغمبر نماز کرده و هر که در آنجا یک رکعت نماز کند برابر است با عمر
سال عبادت و صد تسبیح در آنجا برابر است با عتق رقبه و صد تکبیر با جای ختمه و صد تحمید با خراج عراقین که در راه خدا
صدقه دهد و یک نماز در مسجد رسول در مدینه برابر است با ده هزار نماز و یک درهم صدقه با ده هزار درهم و دو رکعت نماز در مسجد
قبا برابر است با یک عمره و کوفه حرم امیر المؤمنین است و قبور انبیا و مرسلین و اوصیا و مؤمنین در آنجا بسیار است و در مسجد اعظم
که هزار پیغمبر و هزار وصی نماز کرده و حضرت پیغمبر صلعم در شب معراج در آن مسجد نماز کرده یک نماز فریضه در آنجا برابر است
با هزار نماز و یک نماز نافله در آنجا برابر است با پانصد نماز و یک عمره و نشستن در آنجا بی ذکر و تلاوت عبادتست و در مسجد سهله
هزار پیغمبر و وصی نماز کرده و مقام حضرت ابراهیم و ادریس علیهما السلام در آن مسجد است و در آن مسجد سنگی است که
طینت همه انبیا را از آنجا برداشته اند هر غمگینی که در آن مسجد میان شام و خفتن دو رکعت نماز کند و دعا کند خدای
از آن غم نجاتش دهد **فصل دهم** در فضایل زیارت ذریه طیبین و صلحای مؤمنین روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که هر که امامزاده عبد العظیم را در ری زیارت کند چنانست که امام حسین را زیارت کرده و هر که فاطمه بنت موسی الکاظم را (حاشیه: من زار عبد العظیم بری کمن زار الحسین بکربلا)
را در قم زیارت کند بهشت او را واجب شود و هم از ایشان علیهم السلام روایتست که هر که ما را نتواند زیارت کند صلحای شیعه ما را
زیارت کند ثواب زیارت ما را بیابد و بعضی از احادیث در فضل زیارت مؤمنان در باب اول این کتاب گذشت تمت
از ایام حیات و بعد از وفات و آداب زیارت مؤمنان بعد از این انشاء الله بیاید **باب دوازدهم** در احکام متعلقه باموات
و زیارت قبور مؤمنان بعد از وفات و آن مجموع انشاء الله در ده فصل بیان شود **فصل اول** در وصیت صحیح شده
روایتست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که وصیت حقی است بر هر مسلم و هر که خوب وصیت کند بغیر ظلم و جور و ضرر بورثه
نرساند چنانست که در حیات خود تصدق کرده باشد و هر کس که مالی داشته باشد و بر خویشان که میراث نبرند نصیبی وصیت نکند
اعمال او بمعصیت ختم شود و حضرت امام جعفر فرمود که حضرت پیغمبر صلعم فرمود که هر کس وقت وفات وصیت خوب نکند نقص در مروت
و عقلش باشد و پیش بمیرد که وصیت خود را بیکدفعه بنویسد حالت مردن مردم جمع شوند بگوید اللهم
فاطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم اللهم انی اعهد الیک فی دار الدنیا انی اشهد
ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک صلی الله علیه واله وان الجنة حق وان النار
حق وان البعث حق والحساب حق والقدر حق والمیزان حق وان الدین کما وصفت وان الاسلام کما شرعت
وان القول کما حدثت وان القرآن کما انزلت وانک انت الله الحق المبین جزی الله محمدا عنا خیر الجزاء
وحیا الله محمدا وآل محمد بالسلام اللهم یا عدتی عند کربتی ویا صاحبی عند شدتی ویا ولی نعمتی الهی واله
آبائی لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا فانک ان تکلنی الی نفسی طرفة عین کنت اقرب من الشر وابعد من
الخیر وآنس فی القبر وحشتی واجعل لی عهدا یوم القاک منشورا بعد از آن هر وصیت که خواهد بکند و آن صحیفه

شیخ طوسی رحمه الله در مصباح ذکر نموده که نوشته شود بسم الله الرحمن الرحیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
واشهد ان محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه واله وان الجنة حق وان النار حق وان الساعة آتیة لا ریب
فیها وان الله یبعث من فی القبور بعد از آن بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم شهد الشهود المسمون فی هذا الکتاب
ان اخاهم فی الله فلان بن فلان اشهدهم واستودعهم واقر عندهم انه یشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له وان محمدا عبده ورسوله صلی الله علیه واله وانه مقر بجمیع الانبیاء والرسل وان علیا ولی الله وامامه
وان الائمة من ولده ائمته وان اولهم الحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی
بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والقائم الحجة علیهم السلام وان الجنة (حاشیه: موسی و)
حق وان النار حق والساعة آتیة لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور وان محمدا صلی الله علیه واله رسوله
جاء بالحق وان علیا ولی الله والخلیفة من بعد رسول الله ومستخلفه فی امته مؤدیا لامر ربه تبارک وتعالی
فیها وان فاطمة بنت رسول الله وابنیها الحسن والحسین ابنا رسول الله وسبطاه واماما الهدی وقائدا
الرحمة وان علیا ومحمدا وجعفرا وموسی وعلیا ومحمدا وعلیا والحسن والحجة علیهم السلام ائمة وقادة
ودعاة الی الله عز وجل وحجة علی عباده بعد از آن بگوید بجماعت شهادت خود را بنویسند بعد از آن شهود
بگویند ثبتوا علیک الشهادة والاقرار والاخاء موده و عترتنه رسول الله صلی الله علیه واله ونقرء
علیک السلام ورحمة الله وبرکاته بعد از آن صحیفه را بجرید شهود مهر خود و مهر میت بر آن گذارند و با جریده
در پهلوی راستش گذارند صحیفه را کافور بنویسند و اگر با تربت مقدس نویسند چنانکه در این زمان متعارفست
قالند بود که افضل باشد **فصل دوم** در آداب حالت احتضار و فضائل بعضی از اوقات و احوال وفات در آن اتفاق افتد
مرویست از اهل بیت طاهرین که در حالت احتضار میت کلمات فرج و شهادتین و اقرار بائمه طاهرین علیهم السلام تلقین کنید
که بشنود هر کس باین اقرار کند در آن حیات ترک کند و از بعضی الملک نجات یابد و هر که آخر کلامش لا اله الا الله باشد داخل بهشت
باشد و نیز این دعا را تلقین کنند و مکرر بگوید که تا ممکن شود یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر اقبل منی
الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت العفو الغفور و مرویست که اگر سوره والصافات در پیش بیمار بخوانند بعد هر حرفی از آن ده ملک
نازل شود که بر او استغفار کنند و تشییع جنازه اش نمایند و بر او نماز کنند و چون بحالت نزع شود پیش از آنکه قبض
روحش شود رو بقبله اش بخوابانند چنانکه کف پایهایش بقبله باشد که چون چنین کنند خدای تعالی برحمت متوجه او شود و
ملائکه متوجه او شوند تا آنکه قبض روحش شود و هرگاه نزع روح دشوار شود بجای نماز که در آن نماز میکرده ببرند
زود خلاص شود و نیز مرویست که در آن حالت یس و والصافات بخوانند که اگر زود نجات یابد و در وقت احتضار
جنب و حایض حاضر نباشند که ملائکه متاذی شوند و چون قبض روحش شود دستها را از پایش دراز کنند و دهانش را بر بندند

وچشمش را بپوشند و در وقت چشم پوشیدن بگویند اللهم اغفر له وارفع درجته فی المهدیین واخلف علی
عقبه فی الغابرین واغفر لنا وله یا رب العالمین و بازماندگانش بگویند اللهم اغفر لی وله واعقبنی منه
عقبی حسنة و میت را تنها نگذارند که شیطان در او تصرف کند و روایت است از حضرت امیر المؤمنین که چون مؤمن روز
پنجشنبه بعد از ظهر تا روز جمعه وقت ظهر بمیرد از فشار قبر ایمن شود و شفاعتش برای گناهکاران بعد [illegible] قبول
و حضرت مقبول باشد و اگر روز شنبه بمیرد خدای تعالی او را با یهود در آتش جمع نکند و اگر روز [illegible] بمیرد او را
با بنی امیه جمع نکند و اگر سه شنبه بمیرد با ما محشور شود و در بهشت اعلی با ما باشد و اگر روز چهارشنبه بمیرد [illegible]
ایمن باشد و بسعادت [illegible] شود و در دار فضل خدا مقام کند [illegible] باشد بعد از آن فرمود
مؤمن در هر حال و در هر ساعت که بمیرد صدیق و شهید باشد [illegible] تمام اهل زمین [illegible]
همین بود کفارهٔ آن باشد [illegible] رسول الله شنیدم که فرمود هر که بگوید لا اله الا الله باخلاص [illegible]
بری باشد و هر که [illegible] داخل بهشت شود [illegible] روز قیامت لا اله الا الله
محمد رسول الله علی بن ابی طالب حجة الله [illegible] حلها و تاجها و اکلیلها و اسبهای نجیب از بهشت
آیند و هر یک از ایشان حله پوشند و تاج شاهی و اکلیل کرامت بر سر نهند و بر اسبها سوار شده داخل بهشت شوند و از
[illegible] باشند و ملائکه فوج فوج آیند و مژده و بشارت دهند و ایضا حضرت امیر المؤمنین فرمود که هر که برای [illegible]
کفن [illegible] بهشت [illegible]
[illegible] تشییع جنازه [illegible]
حضرت امام محمد باقر فرمود که [illegible] لا اله الا الله [illegible] داخل بهشت شود و حضرت
صادق فرمود که چون مؤمنی در غربت بمیرد [illegible]
[illegible]
[illegible]
خود [illegible] **فصل سوم** در تجهیز میت
روایت است از اهل بیت طاهرین [illegible] آفتاب [illegible]
غسل دهند [illegible] بگوید اللهم هذا بدن عبدک المؤمن قد اخرجت روحه منه وفرقت بینهما فعفوک
عفوک عفوک [illegible] عفوک عفوک [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

ظاهر

در دنیا و آخرت رسوا شود و هر کس مؤمنی را کفن کند چنان است که تا روز قیامت کسوت داده باشد و هر کس قبری برای مؤمنی بکند چنان است
که تا روز قیامت او را خانهٔ مناسبی داده باشد و خدا جسدش را بر آتش حرام کند و خانه در بهشت عطا فرماید و کفن هر چند
قیمتی تر باشد افضل است که زینت میت است و اگر جامه باشد که در آن نماز کرده و عبادت کرده باشد افضل است و اگر کسی
جامهٔ خود [illegible] کفن [illegible] نظر بر آن کند [illegible] و جریده [illegible] خرما باشد
افضل است و اگر [illegible] چوب انار و اگر نه هر چوب که باشد [illegible] در جریده باقی است عذاب و حساب از
میت دفع شود و روایت است که عذاب و حساب همه در یک ساعت باشد که میت داخل قبر شود و مردم متفرق شوند [illegible]
جریده با میت باشد از عذاب بالکلیه ایمن باشد **فصل چهارم** در شنیدن خبر وفات و دیدن جنازه و تشییع و تربیع
آن روایت است از اهل بیت طاهرین که چون خبر وفات کسی بشنوی بگوی انا لله وانا الیه راجعون اللهم اکتبه فی
المحسنین واجعل کتابه فی علیین واخلف علی عقبه فی الغابرین اللهم لا تحرمنا اجره ولا تفتنا
بعده واغفر لنا وله و چون جنازه ببیند بگوید الله اکبر هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وتسلیما
الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر العباد بالموت [illegible] آسمان [illegible] جنازه
ببیند بگوید الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم و هر که جنازه را [illegible]
[illegible]
[illegible] بگوید بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وآله اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
کنند تا روز قیامت **فصل پنجم** در نماز میت [illegible]
[illegible]
شهادتین بگوید و صلوات بفرستد [illegible]
[illegible] اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله [illegible] الحمد لله رب العالمین رب الموت والحیوة صل علی
محمد وآله وجز الله محمدا عنا خیر الجزاء بما صنع بامته وبما بلغ من رسالات ربه اللهم عبدک وابن

عبدك وابن امتك ناصيته بيدك تخلا عن الدنيا واحتاج الى رحمتك وانت غنى عن عذابه اللهم انا لا نعلم
منه الا خيرا وانت اعلم به اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وتقبل منه وان كان مسيئا فاغفر له ذنبه
وارحمه وتجاوز عنه برحمتك اللهم الحقه بنبيك وثبته بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الآخرة اللهم
اسلك بنا وبه سبيل الهدى واهدنا واياه صراطك المستقيم عفوك عفوك و روایت کرده‌اند که هر که بر میت
نماز کند و بگوید اللهم لا نعلم منه الا خيرا خدای تعالی فرماید شهادت شما را قبول کردم و گناهانی که من
میدانم و شما نمیدانید آمرزیدم و اگر میت مستضعف باشد بعد از تکبیر چهارم بعد از صلوات بر پیغمبر و دعای مؤمنان دعا
که بعد از آن بگوید اللهم اغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم و اگر مجهول باشد یعنی مذهبش
معلوم نباشد بعد از دعای مؤمنان بگوید اللهم ان هذه النفس انت احييتها وانت امتها اللهم ولها ما
تولت واحشرها مع من احبت و اگر طفل باشد بگوید اللهم اجعله لابويه ولنا سلفا وفرطا واجرا و بر طفل
کمتر از شش سال نماز نباید کرد و چون شش ساله شود نماز مستحب است و چون بالغ شود واجب شود و اگر مخالف مذهب
باشد بگوید اللهم العن عبدك الف لعنة مؤتلفة غير مختلفة اللهم اخز عبدك في عبادك وبلادك واصله
حر نارك واذقه اشد عذابك فانه كان يوالي اعداءك ويعادي اولياءك ويبغض اهل بيت نبيك و در این
نماز تکبیر پنجم نباید گفت چنانکه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در نماز بر منافقین میکرده **فصل ششم** در بیان قبر و آداب
دفن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که از قبرها تنگی و فشار ... کنید و مکان شریف برای قبر اختیار
نمایند که همسایهٔ خوب چنانکه در زندگانی نفع میرساند بعد از مردن نیز نفع میرساند و مستحب است که قبر را بقدر ...
قبر بکنند ... از قبر ... که ... بگذارند ... و ...
محرم باشد ... بدهند ... و ... اگر ... باشد ... قبر داخل کند ... بقدم
داخل ... شود ... قبر ... که داخل قبر میشود ... بگوید بسم الله وبالله وعلى
ملة رسول الله اللهم الى رحمتك لا الى عذابك اللهم افسح له في قبره ولقنه حجته وثبته بالقول الثابت
وقنا واياه عذاب القبر ... استعاذه کند و الحمد و قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی بخواند ... بگوید
بسم الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله اللهم عبدك وابن عبدك نزل بك وانت
خير منزول به اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عنه والحقه بنبيه صلى الله عليه
وآله وصالح شيعته واهدنا واياه الى صراط مستقيم اللهم عفوك عفوك اللهم اجعله روضة من رياض
الجنة ولا تجعله حفرة من حفر النيران ... استغفار کند ... و ...
... کفن ... و ... بر ... که ... قدمها ... باشد ...

دست چپ بر شانهٔ چپ گذاشته حرکت شدید دهد و بگوید ای فلان پسر فلان چون آیند دو سؤال کننده بگو الله ربي ومحمد
نبيي والاسلام ديني والقرآن كتابي وعلي امامي والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد
وعلي والحسن والحجة القائم ائمتي و مکرر این دعا را اعاده نماید بعد از آن بگوید افهمت يا فلان پس خواهد گفت بلی
پس بگوید ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط مستقيم عرف الله بينك وبين اوليائك في
مستقر من رحمته بعد از آن بگوید اللهم جاف الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقه منك برهانا
اللهم عفوك عفوك و در وقت خشت چیدن بگوید اللهم صل وحدته وآنس وحشته وأسكن اليه من
رحمتك رحمة تغنيه بها عن رحمة من سواك و چون بخواهد بیرون آید بگوید انا لله وانا اليه راجعون والحمد
لله رب العالمين اللهم ارفع درجته في اعلى عليين واخلف على عقبه في الغابرين يا رب العالمين
و از طرف پای قبر بیرون آید و چون خاک بریزد ... هر کس ... خاک ... دست ...
ايمانا بك وتصديقا بنبيك هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله بعد از آن ... بریزد ...
... و ... نباشد ... دست ... خاک ... برگردد ...
آن خاک که از همان قبر بیرون آمده داخل کنند ... شود ... انگشت ... بلند کنند ... مربع
بسازند و آب بر قبر بریزند ... بایستد ... قبله کنند ... و ...
بر روی قبر ... بعد از آن دست بر قبر گذارند چنانکه انگشتان گشوده باشد ... بگوید اللهم آنس
وحشته وارحم غربته وآمن روعته وصل وحدته واسكن اليه من رحمتك رحمة يستغني بها عن رحمة
من سواك واحشره مع من كان يتولاه و حضرت صادق علیه السلام فرموده ... منکر و نکیر ...
دفع کند ... بعد از دفن کردن که مردم همه متفرق شوند کسی که اولی بمیت باشد ... برسد
و ... بلند بگوید يا فلان بن فلان انت على العهد الذي فارقتنا عليه من دار الدنيا شهادة ان
لا اله الا الله وحده لا شريك له وان محمدا عبده ورسوله سيد النبيين وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين
وان ما جاء به محمد صلى الله عليه وآله حق وان الموت حق وان البعث حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث
من في القبور ... چون این بگوید منکر و نکیر بیایند ... **فصل هفتم** در ثواب و آداب مصیبت
و ... مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که چون کسی را مصیبتی رسد حضرت ... عظیم
... مصیبتها ... صبر کند و استرجاع کند یعنی بگوید انا لله وانا اليه راجعون ... چنین ...
بقضای خدا داده ... و ثواب ... باشد ... صبر ... کند ... شود ... خدا ...
بود و هر کس در بلا و مصیبت ... بگوید ... سی ... اجر ... باشد ...

[illegible]

باشد و چون صبر کند و انا لله و انا الیه راجعون گوید خدای تعالی فرماید بصلوات و رحمت بر او فرستم و از زمرهٔ هدایت
یافتگان شمارم و کسی که از شر اهه بیا رفتم غیر از کنار ... بر اینها فرمود اللهم اجرنی علی مصیبتی واخلف
لی خیرا منها خدای تعالی بهتر از آن عطا فرماید و هر مرتبه که مصیبتی بیاد آید اگرچه بعد از مدتی باشد و بگوید انا لله و انا الیه
راجعون الحمد لله رب العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی واخلف علی افضل منها همان اجر اول مصیبت داشته
باشد و از حضرت رسول منقولست که چون فرزند مؤمن بمیرد خدای تعالی از ملائکه
بپرسد که روح فرزند بنده مرا قبض کردید گویند بلی فرماید که در بهشت خانهٔ برای او بنا کنید و خانه حمد نام کنید و در روایت دیگر
آمده که فرزندان اطفال مؤمنان ... و در بهشت تربیت میکنند تا روز قیامت بپدران و مادران خود رسانند و در حدیث دیگر
آمده که پدر و مادر اطفال را خدای تعالی از عذاب نگاه دارد و اطفال که بمیرند در بهشت تا روز قیامت منتظر پدر و مادر باشند
و در کنار حضرت ابراهیم علیه السلام تربیت یابند و بر در بهشت ایستند و منتظر باشند که پدر و مادر بیایند و ایشان را داخل بهشت کنند
و در حدیث دیگر آمده که بجای فرزندی که بمیرد ... حق تعالی ...

فصل هشتم در ثواب و آداب تعزیت و کلام ... در روایات از اهل بیت طاهرین منقولست که ثواب تعزیت کردن و تسلی دادن مؤمن

بهشت است و هر که صاحب مصیبتی را تعزیت کند ... برابر باشد با ثواب صاحب مصیبت ... و هر که
کند خدای تعالی او را در سایه عرش خود پناه دهد و در روز قیامت که سایه ... و هر که ... تسلی دهد در روز قیامت او را حله ...
بهشت بپوشانند ... و در روایت ... آمده که ... و ... ساعت ...
تعزیت ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که اعظم مصیبات ... کنید ...
... و شهادة ان لا اله الا الله ...
... و ... تعزیت ... و بعد از دفن ... مستحب است که ... سه روز ...
و ... و ... اطعام ... بعد از ... و ... روز قیامت ...
... خدای تعالی فرماید ... این بنده ...

فصل نهم

... و هر که ... و ... تسلی دهد بهشت بر او واجب گرداند ...
... منقولست که ... شب اول قبر ... و ... دو رکعت نماز ... بخواند ... آیة الکرسی ... سوره انا انزلناه
ده مرتبه بخواند و بعد از سلام بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد وابعث ثوابها الی قبر فلان خدای تعالی
هزار ملک بفرستد ... تا روز قیامت ...
... و هر که ... مؤمنی ... را ... خدای تعالی ...

طبقی از نو

طبقی از نور در دست بقبر او در آیند و بر او سلام کنند و گویند این هدیه فلان است که برای تو فرستاده و آن کس را که هدیه
فرستاده ... عطا فرماید و هر ... بر او ... که برای میت عمل خیری مثل نماز و روزه و حج و طواف
و زیارت و صدقه و دعا و عتق رقبه و تلاوت قرآن ... هر وقت باشد خدای تعالی اجر او را به او برساند و ... مضاعف
گرداند و میت را از آن نفع رساند و عذاب تخفیف دهد ... فراخ شود ... باشد که در تنگنای عذاب باشد
که خدای تعالی او را از آن نجات دهد بعمل او و گویند این نجات بسبب هدیه فلان ... و دعا و استغفار ... که
بر ایشان ... خوشحال شود و چند کس ... نماز و حج ... کرده و هر کدام ثواب
عمل ... و میت ... عمل خیر کرده ایام حیوة ... مثل تصنیفی و صدقه و کتابت مصحف یا کتابی یا
درختی بنشاند یا چاهی بکند یا کسی را تعلیم خیر یا هدایت و دلالت بخیری نماید آن از اعمال خیر که تا اثری از آن
باقی باشد نفعش باو رسد و هر کس تعلیم و دلالت ... و عمل ... ثواب ... ثابت باشد ... از صاحب علم ...
شود ... روایت ... حقوق مؤمن ... بعد از مرگ ذکر خیر کنند ... و ستر ... او بپوشانند

فصل دهم و در روایت ... مؤمن ... بعد از موت برایش ... که خیرات ... در زیارت قبور ... روایت از اهل بیت طاهرین ... زیارت قبور ... رقت قلب ... چشم ... آخرت
... زیارت قبور ... و اهل قبور ... و ... و ... و ... میت ...
... ایشان ... و ...
و ... جمعه ... مقبول ... بعد از زیارت و دعا ... بخواند ... که ...
مستحب ... سلام ... السلام علی اهل الدیار من المؤمنین والمسلمین رحم الله
المستقدمین منا والمستأخرین وانا ان شاء الله بکم لاحقون و ... اللهم جاف
الارض عن جنوبهم وصاعد الیک ارواحهم ولقهم منک رضوانا واسکن الیهم من رحمتک ما تصل به وحدتهم
وتونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر ... اللهم ارحم غربتهم وصل وحدتهم وآنس وحشتهم
وآمن روعتهم واسکن الیهم من رحمتک ما یستغنون بها عن رحمة من سواک والحقهم بما کانوا یتولونه ... و ...
... السلام علی اهل لا اله الا الله من اهل لا اله الا الله یا اهل لا اله الا الله
کیف وجدتم قول لا اله الا الله ... لا اله الا الله ... لا اله الا الله ... اغفر لمن
قال لا اله الا الله واحشرنا فی زمرة من قال لا اله الا الله محمد رسول الله خدای تعالی ...
... و ... اللهم رب هذه الارواح الفانیة
والاجساد البالیة والعظام النخرة التی خرجت من الدنیا وهی بک مؤمنة ادخل علیهم روحا منک وسلاما منی

بعدد هر کس از زمان آدم تا روز قیامت بوی اثر حسنات نویسند و هر که در مقبره مسلمین بگذرد آیه را قرائت بخواند خدای تعالی
ثواب هفتاد نبی باو عطا فرماید و هر که برای اموات از خدا طلب رحمت کند از آتش نجات یابد و بی حساب داخل بهشت
شود و اگر در مقبره سوره یس بخواند بعدد اهل آن مقبره بوی اثر حسنات نویسند و عذاب قبر از اهل مقبره تخفیف دهند
و اگر آیة الکرسی بخواند و ثوابش را باهل قبور هدیه کند بعدد هر حرفی از آن ملکی بیافریند تسبیح کند تا روز قیامت و اگر
یازده مرتبه قل هو الله بخواند و ثوابش را باهل مقبره هدیه کند بعدد ایشان ثواب و حسنات یابد و اگر دست بر قبری گذارد
و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند از فزع اکبر قیامت ایمن باشد و او و صاحب قبر هر دو آمرزیده شوند و خدای ملکی را فرستد
که در پیش او بیرون آید عبادت کند و ثوابش برای صاحب قبر نوشته شود و چون از قبر بیرون آید هیچ خوف و شوقی نکند
مگر آنکه خدای او را از آن دفع کرداند تا آنکه داخل بهشت شود و مرویست از حضرت پیغمبر صلعم که فرمود که کسی بر سر اخگر
آتش بنشیند و جامه اش بسوزد تا آتش به بدنش رسد دوستر دارم که بر سر قبری بنشیند اما بر سر قبور راه رفتن و پا
گذاشتن قصوری ندارد و مرویست که چون داخل مقبره شوید بر قبور پا بگذارید که اگر صاحب قبر مؤمن باشد راحت یابد و اگر
منافق باشد الم یابد ظاهر اخبار کثیره دلالت بر اینکه ادب باید نمود و مرویست که حرمت مؤمن بعد از مردن
مثل حرمت اوست در زندگی **خاتمه** در مواعظ و نصایح و فواید متفرقه مرویست از حضرت صادق علیه السلام که فرمود
حضرت پیغمبر صلعم در شب معراج از جناب الهی سؤال نمود که خداوندا کدام عمل در پیش تو افضل است فرمود یا احمد هیچ چیز
پیش من افضل از توکل و رضا بقسمت من نیست یا احمد واجبست محبت من جمعی را که در طاعت من باهم دوستی کنند
و در معصیت من دوری نمایند و بر من توکل کنند و محبت علامت و غایت و فیض ایشانند در این دوستان خود هر علم
و توکل که در پیش خود بینند که من علمی باز آورده اند در پیش خلق بسبب بطون ایشان از حلال و خفیفت و لذت و نعمت ایشان
در دنیا ذکر و محبت و رضای منست یا احمد اگر خواهی که اورع ناس باشی در دنیا زاهد و به آخرت راغب باش گفت خدایا
در دنیا چون زاهد و به آخرت چون راغب باشم فرمود که از طعام و شراب و لباس دنیا سبک بار دار و ذخیره بتجمع
و ذخیره دنیا مکن و از ذکر من دایم غافل مباش و دوام ذکر مرا تحصیل کن فرمود و تفکر در ... و بغض ...
دنیا و فراغ شکم و خار از مشاغل دنیا یا احمد بپرهیز از آنکه مانند اطفال هر چیز ... و نه دل کنی ...
که باید فریفته شوی گفت خدایا بچه دلالت فرمای که تو تزدیک شوم فرمود شب ایشان بیدار دار و روز ... بجوع
یا احمد بخورد و جلال خودم که هیچکس برای من ... چهل صباح ... مگر آنکه از اهل بهشت کردانم زبانش را ... قاید
و دلش را از خیالات باطل ... و محبوب کنم و ... و بینا ... نجات ... باشد و گفت لذت ...
کرسنگی و خاموشی و خلوت و نتیجه اینها چیست فرمود حکمت و معرفت و حفظ دل از خیالات باطل و نزدیکی خدا
و زهد در دنیا و حزن دایم و خفت موونت و کلام حق یا احمد ... و ... از تو نزدیک شود کفت ... فرمود

دهد

کدام ایشانند همی که
حاجات خود را بخدای تعالی ... بطون ایشان
صح

وقتی که کسی بیاد من بخندد و باشد یا احمد عجب دارم از سه کس کسی که در نماز میباشد که در پیش که ایستاده و با کرده مناجات و یا انجا
خواب آلوده باشد و کسی که قوت یکروزه دارد و فکر فردا بکند و کسی که میخندد که من از او راضیم یا نه و خنده میکند یا احمد در بهشت
قصری است از لؤلؤ که هیچ منفصلی ندارد جهت خواص بندگان من در آن باشند هر روز هفتاد مرتبه بسوی ایشان نظر کنم و تکلم نمایم هر نظر
هفتاد برابر پادشاهی و قرب ایشان را بیفزایم و وقتی که اهل جنت بطعام و شراب بینند و متنعم باشند ایشان بحلاوت ذکر
و هم با من باشند گفت ایشان چه کسانند فرمود آنانند که زبان از فضول کلام و شکم از فضول طعام بسته اند یا احمد محبت خدا
محبت با فقراست و نزدیکی با ایشان گفت فقرا کیانند فرمود آنان که از دنیا بقلیلی راضی باشند در نعمت شکر و در شدت
فرحناک و بفقر آن خوشحال باشند یا احمد و دوستی من دوستی با فقراست که خواهی من ترا دوست شوی ایشان از خود دور مکن
که ایشان دوستان منند یا احمد خود را بلباسهای نازک و طعامهای لذیذ و بساطهای نرم میارای که نفس ماوای هر شر
و رفیق هر بدی است اگر کشی بطاعت نخواهی ترا بمعصیت بکشاند در طاعت مخالفت و در معصیت موافقت میکند اگر گرسنه
شود شکوه کند و اگر سیر گردد سرکشی از سر گیرد و اگر فقیر شود خشمناک شود و اگر مستغنی شود متکبر گردد و اگر فراموش
کرد از خدای غافل شود نفس قرین شیطان است نفس مثل شتر مرغ است بسیار میخورد و بار برنمیدارد و مثل درخت خرزهره است
که رنگش خوش آیند و طعمش تلخ است یا احمد دنیا و اهل دنیا را دشمن دار و آخرت و اهل آخرت را دوست دار گفت کیانند اهل
دنیا فرمود اهل دنیا کسی است که خوردن و خندیدن و خوابش بسیار باشد و غضبش بسیار و خشنودیش کم باشد و چون بدی
بکسی کند عذرخواهی نکند و چون کسی از او عذر خواهد قبول نکند در طاعت کاهل و نادان و در معصیت دلیر و توانا امیدش دور
و اجلش قریب محاسبه نفس خود نکند و نفع ندهد و سخن بسیار گوید قلیل العلم کثیر الکلام به عاقبت خود نترسد و از حال خود بیخبر باشد
در نعمت شکر نکند و در شدت صبر نکند خود را بسیار کرده شمارد و بنفع آنکه نکرده دعوی کند و عیب مردم گوید یا احمد عیب
اهل دنیا بسیار است اهل جهل و حماقت و صاحب تکبر و ضلالت در پیش مردم عقلا و در پیش علما جهلا یا احمد اهل
آخرت رویشان تنگ و حیاشان بسیار حمق و مکرشان قلیل خیر و نفعشان کثیر مردم از ایشان در راحت و ایشان از خود
در تعب کلامشان سنجیده عقل و همیشه در محاسبه نفس چشمشان در خواب و دلشان بیدار چشمشان کریان و دلشان
بیاد خدا در کار وقتی که مردم از غافلان نویسند ایشان را از ذاکران نویسند در اول نعمت حمد شیوه و در آخر شکر پیشه
دعاشان در پیش خدا مرتفع و کلامشان محبوب و مسموع و ملائکه بایشان خوش شود مانع ذکر خدا از ایشان مفقود
علما را با مرادات بپوشند و جهال با رحمت بعد از تیر نمایند هر کس بکریند شیطان شد و ایشان از نفس شده مجاهده نفس
و مخالفت هوی میکنند هفتاد مرتبه بیش از ضعف و الم راحتی بر بادیه برند در وقت عبادت چون ستور حکم
با ایستند دلشان خالی از شغلی غیر خدا بعزت و جلال خودم که چون روح ایشان مفارقت کند بند بگشایم و ندا
کرده ام و ملک الموت را بر او مسلط نکنم بلکه خود متوجه قبض روحش شوم و درهای آسمان از برای روحش بگشایم و حجابها

از پیش خود بر دارم و بهشت ما الماس فرش نمایم تا زینت کنند و حور العین را فرمایم تا مهیای تماشا شوند و ملایکه را
تا بر ایشان صلوات فرستند و درختان بیارایند و میوه‌ها تا بخود بیاویزند و بادها که در بهشت فرمایم
که بر کنگرهای بهشت و کافور بادبلی بیامیزند و بخور کنند و در بهشت و آن روح هیچ بید و ماننی بنا شدوانه و ملایکه
و اکرام و رحمت و خوان بپیش خود خوانم ای کاش بر چنین کرمی که چون او است ببست بیکدانند یا احمد اهل
آخرة الطعام که نباشد تا خدای خود را شناخته‌اند و از مصیبت محروم نشوند تا شنیده خوبی دانسته‌اند و بهشت
کناهان خود که یاد باشند و از عبادت فرصت راحت نیابند و ایشان را مرد بنا راحتی نبود و چون ببینند راحت
من نیز ایشان را شاد چشمانست کرده و با بر وی شاد دوان شوند و همنشینان ملایکه باشند و همه ایشان
بر که ایشان ذلیلان در بینند ابقا و بخوانند و المجرم هم بشنوند و اخرة یا احمد بیدانی که زاهدان در پیش من چه
داد نکنند و بر روز قیامت که هم خدا و فکر حساب باشند ایشان آن کس باشند و کتب عطا کند ایشان را عطا
کنم ایشان که حلقه‌های بهشت هم ایشان دهم تا از هر جا که خواهند در روند و ایشان را در مقام خوش پیش خود جا
و انواع لذت آن مکان عمرد با ایشان عطا کنم و چهار در بر ایشان بکشایم یکی آنکه در کرامات و عطا از پیش من بر ایشان
داخل شود و یکی آنکه هر وقت که خواهند بی مشقت و تعب تماشای من کنند و یکی آنکه تماشای ظالمین و مخالفین کنند در جهنم
که چون با انواع عذاب معذب اند و یکی آنکه حور العین بخانه کنند تا ایشان عیش کنند و ...
با ایشان از ملکوت ... با آنکه در آخرت نیز ایشان ...
کنند و بر جا نشد تا ... یا احمد ... عبادت شب در وقت ...

کنند واست که ... ذکر خدا ... در بهشت ... مجاهد ...
کمال ... عبادت بی آرام و بی قرار ... خوف ... عبادت ...
بی قرار عبادت کنند ... خدا ... عطا فرموده ... یا احمد ...
از آنست تو ... بنی اسرائیل ... ابا ...
کاو ... حضرت پیغمبر صلعم فرمود ... خدا ... و شکر ... یا ایشان رحم کن
و ایشان را ... ایشان ... حفظ کن و ایشان را ... که بعد از آن ...
و خوف که بعد از آن غافل نشوند و ... بعد از آن ... خشوع ...
که ایشان در ... بعد از آن ... و صبری که بعد از آن جزع نکنند و حلمی که بعد از آن ...
نشوند و ... و ایشان را از آفات دنیا و آفات نفس خود و وسوسه شیطان
بنا ... غافل مباش ... آخر ...

روشنّه بانشاه

ورع است و ورع زینت مؤمن و عماد دین است ... چنانکه در ...
اند بنا نجات نشوان باقف یا احمد ... بربنده گشوده شود ... در پیش روی ...
و معظم کرده یا احمد خوشی ... یا احمد
عبادت ... طلب حلال است ... در حفظ ... خدا یا
از عبادت چیست فرمود ... یا احمد ... چیست گفت ...
کردن و نتیجه ... حکمت معرفت و نتیجه معرفت یقین و چون بنده صاحب یقین شود ...
و ست ... عطا فرمایم شکر
که ... بنده ... دوست دارد ...
دوست دارم و خلق ... یا احمد ... خلق ...
و شب و روز ... صحبت ... کلام ...
و ... با ... دو ... گناهان ...
و ... قیامت ... بهشت ...
موت ... قبر ... قیامت ... بهشت ...
و ... یا الاسرار ... بهشت ...
کنم و عقلش مستغرق معرفت ... خدای ...
درهای آسمان ... محراب ...
جامی از کوثر ... شراب بهشت ... آب ... سکرات ...
و ... خدا ... چشم ...
نا شد ... خدای ...
تو داشتم ... بنی خدا ...
ظاهر و باطن ... معرفت
خود ... عطا فرمودی ...
بسخت ... کشتن ... یا خدا ...
نیکو دید ... بیودم و اگر ... بیودم و اگر ...
نده و نیکو دیدی ... بیودم و اگر ... عقل

ما تمام کردی تا تا شناختم حق را از باطل دانستم و مرا از نبی و عالم [illegible] جهل و نور از ظلمت [illegible] کردم ای خدای فرمود ای
بنده و جلال خود که بیان من و تو هیچ حجاب نباشد تا هر وقت خواهی [illegible] من آئی و با دوستان خود چنین کنم یا احمد [illegible]
کدام من نزدیک کوله تر و کدام حیاة باقی تر است گفت خدایا نمیدانم فرمود اما آن نزدیک کوله آنست که صاحبش [illegible] من ماند و خشود
و نعمت مرا فراموش نکند و از من غافل نگردد و حق مرا بشناسد و شب و روز طالب رضای من باشد و اما حیاة باقی کسی که
طاعت من کند تا دنیا در نظرش ذلیل شود و آخرت عظیم گردد و خواهش مرا بر خواهش خود اختیار کند و پیروی رضای من نما
و مرا چنانکه حق تعظیم منست تعظیم کند و بیاد کند من را و غافل نباشم و شب و روز مرا در نظر داشته باشد تا از معصیت من
کریزان باشد و دلش از صفاة ذمیمه و خیالهای باطل پاک کند تا شیطان در دلش راه نیابد و شیطان را دشمن دارد و عش را
نکند و چون با این طریقه عمل نماید در دلش از محبت خود لبریز کردانم تا هیچ چیز را بر من اختیار نکند و هرچه کند و کوید برای من
کند و چشم و کوش دلش را بکشایم تا بچشم دل جلال و عظمت مرا ببیند و بکوش دل اسرار من شنود و دنیا را بر او تنگ کردانم
و لذات دنیا را دشمن او کردانم و از دنیا و مافیها او را بترسانم چنانکه شبان کله را از مهالک و مواضع کرک بترساند و چون چنین
شود از مردم کریزان کردد و از دنیا بیرون [illegible] فانی کرکاه شیطان دل بر راه دوستان آخرت کند تا چنانست شود و بعظمت و هیبت
او ان بنیان [illegible] بنیست نزدیک کولا و حیات باقی یا احمد کسی که عمل نماید غنی نیست و کسی که جهل نماید [illegible] یا احمد [illegible]
بیچ چیز [illegible] افضل انسان [illegible] کردم کفت نمیدانم فرمود بسبب یقین و حسن خلق و سخاوة و رحم بر خلق و همچنین [illegible]
کد بنا یا بشان محکم است با این صفات [illegible] یا احمد فضل و قولت مرا برای من کی و بنت [illegible] کردان [illegible] از من
غافل نشوی بکم کسی از من غافل شود [illegible] و [illegible] یا احمد [illegible] از [illegible] دست [illegible] کار [illegible]
عقلش کار [illegible] نکند و [illegible] علی نما با علم اولین و آخرین برای تو جمع شود و چون چنین کنی [illegible]
و بدانکه من [illegible] وصف آن [illegible] وقت عبادة [illegible] بنیاد [illegible] چشم و دل شیرین
کردانم [illegible] یا احمد [illegible] حلاوت ایمانی [illegible] دل [illegible] خود [illegible] نشود زبان
و خوف [illegible] خود کرد [illegible] یا احمد [illegible] عبادة عابدین [illegible]
ایشان [illegible] نیست [illegible] اهل دنیا و [illegible]
اهل دنیا یا احمد [illegible] اکر [illegible] کافر باشد اما [illegible] کافر باشد [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
باشد [illegible] مشغول شود [illegible] مردم [illegible] علم و [illegible] شیطان [illegible]
نفس و شیطان [illegible] باشد یا احمد [illegible] عبادتی [illegible]
[illegible] باشد [illegible] یا احمد [illegible] باشد [illegible] نمیدانم فرمود [illegible]

باشد

باشد [illegible] حرام [illegible] کلام [illegible] بخواند [illegible] کردن
خلوت [illegible] دشمن دارم [illegible] ادف [illegible]
ایشان را دوست دارم یا احمد [illegible] دوست دارم [illegible] دوست [illegible]
[illegible] عبادة [illegible] کنند [illegible]
[illegible] مسجد [illegible] و علم [illegible] باشد و طالب رضای من باشد [illegible]
[illegible] دنیا [illegible] معاصی [illegible] باشد [illegible] ذکر و تسبیح [illegible] کند [illegible]
[illegible] ذکرهای باطل پاک باشد [illegible] فرایض [illegible] تمام کند [illegible]
[illegible] باشد [illegible] دوستان من باشد یا احمد [illegible] اهل آسمان [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] طعام [illegible]
[illegible] محبت دنیا [illegible] باشد [illegible] محبت خود [illegible]
[illegible] محبت [illegible] و سلام [illegible]
پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] خدای [illegible] فرمود ای آدمی [illegible]
[illegible] رحمت و شفقت [illegible] ذنوب و معاصی [illegible] خیر [illegible]
من [illegible] مخالفت [illegible] علی [illegible]
خود [illegible] غضب [illegible] غضب [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] آدم خدای [illegible] اسلام [illegible]
من [illegible] شما [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] امیر المؤمنین علی علیه السلام [illegible] فرمود یا علی
[illegible] یا علی [illegible]
[illegible] باشد [illegible] مردم [illegible]
کنند یا علی [illegible] مردم [illegible] یا علی [illegible]
بشفاعت من [illegible] یا علی [illegible] یا علی [illegible]
[illegible] یا علی [illegible]
[illegible] یا علی [illegible]
دیگر [illegible] یا علی خدای [illegible]

و ریگش از لؤلؤ و خاکش از زعفران و مشک اذفر کردانید و بعد از آن فرمود تکلم کن گفت لا اله الا الله الحی القیوم سعادت
یافت هر کس داخل من شد فرمود بعزت و جلالم که داخل تو نشود شرابخوار و سخن چین و دیوث و لعوان و بخلات و مخنث و نبا[illegible]
و عشار و قاطع رحم یا علی چند کس از این امت کافرند بخدا سخن چین و کسی که جستجوی [illegible] مردم کند و دیوث و کسی که زن
بحرام بانزد محرم [illegible] با حیوانی نکاح کند و کسی که در فتنه سعی کند و کسی که سلاح جنگ باهل حرب مسلمین فروشد و مانع زکوة
و مستطیع که حج نکرده بمیرد یا علی سه چیز از مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت عفو کردن از کسی که بر تو ظلم کند و صله رحم کردن
با کسی که از تو قطع کند و حلم ورزیدن از کسی که با تو نا خوشی کند یا علی نماز چند کس مقبول نشود بنده که از صاحب گریزد و زنی
که شوهرش از او غضبناک بود و کسی که مانع زکوة باشد یا علی هر کس هفت صفت داشته باشد حقیقت ایمان بر ایشان کامل بود و در
های بهشت برایشان گشوده شود وضو را بر تمام سازد و نماز در وقت با حقوق خود کند و زکوة مال را بدهد و غضب خود را حفظ
کند و زبان نگاهدارد و از گناهان استغفار کند و نصیحت خواهی اهل بیت طاهرین علیهم السلام کند یا علی مجالست سه طایفه دلها
بمیراند اغنیا و اراذل و زنان یا علی سه چیز از حقیقت ایمان است صدقه در وقت پریشانی و انصاف بحق و بذل علم بمتعلم
یا علی سه چیز است که هر کس نداشته باشد عملش تمام نبود ورعی که از معاصی حاجز او شود و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل
جاهلان را بگرداند یا علی دو میل راه برو برای [illegible] و سه میل [illegible] رحم [illegible] عیادت مریض و دو میل بتشییع
جنازه و سه میل باجابت دعوت و چهار میل بزیارت [illegible] و پنج میل بجهة [illegible] و شش میل باعانت مظلوم و در استغفار تقصیر
مکن یا علی [illegible] کسی [illegible] مردم [illegible] آورد یا علی [illegible] وقت [illegible]
کردن بلهو و [illegible] خانه [illegible] یا علی هر کس خلقش نیکو [illegible] باقی [illegible] و انصاف از نفس
بن شیبه [illegible] یا ابا ذر [illegible] بمحافظت [illegible] نماز در دنیا و آخرت نجات یابد از خدا
چنانچه عبادة [illegible] یا ابا ذر مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است هر کس با
ایشان [illegible] نجات یابد و هر که [illegible] هلاک شود یا ابا ذر پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت دان جوانی پیش از
پیری و صحت پیش از بیماری و غنا پیش از فقر و فرصت پیش از مشغولی و زندگی پیش از مرگ یا ابا ذر چون کار خیری
بخاطرت رسد [illegible] بکن [illegible] که نمیدانی [illegible] بعد از آن [illegible] شود [illegible] بکار [illegible]
بسا کسی که روز را بشب نرساند یا ابا ذر خود را در دنیا غریب شمار [illegible] مسافر [illegible] و خود را از مردگان
بدان [illegible] صبح [illegible] بشام [illegible] و چون بشام رسی [illegible] بصبح [illegible] یا ابا ذر عمر را غنیمت شمار [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible] پیش از آنکه [illegible]
که صبح و شام [illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible]

مبتلی یا ابا ذر جمعی در بهشت نگاه کنند و جمعی از ایشان [illegible] که ایشان در دنیا [illegible]
چرا ایشان را [illegible] فضل دادی فرماید [illegible] ایشان گرسنه و تشنه [illegible] و شما سیر و سیراب [illegible]
میکردند و شما نمیخوابیدید [illegible] ایشان [illegible] یا ابا ذر چشم [illegible] چنانکه چشم گرسنه
و تشنه بطعام و آب [illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible] بهشت [illegible] یا ابا ذر [illegible]
بهشت [illegible] در دنیا [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible]
یا ابا ذر دنیا [illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible] دنیا [illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible] یا ابا ذر بهشت [illegible]
[illegible]
[illegible] دنیا [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible] بهشت [illegible]
[illegible] در بهشت [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible] مساجد [illegible]
بهشت باشد گفت [illegible] مسجد [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible] مسجد [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible]
[illegible]
[illegible] یا ابا ذر [illegible]

بگریزد در زنش باو برسد چنانکه بزرگ باو میرسد یا ابا ذر خدای تعالی نظر بجمال نکند بلکه نظر بدل و اعمال کند یا ابا ذر
کسی که فرج و زبان را حفظ کند داخل بهشت شود گفت مگر ما را بحرفی که گوئیم مواخذه میکنند فرمود که مردم را سراپای بروی
آتش نیندازد مگر حاصل زبان یا ابا ذر کسی که خواهد مردم در پیش او بپای ایستند جای خود را در آتش مهیا داند یا ابا ذر کسی که
بمیرد در دلش ذره کبر بوی بهشت نشنود تا توبه کند یا ابا ذر کسی که فاده باشد از برای تواضع خدا ترک زینت
دنیا کند و خود را در پیش خدا ذلیل و حقیر کرداند و مال خود را در غیر معصیت صرف کند و بر فقرا و مساکین ترحم نماید
و با اهل علم و دانش مخالطت کند خوشا بحال آنکس باشد خوشا کسی که ظاهر و باطنش خوب باشد و شر خود را از مردم باز
دارد و بعلم خود عمل کند و هر چه زیاده از قوت عیال باشد در طاعت صرف کند و حرف بی فایده نگوید و احتراز از لغو
بروایت که فرمود عجب از کسی که بنده کاو ابزیر ... آزاد کند چرا آزادگان را باحسان بنده نگرداند و عجب از کسی که امید
رحمت از بالاتر از خود دارد و بر پائین تر از خود رحم نکند و عجب از کسی که از ترس مرض از طعام پرهیز کند چون از ترس
عذاب از گناه پرهیز نکند و حضرت امام جعفر صادق ... شعبان سفر بودای معاشر شیعه شما زینت ما باشید و ننگ
ما مباشید با مردم خوب سلوک کنید و زبان خود نگهدارید و از فضول کلام و قبایح افعال احتراز نمائید و هم آنحضرت
بعبد الله جندب که از اصحاب آنحضرت بود فرمود یا عبد الله بالبس دامهای خود را برای اولیاء ما در این دار غرور گسترده
ما الکبر آخرت در نظر ایشان چنان جلوه کرده که هیچ چیز را بر آن اختیار نکنند بعد از آن فرمود که آه آه بر حال آن گروه
اولیای ما ... بنده و دنیا در نظر ایشان مثل ما ... با عدوی ... خدا انس گرفته و از اهل دنیا وحشت کرده ایشان
اولیای مند بحق و خدا با ایشان ... از هر آفت و بلا ... از اهل دنیا ... یا ابن جندب بر هر کس که ما را شناخته واجبست که
هر روز و هر شب حساب نفس خود کند اگر حسنه کرده باشد خدا را شکر کند و طلب زیادتی نماید و اگر سیئه کرده باشد استغفار
کند و در صدد تلافی باشد تا روز قیامت ... خوشا بنده که چشم بنعمت و زینت ظاهر ایشان ندوخته و آن
رشک نبرد و خوشا بنده که مشغول طلب آخرت باشد و آرزوی باطل دنیا از راه ... یا ابن جندب اگر شیعیان ما بر آنچه
و اطاعت ما کنند ملائکه با ایشان مصافحه کنند و هیچ چیز از خدا طلب نکنند مگر که عطا فرماید یا ابن جندب بهر کناه که
شیعه ما بد بگویند و بخدا بر ای توفیق و توبه ایشان تضرع و استغفار کنید که هر کس توکل بما کند و از اعدای ما تبرا کند
و آنچه ... داند بگوید و آنچه نداند با ما ... مشکل باشد ساکت شود از اهل جنت باشد یا ابن جندب تکیه بر عمل مکنید
که هلاک شوید و اعتماد برحمت خود جرات بر گناه مکنید که هلاک شوید و نجات نیابید گفتم پس که نجات یابد فرمود کسی که دایم
در میان خوف و رجا مضطرب باشد و جای ثواب و خوف عقاب بدل او بگریه در چنگال باز ... یا ابن جند هر کس
خواهد که خدا او را با حور ترویج کند و تاج نور بر سرش نهد داخل ... مومنان نماید یا ابن جندب بخواب کم کن ...
... کم گوی که هیچ عضو شکرش کمتر از چشم و زبان نیست مادر سلیمان بن داود بسلیمان گفت ای فرزند بخواب کم کن

که هر کس خواب بسیار کند محتاج شود در روزی که هر کس محتاج بعمل خود باشد یا ابن جندب شیطان دامها است که مردم
را بآن فریب دهد و کمره کند از آن دامها پرهیز کنید عرض کرد ... دام یا ابن رسول الله آن کدام است فرمود یکی آنکه
منع بر و احسان بمومنان کند و دیگر آنکه از صلوات و فرایض غافل کرداند هیچ عبادتی مثل اقدام باحسان و بر اخوان
دینی نیست و ... ایشان ... یا ابن جندب ... کنند ... تا از اوقات خود بکاهند و ... کاش
ضایع شود مگر بآیات و احکام خدا استهزا میکنند و از مواعظ و نصایح او پیروی نمیکنند آنانند که خدا در قرآن فرموده که
در آخرت ایشان را نصیبی نباشد با ایشان سخن نگوید و از نجاسات پاک نگرداند و عذاب الیم معذب گرداند یا ابن جندب
هر کس بر مومن غش و مکر کند و تقصیر ... کند ... با شد هر کس بر مومن حسد برد ایمان در دلش
چون نمک در آب گداخته شود یا ابن جندب هر کس برای حاجت مومن سعی کند چنانست که سعی میان صفا و مروه کرده باشد
و هر کس قضای حاجت مومن کند چنانست که در بدر ... بخون خود غلطیده باشد و خدای تعالی هیچ امتی را عذاب نکرده
مگر وقتی که حقوق فقرا سهل انکاشته اند یا ابن جندب شیعیان ما بر سانند و بگوی که ... ما ... باطل نکنید و الله
ما دست رس ... باشد مگر بورع و عبادت و مواسات اخوان مومنان و شیعه ما نیست کسی که بر مردم ظلم کند یا ابن جندب
شیعیان ما ... بصفت توان شناخت ... بالخوان و فرایض و نوافل شب از شیعیان ما ... نکنند
و مثل کلاغ طامع نباشند ... و از ایشان سوال نکنند و اگر چه از گرسنگی بمیرند ... و رو از ایشان ... کنند
هر کس مسکر بیاشامد ... ایشان ... فرمود در گوش ... که هرگاه چون داخل شهری بشوی نام ... از مردم کناره کرده
کم بابی ... مومن باشد یا ابن جندب هر گناه ... شود مگر عقوق ... ولایت ما ... بسبیل ... ما
و سرور ... یا ابن جندب ... فرزند ... ابراهیم باشی ... دنیا ... خود آسان کنی ...
در نظر داری و آنقدر ... اعتماد باشی ... و ... مال ... باشد ...
بآن حسرت بری یا ابن جندب هر کس خود را از ... کند ... جمع کرده باشد ... اطاعت
دشمن خود کرده باشد هر کس بر خدا اعتماد کند ... باشد در نعمت ... صبور باش ...
تا موجب ... نشود ... معصیت ... و آنقدر ... خوف
عقاب داری ... مردم از تو دوری کنند ... باش که ذلیل و
خفیف شوی و با بیش از خود بدی و خصومت و با کم از خود ... و استهزا مکن ... مردم در ... مطیع
سفها مباش و خود را ... در ... و ... تا در آن ... در ...
طبیب نفس خود باش و خیر و شر خود بشناس و از کسی ... ذکر ... باطل ... آن بان
ضم کن و خوشی پیشه کن ... یا ابن جندب عیسی بن مریم باصحاب خود

۱۶	۳	۲	۱۳
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
۴	۱۵	۱۴	۱

کفتا اگر تو ما بکذر که برای بینید که جایی از بعضی عورتش کشوده آیا همه را بکشایید عیوب بکذر که می‌بینید و نمی‌پوشید تا آن که
شهوات نکنید آنچه نمی‌خواهید بیابید و تا صبر بر مکان نمائید با آنچه نمی‌خواهید نرسید و چشم از مردم و زینت ایشان
بپوشید که حاصل الحسرة و عاقبتش ندامت است مثل ما الکان نظر بعیوب مردم مکنید بلکه مثل بنده کان مشغول بعیوب
خود باشید مردم دو قسم اند مبتلی و معافی بر مبتلی رحم کنید و بر عافیت شکر نمائید یا ابن جندب چون تصدق
وحق و علانیه مده که مردم ترا مدح کنند که اگر چنین کنی اجر خود رسیده باشی بلکه اگر با دست راست دهی باید
دست چپ را خبر نباشد یا ابن جندب خیر و شر همه در پیش توست تمام خیر در بهشت است و تمام شر در
دوزخ که هر دو باقیست یا ابن جندب خدای تعالی در بعضی وحیها فرموده که نماز کسی را قبول می‌کنم که در پیش
عظمت من تواضع کند و خود را برای من از شهوات باز دارد و روز خود را بیاد من کذراند و بر خلق من تکبر نکند
و کرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر مصیبت رسیده رحم کند و غریب را بنوازد و کسی که چنین باشد
نورش مثل آفتاب تابان باشد بعد ظلمت نورش دهم و در جهالت علمش عطا کنم بملائکه اش بسپارم
و بعزت خود محافظتش کنم چون مرا طلبد لبیک کویم و چون سئوال کند عطا فرمایم چنین
بنده در پیش من مثل فردوس است که میوه اش از آفت مصون و از تغیر محفوظ است
یا ابن جندب روز قیامت میان اولیا و اعدای ما دیواری نصب کنند
محفوف بحجب و زبرجد و مزین بدیبا و سندس چون اولیا از موقف
و محاسبات قیامت فارغ شوند بجانب آن بیرون آیند و حفا ببرید
رفته شود و اولیا را داخل بهشت کنند و در آن و اعدا باشند
و در هر جا که نظر کنند بر ایشان مبتلا باشند و اعدا بعقوبت
در عذاب الیم کرفتار شوند و ایشان در حسرت کویند
انا کنا مثل ایشان ... و اولیا را ایشان
... ایشان ...
... کند در آن روز
بجانب بهشت بود تم کتاب
... الصالحین بعون ملک
رب العالمین و حضرات ائمه
معصومین سنه ۱۳۲۴

بسم الله الرحمن الرحیم

رسالة و چنین در مسائلی که زن بر شوهر حرام شود اول آنکه زن خواهر یا برادر خود را شیر دهد دویم آنکه زن برادر زاده خود را شیر دهد سیم آنکه زن خواهر زاده خود را شیر دهد چهارم آنکه زن فرزند زاده خود را شیر دهد یا فرزند زاده زن شوهر خود را شیر دهد پنجم آنکه زن عم خود را یا عمه خود را شیر دهد ششم آنکه زن خالو یا خاله خود را شیر دهد هفتم آنکه زن عمو زاده یا عمه زاده خود را شیر دهد هشتم آنکه زن خالو زاده خود را یا خاله زاده خود را شیر دهد نهم آنکه زن برادر شوهر یا خواهر شوهر خود را شیر دهد دهم آنکه زن فرزند زاده شوهر خود را شیر دهد یازدهم آنکه زن برادر زاده یا خواهر زاده خود را شیر دهد دوازدهم آنکه زن خالو یا عمه شوهر یا خاله شوهر خود را شیر دهد جواب اول آنکه زن برادر یا خواهر خود را شیر دهد فرزند شوهرش می‌شود و او خواهر فرزند شوهر شود و خواهر فرزند شوهر حرام است بشوهر زیرا که خواهر فرزند یا دختر اوست دویم آنکه برادر زاده زن فرزند شوهر می‌شود پس زن عمه فرزند می‌شود و عمه فرزند یا خواهر شوهر می‌شود پنجم آنکه خاله فرزند شوهر می‌شود پس خاله فرزند خواهر زن است و جمیع شوهر با دو خواهر حرام است و حال آنکه هر دو زن باشند چهارم آنکه نبیره زن فرزندش می‌شود پس زن فرزند را جده می‌شود و جده فرزند بر شوهر حرام است پنجم آنکه زن برادر زاده فرزند می‌شود و برادر زاده بر پدر حرام است ششم آنکه زن خواهر زاده فرزند می‌شود هفتم آنکه هر کاه زن عمو زاده خود را شیر دهد زن عمو زاده فرزند می‌شود و عمو زاده فرزند بمنزله برادر زاده است هشتم هر کاه زن عمو زاده را شیر دهد خالو زاده فرزند می‌شود و خالو زاده بمنزله برادر زاده است نهم آنکه زن یا مادر خواهر یا مادر برادر می‌شود دهم آنکه زن مادر فرزند زاده می‌شود و مادر فرزند زاده یا دختر یا عروس شوهر است یازدهم هر کاه زن برادر زاده شوهر را شیر دهد زن مادر برادر زاده شوهر است مادام که برادر زنده است زن برادر حرام است و اگر خواهر زاده او را شیر دهد زن مادر خواهر زاده می‌شود دوازدهم آنکه زن مادر خالو یا مادر خاله شوهر می‌شود و مادر خالو یا مادر خاله کرین زن جده است تمت

[illegible]

هذا کتاب بسم الله الرحمن الرحیم سراج المنیر تصنیف محمد شریف شیرازی

[illegible]

اسد الله الغالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب [illegible]

[illegible]

شیوه متنبهات و انس رواق ... [illegible] ... فسق و عصیان کرده

و لیکن ترک ادب سبب ... [illegible] ... و گناه ... [illegible]

علی الاینات ... [illegible] ... فی الکتب و حکایات ... [illegible]

اذا کثر لا الادب ... [illegible] ... دارد بعضی

ادب ... [illegible]

بعضی ... [illegible] ... و فی ...

... [illegible] ... کنت ... [illegible]

کر ... [illegible] ... ضرورت

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

از غایت حیا

بر روز جزا بود و حیرت بر مخالف نموده که یا لیتنی مت قبل هذا وکنت نسیا منسیا اما تا اندیشه بکر دکرباد لجهال قوم این قضیه اهل بود تا
با فصاحت بوده و زبان بشناعت بر کشاید و تواند بود که ادب بجهت حیا در طبع صورت نبندد چون بشاد نفس اکتساب او شاید جهد نمود
و بر اجتناب از خصایص قبیحه موقوف بود و در حصول [illegible] نسبت میان عموم مطلق است اما عدم تحقق ادب بی وجود حیا بجهت تحقق حیا [illegible]
شد بی ادب که فاعل از اعمال قبیحه محترز نباشد اگر چه اکتساب این صفت از افراد انسانی [illegible] واجب و لیکن مراعات آن [illegible]
بیشتر که [illegible] ایشان [illegible] معرف نقصان اند [illegible]
با [illegible] مجالست و مؤانست غیر ابنای جنس و مردم بیگانه و اشناباه هرزه گوی بی [illegible] و اراذل و فسقه و فجره [illegible] و اجتناب
نماید چه [illegible] سر چشمه شقاق و فساد و منبع شرارت و عناد که الذین طغوا فی البلاد فاکثروا فیها الفساد و باید که از خانه بیرون رفتن [illegible]
[illegible] شعار خود سازد و بکوچه و بازار گشتن و امثال ذلک کم رغبت نماید [illegible] و مطایبه بسیار خو نکند [illegible]
مواظبت نماید که موجب ابتذال اهل [illegible] است و طریق سلوک زنان [illegible] نامحرم من جمیع الوجوه [illegible] از بعضی محارم نیز پرهیز [illegible]
آهسته گویند چنانکه مستمع [illegible] نماید و آواز چنان نازک نکنند که سبب زیادتی رغبت [illegible] کما قال فلا تخضعن بالقول فیطمع
الذی فی قلبه مرض وقلن قولا معروفا و باید که [illegible] و خود رایی و سرکشی خو کرده موافق حکمت آنست که [illegible] صواب دانند [illegible]
نمایند که [illegible] ایشان داغ شرمساری [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ادب موقوف باشد بر حیا

ذکر [illegible]

خصلت

عیب انجوم [illegible] چاک شد خاک در دیده [illegible] روی عفتش [illegible] از خلق [illegible]
اختصاص داده [illegible] مضطرب گشته [illegible] دولت [illegible] باد و تخت بخت فلک اساس [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
ساختن [illegible]
[illegible]
در حمایه شوق [illegible]
[illegible] و العافین عن الناس والله یحب المحسنین [illegible]
افضل المرسلین [illegible]
انتجام [illegible]
[illegible] ابراهیم لاواه حلیم
در صفت ذات حضرت پناه انک لعلی خلق عظیم [illegible] ولو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک [illegible] غضب [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
گفته [illegible] غضب [illegible]
[illegible] غضب
[illegible]
[illegible]
با سیرت علم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

٢٤٣

و مشروط کرد [illegible] اقتضای عقلست و چنانچه آدمی با شیطان [illegible] و قتل [illegible] قوی کردن چون اگر اوقات

شیطان [illegible] بلاطاعت نفس کند [illegible] **نقلست** که [illegible] ابراهیم ادهم

داد [illegible] کرم [illegible] جواب دشنام [illegible] و سلام [illegible]

و [illegible] غضب [illegible] کفت [illegible] نوح [illegible]

و [illegible] مشهور [illegible]

[illegible] جهاد با [illegible] حضرت [illegible] رسول [illegible]

بود [illegible] **حکایت** [illegible] امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] **بیت** [illegible]

[illegible]

چون [illegible] **بیت** [illegible]

[illegible]

[illegible] شاه [illegible] غضب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] غضب [illegible]

[illegible]

[illegible] **نقلست** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **نقلست** [illegible] شاه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

متعلق

[illegible]

٢٤٤

[illegible] بعد از آن [illegible] حکم [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] مملکت [illegible]

[illegible]

[illegible] غضب

[illegible]

[illegible] **حکایت** [illegible]

[illegible] **بیت** [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **بیت** [illegible]

[illegible]

[illegible]

۲۲۴

امتزاج

بر شیخ عصیان [illegible] حسرت [illegible] اگر یوسف صدیق [illegible] برادران [illegible] لا تثریب علیکم
الیوم یغفر الله لکم [illegible] احسان آنحضرت با اهل زمان در کتب مبسوط مسطور است [illegible] الحسین و امام المتقین [illegible]
در بیان حمید کردن — اکرم [illegible] عجب [illegible] احسان [illegible] بجز در [illegible] احسان
کالانسان حمید الاحسان — [illegible] باشد [illegible] صفت [illegible] است [illegible]
او معلوم [illegible] بالاولاد [illegible] ایشان [illegible] حاصل [illegible]
[illegible] احسان [illegible] نسبت بینهما
عموم — [illegible] احسان [illegible] احسان [illegible]
[illegible] احسان [illegible] احسان [illegible]
اما [illegible] واجب است در حق [illegible] و مساکین [illegible]
در [illegible] مساکین [illegible] احسان [illegible]
[illegible] قال الله عز و جل [illegible] و الاذی [illegible]
در بیان استحقاق — [illegible]
شهره — [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فصیحت — [illegible]
[illegible]
[illegible]
شراب — [illegible]
[illegible]

واستخلاف

۲۲۵

والتمالک واجب و ایشان از ذخیره نمودن [illegible] مشعشعه [illegible] با ایشان [illegible]
و چون [illegible] ایشان [illegible] غافل [illegible] یوسف [illegible]
حال [illegible] غافل [illegible] و ایشان [illegible] ایشان [illegible]
چون [illegible] جمیع [illegible] احسان [illegible] محمود غزنوی [illegible]
[illegible] محمود غزنوی [illegible]
ودکم — [illegible]
[illegible] بیت [illegible]
[illegible]
پیشرو — [illegible]
بیت [illegible]
[illegible] بیت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بیت [illegible]
[illegible]
[illegible]
سلطنت — [illegible]
[illegible] بیت [illegible] المعتصم [illegible]
اجلاد — و مصائب [illegible]
[illegible] قال الله عز شانه و الصابرین فی البأساء و الضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون [illegible]
[illegible] یوسف [illegible] انما اشکو بثی و حزنی الی الله [illegible] یوسف
[illegible]
[illegible] یعقوب [illegible]
[illegible]
عظیمه — [illegible]

[illegible]

[illegible]

صواب

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible]

امانت

[illegible]

[illegible]

آغاز

[illegible]

محبت

[illegible]

ذات

[illegible]

مشاهده

[illegible]

[illegible]

... لولا الآجال التی کتبت علیهم لم یستقر ارواحهم فی اجسادهم ... [illegible]

حکایت [illegible]

[illegible]

[illegible]

کما العشق نار تقع فی القلب وتحرق ما سوی المحبوب

[illegible]

[illegible]

حکایت

[illegible]

[illegible]

بنای

[illegible]

[illegible]

... شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا ... الغصّه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] خواب [illegible] النوم اخ الموت [illegible] بیت [illegible]

[illegible] بیت [illegible]

[illegible] بیت [illegible]

[illegible]

[illegible]

الصمت ۳

قیل

حکایت کسنه

بکبین بکدیکر

[illegible]

[illegible] که [illegible] ... چنان بود که [illegible]
[illegible] دلالت نموده [illegible]
[illegible]

[illegible] آنست که در هر شهری [illegible] ملاحظه اوقات خود نموده [illegible]
[illegible] الشفا [illegible] حکیم علی الاطلاق [illegible] صاحب دلالت [illegible] ضعف طالع [illegible]
آن مثال است حکایت کنند که شخصی چنان [illegible] ضعف طالع موصوف بود که هرگاه اراده رخت شستن کردی [illegible]
[illegible]

منم دختری از نوع بشر وقتی پدرم بعزم اقامت ملکی دیگر سفر دریا اختیار نموده مرا با بقیهٔ اهل بیت در کشتی نشست ناگاه روزی چنانکه باد
مخالف وزیدن گرفت چنانکه کشتی را غرق نموده جمیع ساکنان را با کشتی طعمهٔ ماهیان ساخت و من با مدد تختهٔ شکسته
پاره‌ای سبب نجات جسته به جزیره افتادم گفتمش سبحان الله حال من نیز به تو میماند قومی از ایشان بعینه من تنها ماندم در
هر دو که با هم و هر دو تنها و هر دو متحیر که چون هیچ یک از ما نمی‌داند که همان برکه بجهت آشنائی طبع و یکی حرمت
ستم ملاقات بیان آید سخن نیز بدین معنی راغب شد معتقد شرعی به میان واقع شد و چون وقتی بیان نکند ثبت ایسی بوجود آمد
روزی بمن انبساط رسید که تا کی از معموره و وطن دور باشیم و چون شعله بی زبانی خس آشنائی مغرور ساقی دو سه جام از پی
هر قسمت ماکو تا چند بنا ز بمجرد حکم خوایش همان برکه بر توجه اندیشیم که سبب نجاة از این مهلکه شد بی پایان و حرمت
فراهم آورده بجای رسن از پوست درختان بهم بستیم و چون بجد تمام رسیدیم تنها بجهت امتحان بر آن نشستم ناگاه تند بادی
شده آن کشتی مثالی را به ما انداخت هر چند دست و پا زدم که شاید بکنار بیابم آرم سود نداشت در بحر حرمان تا شدم خود
ناخدای خویشتن گشته بیدم مثل خود دست آشنای خویشتن در اغلاق چشم بزدن افتاده بودم به تیغ دست ایسی کردم
انگشت تحیر بدندان بعقوب نگاه اش از غرقیت محنت بدید سر بر ابرو ده و در پنجای صبرش پیراهنی یوسفی تحمل اجمال کرده چون
بنوای عشاق نالهٔ شاهوی کرفت کند نوعی مطرب بزبانه و کوچک ما از بالای حرکات نادرست چون بخت مخالف نیز شد اکنون برای حیرت
عرب و عجم را از حال خود مطلع ساخته بر آنجا که نخواهد دلستی چنین پیکر و نگاری که بر دامن دامن پای دامن پیکر چو اوایل
ناکام جدا شده با گرداب غم دل بر آن کرد از بستم و کنار موج حزن در کنار موج حسرت نشستم سواد کشتی از دور نشان دار شده بعد
کیفیت ملاقات و شرح قطعهٔ همه را بر احوال من دل بسوخت و لیکن چند انگشت حیرت عود استغاثه و زاری نمودم هیچ سود نداد چون هیچ
یک اطلاع بصورت مقصود نبود و لیکن از آنجا که آنروز هر چه نخواهم کرد از طغیان سیل سرشک بفریاد و دیده بر بستم چون ابیات
بادیه بیدود آندم ماغم نیز بر سر کشید شده نزدیک کن سود ندانم چون اشک قلندر نخواهم در نتایج خاموشی
متفق حکایات که سکوت سبب عمری بنای عمر محترم حکایت چنانچه گفته اند هلاک الجسم فی قلة الطعام و هلاک الروح فی
قلة الکلام و گفته اند الفرق بین النطق والسکوت کالضفدع والحوت و عند لبیب نغمه سنجی کلش و لا برعلیه که تمکن نموده و پنهان
ابیانه فتلک العافیة عشرة اجزاء تسعة منها فی الصمت و نیز فرموده که گفته کلام و حکیم خطائی و جوهر گوش کلام موجب
تحقیرات هر انبساطی که سکوت استمالت حشمت و توقیرات بود و از نیکی آن کار بر سکوت کردن کان الانسان مخزونا ام یکن
الانسان محزونا یعنی اگر زبان محزون بود و نخواند هیچ ایا بود چه بر آنرا بار انداخته و عاجز بیخ خودی و کعب گوی سخن از زمین برآید ساکنان
شیخی بعد کیمیا قاف صاحب صامت بود انی صاحب ضخص با ریخ غربی مشاهده نموده و گر نیز میفرمود که الصمت
الکیمیا و بقی زیادتی بسالک بود و دست آشنای شدید بدندان نگشتی و چنانچه آرامش به ده در سکوت است باید گفت قسمی
در سکوت است نقل است که شیخی علیه الرحمه روزی با جمعی به بازار گذشت و گفت العدو لله که چنان شده که با نفسیه و قسم

در دام فریب کشیده با من گفت بلی یک شب چنان شد که از آن داشتم که بی خود دیدی و بقیام نوافل نگاه اهل نمود و در عهد
کردم که دیگر جنین بی سبب نخورم لیکن گفت من هم شرط کردم که هرگز حرف بیجهت نزنم از حکیمی پرسیدند که چرا شنیدن نیز خوش
از گفتن است گفت از آن دو گوش داده‌اند و یک زبان یعنی کار دو گوش و یکی جز یکی نیاید افلاطون گوید که عقل آدمی کلام کم
بوی و غلی اهله توان شناخت پس اگر مرد خردمند در آغاز نکلم ملاحظه مال الش نمود حسن و قبح آن بمحک امتحان زند بحکم
آنکه حکیم بر آن تاسف که حکم هر کس بلوغ است و جولت کم گفتار گردد و باتفاق جمهور طول کلام مذموم است مگر چند
موضع که استثنا یافته ذکر واجب الوجود عز شانه کما هو قال فاذکرونی اذکرکم و قیل ذکر الله اشرف الاذکار فاذکروه بالعشی
والابکار دیگر دعا به افضل المصلین و امیر المعصومین و الحاح در مناجات که موجب این است لا تزال الحاح المحلحین فی الطلاء چند
در استغاثه زیاده کوشی بر تقرب زیاده یابی و نصیحت را بر مخبران بشرط تا نیم مواعظ هدایت قرین که عامه را از جا
ضلالت باوج هدایت رساند و شکر منعم و ما بقی انچه باشد بیکار است و سکوت در جمیع احوال نیکو باشد که سبب اظهار کلم
بی‌محل سر در معرض خطر باشد چون انوشیروان که کجا باف کربانت سخن نقطه سر خود را در باختن... و تقریر این
که دزدی نقب زد طمع بکار خانه کجا باف آورده شبی کار بهرچیز کرده بود که بن نشسته که شاید بمعاونت کند انعامی از آن
بهتر که سرانگشتی بخبر فزویخ نیز بر بنه شود که کجا باف اندام آورد انگه اما دزد عالم بی و ف ادوخته شب با ایشان ام ا
کار کرده چون آن شب اتمام کار نمود بدو قالب کرد کجا باف بنظر عاطفت سلطان رساند تا هنگام جلوه صبح را که عسکر خوابا
بیداد نمود به لب آن زکا بیکار بود و هر آن شب غلبا و فاه این کلماة صدف نمایش برید خداوند الطف حافظ من گشت
نوعی نماتی کرد هر کس را که زبان نیابان زد چند معما تاخو باد خاطرم ره بلبل انتا پیشم دست کوتاه القصه
در آن شب هر چند در طلبش بود کار کمی کشوده سعادتش مناصب نبود روز دیگر که تاج دیباج پیلتن محل شکیب
غیب از دیده را چیده به سطح طالی زمین فرش زد نقشی نیکش آهنو محتاج اجل روز دست طرابیش پوشش شب آمد
صبح بر گفتار دست بود که بر دو بافنده کجا باف تمام کرده بخدمت پادشاه برد پادشاه زینت بیان بود که عبادت و لیکن هنرا
از سوی شاه بعد از تحسین و مشاهده قماش بافنده را بتشریف خاص اختصاص داد و پس وقتی بر سر و پای مجلس که کار این قماش
از برای چه خوب است هر یک از ایشان نقشی دیده بجمله گفت جامه را شاید دیگری گفت لحاف کوتاه دیگر خوش بیالکاره آید یکی صاحب دید که نیز
نیز مجلس در کار است دیگر بانبساط برسید که چه نیز بیرون محرم تیز اولات القصه هر یک بنوعی سخن میرانند ناگاه استاد دزد با
برخواسته که مثال العمر قسمت است و بازار انداز جمله کالایید هر چه کفتی ز عقل بود بیرون مال و مقصود داره کرات بکار اولی
آنست که بعد از مرگ قبر پوش ملک باشد شاه از این سخن عظیم برآشفته فرمود تا بزبان آن فضول که هنوز در آنجا حاضر بود سر
از بوی بخت بخندید شاه به یک کرد و که بینی و سبب خنده تو در این محل آنچیست گفت شاه را بقا باد منم دزد دیر بابت دست
و بهر دو سرحش دوش در کمین بودم و بعد هر چند تدبیر کردم ایکن چاره‌ای نتوانستم صورت مقصود روی ننمود چند

Marginal notes (right page): از دور ظاهر شد جزیره — حکایت

Marginal notes (left page): دلیل کلیت — در طول کلام — الا من ابربه — تحسین بلیغ نموده — بافنده

کالبد چاره شکستیم بهر کار این فعل ننگ [illegible] و لیکن نهم [illegible] تدل المجالد العواقبه و [illegible] فی وجوه [illegible] بود

کرد خدا با سر [illegible] نام [illegible] امروز چنین امر شنیعی اقدام نموده شاه بخشنده آمد و گفت دستان [illegible]

بلکه دعا [illegible] رسیده — نان [illegible] باد — بهوش باش دلا [illegible] نان نخوری [در غربت]

قناعت هر یک از افراد انسان چون در تحصیل معاش و سامان مایحتاج خود بمعاونت و مظاهرت یکدیگر محتاجند بخلاف سایر حیوانات

[illegible] انتقال ایشان نباید [illegible] در امور زاید مثل تکلف در ماکولات و مشروبات و لباسها [illegible] عمارت بلند

[illegible] ماه منظر [illegible] تا [illegible] و امثال ذلک و لهذا

سامان بنا منوط است بر صنایع مختلف [illegible] یکدیگر محتاجند و چون سایر حیوانات [illegible] و حصول [illegible]

ایشان فیما بینهم معاونت و مشارکت [illegible] ممکن [illegible] حال محتاج بمظاهرت یکدیگر [illegible] معلوم [illegible]

ایشان قناعت [illegible] قناعت [illegible] آسوده [illegible]

و حکایت [illegible] اذا جاعت النفوس صارت الاجسام ارواحها و اذا شبعت صارت الارواح اجسامها [illegible] [اجسامها]

همیشه محروم باشد [illegible] باشد [illegible]

مقسوم [illegible] در طلب و حرص [illegible] علم [illegible]

نعوذ بالله [illegible] سلاطین [illegible] انما یاکلون فی بطونهم [margin: [illegible]]

تا آن خواهد بود [illegible] شفیع المذنبین علیه [illegible] [illegible]

کرسی [illegible]

خلیفه گفت طعام [illegible] [حکایت]

کشید [illegible] صاحب [illegible]

[illegible] طلب [illegible]

[illegible] قناعت [illegible]

[illegible] [در حکایت [illegible]]

[illegible] من التعفف [illegible] لا یسئلون الناس الحافا [illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible] علی [illegible] [illegible]

[illegible] طلب [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] صحبت ایشان

اسوده باشد از چشم آنچه نجد مولوی معنوی در این باب گوید [illegible] کرد اعاشق [illegible] کریم [illegible] عاشق کدا است [illegible]

کدا [illegible] کریم [illegible] کریم و [illegible] لیکن صبر کدا [illegible] کدا است و صبر کریم نقصان کرم است

و فی الجمله از [illegible] حسن [illegible] طبع [illegible] [illegible]

[illegible] فقد کفی [illegible]

[illegible] یوم التناد [illegible] رسول [illegible]

[illegible] [illegible] [ندرد]

[illegible] محبت [illegible]

[illegible] مصطفوی [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [در دل]

[illegible] بالله [illegible]

[illegible] [illegible]

بود [illegible] الذل مع الطمع و مطلوب [illegible] علی بن ابی طالب [illegible] الطمع [illegible] [illegible]

[illegible] طلب [illegible]

[illegible]

[illegible] الاولاد [illegible] صحبت دارند

کر مشتمل بر فاقه باشد بزبان نیاورده و اکثر اوقات شادمان باشد دل تنگ شکرهای بوده نزد الهی از عرض حال نمودن و اظهار
احتیاج صریح و حسن طلب و کثرت ملازمت احتراز نماید و وعده کامل آنکه بحال غربت متوسل الطاف ابدی گشته از جمیع ماسوی قطع نظر
نموده هرچه خواهد از وجود بعدم خرید دارد بید و گوید بجز هرکس آشنائی دعوی کرده و زر غیر از ابر رحمتش سایر کسی نخواهد البته
از تنگ افتقار نجات یافته ... برابر ... کرده و در صعوبت طمع ... با وجود ... آنها ... وجدانست
در عین سؤال برجهت طامع لازم است چنانچه صاحب مروت ... شاهد حال ... و شاهد ... ادعا قصه
حسن بن علی علیه السلام بان مختص عرض ده و نظر این   اکثر قلت که در وقت خلاف نوشته سید الثقلین و علی
بحل الثقلین چراغ دودمان هادی العرب و العجم ... شفیع المذنبین من الامم   گل شاداب گلشن زهرا
حسن بن علی امام هدی طبیب ... علاج ... افلاس و دوای درد افتقار ... نوشته ...
شاهزاده ... پادشاه در کهف دار الشفای رحمت در ... بدیم ... نشته
حال و غربت ... مضمون انشا نموده ... دلم ... بر خود ... شود ...
پای در زنجیر دارد و بخت ... و داد ... چون دوا ... نموده ... چون ...
روی ... انداختن ...   گاه شمه نوشته ...
... مجالس ... در باب ... عرض ... شاهزاده ... مقام دانسته ...
آفلاس ... عرض ... احتیاج اوست ...
بعد از ... خواص اصحاب ... باب رسول الله سبب ... عرض ...
بچهره ... شاهد ... نجات طلب ... صاحب ...
نجات ... آسان ... الافضال ...
دیدن این مروت ... در موسم فتوت و فتوت ...
آنست که نفس را ... ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا ...
خود را ضبط نمائی ... خصم ... قصاص ... عدالت ... و لکن ...
وشیوه ... فتوت ... غضب ... تحمل ... احسان ...
... مسئول عن رعیته ...
... الناس علی ... عدالت ... جمیع افراد انسانی ...
از ... فتوت ... فتوت ...
بحق و فتوت ... نفس ... شجاعت ... خصومات و فتوت

مستلزم انست بادشمن و گاه باشد که صاحب کمالی دین فی نحو ... دیگری ساختن سبب ابقای حیات وی کرده چنانچه
... لافتی در شب غار ... رسول الله ... سر ... وبدانکه قوت ... شناخت ... و شکر
وی قیام نمودن و حقوق صحبت ... من جاء بالحسنة فله عشر امثالها ...
خواسته با وی بساط ... عشرت ... چون ... تا گاه ... دست داده ...
... شد ... حسن ساخت ... خاطر ... تصور ... خاطر
خطو ... خیال ... محبت ... خواب ...
چشم کرده شد و همچنین ... حیات ...
خاطر کرده ... آمد ... فتوت و حق ... مشعرات و نظیر این   اکثر ...
کرشمی بقصد شکار ... توسن ...
لاجرم ... قصه ... شاه ...
... گدا ... شاخ ...
بعزم دست ... حصار ...
دارای حصن ... حصار ... اسفندیار ... افراسیاب
قلب شکن   فلک ... افتاده ...
وجواهر ... افتاده ...
زبان ... فتوت ...
کرم حق نعمت ... فتوت و انصاف ...
بر ... عشق ...
حرام داشته ... خوان ...
... صحبت ...
جهان فریب ... دنیا ...
... شاهد ...
...
شاهانه ...
... ذوق

بکام نگذاشت که کام بر آن جمله انجام بر آرم   مجملی که حرامت می بایست بود چون رنگ تغیر حالات بود پس شاه دُرِّ نصایح و لطف
و مواهب به ثبوت نکرده و ندانه که باب آن امر شنیع مستغنی گشت   در آن اثنا حکیم ارکان ایام کرباد ادبی عمل با پای سرانجام
در حسن تدبیر نفس ناطقه چون در بدن به بدن از مرکب معیشت و تدبیر منزل و امثال ذلک جز بمعاونت تفکر
و استنظهار تدبیر خاطرات در محل عقاید به راهی خوض نمود دانه قول احسن تدبیرات و حسن تدبیر صفت بنایت
مستحسن و محبت بحضرت نبوی علیه افضل التحیات حیث قال الله الحکم مرون الشیطان و قال بن الحسن شرابت بر صدق متعالی
اکر مرد عاقل در اکثر اوقات این شیوه ترجیح دارد هیچکس سلک حضرت برنا دکتر نباید در مثلا اکر بر دست لطف در غا کا رتعقل نالی
نایاب گذاشته از آلات و فنون نکرده و اکر مریض در جنب صحت تصوف صعوبت مرض نماید بر نج خستگی عجز و مبتلا شدم در حال یعنی
مریض بیمارگان بدو کرده و مجس تدبیر کرد باید شاید بها حسن معاش و لطف علاج هر یک نکرده بیت به آید و آکر چه آفات
مجسم بر بدیت شیوه مستظهر گشته و کل عقاید بر آید چنانچه در شیوه است که روح بعد از روابط موافقه بیمه هر دو با شرکند آن لطول شد
به گذاشت پیش نوشته و بنا مرا چون مجمع کیک زحمت آفت و قطعه ای مجلس بر عهدان کرد پس باب در اهمیت ترغیب کشته هم دو ب   مؤ عبرم
شد تا کیک آن موضع ضرب بن روکرد و پیر کفیل چرک کی چیز هرکز ب کرد بر نا جمیع کیکها داده مکنون در نهفته خود خلاصی یابد و شیر
کو بند هم موضع کرد تحت جهات از معاش باشد وضع حیل بنا باید جهت ابهنی از شر عو وصیر بحکم ترغیب تابی و حلیه عقل از نالا
ملامات این شیوه نباده اهم است بر بتایکه در حین تسلط بلیه و تسلط بر وصایب و ظهور ملال و غضب بر هر شتر این مهم آید
نکار داد در جمیع امور و لذت هر زمان از بهر کشت عنان نعمت و کرم ملالت کثیر در این خاطر تش نرخشنده و اکثر اوقات شادمان و کامران بوده
کو مثال الذین حوادث بر چند موقع جمله شعرات بر صدق شعر فصه آنها افتد کرد فانی باقی چنانکه در حال اکثر هاده و او بیند وصلتی دادیم
چه با وجود تحکم وجیله از نیج افتقار نجات یافت و فرهاد   و را طاهر که بر آن بر سوس افلاس بر مشتی آنهی دست بر آنجا داشت
کر بنای حیله بر آدمی شد که مطالبه حال بکنکر هیچ نیارد نشست و شمسان تمام بیاسش نوالد بسید چه قدم در کار پادشاه عصر فنا
بعد از مراسم دعا کو بکفت انبیا صنعت کیمیا مجاز قرب وصول ندیده اهم آفرین بر بی عاطفت شعر نا ب و با استطهار این لعنت ماثر توام گشت
با فرت که دست دعیه حلالی نداده صیغه فی عنابت کشته بر حسن و قبح سیر نفس مطلع کرد و دغدغه ترتیب نظر جرام که جز دو سه عدم صفح بنده ای ید
چنان نقشی آیم بر تعرف که از صدا نشود دیده روزگار شاه از استماع آن مقال الغفور آنجه البلغا بر شادمان شد کرافی نوع
نقشی بدیع و صورتی بتر سیب حصه امتحان خلق خزانه شود منسا را لا است پس نقدی وافی بدو داده با تمام کار اشارت نمود دینی
عما یه چشم بخاطر جمع خرج نموده زیر بهای شاهنشه و زر پنهان مشتمل با هش   نزد یعنی و اجراه بر بر مید نه از نفاش حزد امین سر
روز تنی شاه وزیر را بجهت تحقیق بر بنا فرستاده فرستاده مرد کار که بیا چون از آن ساده وزیر خبر شد با جابکاری نماید که اشقانی آید بر صحا
چه دنیا با فند کیمیا نان نود اما چون وزیر بارید خانه رسید بر مراد بیکیم کار اما بظهور مصالح بود و تنا برد بنای حالت تمام بر عمل که
بر هر صنم هم شک کنم که کتاب پیکار بیم که روش کاندام و زیر با خود اندیشید که از بنکوه بر زادشاه شیخ وصولی کر از بیم بلند خشمش

که اکر غنم دست نقدی بی نیستانیم و چه سالک باشد که خواهد بود و باه اندیش خواب خرگوش دهد باد الخفاء این زده بده من دلیل حاکم
زاد کی باشد حال حکما بنجان را نیست کرند بعد از ادبیه بعرض رسانم تا هدفی تیر تیمجالت اند نشوم پس بخدمت پادشاه رفته موقف عرض
رسانید که قماش در نهایت نفاست است شاه بجهت مزید یقین وکیل را نیز همین خدمت فرمود وکیل نیز چون وزیر هیچ ندید با خود گفت
اندیشید که نکند شاید که من کمتر بی شوکت از عمده آن بر نیاید و حال آنکه وزیر ایشان که به زهی نفعالی کرانید از غیر حسن نامزد و جیبی
من شود   مباد که چون اعتقادی چون من میان قوم رسوا گشته چون من ایجا پا انجامید معنی ایشان داشته بعرض شاه رسانید
کرد به ام انجه وزیر دیده بی اما چون وعده اتمام کار بر آمد هر دو مقبره دیباج معدوم را بخدمت ملک آوردند شاه چون نظر کرد هیچ ندید با
انکار و معتمد بر حسن مقربیون نیز باخود کفت نهی عجایب است که مرا طلب لحظه ای بود حال آنکه ایشان که عیار آمده   نه دفتاد بر دست کشان
نقش و لب دستش بر زند و بر لب خویش پس شاه نیز صلاح در اخفاء این سر دیده بعد از تحسین بلیغ آن کار نامه را متصرف شده آن تا
مدتی بر این بکفت شست که داشاد دن اقامت بجهت بدلیل شیئی شاه را نخود با وزیر و وکیل بشرط اخفاء در میان نماد که مرا از وقت تا
بنظر هیچ نیامده ولی بنا بر مصلحت تهمت دیده بجهت و بسته وزیر گفت بتاج و تخت ملک سوگند که من هم جز هیچ چیز ندیدم وکیل نیز
از نرمی بن دیده بود معروض نساخت   آه از آن اثر جان سوز که هر ساعت ان صد جهان سوزد و یکشعله اش نا بان نشود الفضل من حد
بیرکت حسن تدبیر انبغا از شر فرقه ای از نیج فاقه خلاصی یافت   در شامت ظلم الحق قال نبی ظلم از جمله ظلمات روز قیامت یوم بر   ظلم ر
هست و بی تهمت ستم بر جز خودش برملاست ما اصلی تر و کفته اند که عادل مطبوع جمیع خلق یعنی که هیچ چیز جز خود را از شمع معدلت مستفیض ساخته
و ظالم مطرود جمیع نظرها است که خطابیشان شعله ظلمش کلمات ای لاجرم چند مثال اهل است بر صدق قول آنها تصدی شرونه و عجاج کرد آن
حکایت چند بن معز کان آن مقبول جمیع جبلات و این مطرود طی کلام اسم و جمیع را نجمید بن را عقیده آن است که معاونت ظالم کریم
همه ایشان تعمیر مساجد و قناطر امثال آن است فعل است که خطای آن نعیب که قدر آن باب بقین بودم در سیاه کرمن کار هیچ جهت ظلم رحمت سبقی
ایا از زمره معاونین ایشان و بی و قوم کی اکنو بسوزند بسیفر و شد معاونت ایشان قوانین و بشکر و ضلالت شکوهی و کفته اند که تدبیر ظلم منطلوقات
در زمان بعد در جام بیم آتش خانه و وجود ظالم چون خانه شر زنبور مشبک بسازد که قال الله تعالی یعلم الذین ظلموا ای منقلب
ینقلبون و نیز شاهد است بر صدق متعاهدیث نبوی کما قال اتقوا دعوة المظلوم مستجابة و لو کان فاجرا از آن وقت بر و امانت عادل بر سید
کر الباور و چه هیچ که ظلم کدام تجربه در جهانش معدلت را نوع گفته روزی پرستی مکبر گفته دیدم ناکاه پیاده و سید و پای ترا
سیل هفت پای یکراب شکست چون و بیچی ره بر بیم پیاده را سیاه خوی بر پایمال نموده دیگری بیست اسپ اعماناخت کهای پیاده و نا   چنان بیحابا
ساخت همو که ابن و طار از نظر غایب نشده بود که پای اسپش بسوی آخور نشین رفته پای مرکب مکرد که کسب شکست چو ما نرو بیفتید که
اکنون ظالم خانه سوخته ظالمست بیرهان بر تکرر عاقل تجمیع امور از ظلم و ستم کاری بحضرت نموده با خبر بپا انجمله معطارم انجام شد
دریغ ستم بر که بر خود بیکناهی باشند بلکه از عقوبتی روز جزا یاد آورند و بدکار غیظ دل و ستمدیده تا شاد کا باشند و الام در جهان
بیدینه مکافات کرفتار خواهند شد همه در تحقیق بیخ مجازات سبیل ابار و فی مجمله قصه عابد و فضاحت قالا و نیز بر صدق مدعا

حکایت

شاهدات و لغو بابی   انکه نقلست که در بقعه عابدی بود طاعت پیشه و طاعن اندیشه که صوت نغمۀ تسبیحش محفلیان
ساحت لاهوت را برقص آورده و نوای دستان سرای تهلیلش عندلیبان گلکلوی شه را بلابل کرده عقد ثریا از شرم انتظام سبحه اش
بر یکدیگر مصروف و دایره سپهر از رشک انبساط سجاده اش بداغ حیرت معروف نسیم انفاسش چون باد صبا روح پرور و شمیم
اخلاقش چون نکهت مصر فیض گستر ضمیرش بصفا ارشاد صوری [illegible] طبعش بوفا مشاطه سیرت مجنون   بنوعی از صفای باطن
بدم [illegible] پیدا کرده بود [illegible] از شب مغز استخوان پیدا [illegible] بعزم مسافرت قدم [illegible] بیابان [illegible] بی غفلال
بسته دل بار عجب غریبی همتی ای اهل وطن همتی بعد از قطع منازل چند روزی جمعی از دزدان خونخوار [illegible] دست قطع
بزهرقهر   سنان ایشان بزهر آب داده و [illegible] شوب الماس [illegible] ستم تیز کرده   [illegible] مزاج دکاره
از ایشان روایح بقا بر نخورده و بطمع مال [illegible] حلال داشته در زمان [illegible] کردند [illegible] آغاز نموده
بیت   از [illegible] کنند [illegible] تا [illegible] دست [illegible]   تو دست کن [illegible] و [illegible] و [illegible] قیامت
[illegible] کسانی [illegible] کرده [illegible] شما [illegible] آن عابد [illegible] زده [illegible]
[illegible] عابد [illegible] کرده زبان بکشودند [illegible] تیغ [illegible] از [illegible] مظالم [illegible] سفید [illegible]
[illegible] از [illegible] فلک [illegible] حرکت [illegible]   تو را [illegible] الایام [illegible] دست [illegible] چنین [illegible]
[illegible] عابد [illegible] شفاعت [illegible]
بیت   [illegible] بنیاد [illegible] الکفت   [illegible] انجمن باکر [illegible] راست [illegible]
فوجی   [illegible] عابد [illegible] از [illegible] داده [illegible]
[illegible] دلان [illegible]   [illegible] خون [illegible] القوم الستمکار
[illegible] دعا [illegible] قرب [illegible] وعنوان [illegible]
[illegible] قصه [illegible] خون [illegible]
[illegible] عابد [illegible]   [illegible] شهادت [illegible]
بیت   [illegible] عابد [illegible]
[illegible] عابد [illegible]
[illegible] تیغ ستم [illegible] زود [illegible]
[illegible] مشغول بودند [illegible] سجاده
[illegible] فوجی [illegible] متعجب [illegible]
[illegible] عابد [illegible] مقتضای وصیت [illegible] جمعی [illegible]

شنیده مضمون [illegible] ما [illegible] حاکم ایشان [illegible] در ایضاح [illegible] ایشان [illegible] پیش کرفت بعد از آن
[illegible] ساخت [illegible] ساخت [illegible] فی القصاص حیوة یا اولی الالباب
[illegible]   [illegible] جمیع [illegible]
[illegible] الا بامر [illegible]
[illegible] شبانه [illegible]
[illegible] محال [illegible]
معروف [illegible] جمیع [illegible]
[illegible]
ظالم [illegible] ستمکر [illegible]
[illegible] خداع
[illegible]   [illegible]
[illegible]
[illegible]   [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]   [illegible]
[illegible]
[illegible]   [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

که صفحهٔ سیم لعل گون یا یاقوت چون مرجان کرده کین خشک بر الماس مثل بریزان در هلاکت و مثل تیغ برکشیده او چون چرخ زره گوش رنگ شبه شکسته
سایه بر من چون مشک بید شده در پی کینه بر دل بر بی نه در من بو بعت هیچ اکنون دندان چابک دست او از من ربوده اند و ابر و چشم
غزالت شاید که آخر همه کند اندر مرغ طمع خال دام تغافل بهر دانه دیگر آهنگ حلقهٔ دام کنی تخواهی انتقام شوی آن از مکن خوطمع مرغ دل را
کنون حرص سپید در دام نیم در صرافت مکر دکوچه معکوس مضمون بعضی مینمود کویند در انجا الوان عیون و ادنی چشم چشمش
بر صرف افتاد بعدا از استماع انتقال با خود گفت هیچ بر او از بخت هیچ انگیز بودن در هر گرد لعل بر نقد لطافش ندیم بهتر بود لو که بر کرم
بر شد خاطر فافکنم صیاد دل همین دام انیس دلم دگر در کریبان صراف در او بخت نگران کبر از این سوات تا ادب طمع بهجت لحد
نخواهم که بر وجه تدبیر آن براش من نیز خود صورت نداد چون انکار و اهل فصل تراغ نهد که آن صراف اند فاصل بر
کوبند و له بدی کار من نمودم اکنون شد جنبش از دیوانات و او عجب دعوی کاذب تعجب من بعد در خود بر اند فاضل اندو
چون اعتراف بشنید که بسر لطافت سخت بعد از ان که لطافت و خوش صرف نمودن از انجا انتجا نیز نمود هر که بدی کرد بد بیابد
هم بد خود نیز گرفتار شد در هلاکت حسد و اکر حسد داغ بر جانست بر جمیع انسان که صاحب داغ آهنش نکشت تا بی خلق
عالم کرد و بحکم قالوا اعوذ برب الفلق من شر ما خلق و من شر حاسد اذا حسد هر ابنیه مرد عاقل از اجتناب تمام از شآمت حسد اولیت
چه حسد آتش خانه سوز و او کینه ساز کرد دو نه بنا بر مقتدای الحکم بعض محروم والحاسد مغموم مرد حسود با اثر اشارات ملال این بخواهد
بودن و حکما گفته اند ان الحسد قبل ان یصل الی المحسود یعنی حسد حاسد را میکشد قبل از وصول بمحسود که ربان حسد بیم همه کوبید یقتل الحاسد
سلیمان بن داود از انجناب بر دعا الاستدعای تعلیم کلماتی که موجب سعادت دین و دنیا باشد نمود پادشاه عالم فرمود که ربه شما
شش کلمه یاموزم اگر بیان عملیا فی یقین کنی بسعادت ابد مستفید گردی اول انکه تو که حسد نباید که ندیمان چه تقوانی کند در عقب
مکوی که این انسان است تربیت صفتی عجیب است در کتاب بحجت بن نعمت من نسبت با حدی بی وامی خیزد حسد بر سلیمان گفت النبی حسبی
انا القوم بیابان و شاه ولایت پناه علی مرتضی علیه صلوات الله الملک العلی فرموده ما رأیت بظالم اشبه من المظلوم الحاسد یعنی انا الاقوم مما بین
ندیدم چون حسود ظالمی که بمظلوم اشبه باشد چه حسود ستمکار همیشه بیتابیست بنفس خود تشنه است که رتبت نداز الفت
اندیکی یا ثنی بخیه وصول خویش بداند نعمت و این بفایز شوخ و خیانت بغدادیان صفت مهموم اتا اکر بکوی اعتیم کرد یکی بر است
از غذای خود خواهی بالقایای آن نعمت من نعمت حرمی بحیث واین بالعظمه نامند و بدانکه حسد از بخل الکرات چه بخل کتابی از انسا انکر است
مال خود است و حسد مقتضی جمعیت با مضایقه در عطیه کرد یکی بدیکری کند و شاید که اشتداد از مرغ تا حدی باشد که بر چنج
بر مال دیکر دلیل بدارد کنعکس حسد بیشرح سعادت نیز رو نیز باهم جمع امد هر یک از نا ابی العسر خود بر عمری به عیان الحکما
نجهد به نغمت بر ایشان که فضل اشتداد تا بد حسد تا بحد نیست که بکلی از انعام خود در کف کفایت دیکری توانم دید و دیدی پایشان
گفت از جود سهل بر تهدیدیت در حد احسد غالب است کرده بهم آنکه دیکری بدیکری عطیه کند سوی ایشان بکفت شاهد و وجه تاب
حد شکل مایل بیدم از شرحید بعنوان تر بسته سو ناست که کر تخصیص من بو تحسین بخشد از غضب هلاک شوم اما من صاحب کمالات

که من بجمیع الوجوه بر نعیم مزخرف دنیوی دل نبستم و از سر غیرت عبرت از دنیا گرفته و بنا دی بر بنای عشقهای فاسد این زالکی من تا
نه هان تا سوء المزاج حسد عاقبتش بر سنام ندامت مبتلا از اندو چه بسیار بوده که حسد صاحب خود را بهوای اخت جزیج بود
و زحمت بی فایده چنین بوین رسید چنانچه آورده اند فرزندان عزتی شد و قرابه ای انکه خلاف کرده زمانی خلاف داود علیه
رفتی دو زنده کرد ما یکی هم دل بسته بود نه هر یک بر خود طرب گرفته بعزم کاندیب را بسجاپ ابیمود ند و بکنار غدیری رخت
شستن آغاز نمودند آن مرغ دیگر بی بکنار بحری بو جنیک آن بالمحیط بود بر پایان عمرش چون دو سه روز کار رده از قیاس قیمش
چون انتهای تسلسل پناه از احساس غدیری نخجیری بدانستان که قیمتش از آنوی هفتم زمین بر گذشتی در دل بیابا الغضب
طلاون بر امانت یکدیگر و دام بازی کشیده بودند که ناگاه صیاد قضا یکی را از خوابگاه جداکرده بکند طا در که باین گشایش کرد لب
افکند مباش این کران ریاپی هر جوش بکرد آدمی خوردن قراوت انچون مادر پس مشاهده انتقال نمود موی گناه وعو مق
گنان بر سر غدیر امده دیگر عجایب پر نجم مرات بدل شده زمانه نخجیر که قراب ساختی بالخود اندیشید که حسا
اشکر بکمال خوناب جگر شام کشید تا چنین شادی حسود خود سوز صلاح در آن که پسری هم آویزم که این پسر از این سر
و لکر عزتی بر آمد پسر توشاید بمجاهات فیلسوف تدبیر پسر از وی بگرفت و جراحت خود را بیشتر هم دعا کنم و دل و سر بابلغ فراق
مبتلا دوست هیچ بیست تحقت ز دشمن زبونت شده مار سر بر وسیله بر افلاک کرده ام پیچیده پیر بخت روی بزین همه بر
که این پیر مات علت خرقه دلب پیر تورته مضطرب گشته نهان بر کشید که این چه حالی با طلست و انکه نشر مخلوقی که بودی تا
بر راحت غالب شده یا دانح چون بر هرت کل کرده نسبت بتو نرفلکی سر که بر آمدی شوق آیه بود و بلطف قرابت نرانسبت
کر بغیق شاهدش تخصیص کرده داغ بسته غم عشق که من خود نتوان بست باسوز پسر هر هر تا زمرسیا دست تا دیگر نرابغ اگر باشد
کو شیده باشی صبوری که دیده تیغ بر نگیجند نانی که همچنین جا وید در بند هر که از انتان و خیزان بر بوده کاس هر انکون افتاده
دگر بار هر چند از دیر امط افسون بر نمی خوانند سودی نداد و چون در ان بیابان که نگو پایان تر رسید و فوق لغات بصدای غناب کشید
و فغانشان بجبال کشید ناچار بتبر دفع منازعت و مشاقت روی بمحکمه داود نهاده مضمون ماجرا بعرض هم بوش رسانید سبطق
چون هر دو مدعی دین بر طبق مدعا هیچ یک شاهدی نه بید نه تصرف در آن جهت دانسته که دو را صاحب تصرف داد که بسلیمان
در انتقال البناء بالقضاء سن با کودک این محکمه کرم بانی بود و چون بر حقیقت دعوی و کیفیت فصل مطلع شد بمجلس شرع شریف
در امده هر چه رسانید که اگر خاطر عاطر آنجناب بر رضا ایمانا یکدیگی ما کرده بین بابرند خاطر سید دادن داود بقیصلی اما جراتشان
نمود ما شد دل و تیر تیغ ما جرا انچه هست چنانچه بی کزارتیغ سوزد و بر کتاب بی سلیمان در فردم تا گر بود که لطیغ آب زلال آتش فضل طبع
پسر را در میان کرده هر بنیان بمنزلیده ما هیچ یک عرض نماندن را جنبش چون لیکن آتش خود را بر عزیمتی خون پسر مهلتی اثبات بر
قضا رضا داده سلیمان از زبان دعا کرد دانا چون مادر قصه گرفتی تو پسر ستمکه گفت دست اندر بدامانی بکرمی از حصه خود گذشته ام پسرا
و بر بخشیدم بلبغ فراق سوزم بر کرم آتش نشسته بهار اندر بنشانیک در زم بیکرده در مصیبت خود این نوبه که عرقه نیم با غایب

۲۷۰ چه که بخت عقوبت دارد بلبلی در قفسی بر کرگلی در مسجدی پس سلیمان علیه السلام گفت پیر از آن است متصرف شو کر او
در این دعوی کاذب است والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب شکر که این نامه بعنوان رسید پیشتر از عمر بپایان رسید
زهی سعادت بخت و فیروزی اقبال که بمساعدت توفیق و همت ارباب نظر بحلی این نامه نامی توسن خامه خرامی نکرده قطع این
بیابان بی پایان نموده بانجام رساند تمت الکتاب بعون رب الارباب یوم الجمعه اواخر شهر ربیع الثانی سنه اثنا و ثلثین الف
بحمد الله تعالی و حسن توفیقه این بی بضاعت قلیل الاستطاعت اقل عباد الله عبد اللطیف ابن شمس الدین محمد محمد شریف
رفع الله درجاتهما و تجاوز عن درکاتهما در بهار گلشن خیال فریب عندلیبان داستان سرای نغمات گوناگون سر داده چون
بیمن عنایت دهقان توفیق انواع گونه گون گلی دسته دسته بگل فشانی معانی بزم نظر را باده گرم بیانات و بزیب لباس استعارات
دوشیزگان معانی بکارگاه خیال عنکبوت وار از لعاب فکرت خویش در تار انسلاک نهجی پر و بال افشان بی انجمنی کشتند
بی اقتباس انوار معارف و بال دود در این شمع سمائی بیفروغ چه بکرد دن کرفته بیکبار لطف فیاض ازل بکل چینی آن گلشن
توده بیکبار بی جیبی چون چنار همه دست شده چون صبا پای تا سر همه دامان سراپا حاجت بنوالدب نیافت هر شوخ چشمی که
هنوز تتمه بیزه خوان طبعم کسته چشمان ناده ببغل اصلاح بیهده استغفر الله بانعام مرام سخنم کف فیرکوه جب اوره
خوش بجرات جولان این میدان بیک بد من انکجاو تنم سرای جبان عرفان که فهنونی انبعولد بنای جمل بدید بیرون
و بهار سنای بحسرت هام چشم بر آیت ایا احسان است اکنون توقع از نشاط کار این چمن سخن آنکه چون نظر التفات بر عارض
نوعروسان معانی خوش کشاینده صبح شوق نفس اش بدعائی شاد نمایند که چشم امل در بی انتظار تا بروز شمار باز است و چون
اسپید دریچه انجمن نان با یعقوب هم آواز مفتنی غنیمت شمر این نفس که ناد مرا دی بگوید بر چو غنچه که نی
سر جوید خجیب خویش سخن کو کر روز خوش شب چین دید دم که هستیم باشیم شاد که خواهیم این روز را کرد یاد

تمت هذه الرسالة الشريفة الرفيعة الموسومة
بسراج المنيرة ظهر يوم الجمعة رابع و
عشرين شهر صفر المظفر سنة ۱۲۲۸
ثامن و عشرين و مائتين بعد
الالف من الهجرة النبوية المصطفوية
الف الف الاف صلاة و التحية
على يد الضعيف الكذ
خاكسار عبد الرحمن
موطنا نفش دوس
ابن نعمة الله محمد تقي
معلم فضل الدين

۲۷۱ در بیان حال دجال بدانکه یکی از فتنهای آخر الزمان خروج دجال است که قبل از ظهور حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه خروج خواهد کرد چنانچه در احادیث عامه
وارد شده است که او در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله متولد شد و حضرت بنزد او رفتند و با حضرت سخن گفت و حضرت او را تکلیف اسلام کرد
قبول نکرد و گفت تو پیغمبری بزرگوار و من نیز پیغمبری و هر دو مثل هم هستیم دعوی نبوت کرد حضرت او را فرمود که دروغ گفتی تو از اهل جهنمی و دجال خواهی شد
خواهی کرد و بار دیگر خود را ظاهر خواهی کرد و غیر آنچه از برای تو مقدر شده است نخواهی یافت پس حضرت به اصحاب فرمود که هیچ پیغمبری مبعوث
نشده است مگر آنکه قوم خود را از فتنه دجال حذر فرموده است و خدا او را تأخیر فرموده و در این امت ظاهر خواهد شد و دعوی خدائی کند
و در نظر شما امر او مشتبه شود یقین بدانید که خداوند شما اعور نیست و او یک چشم است و بیرون خواهد آمد در بعضی سالها و خواهد شد که ما بین دو
آن الاغ یک میل باشد یعنی یک فرسخ و با او بهشتی و دوزخی و کوههای نان و نهرهای آب خواهد بود و اکثر اتباع او یهودان و بادیه نشینان
خواهند بود و دور کرده عالم خواهد گشت و داخل آفاق زمین خواهد شد بغیر از دو مسجد یعنی مکه و مدینه که داخل آنها نتواند شد
علیه الرحمه از نزال بن سبره روایت کرده است که روزی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در خطبه فرمود که سؤال کنید ای گروه مردم از آنچه خواهید
سؤال کنید پیش از آنکه مرا نیابید پس صعصعه بن صوحان برخاست و گفت یا امیر المؤمنین چه وقت دجال خروج میکند حضرت فرمود که
خروج او را علامتی و صفتی چند هست که از پی یکدیگر ظاهر میگردد علامتش آن است که مردم نماز را ضایع کنند و امانت را خیانت کنند
و دروغ را حلال دانند و ربا خورند و رشوه گیرند و بناهای عالی سازند و دین را بدنیا فروشند و کارها را بسفیهان فرمایند و قطع
رحم کنند و از پی خواهشهای نفس روند و خونهای مردم را سهل شمارند و حلم را ضعف و ناتوانی دانند و ظلم کردن را فخر خود
شمارند و امیران ایشان فاجر و بدکار باشند و وزیران ایشان ظالم باشند و عرفای ایشان خائن باشند و قاریان قرآن فاسق باشند
و گواهی ناحق در میان ایشان فاش باشد و زنا و بهتان و گناه و طغیان علانیه بجا آورند و مصحفها را زیور کنند و مسجدها را بطلا زینت دهند
و مناره‌های بلند سازند و بدان را گرامی دارند و صفهای ایشان بر پا باشد اما دلهای ایشان مختلف باشد و پیمانها را بشکنند و زنان با
شریک شوند در تجارت بحرص دنیا و صدای فاسقان بلند باشد و سخن ایشان را بشنوند و بزرگ هر قومی پست‌ترین ایشان باشد و از فاجر
بترسند از ترس شر ایشان و دروغگو را تصدیق کنند و خائن را امین دانند و کنیزان خواننده و سازها را بگیرند و لعنت کنند
و گذشتگان را لعن کنند و زنان بر زینها سوار شوند و زنان به مردان شبیه باشند و مردان بزنان و دلیری کنند بر گواهی دادن
و گواهی بغیر حق دهند و علوم غیر علم دین یاد گیرند و کار دنیا را بر آخرت ترجیح دهند و پوست میش را بر دلها مانند گرگ بپوشند و دلهای ایشان
مانند مردار گندیده‌تر و از صبر تلخ‌تر باشد در این هنگام قیامت بسیار نزدیک باشد پس برخاست اصبغ بن نباته و گفت یا امیر المؤمنین
دجال کیست فرمود که صاید بن الصید است و شقی آن کسی است که او را تصدیق نماید و سعادتمند آن کسی است که او را تکذیب کند و از شهری
خروج کند که آنرا اصفهان گویند و از دهی که آنرا یهودیه گویند و چشم راستش کور باشد و چشم چپش در پیشانی او باشد و مانند ستاره
صبح درخشد و در میان چشمش پاره گوشتی باشد و در میان دو چشمش نوشته باشد کافر که هر کسی تواند خواند و در دریاها فرو
رود و پیش و پسش کوهی از دود باشد و در پی او کوهی باشد که مردم گمان کنند که خوردنی است و در سالی خروج کند که قحط عظیم در آن

المصطلق

میش

بسوره

[illegible]

[illegible]

ولید، مغیره، و عتبه و شیبه علیهم اللعنة

۲۷۵

حکایت آورده اند که روزی ابوجهل لعین با جماعتی از قریش علیهم اللعنة نزدیک حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم آمدند

و گفتند ای محمد [illegible] اگر تو [illegible] رسول خدایی [illegible] رسول گفت کل شجر و مدر و حجر [illegible] [illegible]

که هست گواهی بدهند که من رسول خدایم ابوجهل ملعون گفت ای محمد تو دعوی نبوت میکنی و ما انکار میکنیم [illegible]

طلبید [illegible] تا [illegible] نبوت تو گواهی دهند [illegible] تو معلوم شود و بدانیم که در این دعوی صادقی رسول [illegible]

سنگ ریزها [illegible] و گفت [illegible] ای سنگ ریزها [illegible] که انت رسول الله حقا و نبی محمد المصطفی [illegible]

ابوجهل لعین خاسر و شرمنده شد [illegible] و گفت [illegible] ابو طالب [illegible]

[illegible] قریش [illegible] [illegible] چون شب [illegible] سنگی [illegible] و بیام حجره سید الانبیا

[illegible] چون حضرت [illegible] [illegible] حضرت [illegible] [illegible] و فخر مؤمنین

صلی الله علیه وآله و [illegible] خواست [illegible] خواست [illegible] جبرئیل از فرمان شد [illegible] سنگ [illegible]

[illegible] آن [illegible] [illegible] چند [illegible] [illegible] [illegible] ای محمد [illegible]

[illegible] رسول [illegible] [illegible] [illegible] گفت ای ملعون [illegible] [illegible] خدایم [illegible]

گفت ای محمد تو [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و گفت [illegible]

[illegible] خطاب [illegible] [illegible] ای محمد [illegible] [illegible] بام حجره [illegible] [illegible]

خداوند [illegible] [illegible] پادشاه عالم [illegible] [illegible] ملعون [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] خلیل [illegible] [illegible] سلیمان [illegible] [illegible] جان

بسنه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خلیل [illegible] [illegible] و اجنبنی و بنی ان نعبد الاصنام [illegible] [illegible]

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا [illegible] خلیل [illegible] [illegible] [illegible] من ورثة جنة النعیم

[illegible] حبیب [illegible] [illegible] [illegible] خلیل [illegible] [illegible] [illegible] حبیب [illegible]

[illegible] ما زاغ البصر و ما طغی [illegible] خلیل [illegible] حسبنا الله [illegible] حبیب [illegible] خلیل [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] حضرت صلی الله علیه وآله [illegible] [illegible]

ایشان [illegible]

ایشان [illegible]

[illegible] [illegible]

حکایت

۲۷۶

[illegible] کنیت او ابو الحسن [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] کنیت او ابو جعفر [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] کنیت او ابو عبد الله الصادق [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] کنیت او ابو الحسن [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] کنیت او ابو الحسن الرضا [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] کنیت او ابو جعفر محمد التقی [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

کنیت او ابو الحسن الهادی النقی [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

کنیت او ابو محمد العسکری [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

کنیت او ابو القاسم المهدی المنتظر [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

أين يحشر العرش يعني نماز خفتن [illegible] عرش آن دليل است [illegible]

[illegible] سبحان الذي أسرى بعبده [illegible] سبحان من أسرى [illegible]

نقلت من أصلاب النبيين و شيث و نوح و الخليل [illegible]

[illegible] معراج موسى [illegible] معراج محمد [illegible]

[illegible] سبحان الذي أسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام إلى المسجد الأقصى الذي باركنا حوله [illegible]

[illegible]

گناه کنم آمین ای عزیزان بدانید که رضای پدر و مادر رضای حق است و هر که پدر و مادر را رنجانید که رضای مادر و پدر نجوید

که در حدیث آمده است که اول ما کتب الله فی لوح المحفوظ انی انا الله لا اله الا انا من رضی عنه والداه فانا منه راض و من سخط

علیه والداه فانا علیه ساخط یعنی اول چیزی که حق سبحانه و تعالی در لوح محفوظ نوشت آن بود که منم خدای که جز من

دیگر خدای نیست که هر که را مادر و پدر از وی راضی است من از وی راضیم و هر که پدر و مادر از وی خشم کردند من که خدایم

از وی خشم گیرم آورده اند که رسول صلی الله علیه و آله و سلم بگورستانی بگذشت گوری دید که بر وی آتش [illegible] و فرمود حضرت

منادی فرمود که هر که [illegible] باید که بیاید هر کو [illegible] متعلق باشد بیاید بخشد خدای بیاید

و بر سر گور ما بنشیند و هیچکس بر سر آن گور ننشست روز دیگر منادی کرد کسی بر سر آن گور نیامد روز چهارم چون

نبی [illegible] بر سر گور نشسته رسول با پیره زنی گفت که این چه کس است گفت پسر من است رسول گفت چون منادی شنیدی

چرا نیامدی گفت یا رسول الله از وی آزرده بودم که روزی مرا از محراب بینداخت و دستم بشکست گفتم خداوندا از وی

خوشنود مشو چنانکه من خوشنود نیستم رسول فرمود که ای پیرزن در عذابست و [illegible] در عذاب [illegible] دیدار وی

خوشنود شو گفت یا رسول الله از وی خوشنود نمی شوم رسول صلعم بر اصحاب [illegible] تا هیزم بیارند و آتش برکردند [illegible] گفت ای

پیره زن [illegible] پیره زن گفت [illegible] مادر [illegible] کرده باشی [illegible]

در عذابم پیره زن بیفتاد و بیهوش شد چون بهوش آمد گفت یا رسول الله از وی خوشنود شدم و او را بحل کردم [illegible] گفت یا

[illegible] پیره زن [illegible] آواز آمد که ای مادر خدای از تو خوشنود باد چنانکه من از تو خوشنود شدم حق

سبحانه و تعالی ما را بر پدر و مادر رحمت کناد **فصل چهارم** روی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم انه قال اخبرنی جبرئیل

عن الله جل جلاله انه قال بعزتی و جلالی و ارتفاع مکانی لعبادی العاق لوالدیه و لو یاتینی باعمال الانبیاء جمیعا

لما قبلتها منه رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که جبرئیل امین پیک حضرت رب العالمین و الحمد لله که بادشاه

عالم بعظمت و بزرگواری یاد کرده که اگر بنده از بندگان با عمل جمله پیغمبران بدرگاه ما روی آورد چون پدر و مادر از وی

ناخشنود باشند [illegible] رحمت نکنم آورده اند که در عهد رسول صلعم جوانی بود نام وی علقمه بیمار شد چون بحالت

[illegible] رسول سلمان و عمار یاسر را بفرستاد و گفت بروید و کلمه شهادت بر وی عرضه کنید ایشان برفتند هر چند خواستند که کلمه

[illegible] گفت حضرت رسول را خبر دادند رسول گفت پدر و مادر دارد گفتند مادر پیری دارد حضرت بلال را گفت برو و مادر

علقمه را از من سلام برسان و بگو اگر میتوانی بیا [illegible] بلال با مادر علقمه [illegible]

[illegible] عصا بر گرفت و روی بخدمت رسول نهاد چون بیامد سلام کرد و پیش حضرت [illegible]

چگونه است گفت یا رسول الله از وی آزرده ام که فرمان زن میبرد و فرمان من نمیبرد حضرت رسول [illegible] کرد و گفت

[illegible] که زبان علقمه در بند شد بلال را گفت برو و پاره هیزم بیاور و علقمه را [illegible] فرمود که رسول الله

هرچند [illegible] آن [illegible] جگر گوشه من است مرا کی طاقت آن بود که او را در پیش من بسوزانی خواجه کاینات فرمود که بدان خدای که

جان من در قبضه قدرت اوست که اگر از وی راضی نشوی نماز و روزه و عبادت او حق سبحانه و تعالی قبول نکند و با آتش دوزخ

بسوزد [illegible] پیره زن فریاد بر آورد و گفت تا او حاضر است من از وی راضی کردم که از علقمه خوشنود شدم خواجه گفت ای بلال برو

و ببین که حال چگونه است بلال چون بدر خانه رسید آواز علقمه را شنید که کلمه شهادت میگفت پس در آن روز علقمه وفات یافت

چون [illegible] دفن کردند خواجه عالم [illegible] بر سر گور وی بایستاد و گفت هر که رضای زن بر رضای مادر اختیار کند حق سبحانه او را

بلعنت گرفتار کند و فرض و سنت وی قبول نکند که الجنة تحت اقدام الامهات یعنی بهشت در زیر پای مادران است

حکایت آورده اند که یکی از بزرگان بصره گفت خواستم که بحج روم از بصره بیرون شدم جوانی دیدم که از پس من در آمد

و عصائی در دست و تعجیل میرفت چون اندکی از پیش من برفت نعره بزد و بروی در افتاد و فرو شد و عصا بیرون بماند بیرون

دیدم که از پس من در آمد و گفت هیچ جوانی را دیدی که عصائی در دست داشت گفتم اینک عصای وی گفت مگر بمرد گفتم بمرد

گفتم آری تو چه دانستی گفت پسر من بود از وی آزرده بودم که مرا جفا کرده بود گفتم که الهی از فلان بستان و بر وی نفرین کرده

خدای تعالی بر زمین فرو برد حق سبحانه و تعالی دعا را مستجاب کرد و تصدیق این قول سلطان رسالت فرموده ثلاث دعوات

مستجابات لاشک فیهن دعوة المظلوم و دعوة المسافر و دعوة الوالد علی ولده یعنی سه دعاست که هیچ شک نیست در استجابت

کردن آن هیچ شکی نیست اول دعای مظلوم چنانچه میفرماید بکرات اتقوا دعوة المظلوم یعنی بپرهیزید از دعای مظلوم که

حق [illegible] بعزت و جلالت خود که نصرت وی کند اگر چه بعد از مدتی باشد دوم دعای مسافرست که چون از خانمان

و فرزندان دور مانده باشد هر دعائی که کند حق تعالی اجابت کند سیم دعای پدر و مادر است بر فرزندان و این دعا قبل است یعنی

[illegible] بر فرزند کند او را اجابت کند پس پدر و مادر را اهله که بر وی لعنت کنند پادشاه عالم شکر پدر و مادر را با شکر خود قرین

کرده است که اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم یعنی طاعت خدای و طاعت رسول و طاعت اولی الامر

انشما قبول نکرد و اگر طاعت خدای و رسول و طاعت اولی الامر ندارید از شما مقبول نیست و بنابرین [illegible]

معصومان انکار کنید چنان باشد که همه را انکار کرده باشید آورده اند که روزی حضرت مصطفی علی بن موسی الرضا علیه الصلوة

والسلام با انبوه مجلس گفت امروز علی بن ابی حمزة البطائنی وفات کرده او را دفن کردند فرشته ازو سوال کرد که

خدای تو کیست گفت الله گفتند پیغمبر تو کیست گفت حضرت محمد گفتند ولی تو کیست گفت علی بن ابی طالب گفتند بعد

وی کیست گفت امام حسن گفتند بعد از وی کیست گفت امام حسین گفتند بعد از وی کیست گفت علی بن الحسین گفتند بعد از

وی گفت محمد باقر گفتند بعد از وی کیست گفت امام جعفر صادق و بعد از آن امام موسی کاظم و بعد از آن لال شد و چندانکه

سوال کردند زبانش گنگ شد آتش در گور وی زدند که آتش بر وی افتاد و تا قیامت گور وی پر آتش شد تا بدانی که اگر یکی

نشناختی چنان باشد که هیچکدام را نشناخته باشی و دیگر فرموده است که اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة یعنی که نماز بپای دارید

فیهن

فان کان کالقرآن بما تجمل علی الغمام

یقول الله تعالی بعزتی و جلالی

لا انصک و لو بعد حین

گر آن شکر و آب ایشان جنید

با جنید حق [illegible]

[illegible] قبول [illegible]

... زکوه مال ... که اگر نماز ... نماز شما قبول نباشد ... [illegible]
کرد زکوه مال ... نماز و زکوه ... قبول ... [illegible]
باشد ... [illegible]
... [illegible]
سلطان داده باشد ... ولایت ... **بیت** ... [illegible]
... امام زین العابدین ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... حق همسایه ... [illegible]
... حق همسایگی و حق ایمان ... [illegible]
... یؤمن بالله والیوم الآخر ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

چون عاملان ولایت ... [illegible]
... [illegible]
ولا تقل لهما اف ولا تنهرهما
وقل لهما قولا کریما ... [illegible]
... [illegible]

فلیکرم جاره

چیزی هست که یکی را حلال بود و دیگری را حرام گفت ... فمن اضطر فی مخمصة غیر متجانف لاثم ... [illegible]
و شما را حرام بدانید ... [illegible] ... **بیت** ای ...
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... غیبت ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... **حکایت** ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا
کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا
ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه
واتقوا الله

بجز دوم طعمی یافتند که هرگز مثل آن نخورده بودند پس دیگر روز ابوبکر [illegible] خلعتی بر وی کرد [illegible]
سایل حرام و حلال [illegible] گفتند این کیست و چه سبب [illegible] جعفر علیه السلام [illegible] وکل الله علیم حیث
یجعل رسالته خو حسمت [illegible] حرام [illegible] ناحرم [illegible] مادر [illegible]
رسول نام وی عبدالله مکتوم روزی به خانهٔ حضرت رسول آمد [illegible] حضرت فاطمه [illegible] جبرئیل [illegible] گفت
[illegible] عبدالله [illegible] نابینا [illegible]
از دیدن نامحرم وکشیدت قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم [illegible] وقل للمؤمنات یغضضن من
ابصارهن حضرت خواجه فرمود [illegible] عالم [illegible] حرام کشید
[illegible] حرام [illegible] بالجمع [illegible]
وحرام [illegible] اصابه الاهوال [illegible] اذیه الله فی النار
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
نزد وی کردانند که ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا **فصل پنجم**
عن النبی صلی الله علیه وآله وسلم انه قال من احب ان ینظر الی اسرافیل فی هیبته والی میکائیل فی رتبته والی جبرائیل فی جلالته
والی آدم فی علمه والی نوح فی خشیته والی ابراهیم فی خلته والی یعقوب فی حزنه والی یوسف فی جماله والی موسی فی مناجاته
والی عیسی فی سنته والی یحیی فی زهده والی یونس فی ورعه والی محمد فی حسبه فلینظر الی علی بن ابی طالب فان فیه تسعین
خصلة من خصال الانبیاء علیهم السلام لا فی غیره صدق رسول الله ای دولت رضای تو مطلوب [illegible]
[illegible] **بیت** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] انک قبل اقوالنا وکفیر افعالنا [illegible] وانت خیر الناصرین
[illegible] **بیت** [illegible]
[illegible]

حاشیه: ببین وَیَهِمُ وکَفِهِمْ الیت علم وبیاه وانت [illegible]
حاشیه: وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ
حاشیه: فی سنته
حاشیه: والی ایوب فی صبره والی داود فی [illegible] والی سلیمان فی ملکه
حاشیه: [illegible] اعمال [illegible]

شد رنج تو مقام محل شد بیتی حرام وحلال بیت از اهل عالم الفناء [illegible] آن معنوی که [illegible]
[illegible]
[illegible] آدم [illegible] مقام انبیاء [illegible] نوح [illegible] ابراهیم [illegible]
[illegible] یعقوب [illegible] جمال یوسف [illegible] موسی عمران [illegible]
[illegible] عیسی [illegible] صاحب جمال [illegible]
در حسن وجمال [illegible] حضرت امیر المؤمنین وامام المتقین علی بن ابی طالب
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خدای تعالی [illegible] آیت آمد که ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا ویتیما واسیرا [illegible]
انفسهم ولو کان بهم خصاصة [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت فاطمه [illegible] علی [illegible]
[illegible] حضرت فاطمه طعام [illegible]
[illegible] حضرت امیر المؤمنین علی [illegible]
[illegible]
[illegible] حضرت فاطمه [illegible] امیر المؤمنین [illegible]
[illegible] یا امیر المؤمنین [illegible]
[illegible] آسمان [illegible]
[illegible] ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة [illegible] امیر المؤمنین [illegible] حضرت فاطمه [illegible]
[illegible] حضرت فاطمه [illegible] علی [illegible]
طعام [illegible] امیر المؤمنین [illegible] عبدالرحمن [illegible]
[illegible] عبدالرحمن [illegible] امیر المؤمنین علی [illegible]
[illegible] الید العلیا خیر من الید السفلی [illegible]
[illegible] الصدقة بعشرة اضعاف والقرض بثمانیة عشر ضعفا [illegible]

قرض کرد از مجد و عبدالرحمن یک دینار قرض با امیرالمؤمنین داد و آنحضرت متوجه حجرهٔ طاهره شد در راه مقداد اسود را دید که بر کنار راه نشسته
گفت ای مقداد چرا نشسته‌ای گفت از برای حاجتی نشسته‌ام امیرالمؤمنین فرمود که آن چه حاجت است مقداد گفت چهار روز است
که طعام نیافته‌ام امیر گفت این یک دینار را بستان که مرا یک روز و شب است که طعام نیافته‌ام و تو اولی‌تری آن دینار را بمقداد داد
وقت نماز شام روی بمسجد رسول نهاد و با رسول نماز شام بگذارد حضرت گفت یا علی امشب بخانهٔ شما می‌آیم و مهمان شماام پس
علی تبسم فرمود که مرحبا و کرامة و پیش از حضرت بحجرهٔ طاهره حضرت فاطمه رفت و حضرت رسول در عقب وی روان شد [illegible]
فاطمه را مژدهٔ قدوم حضرت رسول الله داد و خجل در آمد فاطمه در خانه شد و روی مبارک بر خاک نهاد و گفت الهی بحق محمد و آل محمد
که ما را طعامی فرست چنانکه در بهشت بود بی حکم طعام حاضر شد و بوی طعام بمشام وی رسید سر برداشت کاسه‌ای دید پر از طعام
و از وی بوی بهشت می‌آمد [illegible] آن را برداشت و بخدمت مصطفی برد و بنهاد حضرت تعجب فرمود که انّی لکِ هذا
این طعام از کجاست گفت هو من عند الله ان الله یرزق من یشاء بغیر حساب این طعام از نزد بارخدای است خدای تعالی روزی محمد و آل محمد
خواهد [illegible] حضرت محمد گفت شکر مر خدای را که مرا فرزندی داد چون مریم که هرگاه زکریا بنزد وی می‌آمد نزد وی طعام می‌دید
و گفت یا مریم انّی لکِ هذا پس حضرت رسول و حضرت امیر و فرزندان طعام می‌خوردند که سایلی بدر آمد حضرت امیر خواست که از آن طعام بسایل دهد
که حضرت رسول فرمود یا علی این سایل شیطان است می‌خواهد که ما را از طعام بهشت محروم گرداند تا با ما مشارکت کند پس دیگر
روز حضرت مصطفی و مرتضی در مسجد بودند که اعرابی بیامد و امیرالمؤمنین را بخواند و کیسهٔ زر بوی داد و اعرابی ناپیدا شد
امیرالمؤمنین آن کیسه زر پیش حضرت رسول بنهاد حضرت فرمود یا علی میدانی که آن اعرابی که بود گفت خدا و رسول اعلم
حضرت فرمود که آن اعرابی جبرئیل بود که [illegible] گنجی از گنجهای دنیا [illegible] و حق تعالی بجای آن یک دینار که
بمقداد دادی ترا [illegible]
در آخرت ساخته [illegible] که هیچ چشمی آن را ندیده باشد و هیچ گوشی آن را نشنیده باشد و بر خاطر هیچ کس از آدمیان نگذشته باشد حضرت
امیر آن زر را وزن کرد هفتصد دینار بود گفت صدق الله حیث قال مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت
سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة و [illegible] تا بحدی بود که آورده‌اند که غلام را
چند نوبت آواز داد و غلام می‌شنید و جواب نمی‌داد برخاست و پیش غلام رفت و گفت آواز من می‌شنیدی گفت می‌شنیدم
اعتماد بر حلم تو داشتم و در [illegible] تا بحدی بود که [illegible] و عبادتش تا بحدی بود که آورده‌اند که شبانروزی
هزار رکعت نماز گذاردی بغیر از نوافل و فرایض و [illegible] تا بحدی بود که [illegible] شریعت و با [illegible] حقیقت و طریقت یاد کرد
حضرت حمزه سخن گفتی و آن از جملهٔ فضائل معلوم است و [illegible]
و از جملهٔ غزوهٔ وی یکی قصهٔ خالد ولید است و آن چنان بود که [illegible]
دیگر با لشکری برفت خالد علیه اللعنه چون امیرالمؤمنین [illegible] در دست داشت [illegible]

دراز کرد و [illegible] فرا گرفت و در گردن خالد کرد و تاب داد و خالد متحیر ماند و باز گشت پیش ابوبکر علیه اللعنة آمد هر چند خواستند
که آن را از گردن وی بیرون کنند نتوانستند آهنگران حاضر نمودند گفتند تا در آتش نهند بیرون نتوان کرد چون در آتش برنهند
شود چنانچه گفتند که [illegible] امیرالمؤمنین [illegible] رفتند و تضرع و زاری نمودند حضرت امیر دست
مبارک دراز کرد و آن را از گردن خالد بیرون کرد و ضیاء جمال [illegible] تا بجایی بود که ملائکهٔ ملکوت [illegible] حضرت جبرئیل
حی لا یموت از غایت اشتیاق که بجمال امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند در خواست نمودند تا آن حضرت عزت صورت امیرالمؤمنین
[illegible] و عقلش چنانکه معلوم است محققان آگاه که هر کس [illegible] معصیت [illegible] بود و صبرش تا
بحدی که در حق وی غصب کردند و وی صبر میکرد و چهار سال تحمل ظلم ظالمان کرد تا کار از حد گذشت و محنت بنهایت
رسید تا روزی [illegible] بروضهٔ حضرت خواجهٔ کاینات نهاد و گفت [illegible]
و در حق من غصب کردند و قصد کشتن من کردند و در حق فرزند فاطمه غصب کردند و [illegible] و محسن را
در شکم وی بکشتند برین همه صبر کردم اما اشتیاق دیدار تو بغایت رسید آواز آمد که یا علی اشتیاق [illegible] تا آنگاه
آن مدت که رنج و محنت تو [illegible] و آسایش [illegible] چون محنت بغایت رسید [illegible] و عقلش چنان بود
که ابواب امور [illegible] بوی رجوع میکردند و حل جمیع مشکلات بوی [illegible] مشهور است که رنج خود بر هیچ
مسلمان ننهادی آورده‌اند که روزی حضرت امیر [illegible] خرما [illegible] در دست داشت قنبر خواست که از دستش
فراگیرد بنظر غضب در وی نگاه کرد و گفت ابو العیال احق ان یحمل [illegible]
[illegible] امام حسن و امام حسین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین [illegible]
چنان دانم که آن [illegible] امام حسن [illegible]
[illegible]
[illegible]
و میگفت [illegible] بیت [illegible]
[illegible]
[illegible] علم [illegible]
[illegible]

العلم وعلي بابها [illegible] بود و[illegible] خبر است كه ضرار كفت بخدمت امير المؤمنين بودم نزديك معاويه عليه اللعنة
رفتم مرا كفت صفت ومنقبت امير المؤمنين براي ما بكوي كفتم مرا ازين معاف دار كفت بخداي كه بكوي كفتم بيدار شب بسيار بودي و[illegible]
اندك و[illegible] شب و روز [illegible] بخداي [illegible] خواندي وجامه درشت پوشيدي و[illegible] وهميشه مشغول [illegible] بخداي [illegible]
در ميانه شب در محراب ايستاده بر خود ميپيچيد چون مار كزيده ميكريست و خطاب ميكرد وميكفت [illegible] دنيا خود را بر من [illegible]
يا بمن [illegible] [illegible] دور [illegible] هيچ رغبت نيست [illegible] طلاق داده ام [illegible] بكريست وميكفت آه آه از [illegible]
كناه [illegible] معاويه [illegible] كريست وكفت [illegible] علي بن ابي طالب امام بر حق و وصي رسول خداي
[illegible] رسول صلى الله عليه وآله وسلم [illegible] معاويه عليه اللعنة [illegible]
[illegible] علي [illegible]
[illegible] علي بن ابي طالب [illegible]
[illegible]
[illegible] امير المؤمنين علي [illegible]
المرء مع من احبه [illegible] **فصل ششم** روي عن النبي صلى الله عليه وآله و[سلم]
[illegible] جابر بن عبد الله الانصاري [illegible] يا رسول الله [illegible] علي بن ابي طالب خير البشر ومن ابى فقد كفر [illegible]
المؤمنين [illegible] جابر بن عبد الله انصاري [illegible] رسول [illegible] علي بن ابي
طالب [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible] ابي طالب [illegible]
[illegible]
ومقام ومنزلت [illegible] مقام ومنزلت [illegible]
[illegible] علي را دوست دارد [illegible] دوست [illegible]
دوستداران علي [illegible]
[illegible] الذين اتقوا ربهم الى الجنة [illegible] حتى اذا جاؤها [illegible]
[illegible] سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين [illegible] علي را دوست [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلا خالدين فيها لا يبغون عنها حولا [illegible] علي را [illegible]

حق تعالى

اذ قال رسول الله صلى الله عليه [illegible] لا [illegible] هذه الامة

حق [illegible] آسان [illegible]
[illegible] شفاعت [illegible] علي [illegible] دوست [illegible]
[illegible] روز قيامت [illegible]
[illegible] دوستداران علي را با صديقان وشهيدان وصالحان حشر كنند و[illegible] عذاب دوزخ [illegible]
هر كه علي را دوست دارد [illegible]
[illegible] كناهان [illegible] دوستان علي [illegible]
[illegible]
[illegible] دوستداران علي [illegible]
[illegible] علي [illegible] روز قيامت [illegible]
[illegible] جهت خدا دوست [illegible] حب علي [illegible] شفاعت [illegible]
حب علي [illegible] علي بن ابي طالب [illegible] عبد الله بن عباس [illegible] امير المؤمنين
[illegible]
[illegible] عباس [illegible]
[illegible] فضايل ومناقب امير المؤمنين علي [illegible]
[illegible] رسول [illegible]
[illegible] يا رسول الله [illegible]
[illegible] علي را دوست [illegible] امام حسن [illegible]
[illegible] امام حسين [illegible]
[illegible] دوستان ايشان [illegible]
[illegible] دوستان [illegible]
[illegible] دوستان علي [illegible]
[illegible]
[illegible] دوستان [illegible]
[illegible] دوستي [illegible]
كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله [illegible] دوستان [illegible] دوستان ايشان [illegible]

صلی الله علیه را گفتند که یا رسول الله فلان کس بسفر دریا رفته بود و باندک زمانی باز گشت و باندک سرمایه سود بسیار آورد و گفتها
کان و خویشان وی حسد بردند بحضرت خواجه فرمود که من ترا خبر دهم از کسی که باز آمدنش زودتر بود و غنیمتش بیشتر گفت بلی
یا رسول الله گفت بنگرید بمردی که روی چهره وی ... بنگریستم دیدم که مردی بجای آنکه ... جامه کهنه پوشیده پیش وی
شدیم و وی را بشارت دادیم چون خدمت رسول الله باز آمدیم حضرت فرمود که یا رسول خبر ده که او را چه کار کرده گفت ...
نماز صبح کردم و وی مشغول گشتم و آن که باز... شد ... وی ... بجای نگاه کرد حضرت رسول فرموده
که النظر الی وجه علی عبادة نظر در روی علی کردن عبادت است ... بر روی علی علیه السلام نگاه کردم خواجه فرمود که هر روز
دنیا ... کسب کرد ... و ... آن ... روی علی نگاه کرد ... بر دوستان ... توی حاصل شده
که اگر با اهل زمین قسمت کنند ... نصیبی که ... بحکم خطاب یا ایها الرسول
بلغ ما انزل الیک من ربک چون ... امامت علی ... یا علی ... انت
وصیی و خلیفتی من بعدی ... کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت
من فوق الارض ما لها من قرار ... عباس ... خواجه ... ثمره
که حنظل ... و از ... خواجه ... شجره ... نسب و نقوا اصل
بلکه ... خواجه ... یا عم عباس ... تفضیل علی ... بنی هاشم ... بنی هاشم تفضیل
نمی کنند ... امیر المؤمنین علی ... خواجه عالم فرمود که العم ... انداخته
فاسد ... خاطر خود ... صواب ... علم و ادب ... حسب ... و نسب
و قرب و شجاعت و سخاوت ... و ولایت و عطای ... خلافت ... عالم
تفضیل ... از ... عالم
نکرده ... عالم ... عالم پاک ... السابقون ... عالم آفریده پانصد
سال ... تسبیح و تهلیل حضرت عزت ... مشتغل ... عالم ... گفت نور را
بشکافت ... عرش و کرسی ... علی ... و از ... قلم ... حق
که امیر المؤمنین ... لوح و قلم بهتر است ... امام حسن ... هفت آسمان و جمله فرشتگان را ... حق
که فرزند من حسن از هفت آسمان و جمله فرشتگان بهتر است ... امام حسین ... بهشت
را بیافرید و ... امام حسین از بهشت و ... بهتر است ... هفت آسمان
... هفت آسمان ... فرشتگان آواز تسبیح و تهلیل ... آن
ذلک ... پادشاه عالم ...

که ... نور حضرت فاطمه ... عرش ... هفت آسمان و هفت زمین ... روشن
گشت ... دوستی علی ... ایمانست و بغض وی کفر و نفاق ...
... عباس گفت تسلیم کردم ... حضرت رسول فرمود که
حق سبحانه و تعالی ... هفت آسمان ... فضیلت علی که من احب علیا
... ومن ابغض ... ومن عاداه ... عبد الله ...
... علی بن ابی طالب
علی ... خدا ... علی ... چشم ...
... عبد الله ...
...
... علی ...
...
... چشم ... علی ...
روز ... رسول صلی الله علیه و آله ... حدیث ... امیر المؤمنین علیه ... و سلام ...
یا رسول الله ... امیر المؤمنین علی ... و سلام ... حضرت رسول ... جبرئیل ...
... جبرئیل ...
... امیر المؤمنین ... فرشتگان ...
... امیر المؤمنین ... جبرئیل ... و سلام ... یا رسول الله ...
... یا رسول الله ...
... امیر المؤمنین ... جبرئیل ... پادشاه عالم ... یا رسول الله ...
... امیر المؤمنین ... انت ... فی السماء ... فی الارض ...
... فصل هفتم ... عن النبی صلی الله علیه و آله
انه قال اذا کان یوم القیامة لا تزول قدما عبد ... حتی یسأل عن اربع عن عمره فیما افناه و عن جسده
فیما ابلاه و عن ماله ... و عن حبنا اهل البیت ...
... یا رسول الله ... علی بن ابی طالب علیه السلام ...
... طاعت و عبادت ... لا اله الا هو ...

و امیر من مضی و امیر من بقی

۲۹۰ جز تو لا نم نیست کرو الحکیم الواحد الا اله الا هو والحی والمحمد بیا الذی تجربت ذاته و بعزة صفاته مقدست کامثال و انداد

معراست کاهل ایمان را بر نهج شریعت نبوی و جادهٔ طریقت مرتضوی مستقیم و مستمر دارد و کدورات و شبهات بدع

و حجاب بروش مهر نکی از دلها کاویست از پیش بر داشته کردان و حجیر عبادت آمیخته با باده تمر قبول یافته همه را ب

عبادة خالص توفیق ارزانی دارد یا اله العالمین و یا ناصر الناصرین و از نجات روز محشر کاهد به حق رشید الابرار

روایتست از آن در صدف سرور ... کلی کلاب لولاک ما لقصود آفرینش خاک از قبایح بری و از فضایح پاک ... بخند

و بدل غنا لیجاب تو شنا لعیات و جمیع منا ... لهلاک **بیت** ای جان وصل تو ... بنالد ... غم تو چو قهر

خنده تو بال ای جان تو مقصد ... آو بحث ... ای نقش نکین تو ... و ... خلعت تو لولاک

از شک تو آفتاب چون شمع ... قبا ... بانقش تو نقش بند کمفت لولاک لما خلقت الافلاک آن

معبر کشید از مناقب او بکوشته ساند بدم مینفرما بکجون روز قیامت با عمر آن نعمات کر طبل نفخ فی الصور فرو کوبند

و آفتاب و ماه را ... جمع کنند و جمع الشمس والقمر وانسفت معلق ... بستون بر داشته ابدان ... جلد کرد

کروانا السماء انفطرت ... یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب ... بادی در عالم ...

و همه خلق عالم را در صحرای محشر حاضر آرند ... بساط عدل ... بگسترده و اشرقت الارض بنور ربها ... تو او ازوی عدل ...

آویختند و نضع الموازین بالقسط لیوم القیمة و ... جلد ...

واته وابیه وصاحبته و بنیه لکل امرء منهم یومئذ شأن یغنیه ... ملکوت ... صف صف ...

بکشند که یوم یقوم الروح والملائکة صفا ... قیام آن ... توقف ... کواکب آسمان ... و اذا الکواکب

انفطرت و این کواکب ... واذا الکواکب انتثرت ...

و سوف ... مرا ... موج بار ... و اذا البحار فجرت ...

البنون ... و در چنین وقتی ... انهره آن ... قدم ... النعمه اللهم ... سوال ...

من عمره فیما افناه و بکوید ... عمر عزیز خود را ... در طاعت و ایمان ... خلافت ... عصیان ...

طاعت ... ثبات ... شهوات ... سوال ... عن جسده فیما ابلاه بکوی ...

قد سروا ... کردم ... کناه ... کردی ... شب ...

و بر ... کاری ... معصیت خلق ... نعمت ... عن علمه فیما عمل

بکوی ... علم ... عمل کردی یا نه ... مال ...

... عن ماله من این اکتسبه و فیما انفقه ...

از حلال یا حرام ... فساد ...

۲۹۱ بر انموذی ... که بدبختان ... دشمنان ایشان ... باشد در روز قیامت دل پر حسرت و ندامت ...

زمین آن باشد که قدم از قدم برداشتن ... سوال ... بیرون آید ... جمع کرد ...

نا فنا کند ... حسرت بر ... عقاب ... عذاب ... کرد ... یکی ... اکنون ...

شوند ... تیغ ... دوزخ ... از جرایم ...

... دوزخ از غضب خود آفریده است ...

هفت طبقه کرده است ... لها سبعة ابواب لکل باب منهم جزء مقسوم طبقه اول ... جهنم کویند ...

طبقه دوم را لظی کویند که کلا انها لظی نزاعة للشوی طبقه سیم را حطمه کویند که کلا لینبذن فی الحطمة وما ادریک

ما الحطمة و طبقه چهارم را سقر کویند که ساصلیه سقر وما ادریک ما سقر و طبقه پنجم را سعیر کویند که و اما من

اوتی کتابه وراء ظهره فسوف یدعوا ثبورا و یصلی سعیرا و طبقه ششم را جحیم کویند که ثم ان مرجعهم الی الجحیم

و طبقه هفتم را هاویه کویند فامه هاویة وما ادریک ماهیه نار حامیة ...

... دوزخ ...

موکل ... دوزخ ...

... دوزخیان ... مقامع من حدید و بعضی ...

انهم ... ذرعها سبعون ذراعا فاسلکوه ...

بر کوهها ... دوزخ ... آب ...

و بعد از آن ... دوزخیان ... آب حمیم ...

دهن ... روی ایشان ... شکم ایشان ...

کداده ... دوزخ ... عقوبت دوزخیان ...

کلهم فیها ظلل من النار ومن تحتهم ظلل ...

یا ... نعیم مقیم ...

آورده‌اند که ... کنیزکی ...

...

... کنیزک ...

...

...

کم کان کالمراد و فضائل ...

وسقوا ماء حمیما فقطع امعاءهم یصهر به ما فی بطونهم والجلود

وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا

عاصیان وکرامات است وشنید که صالح مری در تفسیر این آیه میکرد که اذا رأتهم من مکان بعید سمعوا لها تغیظاً
وزفیراً وعاصیان را چون در دوزخ برند دوزخ در غریدن آید وعاصیان از آن بترسند روی نماید وچون عاصیان را در دوزخ
برند در جای تنگ وتاریک زنجیرها اثبت در گردن کرده وبر هر یکی بار [illegible] ایشان هم با دیو او [illegible] ملائکه
مالک گوید ای عاصیان نه وعده [illegible] آمد [illegible] لا تدعوا الیوم ثبوراً واحداً وادعوا ثبوراً کثیراً یعنی
فریاد خواهید کردن شعوانه چون این سخن شنید در روی [illegible] بیفتاد وبیهوش شد چون بهوش آمد گفت
ای شیخ گناه کارم چون فرمائی که توبه کنم خدای تعالی گناه مرا بیامرزد شیخ گفت بیامرزد اگر چه گناه مثل گناه شعوانه باشد
گفت ای شیخ شعوانه منم توبه کردم که دیگر گناه نکنم شیخ گفت خدای تعالی بیامرزد شعوانه گفت من بندگان را آزاد کردم وبعد از آن
صومعه بساخت ودر آنجا بنشست وچهل سال عبادت کرد وریاضت کشید تا سوخته وگداخته گشت تا روزی بمرقع خود
[illegible] بگریست [illegible] که در دنیا چنین سوخته شدم در آخرت کار من چگونه خواهد بود ناگاه
آوازی شنید که ای شعوانه [illegible] ما را امید میباش تا ببینی که روز قیامت [illegible] بیت
خاک در آستان ما باش و مترس رو در صف دوستان ما باش و مترس گر جمله جهان قصد بجان تو کنند دل شاد
از آن ما باش و مترس بدان ای عزیز هر که عمل صالح کند در روز قیامت مکافات دهد [illegible] جنات [illegible] که گفت
باشی تو [illegible] که کرده مگر توبه نصوح [illegible] از گناه [illegible] که حضرت [illegible]
محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم فرموده [illegible] التائب من الذنب کمن لا ذنب له یعنی [illegible]
من [illegible] الدنیا [illegible] الآخرة یعنی [illegible] حاصل [illegible] شاهد [illegible] علی بن ابی
طالب علیه السلام [illegible] کشتی [illegible] صلی الله علیه وآله و
فرموده که مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکب فیها نجا ومن تخلف عنها غرق یعنی اهل بیت من
مثل کشتی نوح است هر که در کشتی نوح نشست نجات یافت وهر که باز ایستاد غرق شد [illegible]
من [illegible] پناه [illegible] عذاب [illegible] ایمن باشد وهر که از ایشان باز ایستاد هلاک شد [illegible]
گرفتار شد از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که زنی بود [illegible] نام وی عفرا [illegible] حضرت رسول صلی الله
علیه وآله [illegible] میکردی [illegible] علم [illegible] شد [illegible]
رسول الله صلی الله علیه وآله [illegible] جبرئیل [illegible] رسول الله [illegible] وفات کرده
است [illegible] عفرا [illegible] رسول الله [illegible]
دیدم [illegible]
من [illegible] محمد وآل محمد وعلی وفاطمه وحسن

نصیب نکرد الله [illegible] ابلیس گفتم [illegible] هفت هزار سال این نامها
دیدم بر ساق عرش نوشته داشتم [illegible] خلقان نزد خدای تعالی ایشانند هر که از ایشان شفاعت آرد حق تعالی
حاجت او روا کند وهر که [illegible] با ایشان آید از عذاب خدا خلاص ونجات یابد بیت [illegible]
[illegible] کشتی [illegible]
در این کشتی [illegible]
کو [illegible] خیر الزاد التقوی
[illegible] زاد بر گیر که سفر در راه است [illegible] زهد وتقوی [illegible]
[illegible] روایت از عبد الله [illegible] گفت سالی بحج میرفتم [illegible]
منقطع شدم [illegible] چون بمیان بادیه رسیدم [illegible]
[illegible]
گفت ای عبد الله گفتم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ان الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فاطمه [illegible]

خود را از بار گناه سبک کرده اند که عقبه نجات در پیش دارید و ایشان بیداد است نفسا [illegible] که حق کسی به قیمت تو هست آنرا
اداکن که حق خالق است و کسی حق مخلوق و هرکه به [illegible] القیام نمائی در آفتاب قیامت ترا با نیاز نبود به دوزخ نفرستند
و آن آنجا باشی که بی حساب به بهشت فرمایند و چون به بهشت روی فرشتگان باستقبال تو بیرون آیند و بر تو سلام کنند
و گویند در رو به بهشت به سلامت ایمن باش از آفت چنانکه حق تعالی فرمود که ان المتقین فی جنات و عیون ادخلوها بسلام آمنین
این با آنکه [illegible] فردا در قیامت [illegible] امتان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
[illegible] طایفه بی حساب به بهشت روند و طایفه را به دوزخ کردند فریق فی الجنة و فریق فی السعیر و طایفه را مدتی
در آفتاب قیامت باز دارند بعد از آن به شفاعت حضرت محمد صلعم به بهشت روند چنانچه در حدیث آمده است [illegible] به بهشت
برند و چنین نبود که بفضل و کرم [illegible] اول از آنکه به دوزخ برند [illegible] **فصل هشتم** و عن النبی
صلی الله علیه و آله و سلم انه قال اذا کان یوم القیمة یقول الله تعالی امیزوا الکافرین من المؤمنین و میزوا المنافقین من المخلصین
و میزوا اهل الکذب من اهل الصدق [illegible] رسول الله [illegible] ثم بکی رسول الله فقالوا ما ذا یبکیک یا رسول الله قال ذکرت امتی یوم القیمة فریق فی الجنة و فریق فی السعیر
امام حسن و امام حسین علیهم السلام [illegible] در قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible] بی حساب [illegible]
[illegible] قیامت [illegible] شفیعی [illegible]
بشفاعت [illegible] عالم [illegible] فرشتگان [illegible]
[illegible]
[illegible] آدم
وجود آمده شما [illegible]
[illegible] آدم [illegible]
[illegible] آدم [illegible] کرخیر [illegible]
[illegible] نوح [illegible] طوفان [illegible]
[illegible] نوح [illegible] شفاعت [illegible] نوح [illegible]
من [illegible] خلیل [illegible]
[illegible] خلیل [illegible]
[illegible] خلیل [illegible] شفاعت [illegible] الذی یشفع عنده الا باذنه

گفت

کر وابری الاکمه والابرص [illegible]

گفت پیش موسی روید پیش موسی روند [illegible] استغفر [illegible] شفاعت
بگشایم پیش عیسی روید پیش عیسی روند [illegible] مریم [illegible] طبیب [illegible]
درد [illegible] عیسی [illegible] شفاعت [illegible] طبیب [illegible]
حبیب [illegible] شفیق [illegible] پیغمبر
صلی الله علیه و آله و سلم [illegible] شفاعت [illegible]
ای عاصیان درگاه [illegible] حبیب [illegible]
[illegible] بهشت [illegible] رضوان [illegible]
[illegible] رضوان [illegible] بهشت [illegible]
عالمیان [illegible]
سیاه [illegible] سلطان [illegible]
گناه [illegible] خطاب حضرت [illegible]
[illegible]
بهشت [illegible] **بیت** [illegible]
[illegible] محمد [illegible]
[illegible] بی حساب به بهشت [illegible] قیامت [illegible]
[illegible] شفاعت [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible]
گفت ای جبرئیل چه حادثه واقع شده گفت یا رسول الله [illegible]
رسول [illegible] یا رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible] گفت یا رسول الله [illegible]
یا رسول الله [illegible] عاصیان [illegible] عذاب [illegible]
ضعیف گفت ای جبرئیل [illegible] رسول الله [illegible]

بگریه درآمد و گفت شبانه روز میگریست و با هیچکس سخن نمیگفت و مسجد میرفت و نماز میکذارد و بخانه میآمد از صحابه
هیچکس از زهره آن نبود که از وی پرسد که چه افتاده است ایشان پیش علی علیه السلام رفتند و سلمان بخانه حضرت فاطمه علیها السلام
آمد و گفت یا بنت رسول الله سه شبانروز است که پیغمبر میگرید و با هیچکس سخن نمیگوید و ما نمیدانیم که چه افتاده است حضرت
فاطمه علیها السلام برخواست و بخدمت حضرت رسول آمد پیغمبر را دید که روی بر خاک نهاده و چندان گریسته که مکان سجده اش
تر شده گفت ای پدر بزرگوار من چه حادثه افتاده است که چندین میگریی حضرت فرمود که جبرئیل بر من نازل شد و گفت که طبقه
اولین دوزخ جای عاصیان امت من است [illegible] گفت ای پدر بزرگوار ایشان را بدوزخ چگونه برند جبرئیل گفت مردان
عاصیان امت را بر روی در دوزخ برند و زنان را بگیسو بدوزخ برند و چون
بکنار دوزخ رسند فریاد برآورند و واویلاه گویند و مالک دوزخ را گویند که ما را دستوری ده تا بر حال خود بگریم
پس مالک ایشان را دستوری دهد ایشان چندان بگریند که آب در چشم ایشان نماند و بجای آب خون بگریند مالک گوید
نیکو بودی اگر این گریه شما در دنیا از ترس خدا بودی پس مالک دوزخ عاصیان را در دوزخ اندازد ایشان
فریاد برآورند و آواز بلند کنند که لا اله الا الله آتش ایشان را نسوزد و ایشان لا اله الا الله گویند مالک با تعجب
نظر کند که آتش گوید چگونه بسوزم کسی را که لا اله الا الله بر زبان دارد مالک گوید که امر خداوند است پس ایشان
که خدا را سجده کرده اند و اعضای ایشان را نسوزد و در ماه رمضان تشنگی کشیده اند دوزخ ایشان را [illegible]
خدای تعالی فرماید که پادشاه عالم جبرئیل را فرماید که برو و ببین که حال ایشان چگونه است جبرئیل بیاید و ببیند
بر حال ایشان گریه کند حق سبحانه و تعالی فرماید که ای جبرئیل در دوزخ برو و معلوم کن جبرئیل بر در دوزخ آید مالک
از دوزخ برآید جبرئیل احوال عاصیان امت محمد بپرسد مالک گوید برادر جبرئیل حضرت محمد را از ما
برسان و بگو که امت تو ضعیف و نحیف در دوزخ گرفتارند و امید بشفاعت تو دارند و از حق بخواه که ما
عاجزیم طاقت عذاب نداریم جبرئیل برود و حضرت رسول را خبر کند حضرت سجده کند و گوید خداوندا امت عاجز
را از دوزخ بیرون آور حق تعالی فرماید که ایشان را بتو بخشیدم چون
مغفور شدند ایشان را بیرون آورند از دوزخ بر و سیاه شده باشند چنانکه زغال
ایشان را بچشمه برند که آب حیوان خوانند ایشان در آن چشمه غسل کنند و روی ایشان چون ماه تابان روشن
شود و پاک گردند و صورتها نیکو شود اما بر پیشانی ایشان نشانی باشد که عتقاء الرحمن من النار
آزاد کرده خدای از آتش دوزخ و ایشان را به بهشت فرستند و اهل بهشت ایشان را
ببینند بدانند که ایشان از دوزخ بیرون آمده اند ایشان از خدای بخواهند که آن نشان از ما دور کن
پس ایشان نیکو شوند و حق سبحانه و تعالی

از کرم و لطف خود خطا از پیشانی ایشان زایل کرداند چون مسلمانان بشفاعت حضرت محمد از دوزخ خلاص یابند و به بهشت
روند کافران و منافقان همه در دوزخ گویند کاشکی ما نیز از مسلمانان بودیمی تا که حضرت محمد ما را شفاعت کردی حق
سبحانه و تعالی آن آیه بفرستد که ربما یود الذین کفروا لو کانوا مسلمین همچنین آنان که از امت محمد باشند که بکنه
مانند از امت محمد بودمی ای عزیزان عظیم منصبی و دولتی در جنت است که حق سبحانه و تعالی کرامت کرده است که ما
از امت محمد و بی ما است که انبیای بزرگ تمنای این کرده اند حکایت آورده اند که موسی گفت خداوندا در الواح تورات
خوانده ام که امتی را می یابم که ایشان را شفاعت دهند ایشان را از امت من گردان پادشاه عالم فرمود که ایشان از امت محمد
کردانیدم موسی گفت خداوندا امتی می یابم که در شبانروزی پنج وقت نماز بپای دارند و در ماه رمضان روزه
دارند ایشان را از امت من گردان گفت ایشان از امت محمد کردانیدم موسی گفت خداوندا امتی می یابم که زکوة مال بدهند
ایشان را از امت من گردان گفت ایشان از امت محمد کردانیدم دیگر باره موسی گفت خداوندا امتی می یابم که حج کنند
تا از ایشان حساب بهشت روند ایشان را از امت من کردان حق سبحانه و تعالی گفت ایشان از امت محمد کردانیدم موسی
گفت یا خداوند چون ایشان تمام امت محمد کردانیدی مرا نیز امت محمد کردان حکایت آورده اند که روزی پیغمبر
حضرت رسول نشسته بود کافرانی آمد و گفت یا رسول الله اسلام بر من عرضه کن که مسلمان شوم حضرت رسول گفت چه چیز ترا
گردانید تا که اسلام در آیی گفت یا رسول الله دوش در خواب دیدم که قیامت برخواسته است و مردمان در
وحشت تمام گرفتار بودند کا جماعتی را دیدم که سفید روی و سفید دست و سفید پای در آمدند و بعضی ایشان مانند
گفتم اینها پیغمبرانند گفتند نه گفتم اوصیای پیغمبرانند گفتند نه اینها امت محمد اند پس بدین سبب رغبت افتاد که مسلمان
شوم پس حضرت پیغمبر علیه السلام رو بصحابه کرد و گفت تحقیق که روی بعضی ایشان مانند ماه تابان بود
آواز شنید که از آن غار بیرون می آمد که می گفت خداوندا امت محمد را بیامرز و ایشان را بر تو بخشیدی حضرت
یکی از یاران فرمود که در آن غار رو و ببین که کیست درون رفت شخصی را دید در غار افتاده و میگفت خداوندا
از امت محمد کردان گفتم تو کیستی گفت رسول الله علیه و آله السلام برسان و بگوی که خضرم که از حق تعالی خواهم
میخواهم که مرا از امت محمد کرداند حکایت آورده اند که فردای قیامت دو کس را در صراط حاضر آورند که ایشان مستحق
دوزخ باشند یکی را گویند بدوزخ رو و بدوزخ رود و آن دیگر را گویند که بدوزخ رو نرود و گوید الهی تو میدانی که مستحق
دوزخ بسبب گناه و نافرمانی کرده ام که امروز تا فرمانی کنم عذاب سخت تر کرد خطا عمر همه عمر نکردی بازگردانید و در بهشت
بردند دیگری آن دیگر را گویند بدوزخ رو و نرود باوی گویند چرا نرفتی گوید جمله گناه کرده ام که دیگر روم
اما من از رحمت خداوند چنین بود که امید رحمت تو داشتم حق سبحانه و تعالی گوید ای بنده من که نیکو گمان بودی
و یا از گرداند و به بهشت برند حکایت آورده اند که روزی دو پسر

کالبرق الخاطف والریح العاصف

یکی فاسق و فاجر و دیگری زاهد و عابد [illegible] وفات که هیچ نوع اضطراب و جزع و فزع ننمود [illegible]
[illegible] بحالت مرگ رسید پس زن فریاد بر آورد [illegible] که گفت ای پسر [illegible] جزع و فزع چیست
گفت ای پسر [illegible] حکایت است [illegible]
[illegible] رحمت [illegible]
[illegible] **فصل** روی عن النبی صلی الله علیه وآله انه قال سبعة
یظلهم الله فی ظله یوم لا ظل الا ظله امام عادل وشاب نشأ فی عبادة الله ورجل قلبه متعلق بالمسجد اذا خرج منه
حتی یعود الیه ورجلان تحابا فی الله اجتمعا علی ذلک وتفرقا منه ورجل ذکر الله خالیا ففاضت عیناه ورجل دعته
امرأة ذات حسب وجمال فقال انی اخاف الله رب العالمین ورجل تصدق بصدقة فاخفاها حتی لا یعلم
شماله ما تنفق یمینه صدق رسول الله وصدق اولاده رسول الله **المناجات** پادشاها [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **بیت** [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

فغفر الله له فضله علی الحجیج سبعین درجة

علی حسب ما اختلف فیه

ارحم من فی الارض یرحمک من فی السماء

اغتنم خمسا قبل خمس شبابک قبل هرمک

[illegible] فحبب الله خطابا [illegible]
[illegible]
[illegible] مساجد [illegible]
[illegible]
[illegible]
الی یوم القیمة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء [illegible]
[illegible]
قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
یعنی [illegible] امیر المؤمنین دوست خداست و دشمن امیر المؤمنین دشمن خداست [illegible]
[illegible] حب علی کنز من کنوز الجنة [illegible]
الی الجنة وحب فاطمة [illegible] براءة من النار [illegible]
[illegible]
[illegible] **آورده اند** [illegible] امیر المؤمنین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

تحابا فی الله واجتمعا علی ذلک وتفرقا علیه

ویغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم

خواهند بود بهشت فرو آورد ربنا آتنی باز کند برحمت که وذللت قطوفها تذلیلا و دشمنان ما در دوزخ بهشتیان
می‌نگرند و آن نعمتها را مشاهده می‌کنند و دست ایشان بدان نرسد دوزخیان گویند که با ما آب و میوه بدهید از آن
نعمتها که خداوند روزی شما کرده است که افیضوا علینا من الماء او مما رزقکم الله بهشتیان گویند که در شریعت
که از این هیچ بشما نرسد که حضرت حق سبحانه و تعالی این نعمتها بر کافران حرام کرده است که قالوا ان الله حرمهما علی الکافرین
آورده‌اند که امیرالمؤمنین رضه در مسجد بود که امام حسن ع بیمار بود و از آنحضرت انار خواست امیرالمؤمنین رضه دست مبارک
بستون مسجد برد و دست انجا از ستون بیرون کشید بر وی چهار انار بود و امیر انار را باز کرد و با امام حسن داد یاران گفتند
یا امیرالمؤمنین قسیم چنین بهشت که گفت من قسیم دوزخ و بهشتم دوستان خود را به بهشت برم و دشمنان
بدوزخ خبر علی حبه جنة قسیم النار و الجنة وصی المصطفی حقاً الامام الانس و الجنة نقلست که روز قیامت
ندا کنند که کجاند آن نابینایان که بچشم دنیا جمال ما نتوانستند دید پیدا کنید که بهشت در جهد پیدا کنید یاد کنید
دو چیز بکرده‌اند بر آن جهد رضای خدا این فرشتگان که بدینها بروید به بهشت که هبته الکرم الجنة یعنی که اینها با دشمنان بهشت
پنجم مردی که خدا تعالی را به خلوت یاد کند و از خوف عذاب و شوق ثواب او آب از چشم او روان کرده در روز قیامت
در سایه عرش خدا باشد و آتش دوزخ جز آب دیده فرو ننشیند و حبیب ربانی که بر آتش دوزخ خواهند بود در حق ایشان
یاد کنید و از نابینایان پیاده در زکار بیابان کرده و همچنان بیرون شد خود اندیشه که بعضی المجهود حاضر و ناظر چنین
گفت بدیده کار آنحضرت تو بیک قطره چند آب اندیشه کار تو بسیار و من تو رسید از آتش که اگر او آدمی باشد دوزخ
بعضی از آنها بخواهند بود مقولة قوله وقودها الناس و الحجارة منصور عمار که بپا الحج بود رفتم که زن و آدمی سر به
در کعبه که پیر رفتم به در خانه رسیدم آوازی شنیدم که میگفت خدایا الکرکاه کرده‌ام مخالفت امر تو نخواستم و بعد از
تو بازنبودم اما شیطان مرا فریب داد توبه کردم و به در کار خداوند غفار رحمت کنی و آنچه که دم خداوندا اکرم امامر زی و
رحمت کنی که رحمت کنیدم بالا کرد منصور گفت من بر شکافته نهادم و این آیه بخواندم که قوا انفسکم و اهلیکم نارا
وقودها الناس و الحجارة نعره زد و ساعتی اضطراب کرد از ترس عذاب خدای جان بداد گفتم طوبی که دوست هرچه چنین باشد
ودیگر روایت که منصور گفت در مسجد شدم که غالبا که از جوانی ادبیدم که نماز میکرد و گریه میکرد و گفتم ای جوان هیچ
کرده دوزخ وادی هست که ویرا لظی گویند که کلا انها لظی نزاعة للشوی نعره زد و بیهوش شد چون بهوش آمد گفت
یا سین باز کن این آیه را بخوانم که یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا خیر تمام کردم نعره زد و جان بحق تسلیم
کرد که فالوا انا شبرنا التیه یاحضون من بجا در وقت قیام نمودم چون بجامه تن او نگاه کردم بر سینه او خطی
نوشته بود که فهو فی عیشة راضیة و چون در ایام که دم شب ویرا بخواب دیدم که با چه برابر است گفتم خدا
با من چه کرد گفت با انبیای حضر شهدا باشید **بیت** غازی به خون شهادت اندر تک و پوست غافل که قتیل عشق فاضلتر از اوست

حشاء
خدا برخیزید و بحساب به بهشت
بروید خداعتی بروی بهشت
او بیند فرشتگان نشوایشان
اند و کویند من آتم یعنی شما
که بشدید که بیند ما هما بکان

ای تقوا الناس التی م

ما فعل الله بحبیبی

روز قیامت این بار تکیه‌اند کار دیگران و شمار است و اینکه یکشنبه دو **ششم** از آن نفس که روز قیامت در زیر
عرش خدا پیدا باشند که محتاج رحمت‌اند من که جمال الحق الوجیه که فما الرای الطاف الله رب العالمین یعنی بر دیگر رفیقها
جمال و کمال با وجود نعمت و مال او را آلوده گردانند و گریه از غلیان بقدر مسکر بر سر دکان عالم ایشان **آورده‌اند** که جوانی حسن
بغدادی در بغداد راه بکار دید که این ناقه سر خسته بیست یک قدر و کار میکرد و دستش بسوخت شیخ گفت ای برادر این ذات م
چه حالت است گفت در قحط سالی زنی صاحب جمال نزدیک من آمد و گفت بر اطعامی ده که اطفال من گرسنه‌اند گفتم
گفتم تا مرا در خود خود ندهی نان نمی‌دهم و دیگر بروز باز آمد و همان سخن گفت و همان شنید برفت و همچنان بیامد گفت
ای جوان کار از دست رفت با من خلوت کن چه از دم تا خلوت با یکدیگر بیابیم که خوف داریم بوی چون
خلوت یافتم گفتم مراد من بر من کن چون امانت را خلوت نکردی گفتم این کار نمی‌کنم گفت جای نبیند که پادشاه عالم
میخوار فرشته بیابد دو نابرده و تا برخیزم نزد ای بسیار برین ترک دو دوستان زنی بیاشم و وی اطعام
داد و آتش به سر شهوت عصیان کرد و گفت بار خدایا چنانکه این مرد آتش شهوت را سرد کرد این آتش دنیا
و آتش آخرت و دوزخ بر وی سرد کردان از آن شیخ از برکت دعای آن زن است که آتش بر من سرد است ای بار
هرکه امروز آتش شهوت خود را بر حرام سرد کند فردای قیامت بر صراط کذرد و آتش دوزخ بفریاد که جز یا مؤمن فان نورک اطفأ لهبی م
یعنی ای مؤمن زود بگذر که نور تو بنازد آتش من فرو نشاند ای مؤمن **بیت** چه شهوة آتش است از وی بپرهیز
بخود در آتش سوزان مکن تیز دران آتش نداری طاقت سوز بصبر آبی بران آتش زن امروز **ایا** عزیز آن مؤمن که
متابعت شهوات نکند و از حرام و دنیا پرهیز کند فردای قیامت با آتش دوزخ گرفتار نباشد **حکایت** آورده‌اند که
عیسی پیغمبر ع بکوهستان نگذشت که دید و ماده که آتش از آن بیرون می‌آید عیسی گفت خداوندا الخبر این را بر من آشکار
گردان این گفت و در وقت نماز کرد دو شخص بر کوه پیدا شد و بهیکل آتش شد و شخص دیگر بیرون آمد آتش که وقت
عیسی گفت ای شخص تو چه کسی گفت یا روح الله من مردی بودم در اهل و عیال و مردم به من و چون اهل دنیا بار شتاب
میکردم چون وفات کردم مرا دفن کردند آوازی بگوش من رسید که بیا بخور این در آن تن کشتار و فرزندان بمی‌روند
عیسی بگرید که دعائی بیابد عظیم در کنار بیابد بترسید گفت یا ایها الذی چه مسکین ماند گفت تا مرا دفن کردند که ای
غایب بودم با زمین کرد که قطره‌ای آب نه در چاه شد تا بروی فرود آید و آتش پس آنچه قال نوری ای آتش که
یا روح الله مراد که خدای تعالی بجای آورد و جسب دعای تو بر من رحمت کند عیسی دوکعت نماز کرد و دعای بزرگی خطای
عفو در سبیل کرد و آتش مسیح که آتش خدا این مرتبت که چون تو دعای مسکین اصلا نخشیدم عیسی گفت ای برادر بخواهی
تا دعا کنم که زنده شوی گفت یا عیسی زنده که زنده شدم پس مینخواهم که بیابید بر دیا عیسی بیست سال است که مرده‌ام هنوز تلخی
جان کندن در کام من است عیسی دعا کرد تا آن روح بقرار شد و برفت **هفتم** از آن هفت تن که روز قیامت در زیر

٣٠٣

رحمت خدای باشد که رجل تصدق بصدقة فاخفاها حتی لا تعلم شماله ما تنفق یمینه یعنی مردی که تصدق بدهد

راست دهد و پنهان کند چنانکه دست چپ نداند آورده‌اند که چون حق تعالی زمین را بیافرید فرشتگان [illegible] بود

گفتند چه چیز بر آن غالب باشد فرمود که آب گفتند چه چیز بر آب غالب باشد فرمود که خاک بر آب غالب باشد گفتند چه چیز

بر خاک غالب باشد فرمود که باد گفتند خداوندا غالب‌تر از اینها چه چیز باشد حق سبحانه و تعالی فرمود که حکم بنده من که صدقه

بدست راست دهد که دست چپ او خبر نباشد [illegible] غایت [illegible] صدقه [illegible]

پس هر که خواهد که حضرت حق تعالی [illegible] او را از آفات و غافلات و بلیات نگاه دارد باید که بصدقه دادن مداومت نماید

اگر چه اندک باشد که تصدقوا ولو بشق التمرة یعنی صدقه دهید اگر چه نیمهٔ خرما باشد **حکایت** آورده‌اند که مردی از

بنی اسرائیل قحط بود و زنی در صحرا بود و هیزم جمع میکرد و لقمه‌ای نان در دست داشت درویشی فرا رسید

[illegible] گفت یا امة الله گرسنه‌ام زن لقمه را از دهن خود بیرون کرد و به درویش داد [illegible]

بیابان [illegible] و کودک [illegible] که [illegible] فراز [illegible] حق تعالی [illegible] و کودک او را [illegible]

باز [illegible] و گفت این لقمه عوض آن لقمه است که در دهن درویش نهادی **فصل دهم**

روی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم انه قال لقمة واحدة [illegible] بها [illegible] خیر لکم من عشرة دینار تصدقونه

بعده [illegible] الکرم التی [illegible] الصدقة [illegible] جوامع الدنیا صدقه رسول الله [illegible]

رسول الله حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید که [illegible] شرط [illegible]

[illegible] دنیا کرمن [illegible] الدنیا من [illegible] الاخرة یعنی عمل صالح کنید [illegible]

[illegible] الابصار ظالم شود [illegible] و صدقه [illegible] جمع کند و قسمت

[illegible] دشمن [illegible] وصیت [illegible]

وصیت [illegible] بخواهد [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده

یاد کرده [illegible] خود [illegible] بهتر [illegible] وصیت کنی

[illegible] حضرت [illegible] بود که ان الله طیب لا یقبل

الا الطیب صدقه رسول الله حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که فردای قیامت [illegible] قیامت

[illegible] و آن صدقه [illegible] دست آن بنده [illegible]

آن بنده [illegible] صدقه [illegible] دنیا [illegible]

[illegible] آدم [illegible]

[illegible] قیامت [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده **بیت** [illegible]

کر آتش گفتند چه چیز بر آتش [illegible] غالب است فرمود ۳

٣٠٤

کس نیارد [illegible] توبیش [illegible] عمر [illegible] و افتاب [illegible] ای [illegible] دست [illegible]

قیمت [illegible] دستار [illegible] خود [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت فرموده [illegible] عوض باشد [illegible] بالحسنة

[illegible] **حکایت**

آورده‌اند که پادشاهی ظالم و ستمکار [illegible] دشمن [illegible]

با صدقه [illegible] طعامی [illegible] پیش داشت [illegible]

درویشی [illegible] طعام خواست زن گفت [illegible] پادشاه [illegible] درویش [illegible]

دادن [illegible] پادشاه [illegible] دست [illegible]

بگرفتند [illegible] خواست [illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] گفت [illegible]

که دستهایت [illegible] دستهاء [illegible]

[illegible] دستها [illegible]

دست [illegible]

اکنون [illegible] آمدیم [illegible] دستهای [illegible]

[illegible] **بیت** [illegible]

[illegible] حضرت فرموده [illegible] یدعون ربهم بالغداة و العشی یریدون وجهه [illegible]

[illegible] قیامت [illegible]

[illegible] درویش [illegible] دستار [illegible]

[illegible] وجواب [illegible]

[illegible] **حکایت** [illegible] بیت المقدس [illegible]

دیدم که [illegible] خدای [illegible]

[illegible]

[illegible] قیامت [illegible] بهشت [illegible]

پادشاهی [illegible] کلید بهشت در دست [illegible] **بیت** [illegible]

ایشان [illegible] کلید بهشت [illegible]

بود هیچ ثنائی نکند و نبایستی که عقلای عالم و امتان بنی آدم از خدای تعالی فقر و درویشی خواستندی و آقا انکه انبیا علیهم
برکزیده و رسل پسندیده بر وی شب و روز دعا میکردند که خداوندا ما را از امت محمد کردان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و
سلم میفرمود که اللهم احینی مسکینا و امتنی مسکینا و احشرنی فی زمرة المساکین دویم انبیا و رسل برکزیده هر کاه که مبتلای
کرفتاری شدندی بحضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم التجای شفیع آوردندی و حضرت رسول درویشان صحابه را شفیع خود را
شفیع آوردی چون سلمان و بوذر و سایر اکر فردای قیامت جمعی زهاد و عباد بقصور طاعت و عبادت خود اعتراف کنند
حضرت حق سبحانه و تعالی جل جلاله و عم نواله و عظم شانه بخودی خود از کمال لطف و کرم بی کام و زبان و جارحه
درویشان را عذر خواهند و فرماید و بی سبب که عبدی لم اضع الدنیا لهوانک علی فادخل الجنة لتری ما اعددت لک
من النعیم یعنی ای بنده درویش من دنیا را ندادم از برای انکه تو نزد من خوار بودی بلکه ... درویش بهشت در آی دنیا را ندادم
تا ... [illegible] ... هر چند دعا کنی اجابت نکنم ... بهشت و حور
که برای درویش در نکرده ... [illegible] ... بخشید
دست ایشان ... بهشت رسانند **نقلست** که درویشان صحابه ... رسول ... فرستادند ... رسول الله من
رسول درویشان ... حضرت رسول کفت مرحبا بک من جئت من عندهم من حبیب ... قوم احبهم الله یعنی ...
... کرده ... خلفا ... خدای کفت یا رسول الله ... بکو که ... توانکران ...
ایشان حج میکنند و ما نمیتوانیم و صدقه و زکوة میدهند و ما را دست رس نیست ... مال ...
مال ... حضرت رسول ... فرمود ... من الفقراء ... الاغنیاء ... درویشان
بر ... ایشان ... خصلت ... اول ان فی الجنة غرفة
ینظر اهل السماء الیها کما ینظر اهل الارض الی النجوم لا یدخلها الا نبی فقیر او مؤمن فقیر او شهید فقیر یعنی در بهشت غرفه است
که اهل آسمان بدان نکرند که اهل زمین بستاره آسمان ... فقیر ... باشد ... شهید ...
دوم ان یدخل الفقراء الجنة قبل الاغنیاء بنصف یوم و هو خمس مائة عام ... سلیمان بن داود علیه السلام
اعطاه الله ... یعنی ... درویشان ... سلیمان ...
سال ... سیم ... خصلت ... سبحان الله و الحمد لله و لا اله
الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ... ثواب ... بالصدقة ...
و المساکین عشرة ... یعنی ... درویش ... اخلاص ... ثواب ...
... رضا
... بهشت ... **حکایت**

یوم القیمة فی زمرة المساکین
ویشفعون علی الذنب کرو ام

کر تو بدنیا دم نبودیم

مقدار خمس مائة عام یتنعمون
فیها حیث شاءوا ویدخل
سلیمان بن داود ع

طاوس حرمین کوید سالی بحج میرفتم خواستم که سعی کنم میان صفا و مروه چون بر کوه صفا شدم جوانی دیدم با صفا
کهنه پوشیده و آثار صلاح از آن ظاهر و واضح چون به جهاد صفا شدم چشمش بر کعبه و سوی آسمان کرد و کفت
انا عبدک ... بحضرت ... فلان ... دو طبق دیدم که
از آسمان فرود آمد و در پیش او نهادند ... در طبق ... میوه های خوب ... طبق
هر کز چنان ... ندیده بودم ... کفت ... بشنیدم ... ننهاده ... نام ...
فرمود ... در طبق ... بن ... ابو ... امام
پیران ... کفت ... دو ...
رب اغفر لی وارحم و تجاوز عما تعلم انک انت الاعز الاجل الاکرم و من در عقب او میرفتم ...
من ... امام ... طاوس ...
... امام ... زین العابدین علیه ... است ... بود
... **حکایت** ... امام محمد باقر
علیه السلام ... عبد الملک مروان ... و ... بر ...
... امام زین العابدین بن حسین علیه ... امام
... علی بن الحسین ... از دنیا ...
... دنیا و الاخرة
... امام زین العابدین علیه
چون ... صدق و اخلاص ...
احتیاج ...
امام ... احتیاج
چون ... مقصد و مقصود ...
فصل یازدهم ... عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم من اصبح آمنا معافی فی سربه و عنده قوت یومه فکانما حیزت
له الدنیا بحذافیرها صدق رسول الله و صدق ... رسول الله ... **المناجات** ...
بی ... پادشاه ...
... پادشاهی ...
که چون ... بالله

۲۰۰

ومشتاقان عاشق را پناه است خوش صاحب دولتی که سحرگاه که محبت بمحبوب و عاشق بمعشوق است او را بدرگاه لایزالی راه است
و این بیان جاهل غافل مست از شراب شهوت که عمر عزیز به بازی خطا و گناه است بیت گفتم ملکی که نام او اللّٰه است * و هر سو دل
بنده خود آگاه است * دلها بحضرت اکرم مرهم فرست * ای اسم اعظمت در گنجینه شفا * یا رب بلطف خویش گناهان ما بپوش * و روی
کرده‌های ما از نظر بپوشان * یا دشاها در انجامها ... و هر وعده ... امید ما از خلایق منقطع شود امید ما را از رحمت
خود منقطع مگردان یا اکرم الاکرمین و یا خیر الناصرین برحمتک یا ارحم الراحمین باب روایت از آنکه صحیح مسند رسالت
و مسند بر مجره جلالت حضرت مکارم اخلاق سلطان سلاطین آفاق خواجه فرزند قریش و منزه از جمیع خطا
و شرک و زینت عدله ... افلاک بر گزیده سلطان عالم خاک و عالم فخر انا ارسلناک شاهدا و مبشرا
و نذیرا ... بشیر المؤمنین شاه رفعت ... ماه تقبیه ... یعنی سید انبیا و سرور اوصیا محمد مصطفی صلی
اللّٰه علیه و سلم آن خواجه ... که گوید ... سفر باید که هر بنده که ... دوستی حضرت
داشته باشد چنان ... که مال عالم را از برای وی جمع است بیت هر که با ملامت و نیاز در آید و بر نعیم نشستن
آشیانی دارد * خادم کی بود مخدوم کسی * گر شاد بزی که خوش جهانی دارد * ای بنده مؤمن این نعمتها
که هیچ چیز در مقابل ... شکر ... بجای آوری
اگر ... بیمار شوی ... نفس و مال و اهل و عیال ... و دولت ساعد ... خود شی
و نات ... تو بر ... که ... قیام نمائی ... الطف حق
و راه خطا و باطل ... افضل و پادشاهی خود ترا کرامت کرده و بر جمیع مخلوقات برگزیده عقل و حسن و نطق و هوش
و علم و حکمت و صورت نیکو و قامت راست ... معاش ... ظاهر و باطن داده ... کما قال اللّٰه تعالی
و لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن
خلقنا تفضیلا ... و علم و حکمت ... فرمای ...
ملکوت مقرب ... و ... جهل و هوای نفس و غفلت و شهوت و لذات نفسانی قدم ...
ما ... کالانعام بل هم اضل ... اختیار ... دست ...
سعی ... نفس ... شیطان ... لذات و شهوات و اخلاق ...
مثل حقد و کبر و ... و عیب ... و قصد ... کرده اند ... آزار مسلمانان بودن ...
بست ... صفت شیاطین و دواب است ... صفت انسان ... موافق ...
صفت انبیا و ... اولیا و ... عبادت ... باش ...
زاد ... خود ... مرکب ... نفس اماره و شیطان ... حرب و جهاد ... خود

هرکه در کعبه ... غفار نگاهی ... رحمت

چنانکه حق تعالی فرموده

۲۰۷

از چشم و گوش و زبان و دست و پای و غیر آن و اسما و صبر و ... نوعی نفس و حرام و شبهات ... بوی
بکند و عاشق ... طلب ... الحق حق سبحانه و تعالی ... رحمت کند و سعید
ابدی گردد ... دشمنان ... دوستان ... شراب ... رحمت
و اکر امروز ... شیطان ... قیامت ... بیاید
و جان ... رضای خدای ... قیامت ... بهشت فرشته
با ... انعام و اکرام ... رنج ... موجود کرده
کقوله تعالی ... ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین
و ... ان اللّٰه اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان
لهم الجنة ... نفسها
... بهشت ... جلاله ...
... بهشت دار ... جل جلاله ...
و ... بهشت ... بهشت ...
... مؤمنان ...
... دلالت ...
... قل ان کنتم تحبون اللّٰه
فاتبعونی یحببکم اللّٰه و یغفر لکم ذنوبکم و من یطع اللّٰه و رسوله فقد فاز فوزا عظیما یعنی ... محمد ...
متابعت ... رضای حق ...
هر که ... تمام ...
...
... ان اللّٰه اشتری من المؤمنین
انفسهم ...
...
... بیت ...
...
... بیت ... عزیز ... یوسف ...

ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین

قل ان کنتم تحبون اللّٰه

وضواس و اهل خود را آنچه کرد او را کی بیچاره به لین حق سبحانه و تعالی ترا بخیر به ما بکرما کرم ترا فزود انا لحافظات تو شنیدی
و ان علیکم لحافظین کراما کاتبین یعنی وکیل و عذر خواهان تو باشند که ... یستغفرون لمن فی الارض یعنی ابوی
طلب آمرزش کنند و نیز ... [illegible]
پادشاهی مصر با و افتاد ... و انواع اعزاز و احترام مخصوص کردانید و لقد کرمنا بنی آدم و ...
... الدنیا سجن المؤمن و جنة الکافر ... دعا فاجبته ...
[illegible]
... حکایت ...
[illegible]

شبلی

... در بند ... حکایت آورده اند که ...
از میان ... کفت ای شیخ ... طلب کن شیخ کفت ای درویش ...
شیخ کفت ... سورهٔ اخلاص ... دینار فروختی کفت ...
دینار فروختی کفت ... بیع دینار فروختی کفت ...
بعد از آن شیخ کفت ای درویش ...
[illegible]
... اخلاص ... دینار فروختی کفت ...
[illegible]

بشخص دویم دهد او نیز جان بحق تسلیم کرده بود همچنین تا با این شخص هفتم رفت همه جان بحق تسلیم کرده بودند همچنانکه آب
نوشیدند و جان شیرین بحق تسلیم کردند لیکن از آن جوانمردان چنین بوده اند تا دم مرگ از خود را بر دیگری برگزیده و فرق نکرده‌اند
و تقصیری نکرده اند تا سر جان عالم حضرت شاه اولیا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب بود که در راه حق جان را صرف کرده **بیت**
کرم خلق بخشش درهم است * کریمی که فدا کند کرم است * لاجرم این آیه در شان او و حق تعالی فرو فرستاد که و من الناس من یشری نفسه
ابتغاء مرضاة الله و آنچنان بود که مشرکان قصد حضرت رسول ص و اله کرده بود و جبرئیل آمد و گفت یا رسول الله
حق سبحانه و تعالی میفرماید که امشب حضرت امیر المؤمنین ع را بجای خود بخوابان و خود بغار فرار که مشرکان قصد تو کرده‌اند
خواجه کاینات شاه مردان را بخوابانید و آنچه را بتمامی بیان کرد امیر المؤمنین ع فرمود که هزار جان من فدای تو باد چون شب آمد
حضرت رسول ص حضرت امیر المؤمنین را بجای خود بخوابانید و خود بیرون رفت جماعتی از مشرکان که بگرد حجره او بودند
خفته اند که حضرت پا از خاک برگرفت و قدری بر سر هر یک بیخت و آیه و جعلنا من بین ایدیهم سدا بر ایشان بخواند چون — و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون ٣
ایشان بیدار شدند بر سر خود خاک دیدند گفتند که این خاک بر سر ما که ریخته باشد با هم گفتند که کار دیگر از این خاک بوده و خاک بر سر
بخت ما خواهد بود چنین جمله مشرکان تا … بحق حضرت رسول ص و اله رفتند تا امیر المؤمنین علی را خفته دیدند بجای
رسول صلعم روی مبارک خود پوشیده و پاهای خود را ظاهر کرده چونکه پاهای حضرت امیر مانند پای حضرت رسول بوده ایشان
پنداشتند که رسول است و بدان مشغول شدند و حضرت رسول ص و اله بمقام خود رسیده پس ایشان در آمدند و هر یک را
میکشت … امیر المؤمنین ع برخواست و گفت شما را چه بوده است … حضرت امیر گفت که شما — کشته بکار باشد ٣
گفته … علیهم یعنی من نگهبان او نبودم تا دائم او بنگهدارم … ایشان … خاک بر سر ایشان … و نقل است که
در آن شب حق سبحانه و تعالی … فرمود … جبرئیل و میکائیل … فرمود که کلام است
ان شما را جان خود را … هر یکی … حق سبحانه و تعالی فرمود که علی از شما
هر دو جوانمردتر است که جان خود را برای محمد فدا کرده … پس … بر ایشان آمدند و گفتند
من مثلک یا ابن ابی طالب یباهی الله بک الملائکة المقربین یعنی کیست مانند تو یا علی که از فرشتگان مقرب بحق …
چنین بیاید که خواجه عالم شاه مردان را گفت اگر ایمان خلایق و عملهای ایشان را در یک پله ترازو نهند و عمل ترا یا علی که
در روز احد کرده در پله دیگر نهند … علمای … فرمود که سمعت الله فی لیلة المعراج
یقول علی بن ابی طالب … من … و اطاعه … یعنی در شب معراج پادشاه عالم فرمود علی بن ابیطالب
حجت من است بر خلق عالم و نور من است در شهرهای من و امین من است در علم من …

فصل دوازدهم و عن النبی صلی الله علیه و آله … ان فی ذلک … القطرة … من تحت العرش
ثم … قال حبیبی … الامین جبرئیل ع گفت …

یا علی لو وضع ایمان الخلائق و اعمالهم فی کفة میزان و وضع عملک یوم احد فی کفة الاخری لرجح عملک علی جمیع ما عمل … ٣

٣١١ ابن عبد الله عباس گفت که روزی حضرت رسول الله با ما نماز فرض پیشین بگذارد برپای خواست و گفت هر کرا دوست دارد
اهل بیت مرا دوست دارد باید که … در عقب من بیاید ما همه برپای خواستیم و در عقب حضرت رسول رفتیم
تا رسیدیم بمنزل که آن … فلک نبوت و آن نقطه خطه رسالت چراغ اهل بیت مصطفی فاطمه زهرا علیها السلام حضرت رسول
دست بر حلقه در زد … تاج … و آن شمس … مشرف … تشریف … بغایت قال السلام علیکم
… الاذکار للعالمین امیر المؤمنین و امام المتقین علی مرتضی علیه التحیة … بر در …
مبارک بخوبی … دست … حضرت رسول ص و اله و سلم فرمود که یا علی …
بنمودی و معاینه دیدی علی گفت یا رسول الله … فدای تو باد در وقت پیشین خواستم که … کنم و فرایض حق
سبحانه و تعالی بجای آورم و بسوی فرزندان خود امام حسن و امام حسین کردم و ایشان از … آب … نیافتم
تا … آوازی شنیدم که گفت یا ابو الحسن بجانب راست خود نگاه کن چون نگاه کردم سطلی دیدم آویخته و معلق در هوا
در وی آبی بود سفیدتر از برف و شیرین‌تر از عسل و خوشبوی‌تر از گلاب پس از آن آب وضو ساختم و چون خواستم
… پس قطره آب بر سرم چکید که خنکی آن … حضرت رسول فرمود که یا علی هیچ میدانی که آن سطل از کجا
گفت خدا و رسول خدا داناتر است پس حضرت رسول ص و اله فرمود که آن سطل از سطلهای بهشت بود و آن آب از زیر درخت طوبی
بود و آن آب که بر سر تو چکید از زیر عرش بود پس حضرت رسول ص دست مبارک خود بر سینه مبارک امیر نهاد و …
… و فرمود که حبیب من … و چشم من … جبرئیل امین خادم او بود …
یا علی که جبرئیل امین … رسول الله … خطاب میفرمود که یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک
و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس یعنی … یا محمد … ترا نگاه دارد … فضل و کمالات
امیر المؤمنین علی … فرمان من بجای … باشی و این آیه … فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا
… ندع ابناءنا و ابناءکم و نساءنا
و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین … قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم
و من عنده علم الکتاب و طاعت علی بر خلق واجب … — کما اطیعوا الله و اطیعوا الرسول … طاعت علی بر خلق واجب کردانم ٣
…
فی العلم **حکایت** آورده اند که … بن عبد الله … گفت …
کرده …
…

بر این وعده تا ان کز من فهم و اهل و عیال خود را ملاقات کردم و عهد ثانی کردم و باز آمدم فرمود که چشم برهم نه چشم برهم نهادم
فرمود که چشم بگشای چون بگشادم فرمود که در کجایی خود را در بام حضرت امیر یافتم گفتم بر بام سرای تو یا امیر المؤمنین گفت
یا جبیر مردم عالم دعوی [illegible] کردند و ساحری [illegible] از بن عراق بن [illegible] و گفتم آری فرمود که اگر یار جوید کز خود قادر
ما با یاران خود [illegible] یا جبیر [illegible] من که هستم من علی بن ابی طالب امیر و وصی رسول خدایم و دیگر فرمود که انا آیة التوریة
والانجیل والزبور والفرقان الحکم الذی یفصل الخطاب چون حق تعالی جل جلاله و عم نواله عظم شانه موسی علیه السلام فرمود که از
امیر المؤمنین علی علم آموزد در آن وقت که پیش از خضر علیه السلام باز گشت برادر شما موسی رسید که موسی از [illegible] چیزی گفت
کز من و خضر در کناره دریا نشسته بودیم که مرغی از هوا در آمد و منقار پر از آب برگرفت و بسوی مشرق انداخت و دیگر باره
برگرفت بسوی مغرب انداخت و باره دیگر برگرفت و بسوی هوا انداخت و دیگر باره برگرفت و بزمین انداخت و [illegible]
[illegible] فرو ماندیم [illegible] گفتم [illegible] پرسیدم گفت معنی این آنست که خدای تعالی
[illegible] ساخت [illegible] آسمان [illegible] بعد از شما پیغمبری بیاید و نام او محمد
[illegible] علی بن ابی طالب [illegible] علم [illegible] علم شما قطره چون
[illegible] حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] خیبر [illegible] چشم
شجاعت [illegible] حضرت رسول [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] غضب [illegible] گفت [illegible] حضرت [illegible] رسول [illegible] بنیاد رفت
[illegible] حضرت [illegible] فرمود که [illegible] اسلام [illegible] که خدای [illegible] رسول [illegible]
در خیبر [illegible] علی [illegible] حضرت [illegible] امیر المؤمنین [illegible] فرمود که
یا علی چشمش [illegible] دهن مبارک خود بر چشم او بکشید فی الحال صحت یافت
و فتح [illegible] شاهمردان [illegible] چشم [illegible] حضرت [illegible] امیر المؤمنین علی [illegible]
و فتح خیبر [illegible] امیر المؤمنین [illegible] تا قیامت [illegible]
[illegible] و بود القصه چون شاهمردان [illegible] خیبر [illegible] حصار [illegible]
شاهمردان [illegible] ضربتی [illegible] چون [illegible] شد و [illegible] کرد
خیبر [illegible] علم نجوم دانسته بود [illegible] حضرت شاهمردان خیبر [illegible]
و [illegible] حاصل [illegible] شاهمردان [illegible] غلبه [illegible] شاهمردان [illegible]
در [illegible] حضرت شاهمردان [illegible] ولایت [illegible]
و [illegible] شاهمردان [illegible] حضرت شاه ولایت اسلام [illegible] فی الحال مسلمان شد و بعد از آن شاه [illegible]

[illegible] خیبر [illegible] خیبر [illegible] تمام حصار [illegible] خیبر [illegible]
[illegible] یک [illegible] قدم از خندق دور انداخت [illegible] چهل [illegible] آن در را [illegible]
[illegible] برداشت [illegible] خندق [illegible] اصحاب [illegible]
و دست شاهمردان [illegible] یا رسول الله [illegible] علی [illegible] تا [illegible] خلق
[illegible] امیر المؤمنین [illegible] خندق [illegible]
که لعنت خدا [illegible] حضرت [illegible]
حضرت [illegible] رسول صلی الله علیه و آله [illegible] فرمود که یا علی [illegible] خلق [illegible]
[illegible] عیسی [illegible] عبدالله مسعود [illegible] گفت
[illegible] رسول خدا [illegible]
[illegible]
[illegible] الله [illegible] السموات والارض [illegible] الارض [illegible]
با علی [illegible] خیبر [illegible] صفیه دختر حیی بن اخطب [illegible]
[illegible] شوهر [illegible] خشم [illegible]
خیبر [illegible] شاهمردان خیبر [illegible]
[illegible] رسول خدا [illegible]
[illegible] یا رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] **فصل سیزدهم** [illegible] عن النبی صلی الله علیه و آله [illegible] قال [illegible]
[illegible] رسول الله **المناجات** ای
[illegible] **بیت** [illegible]
[illegible]
پادشاها [illegible] توفیق [illegible]
ما [illegible] بحق [illegible] یا [illegible] العالمین [illegible]

مبکی [illegible]

[illegible]

ان للشمس وجهین فوجه یضیئ لاهل السماء ووجه یضیئ لاهل الارض وعلی الوجهین منها کتابة ثم قال [illegible] ما تلک الکتابة قلنا الله ورسوله اعلم قال الکتابة التی تلی اهل السماء [illegible] السموات والارض والکتابة التی تلی اهل الارض علی نور [illegible] امیر المؤمنین [illegible]

و [illegible]

نقل است از آن درّهٔ درج طهر و بدر برج بطحا و شمع لگن صدف الطاف نامتناهی سید و سادات منبع سعادات محمد مصطفی صلی
الله علیه و آله و سلم سفر نماید که نماز نیمگاه از پای داید و ذکر تعالی بهیچ وجه روزه ماه رمضان بدل نماید و حج خواند خدا بکند تا پیش
خداوند حاضر شود و بدل آن حسنات وی نیز نوشته فرموده که نماز نیمگاه از پای در آید از آن تقدیم داشت در این چه حکمت بود زیرا که
جمیع عبادتها نماز است و رکن اعظم طاعات و فرق میان کافر و مسلمان است و نور و برهان و قربت و فریادرس و کفارت گناهان
است و ثنای پیامبران و درجات بندگان بود و بهشت دنیا است و مناجات با خدای جهان است و عبادت پیکان و طاعت فرشتگان است
و میراث پیغمبران است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که ان اول الفرایض بعد معرفة الله تمام الصلوة و اول ما یحاسب
العبد الصلوة فان قبلت قبل ما سواها وان ردت رد ما سواها یعنی اول چیزی که بعد از معرفت الله تعالی بر بنده فرض است
نماز است و اول چیزی که بنده را حساب کنند نماز است و اگر نماز وی قبول افتد علامت آن باشد که جمیع طاعتها و عبادتها
و اعمال و خیرات وی را قبول کنند و اگر نعوذ بالله نماز رد شود هیچ قبول نشود همه طاعات و عبادات و خیرات او را رد کنند
و آنرا نیز بند هم چنین فرق میان مسلمان و کافر ترک نماز است که حضرت رسول فرموده که من ترک الصلوة متعمدا
فقد کفر و نشان ایمان نماز است که علم الایمان الصلوة یعنی نماز ستون دین است که الصلوة عماد الدین یعنی نماز چون ستون
خراب شود دیوار بند مسلمانی خراب بیفتد نماز خواب کند که فردای قیامت دوزخیان سؤال کنند که ما سلککم
فی سقر یعنی چه چیز شما را در دوزخ درآورد ایشان در جواب باز دهند که لم نک من المصلین یعنی ما نماز نگزاردیم [illegible]
که نماز نگزاردیم خواجه کائنات فرموده که هر که نماز را نگاه دارد حق تعالی او را [illegible] شود و [illegible] دارد
و روز قیامت نماز شفیع وی باشد و تاج [illegible] و کلید بهشت و در دوزخ کلمه لا اله الا الله است و اصل ایمان
کلمه توحیدات و هر که نماز نیست ایمان نیست و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که نماز [illegible] که در خواندن
و صاحب [illegible] در پنج وقت در آن آب فرو رود و خود را بشست [illegible] نماز [illegible] هر که
غافل از [illegible] پنج وقت در آن آب غوطه خورد هیچ چرک بر اعضای او نماند و هر که نماز بکند [illegible] الکفر
و نفاق پاک [illegible] شیطان دور [illegible] و بحضرت نزدیک [illegible] خدا [illegible] فرموده که [illegible]
کند و کنار [illegible] شرایط و آداب نماز را بجای آورد [illegible] نماز [illegible] قبول [illegible] **حکایت** آورده اند که امام
حضرت امام زین العابدین [illegible] وضو [illegible] و چون به مسجد آمدی [illegible]
[illegible] و لرزه [illegible] گفتی [illegible] غافل [illegible] بیدار شو [illegible]
[illegible] و معروف و مشهور است که دایم [illegible]
[illegible] إنما یخشی الله من عباده العلماء [illegible]
[illegible] **حیث** [illegible] ای [illegible] غافل [illegible] بنده [illegible] کنا [illegible] لطف [illegible]

قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون

[illegible] رحمت بیقین که رحمت شامل ... موقوف کرده ... **حکایت** آورده اند که ابو [illegible] گفت شبی در حرم [illegible] آوازی
شنیدم که کسی میگفت بار خدایا الکریم در نماز [illegible] و گناهم در صحف [illegible] عظیم [illegible] آمرزش [illegible]
رحمت و کرم [illegible] ابو [illegible] که [illegible] تا بنگرم که کیست چون در نگریستم حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بود
خود از وی پنهان داشتم تا ببینم که چه میکند [illegible] بود که نماز [illegible]
شنیدم که میگفت خداوندا [illegible] نظر میکنم [illegible] چون [illegible] که امیر [illegible]
دیگر گفت آه [illegible] اعمال [illegible] که خود [illegible] و [illegible]
بگریست [illegible] شفاعت [illegible]
بگفت [illegible] خواب [illegible]
بدم و حضرت [illegible] بید [illegible] که [illegible]
امیر [illegible] حضرت [illegible] فاطمة الزهرا [illegible] امیرالمؤمنین [illegible] حضرت فاطمه فرمود که یا
ابو [illegible] امیرالمؤمنین [illegible]
[illegible]
و [illegible] امیرالمؤمنین علی [illegible]
[illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
[illegible] شعبان [illegible]
که طاعت و عبادت [illegible] المرتضی علیه التحیة و الثنا [illegible]
[illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین علیه السلام
[illegible]
[illegible] قیامت [illegible]
[illegible] امام جعفر صادق علیه السلام
[illegible]
[illegible]
[illegible] امام معصوم [illegible]
[illegible] الله تعالی کل شیء احصیناه فی امام مبین [illegible] امام

۲۱۶

وضو او را میداند الفضل حضرت امام جعفر در حالت رحلت بفرمود که جمله خویشان ...

روشن است و امام بر او شاهد است و هر چه الله تعالی موجود فرموده در زمین و آسمان از نظر حق بیرون نیست [illegible]
امیر المؤمنین علیه الصلوة والسلام و امامان که فرزندان او بودند تا قایم آل محمد علیهم السلام بر آن بینا اند و [illegible]
کنند [illegible] جمله خویشان جمع شدند امام جعفر علیه السلام در حالت رحلت [illegible] فرمود که شما را
وصیت میکنم بنماز که هر که نماز بجماعت نگذارد فردای قیامت با ما نباشد و در شفاعت ما داخل نباشد و هر که نماز تنها
گذارد چنانکه اهل نماز میکنند و با نماز گذارندگان شفاعت ما و حق ما بی نصیب باشد چنانچه گفته شد که نماز را عمود دین
است با جماعت فاضلتر و ثواب او بیشتر بود و هر که نماز بجماعت کند پیغمبر [illegible] کرامت کند [illegible]
اول آنکه گور او را فراخ گرداند دوم عذاب گور بر او آسان گرداند سیوم در قیامت نامه اعمالش بدست راست وی دهند
چهارم در صراط بآسانی بگذرد [illegible] پنجم بی حساب به بهشت [illegible] و در حدیث آمده است که هر که نماز بجماعت نگذارد
با کاهلی نماز کند حق تعالی [illegible] بلا گرفتار کند نعوذ بالله من غضب الله سه در دنیا و سه در حالت مرگ
و سه در گور و سه در قیامت اما آن سه که در دنیا بود اول برکت از کسب [illegible] دوم [illegible] سیوم [illegible]
[illegible] دوست [illegible] اما آنسه که در حالت مرگ بود اول آنکه [illegible] دوم [illegible]
سیوم [illegible] بقیامت [illegible] و آنسه که در گور بود اول آنکه گور او تنگ بود دوم [illegible] پرسش سخت [illegible] سیوم از
[illegible] منکر و نکیر جواب [illegible] سوالش دشوار بود [illegible] و آنسه که در قیامت بود اول آنکه حسابش دشوار بود دوم
[illegible] سیوم خصم خدای تعالی بود [illegible] حضرت خواجه هر دو سرای محمد مصطفی
صلی الله علیه و آله وسلم فرموده [illegible] حضرت شاه اولیا و سلطان انبیا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب
از حضرت رسول [illegible] فرمود که حضرت حق سبحانه و تعالی فرشتگان [illegible]
[illegible] و جمعی در قیام اند [illegible] و نصف [illegible] ایستاده اند [illegible]
و نماز [illegible] امت محمد [illegible] نماز بجماعت [illegible] القیام مانند آن فرشتگان باشد که در قیام اند [illegible]
آن فرشتگان [illegible] مانند آن فرشتگان [illegible] ندای [illegible] امت محمد [illegible]
بی نصیب باشد [illegible] نماز با جماعت [illegible] خیر و ثواب و رحمت و شفقت در جماعت است
و دیگر حضرت رسول [illegible] فرموده که ادوا زکوة اموالکم یعنی زکوة مال خود بدهید [illegible] زکوة مال [illegible]
نگاه دارد [illegible] حصنوا اموالکم بالزکوة یعنی [illegible] مالهای خود را بزکوة دادن [illegible]
نه [illegible] ومن الکم [illegible] اما محققان [illegible] که هر چیزی [illegible] زکوة
دارد زکوة مال [illegible] و زکوة [illegible] و زکوة [illegible]
و زکوة فرزندان [illegible] و زکوة مسکن [illegible] و زکوة علم تعلیم دادن [illegible]

عن

۲۱۷

[illegible]

ودیگر صحت [illegible] و زکوة قوت [illegible] جهاد کردن با کافران است و زکوة نفس با نفس اماره [illegible] است
[illegible] و زکوة آواز خواندن قرآن است و زکوة تن با دیدن [illegible] و زکوة زبان ناگفتن دروغ
و غیبت و بهتان و زکوة چشم نگریستن باعبرت است و زکوة دل تعظیم [illegible] و امام بحق معصوم
علی الاطلاق امام محمد باقر [illegible] فرموده است که هر که زکوة مال نمیدهد فردای قیامت مال او را مار کردانند و در گردن او طوق کنند
[illegible] چنانچه حق تعالی فرموده [illegible] و هر که زر و درم و دینار داشته باشد و زکوة آن بیرون نکرده باشد روز
قیامت آن درم و دینار همچون آتش گردانند و پیشانی و پشت و پهلوی او را داغ کنند [illegible] فی سبیل الله فبشرهم
بعذاب الیم عبد الله مسعود [illegible] اعضای ایشان را فراخ کردانند [illegible] داغ باشد [illegible] پیشانی
[illegible] پشت و پهلو [illegible] حق [illegible] پشت و پهلو و پیشانی از برای عذاب فرموده است [illegible]
[illegible] در جواب [illegible] پیشانی [illegible] بر پشت آنست که
[illegible] و پشت [illegible] و متعلقان [illegible]
[illegible] و پهلو آنست که [illegible] پهلو [illegible]
[illegible] و پهلو [illegible] مسکینان و یتیمان [illegible] آنست که [illegible] مالی
جمع کرده [illegible] دعا [illegible]
[illegible] نگاه [illegible] بنگاه [illegible] کرده [illegible]
[illegible] اولیا و انبیا [illegible] اختیار کرده [illegible] حکایت [illegible] و الله [illegible] فقط [illegible] نبی الله
از حضرت حق سبحانه و تعالی [illegible] که حضرت رسول [illegible] و قناعت [illegible] مال [illegible]
و [illegible] انبیا [illegible] یا رسول الله [illegible] محمد [illegible]
[illegible] بر دو نان [illegible] صدقه [illegible] حضرت رسول [illegible] فرمود [illegible] ثعلبه [illegible]
[illegible] ثعلبه [illegible] حضرت حق سبحانه و تعالی [illegible] برکت [illegible]
چندان شد که در مدینه جای [illegible]
نماز [illegible] حضرت رسول [illegible] نماز [illegible] آمدی با رسول [illegible]
[illegible] ثعلبه چندان شد که [illegible]
[illegible] حق سبحانه و تعالی آیة زکوة فرستاد [illegible] حضرت محمد [illegible] و زکوة واجب کردانید [illegible] حضرت خواجه هر دو سرای [illegible]
[illegible] ثعلبه فرستاد [illegible] زکوة [illegible] ثعلبه [illegible] جواب [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]

سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة
الذین یکنزون الذهب والفضة
ولا ینفقونها فی سبیل الله

خصوصا حضرت مصطفی و ائمه معصومین
جمله درویشی اختیار کرده اند [illegible] الفقر
فخری [illegible] حضرت پیغمبر [illegible]
[illegible] فرمود [illegible] احد [illegible]
الفقرا یعنی [illegible]
[illegible]

شتر بود آنچه زکوة براو خوانند برخواست و گفت خوش آمدی و هر شتری که بستر بود بیرون کرد و بایشان داد باز پیش
ثعلبه آمدند همان سخن گفت که جزیه را فرمایید تا بنده بجای دیگر روید ایشان پیش حضرت رسول باز آمدند و حال قصه
باز گفتند حضرت رسول فرمود که وای بر ثعلبه در حال جبرئیل علیه السلام فرود آمد و این آیت آورد که وَمِنْهُم مَنْ عَاهَدَ اللهَ
لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ چون خبر نزول این آیت بثعلبه رسید بیامد و گفت یا رسول الله
هر چه میخواهی بده حضرت رسول فرمود که حق تعالی مرا فرموده که صدقه و زکوة ترا قبول نکنم ثعلبه از مسجد بیرون شد و خاک بر سر
میکرد و میگفت وای بر من حضرت رسول فرمود که ای ثعلبه نگفتم که اندکی مال که از آن شکر کنی بهتر از بسیاری
که از آن شکر نکنی لاجرم چون سخن خدا و رسول خدا نشنیدی بخشم و غضب خدا گرفتار شدی و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرموده که صوموا تصحّوا یعنی روزه ماه رمضان بدارید تا تندرست باشید و در ماه مبارک رمضان که ماه مبارک رمضان
ماهیست از ماههای حق تعالی برکات دین و دنیا در ماه رمضان بسیار است شکر کنید که چون بهار آید ابر بر هوا آید
و باران فرو بارد و نباتات برویاند و سبز بماند و گلها بشکفاند و هوا را معطر و عنبری کرداند و کبوتران و کبکها
حلقه بکنند در برکت و درختان بشکفند و بلبلان در ستایش بجنبند و ایمن چون ماه رمضان در رسد مسجدها از نور گیرد و
دلها بنشاط آید و قندیلها بر افروزند و منبرها بیارایند و عارفان در طلب آیند و مشتاقان در شعب آیند و صیام
بلقا آیند و کعبه کشان بدرگاه آیند و جوانان از نیکی اشک بریزند و بوی بهشت بشنوند و فی خبر انّ لله عزّ و جلّ فی کل یوم
من شهر رمضان الف الف عتیق من النار فاذا کان یوم الجمعة اعتق الله فی کل ساعة الف الف کلّهم قد استوجبوا النار
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که هر روزی از ماه رمضان پادشاه عالم هزار هزار عاصی را از آتش دوزخ آزاد کرداند
و چون شب جمعه یا روز جمعه باشد در هر ساعتی چندان آزاد کرداند که در روزهای دیگر کرده باشد و ماه رمضان برکت
که هر که آلوده نجاست بگناه باشد چون بوی عود و بادِ پاک گرداند و ماه رمضان سلطان است که هر کرم
سایه چتر او همه خلق عالم را گیرد و هر کرم ماه رمضان خلعت سعادت پوشید هر کدام ما خواهد بیاید
و هر کدام از ما هیچ از آنچه نداده در کدام ما خواهند داد و ماه رمضان از دوزخ برات است و ماه رمضان رحمت
قرآن که فرمود شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ و ماه رمضان ز دو عصمت است عصمتی از شیطان و عصمتی از دوزخ
یعنی در هلاک دوزخ از بند و شیطان از بند کشند و در این ماه دو نعمت است فتح ابواب الجنان و سدّ ابواب النیران
بهشت را بکشایند و دلها را راحت دهند و دیگر دو بیماره دو برکت است برکتی و بیکجا نجوید و در هر روزی دو عطا از
یکی آنکه خواب کرده در اثنای عبادت حساب کنند خاموشی تسبیح شمرند که نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ وَصَمْتُهُ تَسْبِيحٌ
عزیزان روزه داران ماه رمضان دو شادی است یکی نزدیک افطار و یکی نزدیک لقای ملک جبار که لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ
فَرْحَةٌ عِنْدَ الْإِفْطَارِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که حجّوا تستغنوا یعنی حج خانه خدا کنید

تا خداوند تعالی شما را بخانه نعیم بهشت در آرد و هر که را حاجتی ظاهر با سلطانی قاهر باشد حج نکند خدا وجود بود
و خواه ترسا و هر که حج کند باشد ابطش از آتش دوزخ ایمن شود و دیگر فرموده که بر کعت نماز که در نجف کنند باصد هزار رکعت
برابر است و هم چنین یک صدقه برابر باشد باصد هزار صدقه و دیگر حضرت رسول فرموده که هر کامی که حاجیان بردارند هفتصد
حسنه از حسنات حرم در دیوان ایشان بنویسند گفتند یا رسول الله حسنات حرم چه باشد فرمود که یک حسنه برابر
حسنه در نامه اعمال حاجیان بنویسند هر روز و هر شبی صد و بیست رحمت بخانه کعبه فرود آید شصت رحمت از برای
کسانی که بکرد کعبه طواف کنند و چهل رحمت از برای نماز کنندگان و بیست رحمت از برای کسی که در کعبه نظر کند که نظر کردن بخانه کعبه عبادت
و دیگر حضرت خواجه کاینات علیه السلام فرموده که نظر در روی مبارک حضرت امیر المؤمنین کردن عبادت است و یاد کردن نام او
عبادت است و ایمان هیچ بنده قبول نکنند مگر بولای علی بن ابی طالب و قبول نکنند مگر تولی بعلی و تبرا به دشمنان او کردن و
در حدیث آمده است که هر که در فضایل مرتضی علی یک کلمه بنویسد تا آن کتابت باقی باشد حق تعالی گناهان او را بیامرزد
و هر کس که فضیلتی از فضایل مرتضی علی بشنود باشد که پاک شود و هر کس که کتاب فضایل او را بخواند گناهان که کرده باشد حق تعالی
و تمام آن را بیامرزد و هر بدبختی که فضایل مرتضی علی علیه السلام بشنود و انکار کند یا طعن زند از بندگان بیرون رود تا بر
بلاد کفر فنا شود و کور در آرد و چشم کور نسبت چنانکه روایت کرده اند که مردی بود در شام که پیوسته بدگوی او بود
از او پرسیدند که چرا چنین روی تو سیاه شده است گفت در فضایل امیر المؤمنین طعن میزدم و شبی در خواب
خواب دیدم که شخصی نزد من آمد و گفت تو که در فضایل امیر المؤمنین طعن میزدی طپانچه بر روی من زد و روی
من سیاه شد چنانکه میبینی و دیگر فرموده که حجوا تستغنوا یعنی حج کنید تا توانگر شوید چنانکه حضرت ابراهیم و اسمعیل
کرد ببین خوابی که بنا کرد ایشان که جانب بیابانی بی آب و گیاه و از دیگر جانب با قدم آن بیابان نظاره کنید
تا عاشقان ما را و عشق بازی عاشقان ما را ببینند که از سنگهای بیابان قطع مسافت بسیار کنند بیت دل بدست آور که حج
اکبر است از هزاران کعبه یک دل بهتر است ابو القاسم بشیر نقل است که با سرکه بیندیکر در طواف کاه مردی دیدم که
ندیده شده و رنج سفر کشیده بیاید و سرا پیش بیاید که با خواند که چند راه آمدی گفتم دو ماه راه گفت پس تو همسایه
کعبه باشی و هر سال بزیارت خوانه کعبه آئی گفتم از خانه تو چند راه است گفت پنج ساله راه است گفتم نیکو طاعت نیکو محبت
صادق آن نیکو کسی بیدار گفت بیت هر کو بقصد کعبه سفر میکند ز راه یک گرد بیرون انجام آن را قبله کرده خصم آنانکه
سال و کل و آتش و خس را بیا نقش کنم نام تو بر جان خود بیا سجده کنم و رو بسوی آن نام ای بر شرطی که هر کو که بکعبه
آید احرام باید گرفت احرام چیست یعنی غسل کند و عمامه بر سر نهد و از هستی و هجر بگوید و عمامه تکبر را از سر بیندازد که
رعنائی و زیب و زینت از سر بکشد و ازار و ردای درویشی بپوشد و قصد مقصود آورد و لبیک گوید و قصد
نجات و قصد احرام با طواف است از جمله اعیان را در این احرام از اثر کبر و نفاق و کینه و بدعت و فساد و حرص و هوا بیرون آید

صدق لبیک صدق باید زد و روی در بادیه فرو انگنت باید نهاد و این نعره باید زد بیت نام تو شمع است و دل پروانه
نام تو گنج است و دل ویرانه تا شراب ناب تو نوشم ز غیبت باید مرا نجات و ز لهانهٔ آشنای نام تو دادن زکجست
زینجهان و زآنجهان بیگانه هوشیار و هوشیار نکس بود کی بود ترا یک تو دیوانه ابراهیم خلیل در ظاهر خانهٔ کعبه را
و بنیاد نهاد و جبار جلیل از اصول آن کعبه مطاف الطائفین خالق را بنا کرد و کعبهٔ ابراهیم خلیل از احجار است و کعبهٔ جبار جلیل
از اصول و آن کعبه قبلهٔ خلق است و این کعبه مطاف الطائفین خالق است و آن کعبه منظور نظر خلق و این کعبه منظور نظر
حق است و آنجا مسجد الحرام است و اینجا مشهد الکرام است و آنجا عرفات و اینجا معرفت و کرامات و اینجا مقام لطف جلیل و آنجا
مقام خلیل بیت آنها که درین ره کامل آمدهاند از ما نه کی بی ملال اند دانند بشتاق و جمال جانفزا بیند و لیک از
قال کنت انتم [illegible] فصل چهاردهم و [illegible] النبی صلی الله علیه و آله و سلم
انه قال یا بنی هاشم اتاکم و لیأتی منکم المتقون فلا یأتی الناس بالآخرة [illegible] رسول الله [illegible]
خداوند [illegible] شیطان [illegible] معرفت [illegible]
مطالعه [illegible] الاخیار [illegible]
کار [illegible] مقام [illegible] محمد [illegible] معرفت
خود [illegible] مطالب [illegible] خبر کرد ان بالله العالمین [illegible] برحمتک یا ارحم الراحمین
روایتست از آنحضرت خورشید رسالت [illegible] سفینه [illegible] امیرالمؤمنین [illegible] ایمان [illegible]
فاقله [illegible] شمع جمیع انبیا چراغ [illegible] اصطفی محمد مصطفی علیه [illegible]
میفرماید که ای [illegible] صلب بنی هاشم [illegible] باشید [illegible] باشد [illegible]
و زاد و لباس تقوی [illegible] طریق تقوی [illegible] باشید [illegible]
و هیچ [illegible] قیامت [illegible] اجابت کرد [illegible]
بوبکر و عبدالله و [illegible] و حبیب [illegible] امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام [illegible]
[illegible] بیت [illegible]
[illegible]
عشقها [illegible] الاسلام [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول الله

کرده [illegible] علی [illegible] السلام [illegible]
[illegible] علی بن ابی طالب [illegible]
[illegible]
[illegible] مصطفوی [illegible]
[illegible]
چون آن دولت و سعادت [illegible] اختیار کرده [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible]
[illegible] الذین یدعون ربهم بالغداة والعشی یریدون وجهه
[illegible]
[illegible] شریعت مصطفوی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] رب العالمین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سلام علیکم کتب
علی نفسه الرحمة [illegible]
[illegible] بیت [illegible]
[illegible]
[illegible]
علی نفسه الرحمة [illegible]
[illegible]
[illegible]

گفتم که آنچه کراماً کاتبین حفظ نوشته اند از ابد بود و کلام خدا و حدیث رسول بدان دلیل است ای عزیزان مستمع باش و بشنو که
هر گاه که بنده توبه کند و عملهای ثابت کند و کار خود را به اصلاح آورد حق سبحانه و تعالی گناهان وی را بحسنات بدل کند

آورده اند که شخصی خمر فروختی و در ایام که خمر حرام کرد خداوند ... ناگاه روزی ... حضرت رسول علیه السلام
در کوچه میگذشتند که چند شخص پیدا شد و قرابه در دست داشت چون حضرت را بدید بترسید و توبه کرد و گفت خداوندا توبه
کردم که دیگر خمر نخورم این سر را بپوشیده کردان و ملامت رسول از آن شخص چون نزدیک حضرت رسول علیه السلام رسید
حضرت فرمود که چیست در این قرابه گفت سرکه است رسول دست پیش داشت و گفت قدری بر دست من بریز چون بریخت
رسول دید سرکه بود آن شخص گفت یا رسول الله بحق خدا که آن سرکه نبود خمر بود اما من توبه کردم حق تعالی
خمر را سرکه کردانید حضرت رسول علیه السلام فرمود که چنین است هر که توبه کند حق سبحانه و تعالی سیئات او را بدل بحسنات

کند **حکایت** آورده اند که روزی زنی پیش حضرت رسول علیه السلام آمد و گفت یا رسول الله من بیست درم است که
ده درویشی ... بحضور رسول ... فرمود ... بیست درم ... گفت یا رسول الله ...
است ... در خشم رفت و فرمود که خدای تعالی تصدیق من میکند و تو تکذیب من میکنی ... و فرمود
... گفت یا رسول الله ... حضرت گفت ... ای ...
حق سبحانه و تعالی ... گفت ... فاولئک یبدل الله
سیئاتهم حسنات اکنون ... بدل کند عجب و غریب ... حق سبحانه و تعالی ... که
... رسول علیه السلام ... کردند ...
... امام معصوم مظلوم جگر گوشه مصطفی و ... زهرا و مرتضی ...
... امام الهمام العالم ابی عبد الله الحسین ... گفته که یا ابا
حسین ... امام فرمود که ...
دود ... ای ... صفات ... کرامات ... خوش
داند **حکایت** آورده اند که ابراهیم ادهم ... بسر حج ... رفت ... و ... رحمت ... ایشان ...
و با ... ابراهیم ... ابراهیم ادهم ... ابراهیم ... گفت
... ایشان ... میخواهی ... شکر ... دل ... مردان
حق چنین باشند ... مقصود ایشان ... و مقصود ایشان ... **بیت** بیاد حق از
... **بیت** ...
که ... **بیت** ... **بیت** ... **بیت** ...

ما یبدل القول لدی و ما انا بظلام للعبید

اولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات

... المؤمنین ...

گفت ... جماعت ... ابراهیم ...

بغادف

بغادف دنیا مشغول نشوند و مغرور نگردند و بدنیا فریفته و مسرور نشوند در حق ایشان ... لا یحزنهم
و خلق ... حضرت رسول ... حکم ... خود ... آدم و
... دیدم که قیامت برخاسته ... در صحرای قیامت نصب کرده بودند ... علی
... علی دیدم که
خلق ... کفتند ... دستم کرفتند
... کردند ...
خداوند ... خواب بیدار شدم ... کفتم ...
خوانده ... **حکایت** ... که ...
آوازی ... شاید ... کردی ...
... آن ...
... قدم ...
... حق سبحانه و تعالی ... باشد ...
پادشاه ... محبت ...
التفات ... دیگر است عشق ... دیگر است ... وصل
جانی دیگر است عشق ... عاشق ... دیگر است ...
چشم ... دیگر است ... عاشقان خود ...
دیگر است ... جسم جسمانی و روحانی ... عشق ...
هر ... شوق و محبت ...
... یوسف ... نظام ...
... تمام شد ... بکمال ...
مقربان ... نعیم ... عذاب جحیم ...
... محبت ... شراب محبت ...
... دوستان حق ... شراب ... دو جهان ...
واصل شوند ... **فصل پانزدهم** ... النبی
... صدق رسول الله ... صلی الله علیه و آله

الحق

جان ... کره ...

مردانه ...

فاذا شربوا طلبوا و اذا طلبوا طربوا و اذا طربوا طاروا و اذا طاروا وصلوا و اذا وصلوا اتصلوا و اذا اتصلوا انفصلوا ... و اذا انفصلوا ...

حضرت رسول صلی الله علیه و آله [illegible] که محبوب حضرت حق باشد از سخط و عذاب او ایمن باشد زیرا که حبیب محبوب خود را ایمن دارد و عذاب نکند اما
بنده وقتی محبوب حضرت حق باشد که صد هزار رنج و عنا و بلا بر دل و جان خود [illegible] صبر کند و اگر [illegible]
و هر کرا [illegible] رنج و عنا [illegible] انجام [illegible]
[illegible] **حکایت** آورده‌اند که موسی [illegible] بنا جاه [illegible]
دید که عبادت می‌کرد [illegible] موسی [illegible] سلام [illegible] لباس [illegible] موسی [illegible]
[illegible] موسی [illegible] نخواهم داد [illegible] قسمت [illegible]
[illegible] دوستان [illegible]
باشی [illegible] حضرت موسی [illegible] پادشاه کریم [illegible] بنهاد و گفت [illegible]
[illegible] نخواهم [illegible] ای جان جهان [illegible]
طریقت [illegible] سالکان راه طریقت [illegible] حضرت حق [illegible]
[illegible]
[illegible] صادق [illegible] دولت [illegible]
[illegible] طبیب حاذق [illegible]
[illegible] حضرت معشوق [illegible]
همه جانها [illegible] عاشقان [illegible]
[illegible] **بیت** [illegible]
[illegible] حضرت حق [illegible]
[illegible] خدا [illegible]
[illegible] دعا [illegible]
کردیم [illegible] دعا کردیم [illegible]
[illegible] دعا [illegible]
نهاد و گفت خداوندا [illegible]
[illegible] امام زین العابدین علی بن الحسین [illegible] **بیت** [illegible]
[illegible]
لیکن چون [illegible]

نهاد

ایمان باقدام صدق و توبه [illegible] دولت [illegible] خضوع و خشوع [illegible] صادق باشد [illegible]
باید که از کید شیطان ایمن نباشد [illegible] سال در طاعت [illegible] عرش [illegible]
[illegible] شیطان [illegible]
[illegible] طاعت و عبادت و حاصل عمر [illegible] خسر الدنیا و الآخرة [illegible]
[illegible] **حکایت** آورده‌اند که [illegible] چند سال [illegible] اسلام [illegible]
افتاد [illegible]
[illegible] دوست [illegible]
[illegible]
[illegible] اسلام [illegible] **بیت** [illegible]
حکایت آورده‌اند که مالک دینار [illegible] فاسق و فاجر [illegible] مشغول بود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دعای [illegible] خدای [illegible]
[illegible] دعای [illegible]
[illegible]
[illegible] خدای [illegible] خدای عز و جل [illegible]
[illegible]
[illegible] قوله تعالی [illegible]
سوءا او یظلم نفسه ثم یستغفر الله یجد الله غفورا رحیما [illegible]
[illegible] **حکایت** آورده‌اند [illegible]
[illegible] گناه [illegible]
[illegible] عفو [illegible]
[illegible] گناه [illegible]
[illegible] گناه [illegible]
[illegible] گناه [illegible]

بسا نفس [illegible]

[illegible] هاتف لا تقنط [illegible]
[illegible] الله [illegible]
[illegible] مالک [illegible]

[illegible] الشباب [illegible]

بیاره و طاقت ایشان ندارم خداوندا مرا از شر شیطان و هوای نفس نگاه دار و گناهان مرا [illegible]

[illegible]

کی ان الله تعالی یُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ یعنی [illegible]

[illegible] ذکر [illegible]

[illegible] بیت [illegible] پادشاه عالم جل جلاله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حکایت [illegible] سلطان محمود [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] **فصل** [illegible]

[illegible]

[illegible]

ذِکری الذاکرین [illegible]

نهایت

[illegible]

[illegible] کُلُّ شَیْءٍ هَالِکٌ إِلَّا وَجْهَهُ

[illegible]

[illegible] أَیْنَمَا تَکُونُوا یُدْرِککُّمُ الْمَوْتُ وَلَوْ کُنتُمْ فِی بُرُوجٍ مُّشَیَّدَةٍ [illegible]

[illegible]

[illegible] یَا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلَی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً فَادْخُلِی فِی عِبَادِی

وَادْخُلِی جَنَّتِی [illegible]

[illegible]

[illegible] آدم [illegible]

[illegible]

فرو ماند و کمر ایشان [illegible] و روشنائی چشم [illegible] آشنا [illegible] حسرت [illegible]

ایشان [illegible] چشم [illegible] خود [illegible]

[illegible]

[illegible] بیت [illegible]

[illegible] آدم [illegible]

[illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

وی بنام [illegible] بنشست [illegible]

[illegible]

[illegible] بیت [illegible] دنیا [illegible]

[illegible] بیت [illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible] حکایت [illegible]

[illegible] فصل هفدهم [illegible]

[illegible]

هیچ قدر و منزلتی نیست اگر بقدر ذره‌ای قدر داشتی هیچ کافر شربت آبی ندادی پادشاه عالم جل جلاله و عم نواله و تنزیع دنیا و سرعت زوال او را تشبیه بگیاه فرموده است در آیه کریمه انما مثل الحیوة الدنیا کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض فاصبح هشیما تذروه الریاح و در آیه دیگر فرموده است که اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب ولهو وزینة وتفاخر بینکم وتکاثر فی الاموال والاولاد و حضور سول صلعم دنیا را بکعباوة دنیا و دنیا کانی مروی چوب بازی کودکانست و لهو و طرب بیکاریست ... و شادی و ناشر اقربا و اهانت و تفاخر و تکاثر با دیگران بمال و فرزندانست ... چنانکه ... تا کنند ... چند بیابانی ... عالم ... چله و غیب ... و شخص ... ساخته و ... اوراد کرده شود و ... شادی ... و تحت ... کرده ... در دنیا ... مفضل ... کراتیه ... رحمت ... و دنیا را اعتباری نیست در طلب رضای حق ... بنا ... مشغول کرده ... عبادت حق ... و ... اولیای ... و ... ایوان و کاخ ... و ... که دنیا ... باید گذاشتن اوده اند که عبدالله سنان گفت که از امام جعفر صادق ... شنیدم که گفت یا عبدالله ... دست ... و ... دیدم ... و اندر که جانب ... باقی ... حق ... دیدم ... چند ... امام ... اشان ... باشد ... امام جعفر ... و ... شراب ... و دشمن ... امام جعفر ... بعنی ... قیامت ...

اول ... بیان ... ازکفاف طلب مکن در طلب مغفرت و رضای او کوش سابقوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها کعرض السماء والارض الطلب

فیما انما ... من ماء غیر آسن و انهار من لبن لم یتغیر طعمه و انهار من خمر لذة للشاربین و انهار من عسل مصفی

الی امتنان

... و ... زیاد ... الراحة ...

و انجلات

و از خجالت و شرمساری سر در پیش افکنده ... مصطفی ... مرتضی ... شیعه ... گناه ... تو شرم می آید ... بنده عاصی ... و تامل کن ... تو شرم می آید ... خجالت ... خدا ... بایده ... حساب ... معامله ... و اذا الصحف نشرت ... هر یکی ... و قطره ... آب ... انسان ... و نماز ... اشکی ... آهی ... تحیه ... دست ... لیست ... عصای ... و ... سعیدا ... خدای ... آیی ... خواب ... پرستی ... عشق ... قلبین فی جوفه ... و ظاهر دعوی ... عشق ... آورده اند که شیخ ... امیرالمومنین علی علیه السلام ... طعام ... آمر ... شاه مردان در محراب عبادت ... خدای مشغول ... خلوت ... و ... طاعت و عبادت ... آمیر ... شب ... هو ... معبود ... و ... رضای ... طلب ... و ... خواب ... دوستان ... شب ... چشم ... شوق ... در ظلمت ... قضیه ایوب پیغمبر ... پیش از بعثت چهل سال در بعثت بود ...

کذب من ادعی محبتی فاذا جنه اللیل نام عنی یعنی ای داود

ولکن تقر علی المجرمین ما کسبوا وهم عنکم

هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون یعنی از آن صحیفه که گناه پیش ... کتاب ... لا یغادر صغیرة ولا کبیرة الا احصاها

غلام داشته روزی جبرئیل امد و گفت ای ایوب خوش در نعمة که ابدی مشغول ... گرانعمة بمحنت مبتلا شود تو شکر به جای آری
وقت درستی به بیماری ایوب گفت پاکی تو داناتری بقضا دهیم چون رضای حق در اینست کر پایان کنی نزو قسرتا بقدم جای دارم
فدای تو کرده ام خواهیش بشادی کش و خواهیش بغم موجود شدم زعشق تو من زعدم اما ایوب منتظر بلا می بود تا روزی شبانان
با امداد کار ده بود و پشت مبارک بمحراب بسالی نهاده ناگاه فریاد و واویلا بر امد نگاه کرد شبانان دید که می امدند و فریاد و زاری میکردند ایوب
گفت ایشان را چه افتاده است گفت یا ایوب پیغمبر خدای در امدان دامن کوه و همه گوسفندان بمرد با فرو کشید شبانان در اینکار بود که شتربانان
در امدند جامه چاک کرده و بر سر خاک کرده ایوب گفت ای ساربان چه افتاده است گفت ای پیغمبر خدای در امد کار بر کوه زد و همه اشتران
شتران را دو هم را هلاک کرد در اینحنین بودند که باغبانان در امدند که ای ایوب صاعقه در امد و جمله درختان بسوخت ایوب می شنید
و ذکر حق عز و جل میکرد که ما در فرزندان در امد دست بر سر زنان گفت ای ایوب دوازده پسر که مهتر ایشان پیر بهتر بود مهمان کرده بود سقف
خانه بر سر ایشان فرو امد و بعضی را لقمه در دهان و بعضی را دست در کاسه که لقمه قضا ایشان را بهم فنا داد که یکی از ایشان زنده
نماند ایوب پیغمبر پشت مبارک بمحراب باز داد و کبر بر روی غلبه کرد و خود را بهانه یافت و سجده کرد و گفت پاکی خدا چون ترا دارم همه
و کرم هیچ نباشد دارم کرم اهیچ نباشد هیچ بنا انر بغفی چون تو دارم همه دارم و کرم هیچ نباید القصه چون مال و فرزندانش برفت انواع بیماری
و بلاء روی بوی نهاد تن خود را سپر کرد و دل خود را هدف کرد تا بلا و جان را جام ساخت و زهر فراز بلا نوش کرد و شخص بلا منش دم
بلا شد و قطع عطا بر شرف بلا کشت و بقوع نوع صبر میکرد چون زخم جراحتش متواتر شد در زوان بلا شیخی آمد که در خبر
دیوار قالبش کرد ندیکی از کرمان قصد دلش نمود گفتا معرفت الهی است ایوب سر باد بر اورد و گفت خداوندا تا طلب جسم من میکردند
میکردم اکنون ان کرم قصد کنیج خزانه معرفت تو کرده اند و خانه خود را بشان داده چیه و ونیم نانی و کهنه دلقی به دم اکرم اوست ان ایشکر و دکره
بیشی ام حق ما را در دو عالم دل و دنیا پس و قفای جهان و مال جهات کهنه دلقی و نیم نانی بس اما قیل اما گفته اند که این اشیاء چون ایام
بلیش در ان شد شیطان بلکیش گونا اندیش ایوب را گفت اگر میخواهی که ازین بلا برهی فاسجد لی یعنی مرا سجده کن ایوب باک بر وی زد
و روی بر امد انلعون چون از ایوب نومید شد نزد ایوب رحیمه را وسوسه کرد که گفت دل با دل ایوب از نفرت بسوخت و گفت با ب
خدایا ان بلا نمی نالم از خار طمع اعدا می نالم و قول آنست که ایوب از بلا تنالید زیرا که ایوب را و هیچ رسیده بود که ای ایوب فتاد تن از
انبیا و رسل این بلا را التماس کرده اند و ما از لطف بر تو این بلا را بکلیه احزان تو فرستادیم چون بلا و قصه تو تکرار ایوب از
فراق بنالید زیرا که آن بلا عطای خدا بود و چون بلا منقطع شد از فراقش بنالید و گفت ان مسنی الضر و انت ارحم الراحمین پادشاه عالم خدای
انا وجدناه صابرا نعم العبد انه اواب در وقت بوشاند القصه چون مدة محنت بسر آمد جبرئیل علیه السلام امد که یا ایوب پای مبارک
ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب بر زمین زن چون ایوب پای مبارک بر زمین زد دو چشمه آب پیدا شد یکی سرد و یکی گرم قولی گفته اند که یک چشمه بود در وقت
آشامیدن سرد بود و در وقت غسل کردن گرم بود ایوب پاک بر خود بریخت و شربتی بیاشامید علت ظاهر و باطن ایوب برفت
جوانی بصورة جوانی او باز آمد جبرئیل علیه السلام حله از حلهای بهشت در وی پوشانید و تاج بر فرق سرش نهاد زن چشم غایب بود چون باز آمد

حضرت ایوب را نشناخت در حجره باز گشت و ایوب را بجست و میگریست و نوحه میکرد و ایوب آواز داد که ای ضعیفه کرا طلبی رحیمه گفت بیماری
داشتم که مونس دل و جان من بود و تن او افکار کرده ام و نمی یابم و از جان خود سیر گشته ام نیکو بنگریست ایوب گفت منم آن بیمار تو در جوانی
بگر ماندستی رحیمه گفت با تو ایوب تبسم فرمود و گفت بیا که آن کرم تو کار کرده و منم ایوب محنت کشیده رنج آزموده منم رنج با راحت مبدل شد
ای عزیزان چون ایشان احتیاج به غایت بود حضرة حق سبحانه و تعالی از کرم خود مال و فرزندانش دو چندان که اول بود با ایوب باز داد
چنانچه در قرآن مجید فرموده که و وهبنا له اهله و مثلهم معهم رحمة منا و ذکری لاولی الالباب روی عن النبی صلی الله علیه و سلم انه قال العلم
و الرفق والده و البر اخوه و الصبر امیر جنوده خلیل المؤمن و الحلم وزیره و العقل دلیله و العمل قایده صدق رسول الله و صدق اولادی رسول الله پادشاهی که تکلیف
سنة رسل و بیروز کار اهل ایمان در رساند و هر کرا جاده حق و بیت بیت مقام ان تفرق و لا تتبعوا السبل کاهله و هر را
بر جاده حق صراط مستقیم بیلد و هر را بطریق شریعت مصطفوی بیلد دو فردوس یا مصطفی و مرتضی و با فرزندان ایشان
جمع کردان یا الله العالمین و یا خیر الناصرین استاذ این سپهسالار مصطفوی و دریای اجتبا سالکی صومعه صفا مرکز دایره وفا
شمسول رسید ان شجاعا الذی اسری و خواجه هر دو سرا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله میفرماید که علم دوست مؤمنست و حلم وزیر
اوست و عقل دلیل اوست و عمل کرداری پیشرو اوست و نرمی و خوی پدر اوست و نیکوکاری برادر اوست و صبر و شکیبائی امیر
لشکر اوست و ظاهر حدیث اینست اما در این هفت اشارت هفت ابواب است که موجب هشت بهشت است اول نور کرده العلم
خلیل المؤمن یعنی علم دوست مؤمنست از انجاست که اگر مؤمن را با اندیشه ای کار در خاطر رسد و غیر مشغول از بکند علم او را نصیحت
میکند و عاقبت کار نتیجه بیرون میرود یا ان اندیشه بیان میکند چنانکه قوله تعالی انما یخشی الله من عباده العلماء
ان الله غفور رحیم که هیچ مرتبه از علم شریعت بهتر نیست و هیچ درجه از طلب علم رفیع تر نیست داود خلیفة السلام را با ایشان یا این و دانش کتب انبیا
خیر داود بین العلم و الملک فاختار العلم فاعطاه الله تعالی الملک معا اختیار داد که یکی از این دو بکزیند یا تخت سلطنت و مسند دولت برهر و تاج ممالک در این ملک و مرادات دنیوی تا ملک تمکین کرد
ملک علم را کریه اشاد از جانبه بکریست علم را بکزید که عمامه و قبا بر سر نهاده و در اعصا در بر و درجات درجه ایید در نظر داود علیه السلام
را علیم خوشتر امد و عمامه را با تاج ممالک اختیار کرد و دو ام فراخ آستین حکمت را بر قبای بی جیبی دولت برکزید بیا و نگر که چه
راست دلم چه داد و بار او بتوانست چلم چون اختیار داود علیه السلام بعلم قرار گرفت پادشاه عالم بی گفت علم ملک و پادشاهی بوی باز
یا داود انا داد آوازی خطیب خلافت او بنا بر پیچان اهل عالم رسید چنانکه در کلام مجید فرموده که یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق
تا طالبان علوم شو که راه تابع علم است حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که یک ساعت کرم علمی به بیش تکبیر کنی بود در علم کرد
درس ... و جاودور ... صد قرابت بال بهتر است از عبادت عابدی که هفتاد سال عبادت کرده باشد و در حضرت رسول فرموده که علم با مؤمن بیکار او مختلف علم آن هفت است
در منازل استغفار میخواهند از برای طالبان علم چه خدایتعالی موجب کرده در تری و خشکی و حیوانات دریا و سباع در خشکی از برای طالبان
امر زش طلبند و دیگر خواجه کاینات فرموده که و الحلم وزیره یعنی حلم وزیر عقل مؤمن است بنیکو چون نفس در ولایت بالمومن کشی
کند و میخواهد که خشمی برانگیزد حلم چون وزیر ناصح است زبان بر نصیحت بکشاید و گوید که ترا بتوبیخ زبانی کفت نفرمود توفیق شود و اگر خشم را بی فرموده ست تعجیل

ترکه دادہ حلم آن یکون نبیاً

در آنکه به پیری علم کرده نیز لعنت بر بکو... وحیم ان اکد انرا درخوشا عالی که علمش حلم بود نیز که حلم با مروت نیز خوبی دارد
آورده اند که امام جعفر صادق را دشمنی بود که هر گاه امام را بدیدی دشنام دادی و لعنت کردی و امام او را پیوسته ... گفتی [illegible] امام
اجازت ده تا انلعون را بکشم امام فرمود که صبر کنید که عادت عالمان و حلیمان و حکیمان صبر کردن است ... خشم آلوده چون
[illegible] امام جعفر صادق گفت ... دشنام مده و لعنت مکن
چون [illegible] امام [illegible] حلم [illegible] دست و پای امام را بوسه داد و
خواست [illegible] اهل بیت رسالتی و بعد از آن هر گاه که ... دیدی
تعظیم کردی و ثنا گفتی [illegible] با شکر ... اما این معنی هم ... شود الا
[illegible] و دیگر حضرت رسول ... فرموده [illegible] یعنی عقل دلیل و [illegible]
و درجات از درکات ... و عقل با علم موافقت دارد ... توحید ... عالم و اثبات صانع عقل ... داده
و علم دوا ... احکام شرعی ... چنانکه صاحب ... فرماید [illegible]
ای پسر علم ... و عقل [illegible] عقل و علم ... خصومت [illegible]
... هر چند که عقل ... تا ... رسانند و ...
کش [illegible] حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... فرموده ... بنده ...
[illegible]
[illegible]
[illegible] دوستان [illegible] مال و ملک و قبال
[illegible] و دیگر حضرت رسول [illegible] فرموده که [illegible]
[illegible]
[illegible] و دیگر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که الصبر [illegible]
[illegible]
[illegible] و دیگر حضرت [illegible] فرموده که الایمان نصفان نصف صبر و نصف شکر یعنی ایمان دو قسم است ...
صبر است ... شکر ... و صبر ... شکر ... فضیلت ... عبادت شاکر ...
... نعمت ... عبادت ... و رضا جوی ...
شکر نعمت — شکر اول است که شکر النعم ... پادشاه عالم شاکر ... لئن شکرتم لازیدنکم ولئن کفرتم ان عذابی لشدید
و ... اعتقاد ...
... سلمان ...

[illegible]

[illegible]

٤٣٩

٤٣٨

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

طوطی طبع شکر اندازد بنجیبه و گوهر اندازد چون [illegible] ندست و با نعتش کز [illegible] بعشق اندازد علمش [illegible] اندازم باشد

پنجه با هن در اندازد کز وی [illegible] حسین دشمنان را [illegible] اندازد در غزای [illegible] فوج فوج از عدو بر اندازد

جان حسین [illegible] پهلوان [illegible] اندازد چاه بئر العلم [illegible] عشق بر جان [illegible] اندازد تازم اندیشه [illegible]

کز [illegible] اندازد سپاه [illegible] کردان حکم [illegible] اندازد انهار [illegible] اندازی کز غضنفر غضنفر اندازد

رستم [illegible] سپاه [illegible] اندازد چون [illegible] هشام [illegible] در زبان [illegible] اندازی فانز [illegible] علی ولی

شود [illegible] اندازی چون [illegible] [illegible] اندازی [illegible] گنجش کاه [illegible] اندازی

اسمان [illegible] انکه [illegible] اندازی انکه [illegible] در کوش [illegible] اندازی عقل [illegible]

ذکر الله اکبر اندازی [illegible] اندازی مطلع [illegible] اسمان [illegible] اندازی

[illegible]

اوشاه سلطان سپاه باشد

شاه دنیا و دین سلیمانه [illegible]

[illegible]

نقلست که روز وفات حضرت سید عالم صلی الله علیه وآله وسلم جبرئیل امین از حضرت باری [illegible] خدای تعالی [illegible]
کرامی [illegible] چنین [illegible] رسول الله [illegible] مشغول [illegible] الاشارة [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] امام [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] بشارتها [illegible]
علی [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible] کرامت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] قبول [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible] بیان [illegible]
[illegible] امت [illegible] مغموم [illegible] حال [illegible]
[illegible] جبرئیل علیه السلام [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] توبه [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] ماه [illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible] جواب [illegible] سال [illegible] بسیار [illegible]
[illegible] ایمان [illegible]
[illegible] ایمان [illegible] عذاب [illegible]
ایمان [illegible] عذاب [illegible] ایمان [illegible]
[illegible] توبه [illegible] قبول [illegible] توبه [illegible]
[illegible] علامات قیامت [illegible] آفتاب [illegible] عالم [illegible]
[illegible] آفتاب [illegible] آسمان [illegible] مغرب [illegible]
[illegible] توبه [illegible]
[illegible] مولانا [illegible] چنین گفته [illegible]
[illegible] حقیقت [illegible]
[illegible] وجود [illegible] عالم [illegible]
[illegible] حساب [illegible]

قحط [illegible] در عالم هر طرف [illegible] می‌بینم | [illegible] همه را [illegible] می‌بینم
واعظان وعظ [illegible] | [illegible] می‌بینم
[illegible] می‌بینم | نایب [illegible] می‌بینم
[illegible] می‌بینم | خصمی [illegible] می‌بینم
[illegible] نام او [illegible] می‌بینم | [illegible] می‌بینم
[illegible] می‌بینم | [illegible] می‌بینم
[illegible] می‌بینم | [illegible] هشت و چهار می‌بینم
[illegible] می‌بینم | [illegible] علم و [illegible] می‌بینم
[illegible] می‌بینم | گنج کسری و نقد اسکندر همه بر روی کار می‌بینم | [illegible] می‌بینم
دعوت و نعت [illegible] می‌بینم | این جهان را چو مصر می‌نگرم دل او را حصار می‌بینم | [illegible] می‌بینم
گرگ با میش شیر با آهو در چرا برقرار می‌بینم | [illegible] می‌بینم
[illegible] می‌بینم | [illegible] می‌بینم
دم فرو کش [illegible] | نعمت الله نشسته در کنجی همه را در کنار می‌بینم

ها و سه الف کشیده [illegible] | با چهار الف و ها و واو معکوس
میم [illegible] | میدان [illegible] نام خدای اکبر

[illegible]

ه ااا م ر [illegible] ااا ه ق

خمس هاءات وخط فوق خط | وهمزات اذا اعددتها | ثم واو ثم هاء بعدها
وصلیب حوله اربع نقط | فهی سبع [illegible] فی الغلط | ثم صاد ثم میم فی الوسط

ه ه ه ه ه [illegible] ع ع ع ع ع ع ع و ه ص م

چهار میم و دو چلیپا [illegible] | بعجایب [illegible] شعر را
کرد [illegible] نقطه | [illegible] دو [illegible]